

کیمهان

۴۴۶

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۹ دی ماه تا ۵ بهمن ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۲



روز شمار جنگ

موازنه قدرت در حال فروپاشی؟

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۲ (۴۴۶)

جمعه ۲۹ دی ماه تا ۵ بهمن ماه ۱۴۰۲
۱۹ تا ۲۵ ژانویه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد کننده حضور نظامی و تاکتیکی های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. www.kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوریز همزمان در لندن و کانارودشهای مصر، ایران، در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www: www.satrap.co.uk
Super Hornum, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Iber Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20834-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45995, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Raissac, 75018 Paris , FRANCE
Feroogh Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کانون فرهنگی پارس (کانون ایران) در کردستانی ماه ژانویه برگزار می‌کند:
نگاه غرب به ایران



تخرانی استاد امیر طاهری

همراه با برنامه هنری سنتور نوازی بهمن حیدریان و پذیرایی و اهدای کتابهای رایگان از سوی انتشارات ساتراپ
زمان آغاز برنامه: ساعت ۷ پس از نیمروز جمعه ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴
مکان: سالن کتابخانه شهرداری کنزینگتون
Kensington Town Hall Library
Phillimore Walk, Kensington, London W8 7RX
(مخالفندان به شرکت در گردهمایی های کانون لطفاً توجه کنند که به علت تعطیل بودن کتابخانه از ساعت ۵ ورود به سالن برنامه از در پشت ساختمان کتابخانه و جنب ورودی پارکینگ صورت می گیرد)

کیهان

* فهرست مطالب *

۴ سر مقاله - حجاب مسئله خود جمهوری اسلامی هم نیست... / الاهی بقرات

۴-۵ تیر هفتہ - روز شمار جنگ موازنہ قدرت در حال فروپاشی؟... / حامد محمدی

۶ جهان در مر حله پیش از جنگ؟ وزیر دفاع بریتانیا: افزایش غنی سازی اورانیوم در... /

۷ حملہ موشکی پاکستان بہ خاک ایران بہ تلافی موشک های سپاہ پاسداران... /

۷ در گیری مسلحانہ در مرز ایران و پاکستان... /

۸-۹ پرسش نمایندگان مجلس عوام بریتانیا از ریشی سوناک... /

۹ بازگشت شاهانہ کر دستان بہ میهن... /

۱۰-۱۱ خطر جدی اعدام دست کم ۱۰ زندانی سیاسی و عقیدتی را تهدید می کند... /

۱۱ مرد سوم!... / خیر اندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۴ «نگاهی از درون بہ جنبش چپ ایران» (۷) ... /

۱۴-۱۵ نیاز نظام بہ صف رای و بی حجابی بہ عنوان تبلیغ انتخاباتی!... /

۱۶-۱۷ متن فارسی گفتگوی شاهزادہ رضا پهلوی و یاتر یک بیت - دیوید (۷) ... /

۱۸ وزارت خارجه آمریکا: ایالات متحدہ و اسرئیل مطلقاً نقشی در انفجارهای... /

۱۸-۱۹ «دبلی میل»: خبر عمل جراحی چارلز سوم و پرنسس کیت... /

۱۹ بہ دنبال کنارہ گیری ملکہ مارگارت دوم، پسر او فردریک، در شوروشادی مردم... /

۲۰-۲۱ یادداشتی کوتاہ در بارہ چپگرایی؛ مفہوم چپ در طیف اندیشہ سیاسی... / محمود مسائلی

۲۱ بہ مناسبت ۲۶ دی: از «بگومرگ بر شاه» تا «بگومرگ در شاه»... / الاهی بقرات

۲۲-۲۳ نمایش نخ نمای بازگشت هنرمندان؛ «اگر بیاید چه اتفاقی می افتد؟!»... / فیروزہ نور دستروم

۲۳ عدالت اسلامی؛ «محر و میت از و کالت» برای وکیل خانوادہ های دادخواہ... /

۲۴-۲۵ گفتگو در بارہ نظر سنجی «ار فی» (بخش ۱) ... /

۲۶-۲۷ خلاصہ حکم دادگاہ تجدیدنظر حمیدنوری در سوئد و... (بخش ۳) / حنیف حیدر نژاد

۲۸-۲۹ دکتر امیر حمیدی در گفتگو با کیهان لندن: بعید نیست توجہ نیروهای ائتلاف... /

۲۹ «وقت آن نرسیدہ کہ ایران سلاح اتمی داشته باشد؟» پرسش مجری «شبکہ دو» از... /

۳۰ پیام هشدار مقامات آمریکا و یکاو بریتانیا بہ تهرآن: صبر ما تمام شدہ! حملہ حوثی ہابہ... /

۳۱ درخواست روسیہ برای «نشست فوری» شورای امنیت پس از حملہ نیروهای... /

۳۲ اسکای نیوز: حوثی ہابا کمک جمهوری اسلامی و حزب اللہ موشک بالستیک بہ... /

۳۲-۳۳ حملہ موشکی حوثی ہابہ کشتی آمریکا «عقاب جبل الطارق» در خلیج عدن... /

۳۳ سرنگونی ہواپیمای غول پیکر «اواکس» نیروی ہوایی روسیہ توسط پدافند... /

۳۴ بیش از ۱۱ کشتہ وزخمی در حملہ سنکین آمریکا و یکاو بریتانیا علیہ حوثی های یمن... /

۳۵ بیزنس اینسايدر: کشتی های عبوری از دریای سرخ از ترس حملہ حوثی ها اعلام... /

۳۶-۳۷ پوین چگونہ بہ قدرت رسید: انفجارهای جادویی در آستانہی انتخابات... / دیاکو گیو

۳۷ درگیری خونین بین نیروهای امنیتی و افراد مسلح در سراوان... /

۳۸ یک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی: خلاء اطلاعاتی و امنیتی داریم... /

۳۹ بازداشت ۱۱ ایرانی در مرز روسیہ و فنلاند... /

۴۰ «انتقام سخت» جمهوری اسلامی از مردم اریل و موشک باران مخالفان بشار اسد... /

۴۱ سپاہ پاسداران انقلاب اسلامی اینبار خاک پاکستان را ہدف قرار داد... /

۴۲ منابع غیر رسمی: تأیید حکم اعدام «سرهنگ جوانمردی» بہ جرم قتل مہرآن سماک... /

۴۳ نقرہ داغ کردن دانشجویان بہ دلیل ہم نظر نبودن با حکومت!... /

۴۴ مرگ کسب و کار پر رونق بعضی ہاست!... /

۴۵ نرشم تبلیغاتی جمهوری اسلامی برای جلب مشارکت در انتخابات نمایشی... /

۴۶-۴۷ فرماندہ نیروی انتظامی تهرآن: اگر مثل قبیل معنادو مواد فروش دیدید، یقہ مارا بگیرید!... /

۴۷ اندیشکدہ آمریکا «مطالعات جنگ» (ISW): روسیہ و جمهوری اسلامی آمادہ امضای... /

۴۸ جنس مهاجرت ایرانیان از جنس «فرار» است... /

۴۹ تداوم آلودگی ہوا ہمراہ با اعتراضات شهر وندان... /

۵۰ سدہائی کہ شکستہ می شود تا زنان را ہاشوند... / حنیف حیدر نژاد

۵۱ برگزاری نخستین جلسہ دادگاہ محاکمہ متہمان بہ قتل داریوش مہرجویی و... /

۵۲-۵۳ گفتگوی «اندیشکدہ منا» بابی: اگر می توانستیم در ایران بہ روی صحنہ بروم... /

۵۳ از بی نظارتی بر خودی ها تا نظارت بر شهر وندان... /

۵۴-۵۵ ادا مہ پلمب های زنجیرہ ای مرکز فرهنگی و تفریحی بہ دلیل بی حجابی و... /

۵۵-۵۶ وزیر آموزش و پرورش: ۳۶۰ مسجد کشور بامدارس پیوند دارند!... /

۵۷ افزایش ۱۷ درصدی آمار بازماندگان از تحصیل... /

۵۸-۵۹ خبرهای کوتاہ... /

۶۰ پشت جلد - عکس ہفتہ / علی کریمی

بازنشر
بازنشر

بازنشر



روزشمار جنگ موازنه قدرت در حال فروپاشی؟

**حجاب مسئله خود جمهوری اسلامی هم نیست
ابزاری برای پوشش بر معضلات بنیادست!**

در تمام رأی‌گیری‌ها، نظام به صف رأی نیاز داشته و برایش فرقی نمی‌کند که شرکت‌کنندگان به چه کسی رأی می‌دهند چون آرای آنها در عمل به یکی از «دو بال نظام» می‌رسد! در مورد رأی‌گیری‌های مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا از آنجا که استانی و محلی هستند، مردم بهتر می‌توانند تشخیص دهند که کدام افراد در این نهادها جا خوش کرده و از رانت و پارتی سود می‌برند یا اینکه مشغول خدمت به آنها هستند!

در این میان، گذشته از شل کردن موسمی برخی سختگیری‌ها

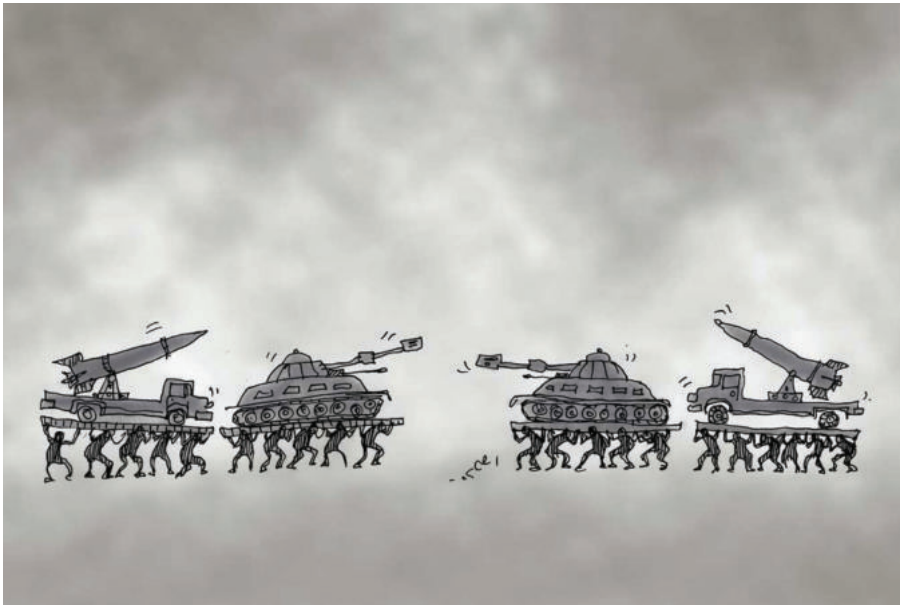


درباره آزادی‌های اجتماعی همراه با «استفاده ابزاری» از زنان «بدحجاب»، حالا علاوه بر دعوت از «مخالفان» به رأی دادن که از سال ۱۳۹۲ برای روی کار آوردن حجت‌الاسلام حسن روحانی مطرح شد، خامنه‌ای ظاهراً یک «خط قرمز» را نیز همزمان با تبلیغات انتخاباتی اسفند ۴۰۲ «صورتی» کرده و گفته اگر برخی «ملتزم» به «ظواهر شرعی» نباشند، مهم نیست! نه تنها مهم نیست بلکه همه خواهند دید که زنان چطور یک سال و اندی پس از آغاز جنبش ملی مهسا که برخی تلاش کردند آن را به عنوان «انقلاب زنانه» و فقط علیه حجاب اجباری به غرب بفروشند، حالا بدون رعایت «ظواهر شرعی» می‌روند به «نماینندگان» شان رأی می‌دهند! به کی؟ اینهم اصلاً اهمیتی ندارد! این آراء همیشه رأی به نظام برای ادعا و نمایش «مشروعیت» (حقانیت) بوده است!

نادیده گرفتن حجاب اجباری که توسط مقامات ارشد نظام همواره به عنوان «خط قرمز» مطرح شده و انواع نهادهای سرکوب برای اجرای آن با صرف هزینه‌های میلیاردی به راه افتاده، بار دیگر نشان می‌دهد که مسئله هم جمهوری اسلامی و هم ایرانیان بسی فراتر از پوشش زنان و حجاب اجباریست. اساساً روی هرچه جمهوری اسلامی حساسیت ویژه نشان می‌دهد، می‌بایست در اصالت آن شک کرد چرا که این حساسیت توجه را در داخل و خارج سرگرم مسئله‌ای می‌کند که گویا سنگین‌تر از «پرده آهنین» است در حالی که چنین نیست!

همانطور که جنبش ملی ۴۰۱ نشان داد، این معضل در یک لحظه با به سر نکردن روسری می‌تواند حل شود! رژیم نیز این را می‌داند و پس از آغاز جنبش ملی آن را تجربه نیز کرده؛ اما باز هم کوتاه نمی‌آید و با انواع فشارها می‌خواهد حجاب را به عنوان مسئله اصلی جامعه و در مرکز توجه به ویژه غربی‌ها حفظ کند چرا که حجابی است بر همه‌ی معضلات بنیادین دیگر از جمله وجود شرور خودش!

حالا به نظر می‌رسد کوتاه آمدن از رعایت «ظواهر شرعی» هم دیگر نمی‌تواند حجابی بر مشکلات و بحران‌هایی باشد که ناشی از ایدئولوژی، سیاست و عملکردهای خود حکومت هستند و مردم ایران بیش از همه تاوان آن را با جان و مال و محرومیت از حقوق انسانی و یک زندگی عادی می‌پردازند. اما در دو ماه آینده و شرایطی که نظام ناپایداری از همیشه است، اگر مقاماتش صندوق‌های رأی را با رقص شکم هم همراهی کنند، جامعه در سال‌های اخیر اثبات کرده هرگز به پیش از دی ۹۶ برنخواهد گشت.



● در جایی که شرایط شبه‌جنگی خسارات سنگینی بر اقتصاد غرب وارد می‌آورد، آنها تا کجا این وضعیت را تحمل کرده و برای درگیر نشدن در یک جبهه جدید احتیاط خواهند کرد؟

چهار ماه پس از حمله مرگبار هفتم اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس علیه اسرائیل و همزمان با ادامه حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ و باب‌المندب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کمتر از ۲۴ ساعت نقاطی در سوریه، عراق و پاکستان را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داد.

در حمله سپاه به کردستان عراق، موشک‌ها به مناطق مسکونی از جمله منزل پیشرو دیزایی از بازرگانان مشهور اربیل اصابت کرد. وی به همراه چهار عضو دیگر خانواده‌اش در این حمله کشته شدند. مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده‌اند که مرکز موساد و «گروه‌های ضدانقلاب» را هدف قرار دادند.

چهار فروند از موشک‌های بالستیک سپاه نیز به ادلب سوریه اصابت کرد. مقامات سپاه ادعا کردند پایگاه داعش هدف قرار گرفت اما شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله لبنان گزارش داد مناطق تحت کنترل «هیئت تحریر شام» از مخالفان رژیم بشار اسد هدف این حملات بود.

رژیم ایران رسماً مسئولیت این حملات را پذیرفت و اعلام کرد به تلافی انفجارهای کرمان و حمله به نیروهای مرزبانی در راسک دست به این اقدام زده است. آنهم در حالی که مسئولیت انفجارهای خونین کرمان را «داعش خراسان» پذیرفت که محل اصلی استقرار آن در افغانستان است.

مقامات اقلیم کردستان و دولت عراق این حملات را محکوم کردند اما رژیم بشار اسد تا کنون هیچ واکنشی به موشک‌پرانی‌های سپاه پاسداران نشان نداده است. حدود ۲۴ ساعت پس از این حملات جمهوری اسلامی نقاطی در بلوچستان پاکستان را با پهپاد و موشک هدف قرار داد.

هرچند فرماندهان سپاه ادعا کردند محل استقرار گروه «جیش‌العدل» را هدف قرارداده‌اند اما دولت پاکستان این اقدام را «نقض حاکمیت» خود دانست و اعلام کرد شماری از غیرنظامیان در این حمله کشته شدند. بطور رسمی گفته شد که «همه گزینه‌ها برای تلافی روی میز است». ساعاتی بعد با «شکست مذاکرات دیپلماتیک بین تهران و اسلام‌آباد» ارتش پاکستان نقاطی در عمق خاک ایران را هدف حملات خود قرار داد. در این حملات دست‌کم ۹ نفر از جمله پنج کودک و دو زن کشته شدند.

پایگاه خبری «حال وش» گزارش داد بیشتر کشته‌شدگان از خانواده‌های اعضای «گروه‌های استقلال‌طلب» بلوچ و ساکنین روستاهای مرزی در شهرستان سراوان بودند. بر اساس این گزارش «منازل دو تن از فرماندهان ارشد گروه‌های استقلال طلب بلوچ به نام‌های «بشام بلوچ» و «دوستین» از اهداف اصلی این حمله بوده‌اند.»

حمله موشکی سپاه پاسداران به سه کشور همسایه که گفته می‌شود اقدامی بی‌سابقه است در حالی انجام شده که حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران بزرگ، گفته این حملات موشکی به «دستور» علی خامنه‌ای بوده است.

اعلام آمادگی چین برای میانجیگری دولت پاکستان اعلام کرد آماده پاسخ به هر اقدام از سوی جمهوری اسلامی است. در ایران نیز نیروهای مسلح «رزمایش پدافندی مدافعان آسمان ولایت ۱۴۰۲» را آغاز کرده‌اند. منابع غیررسمی گزارش دادند سپاه پاسداران لانچرهای موشک به مرز ایران و پاکستان منتقل کرده است. برخی منابع نیز گزارش دادند در جریان حمله پاکستان به خاک ایران هواپیماهای جنگنده ارتش پاکستان حریم هوایی ایران را نقض کردند ولی پدافند نیروهای مسلح دستوری برای مقابله دریافت نکرد.

منابع ارشد امنیتی هشدار داده‌اند نیروهای مسلح پاکستان که به سلاح هسته‌ای مجهز هستند، «در حالت آماده‌باش بسیار بالا» قرار دارند. با افزایش احتمال

در شرایطی که بزرگترین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی غرب ترانزیت کالا از دریای سرخ را به دلیل نبود امنیت متوقف کرده‌اند، شماری از کشتی‌های عبوری از دریای سرخ از ترس حمله حوثی‌ها اعلام می‌کنند «خدمه چینی» دارند یا «مقصدشان به چین» است! این یعنی چین در بحران‌های خاورمیانه از حاشیه امن برخوردار است.

ژانویه ۲۰۲۴ (۲۵ دی ۱۴۰۲) در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفت، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ‌هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد. وی در بخشی از سخنانش گفت: «امروز، روسیه و چین

تشدید درگیری‌ها، دولت چین اعلام کرد که آماده میانجیگری بین تهران و اسلام‌آباد است. آنهم در شرایطی که دو «جمهوری اسلامی» مرتب بر داشتن روابط حسنه تأکید داشتند و چندین توافق همکاری نظامی و امنیتی از جمله برای مقابله با تروریسم دارند. اینکه چرا ظاهراً بدون اطلاع دولت پاکستان، گروه



در این میان، اصلی‌ترین هدف مقامات رژیم ایران با توجه به بحران‌های داخلی، مقابله با سرنگونی نظام است. آنها این هدف را با تقویت ماشین سرکوب در داخل و غنی‌سازی اورانیوم و توسعه برنامه‌های موشکی و پهپادی و پشتیبانی از گروه‌های نیابتی و تکثیر ترور دنبال می‌کنند. نابودی اسرائیل و بیرون کردن آمریکا از منطقه نیز از اولویت‌های دیگر حکومت برای نقش ایفا کردن در معادلات منطقه‌ای است. اهدافی که جمهوری اسلامی در پی آن است، منطبق بر کارت‌های چین و روسیه برای به چالش کشیدن منافع غرب است. به ویژه آنکه رهبران پکن و مسکو به این یقین رسیده‌اند که غرب بر اساس اصول و آرمان‌های دموکراسی در بحث حقوق شهروندی و هزینه برای جنگ به شدت محافظه‌کارانه و با احتیاط عمل می‌کند و تا جایی که امکان داشته باشد، برای مقابله با این وضعیت ریسک نخواهد کرد. بعد از جنگ دوم جهانی «موازنه قدرت» در دوران موسوم به «جنگ سرد»، اصلی‌ترین راهکار برای مقابله با وقوع جنگ بود. اکنون مقامات غربی اعتراف می‌کنند که این استراتژی دیگر جواب نمی‌دهد و درحال فروپاشی است. علائم این وضعیت را در جلسات شورای امنیت، یعنی جایی که بین قدرت‌ها بیشترین اختلافات بروز کرده، می‌توان دید. در شرایطی که چین و روسیه و پادوهای آنها در سطح بین‌المللی از درگیر کردن غرب در چند جبهه استقبال می‌کنند، چند پرسش قابل طرح است:

آیا رهبران قادر خواهند بود راهی برای برون‌رفت از این بحران پیدا کنند؟
در جایی که شرایط شبه جنگی خسارات سنگینی بر اقتصاد غرب وارد می‌آورد، آنها تا کجا این وضعیت را تحمل کرده و برای درگیر نشدن در یک جبهه جدید احتیاط خواهند کرد؟
آیا سیاستمداران در آمریکا و اروپا همچنان بهترین گزینه را در مباحثات و به تأخیر انداختن درگیری بزرگ می‌دانند یا راهکار جدیدی را برای عبور از این بحران اجرا خواهند کرد؟
حامد محمدی

قدرت‌های هسته‌ای هستند و کره شمالی تهدید می‌کند زرادخانه هسته‌ای خود را گسترش دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح غنی‌سازی اورانیوم را تا ۸۳/۷ درصد (هشتاد و سه و هفت دهم) افزایش داده است، سطحی که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.»

سخنرانی وزیر دفاع بریتانیا حاوی دو هشدار اساسی است: ۱) گرانت شاپس تأکید کرد «در دوران جنگ سرد ما با بازیگران منطقی سر و کار داشتیم اما این قدرت‌های جدید بسیار ناپایدارتر و غیرمنطقی‌تر هستند.»

۲) وی ابراز تأسف کرد که راهبرد «نابودی متقابل تضمین‌شده» (موازنه قدرت) در گذشته جنگ‌ها را متوقف می‌کرد، اما هشدار داد اکنون با وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا کره شمالی این راهبرد کارآیی خود را از دست داده است. گرانت شاپس تأکید کرد «می‌ترسم نتوانیم جنگ‌ها را متوقف کنیم... به ویژه آنکه اکنون ملاحظات نگران‌کننده جدیدی وجود دارد: دشمنان ما اکنون با یکدیگر ارتباط بیشتری دارند به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه نیروهای نیابتی [رژیم] ایران از اسرائیل تا دریای سرخ ویرانی به بار آورده‌اند.» علائم و نشانه‌های متعددی وجود دارد که بحران‌سازی‌های حکومت‌های بدخیم یا شبه‌نظامیان در خاورمیانه علیه منافع اقتصادی و امنیتی غرب و به نفع روسیه و چین است. درواقع از لبنان تا یمن (سواحل شرقی مدیترانه تا تنگه هرمز و دریای سرخ) یک جبهه‌ی گسترده و پرهزینه علیه ارزش‌ها و منافع غرب شکل گرفته است. استراتژی رهبران این جبهه پیشبرد «جنگ نامتقارن» است.

«موازنه قدرت» در حال فروپاشی

جمهوری اسلامی به عنوان عضو اصلی محور شرارت در خاورمیانه برای تأمین مالی تروریسم و توسعه موشک‌ها و پهپادها از حمایت جمهوری خلق چین برخوردار است و ماهانه میلیون‌ها دلار از صادرات نفت به چین درآمد هنگفتی به جیب رژیم ایران سرازیر می‌شود. از خاورمیانه بوی یک جنگ تمام‌عیار به مشام می‌رسد.

جیش‌العدل هدف موش‌های جمهوری اسلامی قرار گرفته جای پرسش دارد. اگرچه برخی از ناظران این احتمال را مطرح می‌کنند که موشک‌پرانی‌های اخیر با هماهنگی دو «جمهوری اسلامی» صورت گرفته است.

حمله موشکی سپاه پاسداران به عراق، سوریه و پاکستان با حملات حوثی‌ها در دریای سرخ و عملیات حزب‌الله در شمال اسرائیل همزمان است. مقامات اسرائیلی و همچنین مقامات ارشد غربی در هفته‌های اخیر بارها تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران هدایت این حملات را برعهده دارد اما بجز دو مرحله حمله نیروهای ائتلاف به پایگاه حوثی‌ها در یمن اقدام جدی دیگری برای کاهش این تنش‌ها صورت نگرفت. مقام‌های آمریکا و بریتانیا در سخنرانی‌های رسمی و همچنین مصاحبه‌های مطبوعاتی دائم به جمهوری اسلامی در مورد پیامدهای احتمالی اقدامات و تهدیدات از طریق گروه‌های نیابتی هشدار می‌دهند اما به نظر می‌رسد در تهران گوش شنوایی نیست. اتفاقاً عوامل محرک دست به دست هم داده است تا سپاه پاسداران مرحله به مرحله سطح تنش‌ها را در خاورمیانه افزایش دهد.

مقامات ارشد جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند اقدامات سپاه پاسداران تأمین‌کننده امنیت و آرامش منطقه است اما بسیاری از تحلیلگران و همچنین مقامات غربی به این برآورد رسیده‌اند که رژیم ایران به دنبال آتش‌افروزی در منطقه است. ادامه‌دار شدن تنش‌ها و شکست مسیرهای دیپلماتیک برای مهار رژیم ایران و پاسدارانش به نظر می‌رسد غربی‌ها را که ترجیح می‌دادند موازی با جنگ اوکراین در خاورمیانه درگیر نشوند، به نتایج تازه‌ای رسانده است. بعضی از آنها این بحران را ناشی از شرارت مشترک بلوک چین و روسیه با همراهی رژیم‌های پادو و نوچه مثل جمهوری اسلامی و کره شمالی علیه ارزش‌ها و منافع غرب می‌دانند.

صراحت وزیر دفاع انگلیس در مورد احتمال وقوع «جنگ سوم»
در همین ارتباط گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا ۱۵

جهان در مرحله پیش از جنگ؟ وزیر دفاع بریتانیا: افزایش غنی سازی اورانیوم در ایران تا ۸۳/۷ درصد هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد



گرانٹ شاپس وزیر دفاع بریتانیا

را می دانیم- این رویدادها احتمالاً افزایش می یابد. بنابراین سال ۲۰۲۴ باید یک نقطه عطف را مشخص کند. برای اوکراین، این سالی خواهد بود که ممکن است سرنوشت ملت آنها تعیین شود. اما حوثی ها با تهدید کردن کشتی های تجاری در منطقه، دائماً قوانین را زیر پا گذاشته اند.»

وزیر دفاع بریتانیا با اشاره به وضعیت بحرانی دریای سرخ، به عملیات نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا علیه حوثی ها نیز اشاره کرد و گفت که این عملیات پیام روشنی به حوثی ها بود که از حمایت رژیم ایران برخوردارند. وی بار دیگر از حوثی ها خواست دست از تهدید اقتصاد جهانی بردارند.

چند هفته ای است مواضع دولت بریتانیا نسبت به جمهوری اسلامی از نرمش و مباحثات به سختگیری و قاطعیت تغییر کرده است. این تغییر را در لحن مقامات ارشد این کشور از جمله ریشی سوناک نخست وزیر و گرانٹ شاپس وزیر دفاع می توان دید. به نظر می رسد ادامه حملات حوثی ها به کشتی های تجاری با پشتیبانی سپاه پاسداران از عواملی است که بریتانیا ترجیح داده نسبت به رژیم ایران مواضع جدی تری اتخاذ کند هرچند که در عمل هنوز اقدام ویژه ای صورت نداده است.

شاپس پیش از این به رژیم ایران هشدار داده بود که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است». این مقام نظامی بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی ماه) منتشر شد گفته بود «رژیم ایران باید به حوثی ها و سایر گروه های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات شان را متوقف کنند و دست بردارند.»

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا نیز پیش از این در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» گفته بود باید به جمهوری اسلامی فهماند که اقدامات بدخواهانه را تحمل نمی کنیم. مدت هاست که مخالفان جمهوری اسلامی از دولت بریتانیا خواسته اند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان های تروریستی قرار دهد. اقدامی که تا کنون با مخالفت دولت روبرو بوده است. به نظر می رسد مقامات بریتانیا ترجیح می دهند فعلاً به اعمال تحریم علیه سپاه پاسداران و شرکت های مرتبط با آن اکتفا کنند.

اسرائیل تا دریای سرخ ویرانی به بار آورده اند.»

وزیر دفاع بریتانیا در بخش دیگری از سخنرانی خود به ارسال تسلیحات نظامی توسط جمهوری اسلامی به روسیه برای استفاده علیه اوکراین اشاره کرد. وی گفت: «پوتین به پهبادهای ایرانی و موشک های بالستیک کره شمالی برای تقویت بمباران غیرقانونی خود در اوکراین متکی است... با وجود دوستانی از این دست، جهان جای خطرناک تری می شود و در سال های اخیر چنین شده است...»

گرانٹ شاپس در این سخنرانی به نکات تازه ای نیز اشاره کرد



وزیر خارجه بریتانیا:
باید به جمهوری اسلامی فهماند که
اقدامات بدخواهانه را تحمل نمی کنیم

از جمله اینکه گفت هزینه نظامی کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران در حال افزایش است که نشان می دهد «دوران سود صلح به پایان رسیده و در پنج سال آینده، ما می توانیم به تماشای چندین تئاتر با حضور روسیه، چین، ایران و کره شمالی بنشینیم... از خود بپرسید- با نگاهی به درگیری های امروز در سراسر جهان- آیا احتمال افزایش یا کاهش این رویدادها بیشتر است؟ من گمان می کنم که همه ما پاسخ

● وزیر دفاع بریتانیا در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفت، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد اما هنوز برنامه ای برای تقویت ارتش ندارد.

● وی در بخشی از سخنانش گفت: «امروز، روسیه و چین قدرت های هسته ای هستند و کره شمالی تهدید می کند زرادخانه هسته ای خود را گسترش دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح غنی سازی اورانیوم را تا ۸۳/۷ درصد افزایش داده است، سطحی که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.»

● این مقام ارشد نظامی افزود: «در دوران جنگ سرد این احساس وجود داشت که ما با بازیگران منطقی سر و کار داریم اما این قدرت های جدید بسیار ناپایدارتر و غیرمنطقی تر هستند.»

● وزیر دفاع بریتانیا ابراز تاسف کرد که راهبرد «نابودی متقابل تضمین شده» (توازن قوا) که در گذشته جنگ ها را متوقف می کرد، اکنون با وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا کره شمالی کارایی خود را از دست داده است. گرانٹ شاپس تأکید کرد «می ترسم نتوانیم جنگ ها را متوقف کنیم... به ویژه آنکه اکنون ملاحظات نگران کننده جدیدی وجود دارد: دشمنان ما اکنون با یکدیگر ارتباط بیشتری دارند به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه نیروهای نیابتی [رژیم] ایران از اسرائیل تا دریای سرخ ویرانی به بار آورده اند.»

وزیر دفاع بریتانیا روز دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفت، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد اما هنوز برنامه ای برای تقویت ارتش ندارد.

گسترش تروریسم، فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی و حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از شبه نظامیان در خاورمیانه از نکاتی بودند که گرانٹ شاپس در این سخنرانی خود چند بار بر آنها تأکید کرد.

وی در بخشی از سخنانش گفت: «امروز روسیه و چین قدرت های هسته ای هستند و کره شمالی تهدید می کند زرادخانه هسته ای خود را گسترش دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز سطح غنی سازی اورانیوم را تا ۸۳/۷ درصد افزایش داده است، سطحی که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.»

این مقام ارشد دفاعی افزود: «در دوران جنگ سرد این احساس وجود داشت که ما با بازیگران منطقی سر و کار داریم اما این قدرت های جدید بسیار ناپایدارتر و غیرمنطقی تر هستند.»

وزیر دفاع بریتانیا ابراز تاسف کرد که راهبرد «نابودی متقابل تضمین شده» (توازن قوا) که در گذشته جنگ ها را متوقف می کرد، اکنون با وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا کره شمالی کارایی خود را از دست داده است. گرانٹ شاپس تأکید کرد «می ترسم نتوانیم جنگ ها را متوقف کنیم... به ویژه آنکه اکنون ملاحظات نگران کننده جدیدی وجود دارد: دشمنان ما اکنون با یکدیگر ارتباط بیشتری دارند به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه نیروهای نیابتی [رژیم] ایران از

حمله موشکی پاکستان به خاک ایران به تلافی موشک‌های سپاه پاسداران؛ دست کم ۹ نفر از ساکنان روستاهای سراوان کشته شدند



خسارت سنگین حملات موشکی پاکستان به ایران

شماری از ساکنان آن زیر آوار مانده‌اند. منابع محلی می‌گویند که حجم خسارت حملات موشکی پاکستان به سراوان در بلوچستان خیلی زیاد است، خانه‌ها تخریب شدند، تصاویر به شدت دلخراش هستند؛ صداسیما با وقاحت تمام می‌گوید در این حمله اتباع غیرایرانی کشته شدند.»

پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد «در حملات پاکستان چهار کودک، سه زن و دو مرد که اتباع خارجی بودند در انفجاری که در روستای حدود سه چهار کیلومتری مرز ایران رخ داده، کشته شده‌اند.» وی در پاسخ به این پرسش که آیا این حمله از سمت پاکستان بوده یا نه، گفت: «جزئیات اطلاع‌رسانی خواهد شد و موضع‌گیری رسمی انجام نشده است.»

یک مقام آگاه در گفتگو با صداسیما جمهوری اسلامی ضمن محکومیت شدید این حملات گفت: «جمهوری اسلامی خواستار توضیح فوری مقامات پاکستان درباره این حادثه است.» علیرضا مرحمتی معاون امنیتی استاندار سیستان و بلوچستان نیز در اینباره گفت: «ساعت ۰۴:۳۰ صبح امروز پنجشنبه، صدای چند انفجار در محدوده شهرستان سراوان به گوش رسید که پس از بررسی‌های انجام شده، متوجه شدیم پاکستان یکی از روستاهای مرزی ایران را با موشک مورد هدف قرار داده است.»

خبرگزاری تسنیم گزارش داده که کاردار سفارت پاکستان برای توضیحات بیشتر به وزارت خارجه احضار شده است. اقدامات جمهوری اسلامی و بطور مشخص موشک‌پرانی‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این منطقه را نیز در آستانه یک درگیری شدید قرار داده است.

ارتش پاکستان بامداد پنجشنبه ۱۸ ژانویه (۲۸ دی‌ماه) به تلافی حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک این کشور شش نقطه در ۸۰ کیلومتری عمق خاک ایران را هدف موشک‌های خود قرار داد.

معاون امنیتی استانداری سیستان و بلوچستان اعلام کرد در این حملات ۹ نفر از ساکنان روستاهای مرزی سراوان کشته شدند. وبسایت «حال‌وش» که اخبار سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد گزارش داد در این حملات چند خانه در «حق آباد» و «شمس» مورد اصابت موشک قرار گرفته است. اهالی سراوان نیز ویدیوهایی منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد چند خانه روستایی بطور کامل تخریب شده و

ارتش پاکستان بامداد پنجشنبه ۱۸ ژانویه (۲۸ دی‌ماه) به تلافی حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک این کشور شش نقطه در ۸۰ کیلومتری عمق خاک ایران را هدف موشک‌های خود قرار داد.

وبسایت «حال‌وش» که اخبار سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد گزارش داد در این حملات چند خانه در «حق آباد» و «شمس» مورد اصابت موشک قرار گرفته است. پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد «در حملات پاکستان چهار کودک، سه زن و دو مرد که اتباع خارجی بودند در انفجاری که در روستای حدود سه چهار کیلومتری مرز ایران رخ داده، کشته شده‌اند.»

است. در این حملات تعدادی غیرنظامی از جمله پنج زن و دو کودک کشته شدند. گروه جیش‌العدل با صدور بیانیه‌ای، مسئولیت تیراندازی به ماشین سرهنگ جاودان‌فر را پذیرفت. خبرگزاری فارس ادعا کرده وی «مسئول مرکز آفرینش‌های هنری سپاه سلمان» بوده است!

منابع امنیتی جمهوری اسلامی می‌گویند در درگیری‌های مرزی با «تروریست‌ها» مقادیری تله انفجاری، نارنجک دستی، مواد منفجره و سلاح‌های سنگین مثل آرپی‌جی از آنها کشف شد. کمپین فعالین بلوچ چهارشنبه شب ۲۷ دی‌ماه گزارش داد سپاه پاسداران بار دیگر به خاک پاکستان در شهرستان «کیچ» حمله موشکی کرده است. این خبر به صورت مستقل قابل رد یا تأیید نیست.

سردار پاسدار مجید میراحمدی معاون امنیتی وزارت کشور توصیه کرده است «پاکستان عزم جدی‌تری برای اخراج تروریست‌ها از خاک خود داشته باشد.»

وی با اشاره به حضور برخی جریان‌های تروریستی در پاکستان گفت: «ما با پاکستان همکاری اطلاعاتی و امنیتی داریم و در مقابله با گروه‌های تروریستی هستیم و یک ارتباط برادرانه داریم و دائماً در حال تماس و ارتباط هستیم اما متأسفانه برخی گروه‌های تروریستی در خاک پاکستان لانه کرده‌اند.»

در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند روابط حسنه‌ای با پاکستان دارند و برای مقابله با تروریسم توافقی همکاری دارند اما مشخص نیست چرا بدون هماهنگی با آنها اقدام به شلیک موشک و پهپاد به خاک آن کشور کردند. و یا این ارزیابی که شلیک‌ها با هماهنگی صورت گرفته واقعیت دارد؟! صورت گرفته واقعیت دارد؟! صورت گرفته واقعیت دارد!؟

هفته‌هاست بین نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و گروه‌های مسلح در مرزهای شرقی ایران درگیری‌ها ادامه دارد اما حکومت نتوانسته ثبات را در آن نواحی برقرار کند.



سرهنگ جاودان‌فر از فرماندهان «سپاه سلمان»

-کمپین فعالین بلوچ چهارشنبه شب ۲۷ دی‌ماه گزارش داد سپاه پاسداران بار دیگر به خاک پاکستان در شهرستان «کیچ» حمله موشکی کرده است.

منابع محلی در استان سیستان و بلوچستان چهارشنبه شب ۲۷ دی‌ماه از وقوع درگیری بین نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با اعضای گروه جیش‌العدل در نواحی مرزی خبر دادند. مسئولان «قرارگاه قدس» جنوب شرق سپاه پاسداران اعلام کردند سرهنگ پاسدار حسینعلی جاودان‌فر از کارکنان «سپاه سلمان» در اثر اصابت گلوله در جاده خاش- زاهدان کشته شد. کمپین فعالین بلوچ گزارش داد همراه وی دو نفر دیگر که محافظ او بودند نیز کشته شدند.

این درگیری‌ها پس از آن صورت گرفت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با موشک و پهپاد مدعی شد که پایگاه‌های متعلق به جیش‌العدل در خاک پاکستان را هدف قرار داده

درگیری مسلحانه در مرز ایران و پاکستان؛ کشته شدن یک سرهنگ سپاه و دو محافظ‌اش در جاده خاش- زاهدان

مسئولان «قرارگاه قدس» جنوب شرق سپاه پاسداران اعلام کردند سرهنگ پاسدار حسینعلی جاودان‌فر از کارکنان «سپاه سلمان» در اثر اصابت گلوله در جاده خاش- زاهدان کشته شد. کمپین فعالین بلوچ گزارش داد همراه وی دو نفر دیگر که محافظ او بودند نیز کشته شدند.

این درگیری‌ها پس از آن صورت گرفت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با موشک و پهپاد پایگاه‌های متعلق به جیش‌العدل در خاک پاکستان را هدف قرار داد. در این حملات تعدادی غیرنظامی از جمله پنج زن و دو کودک کشته شدند.

گروه جیش‌العدل با صدور بیانیه‌ای، مسئولیت تیراندازی به ماشین سرهنگ جاودان‌فر را پذیرفت. خبرگزاری فارس ادعا کرده وی «مسئول مرکز آفرینش‌های هنری سپاه سلمان» بوده است!

پرسش نمایندگان مجلس عوام بریتانیا از ریشی سوناک چرا دولت انگلیس سپاه پاسداران را تروریستی اعلام نمی‌کند؟



ریشی سوناک نخست وزیر بریتانیا در نشست امنیتی مجلس عوام / ژانویه ۲۰۲۴

در ممانعت از حمل و نقل ایران، ایجاد ثبات در منطقه و حفاظت از کشتیرانی بین‌المللی نقش داشته باشند، ما البته می‌خواهیم با آنها کار کنیم. همین الان که ما صحبت می‌کنیم، وزیر دفاع و وزیر خارجه این گفتگوها را پیش می‌برند.»

هریت بالدوین: باید مطمئن شویم ایران از طریق سیستم مالی بریتانیا پولشویی نکند

در ادامه هریت بالدوین به سوناک می‌گوید «گزارش شد که پهنادهای مورد استفاده حوثی‌ها با کمک ایران ساخته شده. مؤسسه آمریکن اینترپرایز گزارش داده که روسیه ۹۰۰ میلیون دلار برای خرید پهپاد به ایران کمک کرده است. آیا نخست وزیر به مجلس اطمینان خواهد داد که ما هر کاری که از دست‌مان بر می‌آید در این کشور انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم این پول‌ها از طریق سیستم مالی بریتانیا نمی‌گذرد؟»
نخست وزیر بریتانیا پاسخ داد: «ما با ارزیابی آمریکا موافقیم که [رژیم] ایران حملات حوثی‌ها در دریای سرخ را مستقیماً پشتیبانی کرد و اطلاعاتی را به ویژه جهت فعال کردن آنها برای هدف قرار دادن کشتی‌ها ارائه داد... او حق دارد که بگوید ما باید هر کاری که می‌توانیم برای جلوگیری از این موضوع انجام دهیم و من در این مورد به او اطمینان می‌دهم. او از اقداماتی که ما در دو سال گذشته در زمینه شفافیت مالی و ثبت مالکیت ذینفع انجام داده‌ایم که به ما اجازه می‌دهد تا با جرائم اقتصادی و پولشویی مقابله کنیم، مطلع خواهد شد. از نظر فیزیکی، نیروی دریایی سلطنتی مانند سال گذشته و سال قبل با موفقیت در ممانعت از انتقال محموله‌ها درگیر است. این کشور به حضور خود در منطقه ادامه خواهد داد تا بتوانیم جریان غیرقانونی تسلیحات را مختل کنیم.»

آیین دانکن اسمیت: چرا هنوز سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نداده‌اید؟

آیین دانکن اسمیت در ادامه جلسه از سوناک

شکل گرفته و رژیم ایران منزوی شده است؟»
سوناک با تقدیر از اقدامات لیام فاکس در مورد «پیمان ابراهیم» با هدف افزایش صلح و ثبات در خاورمیانه پاسخ داد: «او حق دارد که بگوید رفتار رژیم ایران تهدیدی جدی برای امنیت و امنیت بریتانیا و متحدان ما است و بی‌ثباتی در منطقه‌ای را تقویت می‌کند که ما می‌خواهیم صلح و ثبات بیشتری در آنجا شاهد باشیم. من می‌توانم به او اطمینان دهم که ما در جریان همه خطرات در منطقه هستیم. به همین دلیل است که، برای مثال، نیروی دریایی سلطنتی در سال گذشته و سال قبل از آن به جلوگیری از قاچاق غیرقانونی اسلحه توسط ایرانی‌ها به حوثی‌ها ادامه داد. ما به تماس نزدیک با متحدان خود ادامه خواهیم داد تا تمام اقداماتی را که می‌توانیم برای محافظت از مردم خود انجام دهیم و اطمینان حاصل کنیم که نفوذ بی‌ثبات کننده رژیم ایران در منطقه تا بهترین حد ممکن کاهش می‌یابد.»

جرمی کوئین: بعضی متحدان بریتانیا در حملات هوایی علیه حوثی‌ها شرکت نکردند

پرسش بعدی درباره ایران و وضعیت منطقه را جرمی کوئین مطرح کرد. وی پرسید: «حملات حوثی‌ها به کشتیرانی یک مشکل جهانی است و این درست است که ما در کنار شرکای خود وارد عمل شدیم. در جایی که متحدان نزدیک در آن حملات هوایی شرکت نکردند، ما هنوز به آنها نیاز داریم که در کنار ما عمل کنند. آیا ما آنها را تشویق خواهیم کرد تا تلاش‌های خود را برای جلوگیری از قاچاق اسلحه از ایران به یمن مضاعف کنند و تا به کاهش بیشتر ظرفیت نظامی حوثی‌ها کمک کنیم؟»

ریشی سوناک پاسخ داد: «ما به همکاری با متحدان خود ادامه خواهیم داد... شمار معدودی از کشورهای دیگر، همراه با ائتلاف بسیار بزرگتری از کشورهایی که به روش‌های مختلف در عملیات نهبان رفاه شرکت دارند، حمایت غیرعملیاتی داشته‌اند. در جایی که سایر کشورها می‌توانند

همزمان با افزایش تنش‌های نظامی در خاورمیانه، مجلس عوام بریتانیا روز دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) میزبان نخست‌وزیر بریتانیا بود. ریشی سوناک در نشستی با موضوع «دفاع از بریتانیا و متحدان» به پرسش‌های نمایندگان پاسخ داد. بخش عمده‌ای از نگرانی اعضای مجلس عوام بریتانیا مرتبط با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی و گسترش تروریسم از طریق گروه‌های نیابتی بود.

لیام فاکس: رژیم ایران باور دارد که اسرائیل اصلاً نباید وجود داشته باشد و در هر جا که بتواند به منافع و ارزش‌های ما ضربه می‌زند. آیا مشخص نیست که رژیم ایران هر کاری می‌کند تا اسرائیل نابود شود؟»

هریت بالدوین: مؤسسه آمریکن اینترپرایز گزارش داده است که روسیه ۹۰۰ میلیون دلار برای خرید پهپاد به ایران کمک کرده است. آیا نخست وزیر به مجلس اطمینان خواهد داد که ما هر کاری که از دست‌مان برمی‌آید در این کشور انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم این پول‌ها از طریق سیستم مالی بریتانیا نمی‌گذرد؟»

سوناک در مقدمه به تشریح عملیات مشترک با آمریکا و سایر دولت‌های عضو «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳) علیه حوثی‌ها پرداخت. در این نشست دست‌کم دو نماینده به نخست وزیر بریتانیا در مورد ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی تذکر دادند اما وی از دادن پاسخ شفاف به آنها طفره رفت.

همزمان با افزایش تنش‌های نظامی در خاورمیانه، مجلس عوام بریتانیا روز دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) میزبان نخست‌وزیر بریتانیا بود. ریشی سوناک در نشستی با موضوع «دفاع از بریتانیا و متحدان» به پرسش‌های نمایندگان پاسخ داد. بخش عمده‌ای از نگرانی اعضای مجلس عوام بریتانیا مرتبط با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی و گسترش تروریسم از طریق گروه‌های نیابتی بود. سوناک در مقدمه به تشریح عملیات مشترک با آمریکا و سایر دولت‌های عضو «ائتلاف دریایی» (گروه ضربت ۱۵۳) علیه حوثی‌ها پرداخت. در این نشست دست‌کم دو نماینده به نخست وزیر بریتانیا در مورد ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی تذکر دادند اما وی از دادن پاسخ شفاف به آنها طفره رفت.

لیام فاکس: آیا مشخص نیست رژیم ایران هر کاری می‌کند تا اسرائیل نابود شود؟

اولین پرسش درباره ایران را سر لیام فاکس از نخست‌وزیر پرسید. وی گفت: «من نخست‌وزیر را به دلیل پاسخ قاطع و اصولی به رویدادهای دریای سرخ تحسین می‌کنم، اما آیا حمایت از حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها نشان نمی‌دهد که رژیم ایران برای از بین بردن صلح پایدار بین کشورهای عربی و اسرائیل دست به هر کاری می‌زند؟ رژیم ایران باور دارد که اسرائیل اصلاً نباید وجود داشته باشد و در هر جا که بتواند به منافع و ارزش‌های ما ضربه می‌زند؟ آیا شکست واقعی برای رژیم ایران نیست که ببیند با حل و فصل مسئله فلسطین و گسترش پیمان ابراهیم، صلح و ثبات در منطقه ایجاد شده و برای مقابله با گروه‌های نیابتی عزم بین‌المللی

بازگشت شاهانه کردستان به میهن



شوروی انجام شود.»

اتحاد جماهیر شوروی در پی عدم موافقت مجلس شورای ملی با اعطای امتیاز نفت به شوروی، از جنبش‌های تجزیه‌طلبانه در شمال و شمال غرب ایران فشار بر ایران استفاده کرد. در همین حال نیروهای شوروی با اشغال مناطقی از ایران از ورود قوای شاهنشاهی به کردستان و آذربایجان نیز جلوگیری می‌کردند. پس از اشغال مناطقی از ایران توسط قوای شوروی، حرکات چپ‌گرایانه در مناطق تحت اشغال فعال شدند.

انگاہی از پنجره به اوضاع ایران و جهان! در اسناد محرمانه منتشر شده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کم نیستند مواردی که چشم طمع ارتجاع سرخ به خاک و منابع ایران در آن پیداست. در بندی از سند با برچسب فوق‌العاده سرّی به تاریخ پانزدهم تیر ۱۳۳۴ که امضای ژوزف استالین دبیرکل حزب کمونیست شوروی را دارد آمده: «فعالیت مناسب بین گُردهای شمال ایران برای جلب آنان به جنبش جدایی‌طلبانه و ایجاد یک ولایت خودمختار ملی کرد زیر سایه سوسیالیسم

دایموند و کشتی‌های متحدان آمریکایی ما شلیک کرده‌اند، برای استفاده از آنها در ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آموزش دیده‌اند. بنابراین سپاه یک تهدید مستقیم برای سربازان و زنان ما است، همانطور که برای سال‌های متمادی تهدیدی برای شهروندان انگلیسی در خیابان‌های بریتانیا بوده است. علیه سپاه تحریم‌هایی اعمال شده اما آیا متوجه هستید که که اکنون وقت آن است که سپاه را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنیم، در واقع همان چیزی که واقعاً هستند.»

سوناک در پاسخ به وی نیز تأکید کرد: «در مورد نفوذ بی‌ثبات کننده رژیم ایران با حرف‌های شما موافقم. ما به کار سازنده با متحدان خود ادامه خواهیم داد تا اطمینان حاصل کنیم که نه تنها از شهروندان خود در داخل محافظت می‌کنیم، بلکه توانایی [رژیم] ایران برای بی‌ثبات کردن بیشتر منطقه را کاهش داده و تضعیف می‌کنیم.»

مقامات رسمی دولت بریتانیا هنوز به این پرسش که چرا همچنان از قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری می‌کنند پاسخ قانع کننده نداده‌اند اما از اوایل آبان‌ماه ۱۴۰۱ پس از آنکه پلیس بریتانیا گزارش داد عوامل جمهوری اسلامی به دنبال تحریک اعتراضات خشونت‌بار طرفداران حماس در شهرهای مختلف انگلیس هستند این پرسش جدی‌تر مطرح شده است. پس از آن بود که روزنامه «تایمز» در گزارشی نوشت اکنون این پرسش مطرح شده که بریتانیا تا کجا چشم بر روی اقدامات ضدامنیتی عوامل رژیم ایران می‌بندد؟ در همین گزارش آمده بود از دلایل اینکه دولت بریتانیا جدی‌تر این مسئله را پیگیری نمی‌کند «نگرانی از اقداماتی است که ممکن است به اخراج سفیر بریتانیا از تهران و از دست رفتن ظرفیت جمع‌آوری اطلاعات [از ایران] منجر شود.»

اما محدود، متناسب و مطابق با قوانین بین‌المللی بود. این رویکردی است که ماهی‌میش در چنین مواردی خواهیم داشت.»

جانانان جان‌اوقلی: آیا واقعاً با متحدان مان علیه جمهوری اسلامی همکاری می‌کنید؟

پرسش بعدی از سوناک را جانانان جان‌اوقلی نماینده ترک‌تبار مجلس عوام بریتانیا مطرح کرد. وی پرسید «از سال ۱۸۷۵، هدف نیروی دریایی سلطنتی باز نگه داشتن کانال سوئز برای کشتیرانی تجاری بوده است، بنابراین این اقدام نباید برای هیچکس تعجب‌آور باشد و من نخست‌وزیر را به خاطر اقدام قاطع خود در این زمینه تحسین می‌کنم... آنچه من بارها و بارها در سؤالات می‌شنوم، ارتباط با ایران است. به راحتی می‌توان علائم را مشاهده کرد، اما باید علل را نیز بررسی کرد. آیا واقعاً با متحدان بین‌المللی خود برای مقابله با مسئله ایران همکاری می‌کنید؟»

سوناک پاسخ داد: «کاملاً درست می‌گویید؛ ارتباط اینها با رفتار رژیم ایران است. ما با ارزیابی‌های ایالات متحده موافقیم و می‌توانم اطمینان دهم که ما از نزدیک با شرکای خود کار می‌کنیم. بدیهی است که ما با قانون امنیت ملی ۲۰۲۳ و سایر گزینه‌ها در حال انجام اقداماتی برای محافظت از خود در اینجا در داخل کشور هستیم، اما در سطح بین‌المللی می‌خواهیم شاهد باشیم که نفوذ ایران در منطقه باعث ایجاد بی‌ثباتی کمتری شود. به همین دلیل است که، برای مثال، از ارسال غیرقانونی تسلیحات ممانعت می‌کنیم و فعالانه درگیر چگونگی انجام کارهای بیشتر خواهیم بود.»

دیوید جونز: وقت آن نرسیده سپاه را تروریستی اعلام کنید؟

دیوید جونز نیز گفت: «گزارش‌های موثقی حاکی از آن است که حوثی‌هایی که موشک به سمت ناو اچ‌ام‌اس

پرسید: «من بطور کامل از دوستم نخست‌وزیر حمایت می‌کنم. من هم از اظهارات او در مورد اقدامی که در مورد حوثی‌ها انجام شده و هم از بخشی دیگر از بیانیه در مورد اوکراین استقبال می‌کنم، زیرا ما باید از اوکراین و آینده آن حمایت کنیم... بر اساس واقعیت‌ها ما می‌دانیم که ایران از حملات حوثی‌ها حمایت می‌کند، از آنها پشتیبانی می‌کند و به هدایت آنها ادامه می‌دهد. حماس را در حملات وحشیانه علیه اسرائیل هدایت کرد و حزب‌الله را بطور منظم مسلح و تأمین می‌کند و از طریق سپاه پاسداران به آنها می‌گوید که چه کار کنند. ما همه اینها را درک می‌کنیم، پس چرا هنوز تمایلی به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران که مسئول هماهنگی این کارهاست، نداریم؟ هنوز دو بانک ایرانی در شهر لندن هستند که به آن سازمان‌های وحشتناک پول می‌دهند.»

نخست‌وزیر بریتانیا در پاسخ ضمن موافقت با اسمیت در مورد خطراتی که رژیم ایران برای بریتانیا و ثبات منطقه ایجاد می‌کند گفت: «ما بیش از ۴۰۰ فرد و نهاد ایرانی از جمله سپاه را بطور کامل تحریم کرده‌ایم. قانون امنیت ملی ۲۰۲۳ اقدامات جدیدی را برای محافظت از مردم بریتانیا اجرا می‌کند که توسط رؤسای نهادهای اطلاعاتی به عنوان تغییردهنده بازی توصیف شده؛ به ویژه در مقابله با جاسوسی و مداخله خارجی، با اختیارات گسترده‌تر برای دستگیری و بازداشت افراد مظنون به دخالت در تهدیدات دولتی...»

استفان کراب: وقت فعال شدن «مکانیسم ماشه» نرسیده است؟

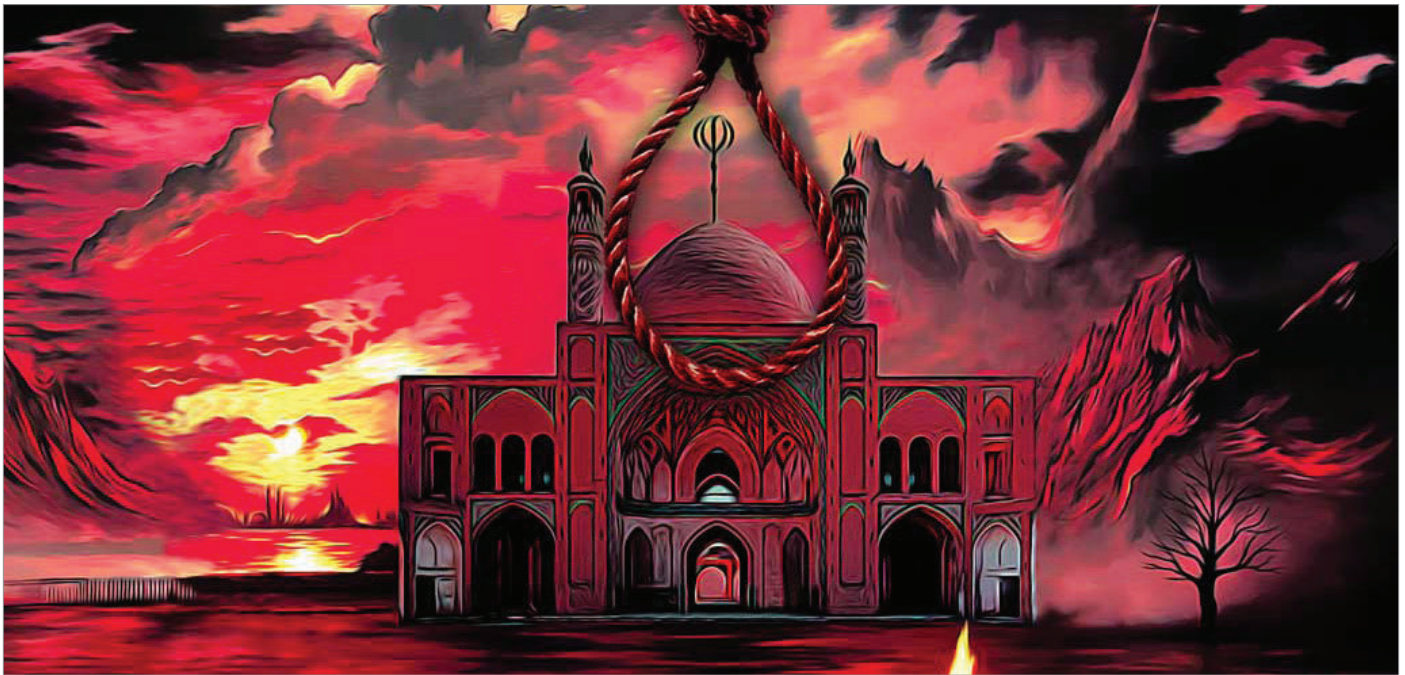
در بخش دیگری از این نشست استفان کراب با اشاره به فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی می‌پرسد: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً تأیید کرده است که ایران بار دیگر در حال افزایش فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود به سطح تسلیحاتی است، پرسش واقعاً اساسی این است که آیا ایران باید اجازه دستیابی به سلاح اتمی داشته باشد؟ آیا به این موضوع فکر کردید که اکنون زمان مناسبی برای فعال سازی تحریم‌ها از جمله فعال شدن مکانیسم ماشه است؟» سوناک خطاب به کراب می‌گوید: «این دیدگاه واقعاً عالی است. مطلقاً هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای غنی‌سازی در سطوحی که آژانس در ایران گزارش کرده است وجود ندارد. ما مصمم هستیم که ایران نباید سلاح هسته‌ای تولید کند و بطور فعال در حال بررسی گام‌های بعدی با شرکای بین‌المللی خود هستیم. این یعنی همه ابزارهای دیپلماتیک، از جمله از مکانیسم ماشه در صورت لزوم استفاده خواهیم کرد.»

بری شرم: پوتین و رژیم ایران به دنبال آتش افروزی هستند

در این میان، مشارکت بریتانیا در حمله نظامی به حوثی‌ها با انتقاد یکی از نمایندگان روبرو شد. بری شرم به سوناک می‌گوید: «ممکن است نخست‌وزیر نداند- شاید هم آگاه باشد- که من بزرگترین متخصص روابط بین‌الملل نیستم، اما در ۱۷ اوت ۱۹۶۰ به دنیا آمدم، زمانی که بمب‌های آلمان در حال سقوط بودند و من در یک پناهگاه بودم. از زمانی که به دانشکده اقتصاد لندن رفتم، دوست یک کارگر اسرائیلی بودم، اما به دولت نتانیاهو اعتماد ندارم، اگرچه از اقدام محدودی که نخست‌وزیر اعلام کرده حمایت می‌کنم. من به اقداماتی که ممکن است منجر به آتش‌افروزی بزرگتر در خاورمیانه شود، بسیار اهمیت می‌دهم. این خطرناک است؛ به نظر من این دقیقاً همان چیزی است که پوتین و [رژیم] ایران می‌خواهند...»

سوناک با تقدیر از شرم پاسخ داد: «اطمینان می‌دهیم که اقدام مناسب را انجام دهیم... اقدامات تاکنونی ضروری بود،

خطر جدی اعدام دست کم ۱۰ زندانی سیاسی و عقیدتی را تهدید می کند



غذا زدند.

به گفته یک منبع مطلع به «گردپا»، این زندانیان دست به اعتصاب غذای تر زده بودند. آنها در اعتراض به خطر جدی اعدام داوود عبداللهی که در نهایت نیز روز ۱۲ دی ماه اجرا شد و اجرای احکام خودشان دست به اعتصاب غذا زده بودند. بامداد سه شنبه دوازدهم دی ماه ۱۴۰۲، داوود عبداللهی زندانی عقیدتی اهل مهاباد پس از ۱۴ سال حبس در زندان قزل حصار کرج اعدام شد.

آژانس خبری «کردپا» با اعلام این خبر نوشت: «به گفته یک منبع مطلع، جنازه این زندانی عقیدتی به خانواده اش تحویل داده شده و در حال انتقال به مهاباد هستند.»

این زندانی عقیدتی گرد اهل مهاباد از روز سه شنبه پنجم دی ماه در پی انتقال به سلول انفرادی برای اجرای حکم اعدام، دست به اعتصاب غذای کامل زده بود.

او ۱۶ آذر ۱۳۸۸ به همراه هفت متهم دیگر در ارومیه بازداشت و پس از گذراندن ۸ ماه حبس در بازداشتگاه اطلاعات ارومیه به زندان اوین تهران منتقل شد. داوود عبداللهی شانزدهم آذرماه ۱۳۸۸ به همراه شش شهروند دیگر گرد به نام های قاسم آبسته، انور خضری، ایوب کریمی، فرهاد سلیمی، کامران شیخه و خسرو بشارت اهل شهرهای سقز و مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مدت هشت ماه در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه مورد بازجویی قرار گرفتند.

این هفت زندانی عقیدتی گرد سپس به زندان اوین منتقل و پس از شش ماه بازجویی در تاریخ بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۹۱ به زندان «رجایی شهر» کرج انتقال یافتند. گزارشها نشان می دهند داوود عبداللهی در دوران بازداشت تحت آزار و اذیت و شکنجه قرار داشته است.

اسفندماه ۱۳۹۶، این هفت زندانی گرد به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروه های سلفی» و «افساد فی الارض» توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه به اعدام محکوم و این حکم در تاریخ پنجم خردادماه ۱۳۹۵ به

● به دنبال اجرای حکم اعدام قاسم آبسته، ایوب کریمی و داوود عبداللهی، سه زندانی عقیدتی گرد در روزهای ۱۴ آبان، ۸ آذر و ۱۲ دی ۱۴۰۲، خطر اجرای حکم اعدام انور خضری، کامران شیخه، خسرو بشارت و فرهاد سلیمی نیز به شدت افزایش پیدا کرده است. به خصوص اینکه حکم اعدام این زندانیان به اجرای احکام زندان ارجاع داده شده و نهادهای امنیتی از مسئولین زندان خواسته اند احکام را هرچه سریع تر اجرا کنند.

سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که انور خضری، کامران شیخه، خسرو بشارت و ماموستا فرهاد سلیمی، چهار تن از زندانیان عقیدتی محکوم به اعدام در معرض خطر جدی اعدام قرار دارند.

این سازمان حقوق بشری خواستار توقف اجرای حکم این چهار زندانی عقیدتی و لغو حکم اعدام آنان شده است.

این چهار زندانی عقیدتی در اعتراض به اجرای حکم داوود عبداللهی و خطر اجرای احکام اعدام خود دست به اعتصاب غذا زده اند.

به دنبال اجرای حکم اعدام قاسم آبسته، ایوب کریمی و داوود عبداللهی، سه زندانی عقیدتی گرد در روزهای ۱۴ آبان، ۸ آذر و ۱۲ دی ۱۴۰۲، خطر اجرای حکم اعدام انور خضری، کامران شیخه، خسرو بشارت و فرهاد سلیمی نیز به شدت افزایش پیدا کرده است. به خصوص اینکه حکم اعدام این زندانیان به اجرای احکام زندان ارجاع داده شده و نهادهای امنیتی از مسئولین زندان خواسته اند احکام را هرچه سریع تر اجرا کنند.

بعد از اجرای حکم اعدام قاسم آبسته و ایوب کریمی نهادهای امنیتی به خانواده دیگر زندانیان گفته بودند سکوت کنید تا حداقل جنازه اعدام شدگان را تحویل بگیرید. پیشتر در ۱۳ دی ماه «کردپا» خبر داده بود که انور خضری، کامران شیخه، خسرو بشارت و ماموستا فرهاد سلیمی چهار تن از زندانیان عقیدتی محکوم به اعدام و هم پرورنده داوود عبداللهی، به دنبال خطر جدی اجرای حکم اعدام عبداللهی از چهار روز پیش در زندان قزل حصار کرج دست به اعتصاب

صورت رسمی به آنان ابلاغ شد.

پس از اعتراض این هفت زندانی عقیدتی، حکم اولیه در اواخر سال ۱۳۹۵ در دیوان عالی کشور لغو و برای رسیدگی مجدد به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی ارجاع شد.

خردادماه ۱۳۹۷ این هفت زندانی عقیدتی به اتهام «افساد فی الارض» و جرائم مرتبط با امنیت ملی به اعدام محکوم شدند و با وجود موارد متعدد نقض ضوابط دادرسی عادلانه، در تاریخ چهاردهم بهمن ماه ۱۳۹۸، شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور، احکام صادره علیه این هفت زندانی را تأیید کرد. در شهریورماه ۱۳۹۹، شعبه ۳۸ دیوان عالی درخواست آنها را برای اعاده دادرسی رد کرد.

این هفت زندانی عقیدتی در مردادماه ۱۴۰۲ پس از تعطیلی زندان «رجایی شهر» کرج به زندان قزل حصار منتقل شدند. این پرونده ۱۴ سال پیش، در نتیجه جان باختن ماموستا عبدالرحیم تینا روحانی سنی مهابادی در یک درگیری در ارومیه تشکیل و به بازداشت هشت متهم با اتهام قتل عمد منجر می شود. اگرچه دیوان عالی کشور بعداً این حکم را لغو کرد، ولی در دادگاه دوم، پرونده پس از مدتی به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه ارسال شده و در آنجا به دلیل نبود مستندات کافی درباره قتل عمد، اتهام به «افساد فی الارض» تغییر می کند.

دستگاه قضایی در ایران پیش از این قاسم آبسته و ایوب کریمی دو متهم دیگر همین پرونده را اعدام کرده است. به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، ایوب کریمی زندانی اهل سنت گرد به همراه شش زندانی دیگر در زندان قزل حصار کرج اعدام شد.

ایوب کریمی در یک پرونده مشترک به همراه انور خضری، داوود عبداللهی، فرهاد سلیمی، خسرو بشارت، کامران شیخه و قاسم آبسته در بهمن ماه ۱۳۸۸ بازداشت و برای طی مراحل بازجویی به ارومیه و سپس زندان اوین تهران منتقل شدند. پس از مدتی در سال ۱۳۹۱ این زندانیان از زندان اوین به زندان «رجایی شهر» کرج منتقل شده و سپس

مرد سوم!

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۱) فروردین ماه ۱۳۸۴ خیراندیشی (احمد احرار)

بازنش



لولیا تیموشنکوف



رزا اتونبایووا

پارلمانی، «رزا» يك پاك در جنوب داشت، يك پا در شمال. يك روز در زادگاهش «اُش»، در جنوب قرقیزستان زیر باران شدید، تظاهرکنندگان را رهبری می‌کرد و روز دیگر در پایتخت، از بالکنی روبروی کاخ سفید - محل اقامت و دفتر رئیس جمهوری - برای جمعیت سخن می‌راند. وقتی مأموران حکومتی صبرشان را از دست دادند و به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند، «رزا» در کنار مردم قرار داشت و همان وقت دریافت که «آقایف» بازی را باخته است.

در طول مبارزه، رزا اتونبایووا از تهدیدها و اتهامات مصون نبود. او را متهم می‌کردند که مأمور آمریکاست و در گرجستان تعلیمات دیده است تا «عملیات براندازی» را در قرقیزستان ساماندهی کند.

هرچه بود، رزا از پای ننشست. «انقلاب لاله‌ها» پیروز شد و رزا اتونبایووا که دوش به دوش فلیکس کولوف و قورمان بیک باقی‌اف جنبش مردمی را رهبری کرده بود «مرد سوم» لقب گرفت.

در حکومت موقت انقلابی قرقیزستان باقی‌اف رئیس دولت است، ژنرال کولوف هماهنگ‌کننده وزارت دفاع و وزارت کشور، و رزا اتونبایووا وزیر امور خارجه. در گرجستان، پس از پیروزی انقلاب گل سرخ، «سالومه زوراشویلی» وزیر امور خارجه شد. این خانم دیپلمات در جریان انقلاب به‌عنوان يك زن قهرمان درخشیده و محبوبیت یافته بود.

در اوکراین، به دنبال پیروزی انقلاب نارنجی، «لولیا تیموشنکوف» يك موخرمایی زیبا که دوشادوش «یوشچنکوف» مبارزه مردمی را اداره کرده بود، پاداشی را که استحقاق آن داشت گرفت و نخست‌وزیر شد.

و اینک، در قرقیزستان، روزا اتونبایووا... ای کاش ما هم به جای برنده جایزه صلح نوبل، يك «مرد سوم» داشتیم.

«رزا اتونبایووا» يك موخرمایی کوچک اندام ولی پر تحرك و فرزند چالاك، «مرد سوم انقلاب لاله‌ها» لقب گرفته است. انقلابی که در فاصله چند روز به دوران اقتدار و يکه‌تازی عسگر آقایف در قرقیزستان پایان بخشید و او را وادار به فرار کرد.

«رزا» پنجاه و پنج سال دارد. تحصیلات دانشگاهی خود را در مسکو به‌تمام رسانده است. يك دیپلمات حرفه‌ای است که به‌عنوان نماینده سیاسی کشورش در کانادا و آمریکا خدمت کرده، سفیر قرقیزستان در انگلستان و پیش از آن از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ رئیس کمیسیون اتحاد جماهیر شوروی در یونسکو بوده است. او در محافل بین‌المللی چهره‌ای آشناست و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی جهان را از نزدیک می‌شناسد.

از سال ۱۹۹۷ «رزا اتونبایووا» در خارج می‌زیست و با مجامع بین‌المللی همکاری داشت. از جمله، به‌عنوان معاون و دستیار فرستاده ویژه سازمان ملل به گرجستان رفت و از نزدیک ناظر انقلاب رُزها و سرنوشتی حکومت «شوارد نازده» در آن کشور بود.

او به امید آن که در قرقیزستان نیز تحوّل دموکراتیک را شاهد باشد به وطن بازگشت و خود را برای انتخابات پارلمانی فوریه گذشته کاندیدا کرد. اما حکومت «آقایف» با عجله قانونی را از تصویب گذراند که بر اساس آن کسانی حق انتخاب شدن داشتند که حد اقل از پنج سال پیش در قرقیزستان مقیم بوده باشند. با تصویب این قانون، که هدف آن مشخصاً مانع شدن از ورود اشخاصی چون «رزا اتونبایووا» به پارلمان بود، علاوه بر «رزا» پنج دیپلمات دیگر هم از رفتن به مجلس محروم شدند.

«رزا» وقتی این راه را بسته دید از راه دیگری وارد شد. حزبی تشکیل داد به نام «آتا - پورت». حزب وطن. همراه با حزب خود به اپوزیسیون قرقیزستان پیوست. در جریان تظاهرات مردم برضد انتخابات مخدوش

تعلیلی این زندان در سال جاری، به زندان قزل‌حصار کرج انتقال یافتند. یکی از هم‌پرونده‌های ایوب کریمی که قاسم آبیسته نام داشت، در تاریخ ۱۴ آبان ماه سال جاری در زندان قزل‌حصار کرج اعدام شد.

همچنین سازمان حقوق بشر ایران ضمن محکوم کردن صدور حکم اعدام برای چهار زندانی سیاسی، محسن مظلوم، پژمان فاتحی، وفا آذربار و هژیر فرامرزی، خواهان پاسخ مناسب جامعه جهانی به اعدام‌های بی‌رویه در ایران شد. ازسوی دیگر اکانت «دادبان» که مسائل حقوقی و زندانیان سیاسی را بازتاب می‌دهد، روز شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲ از ملاقات حضوری خانواده رضا رسایی با وی خبر داد.

حکم اعدام رضا رسایی با اتهامات واهی در دیوان عالی کشور تأیید و به اداره «اجرای احکام» ارسال شده است. خطر اعدام جان این زندانی سیاسی را که در جریان خیزش ملی ۱۴۰۱ دستگیر شد، تهدید می‌کند.

در همین ارتباط روز پنجشنبه چهاردهم دی ماه، سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد که رضا رسایی، از بازداشت‌شدگان انقلاب ملی در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه در معرض خطر اعدام قریب‌الوقوع قرار دارد.

روز یکشنبه هم دی ماه، حکم رضا رسایی پس از تأیید در شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور به اجرای احکام دادگاه کیفری کرمانشاه ارجاع داده شده است.

این معترض توسط شعبه ۲ دادگاه کیفری کرمانشاه به چندین اتهام واهی از جمله «مباشرت در قتل عمد» نادر بیرامی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان صحنه، «مباشرت در ایراد جراحات عمدی غیرکشنده غیر منتهی به مرگ»، «تظاهر و قدرت‌نمایی با چاقو» و «اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال» به اعدام (قصاص نفس)، پرداخت دیه، یک سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است.

ازسوی دیگر خانواده پیرفلک و سعیدیان‌جو هرگونه ارتباط مجاهد کورکور با قتل فرزندانشان را رد کرده و مأموران حکومتی را عامل تیراندازی و کشتار ایذه می‌دانند. سازمان حقوق بشر ایران بار دیگر نسبت به افزایش چشمگیر اعدام‌ها در ایران هشدار داده و از جامعه جهانی خواسته است تا هر چه در توان دارند، برای توقف اعدام معترضان، از جمله رضا رسایی و مجاهد کورکور به کار گیرند. در سال ۲۰۲۳ میلادی، تا کنون دست‌کم هفت معترض در ایران اعدام شده‌اند.

همچنین محمد قبادلو، منوچهر مهمان‌نواز و منصور دهمرده که همگی از معترضان در جریان خیزش زن، زندگی، آزادی بوده‌اند، حکم اعدام گرفته‌اند و در خطر اجرای حکم قرار دارند. در همین حال بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، محسن سراوانی که نام وی نخستین بار توسط این سازمان اعلام شد، ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۱ به اتهام همکاری با موساد و «جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده اعم از محرمانه و خیلی محرمانه و سری، از طریق مامورین دولت و در اختیار قراردادن اطلاعات طبقه‌بندی شده به افسر سرویس متخاصم» بازداشت و در دادگاه به اعدام محکوم شد.

آمار سازمان حقوق بشر ایران که گزارش آن در شهریورماه منتشر شد نشان می‌دهد که پس از آغاز اعتراضات سراسری ایرانیان و جنبش «زن، زندگی، آزادی»، طی یکسال اخیر، مقامات جمهوری اسلامی به طرز کم‌سابقه‌ای از مجازات اعدام برای هراس‌افکنی در جامعه استفاده کرده‌اند.

در یکسال بعد از سپتامبر ۲۰۲۲ (ماه آغاز اعتراضات)، دست‌کم ۶۹۷ تن در ایران اعدام شدند. این آمار افزایش ۳۶ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال پیش از آن را نشان می‌دهد. هفت معترض در میان اعدام‌شدگان بودند.

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۷)

ماجرای فرار دادن دو تن از رهبران حزب توده به آلمان غربی

در این ماجرا که به یک فیلم پلیسی - جاسوسی شبیه بود غلامحسین فروتن و

عباس سغایی از شرق به غرب گریختند!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)

بازنشر



حمید شوکت

نگاهی از درون به
جنبش چپ ایران

گفتگو با محسن رضوانی

حمید شوکت

کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پیشین ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است.

در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است.

خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم.

گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

گفت و اطلاعاتی که داشتیم این بود که نارضایتی در سطح گسترده‌ای جریان دارد. خاطر هست آقا بزرگ آپارتمان خوبی داشت با مبلهای چرمی که برای آلمان شرقی نشانه‌ای از رفاه محسوب می‌شد. او وقتی از من و مهرداد پذیرایی می‌کرد گفت: «این مبله‌ها به حزب تعلق ندارد. آنها را با کار و زحمت خودم خریده‌ام.»

● بحث و گفتگوی سیاسی هم داشتید؟

- می‌دانی که آقا بزرگ خیلی محتاط بود. اما وقتی نظارتان را در مخالفت با حزب توده برایش گفتیم، خنده‌ای کرد و گفت: «فکر نکنید فقط شما این حرفها را می‌زنید. اینجا هم خیلی‌ها مخالفند.» و در همین گفتگو از پولاددژ و نظراتش در مخالفت با رهبری حزب توده نام برد.

● در جریان ملاقات با پولاددژ چه گذشت؟

- او از رهبران حزب توده خیلی ناراضی بود و می‌گفت: «آنها يك مشت بوروکرات هستند که در آلمان شرقی لم داده و جیره‌خوارند. به‌تنها چیزی که فکر نمی‌کنند انقلاب است.» بعدها همین حرفها را مکتوب کرد و به کنفرانس دوم سازمان انقلابی که در آذر ۱۳۴۴ (نوامبر ۱۹۶۵) در بلژیک تشکیل شد فرستاد.

● شما چه پیشنهادی به او داشتید؟

- او از خواستیم تا در نشست بعدی سازمان انقلابی شرکت کند که از این پیشنهاد خیلی استقبال کرد، اما هیچ‌گاه نیامد. البته گمان می‌کنم به دلایل شخصی نیامد. او برای گذران زندگی در پراگ خیلی گرفتار بود و کار می‌کرد. اما خود را عضو سازمان انقلابی می‌شناخت و به کنفرانس دوم سازمان که در آذر ۱۳۴۴ (نوامبر ۱۹۶۵) در بلژیک برگزار شد، پیام فرستاد.

● این همان کنفرانسی است که غلامحسین فروتن و عباس سغایی، با جدایی از حزب توده، در آن شرکت کردند. ماجرای فرار آنها و اندکی بعد، آمدن احمد قاسمی به غرب و پیوستنش به سازمان انقلابی موضوعی با اهمیت بود. فرار چند تن از رهبران حزب توده از اردوگاه شرق،

تحلیل می‌برد و بخشی از کوشش ما به‌اجبار صرف حفظ نیرو می‌شد. استبداد و دیکتاتوری حاکم بر ایران شرایطی را تحمیل می‌کرد که خارج از اراده ما وجود داشت و مسأله انتقال به ایران را که تحقق آن در صدر اولویتهای سازمان قرار داشت با مانعی جدی روبرو می‌کرد. این موقعیت دشوار تنها به ما که می‌خواستیم از خارج کشور بر تحولات سیاسی تأثیر بگذاریم مربوط می‌شد. نیروهای انقلابی در داخل کشور نیز زیر تیغ استبداد، آزادی عمل محدودی داشتند.

● به اقداماتی که پس از پایان کنفرانس سازمان انقلابی در آلبانی به آن دست زدیم، بازگردیم. یکی از این اقدامات ایجاد تماس و رابطه با کادرهای ناراضی حزب توده بود. در این زمینه چه می‌گویید؟

- وقتی کار کنفرانس به پایان رسید، پیش از اعزام گروهی به چین، من و کورش لاشایی به شهرهای مختلف اروپا سفر کردیم و مشی و برنامه سازمان انقلابی را برای رفقایی که به جریان چپ گرایش داشتند توضیح دادیم. تماس و گفتگو با اعضا و کادرهای حزب توده نیز جزو برنامه ما قرار داشت. در پیشبرد این هدف با حسین پولاددژ، عضو سابق سازمان افسری که نامش در میان عناصر حزبی از اعتبار خاصی برخوردار بود، ملاقات کردیم. او در پراگ زندگی می‌کرد. در جریان این ملاقات م. ع (دری) که از اعضای حزب توده بود و بعدها به سازمان انقلابی پیوست نیز شرکت داشت.

● پولاددژ طی نامه‌ای از شما خواسته بود با او تماس بگیرید.

- ما از تماسهای قبلی که با کادرهای حزبی توده‌ای در شرق داشتیم اطلاعاتی جسته گریخته پیرامون نظرات پولاددژ کسب کرده بودیم. من مدت‌ها پیش از آن در سفری همراه مهرداد بهار به آلمان شرقی، با بزرگ علوی ملاقات کردم و او در این ملاقات به نارضایتی اعضای حزب نسبت به رهبران اشاره کرد. احساس ما از مطالبی که بزرگ علوی

● پیوستن فروتن و سغایی به سازمان انقلابی ما ضربه‌ای بود بر کمیته مرکزی و باقیمانده دستگاه رهبری حزب توده

محسن رضوانی - در پیشبرد مقاصد انقلابی باید سبک کار صحیح به‌کار برد و قلب حقایق، سبک کار درستی نیست. حرف ما این بود که ملاکان و سرمایه‌داران به مردم دروغ می‌گویند. حال چگونه می‌توانیم در مقیاس کوچکتی به همین روش دست بزنیم. البته می‌توان گفت که این اقدام از لحاظ اخلاقی نادرست است، اما به‌گمان من حتی اگر موفقیت‌آمیز باشد نیز این پیروزی پایدار نخواهد بود.

حمید شوکت - وقتی می‌گویید از لحاظ عملی هم بی‌فایده است، این گمان را ایجاد می‌کند که اگر نتیجه عملی آن بی‌فایده نباشد مجاز است. یعنی نفی آن نه از خاستگاهی اخلاقی بلکه چون نتیجه‌ای منفی ایجاد می‌کند به‌نظرت مذموم است.

- وقتی در يك تشکیلات سیاسی نه تویی داری، نه زرادخانه‌ای و نه پولی و قدرتت تنها با تکیه بر روحیه و ایدئولوژی آدم‌هاست باید شرافتمندانه عمل کنی و در دام این که هدف وسیله را توجیه می‌کند گرفتار نیایی، چرا که در این صورت قطعاً با شکست روبرو خواهی شد.

● آیا این گفته به آن معناست که سازمان انقلابی آنجا با شکست روبرو شد که این اصل را نادیده گرفت؟

- برعکس، من گمان می‌کنم سازمان انقلابی بسیار هم موفق شد. علت شکست ما در درجه اول دشمن قوی و نیروی ضعیف ما بود. سازمان انقلابی تا پیش از انقلاب شمار اعضای هیچ‌گاه از ۱۰۰ نفر تجاوز نکرد و پس از انقلاب و تشکیل حزب رنجبران از ۴۰۰ عضو فراتر نرفت. البته اگر هواداران ما را نیز در نظر بگیریم نیروی قابل ملاحظه‌ای می‌شد. دوم آن که طولانی بودن مبارزه، نیرو و توان ما را

→ **ضربه‌ای بر اعتبار آن حزب به‌شمار می‌رفت. این اقدام چگونه طراحی شد؟**

- من از ماجرا با خبر بودم، اما سازماندهی آن بر عهده حوزه سازمانی ما در شهر کلن بود. منوچهر بوذری این کار را سازماندهی کرد.

● **چگونه پی بردید آنها قصد دارند آلمان شرقی را ترک کنند؟**

- از طریق حسن‌زاده که روزگاری افسر شهربانی و عضو سازمان افسری حزب توده بود. حسن‌زاده با جدایی از حزب توده و پیوستن به ما، در جلسه تدارکاتی مونیخ که به تشکیل سازمان انقلابی انجامید شرکت داشت. او در شهر آخن آلمان زندگی می‌کرد و به‌خاطر سابقه‌ای که داشت، هنوز ارتباطاتش را با برخی از اعضای حزب توده حفظ کرده بود. ما از طریق او با خبر شدیم که در رهبری حزب توده اختلافاتی جدی بروز کرده است. پولاددژ نیز پیش از تماس با ما به سرهنگ نوایی در چین خبر داده بود که رهبران حزب توده اختلافاتی جدی با هم پیدا کرده‌اند. مهدی خانباها تهرانی که آن روزها در بخش فارسی رادیو پکن کار می‌کرد به‌خاطر دوستی و تماسی که با سرهنگ نوایی داشت از این ماجرا با خبر شده بود.

● **فرار آنها چگونه سازماندهی شد؟**

- بچه‌های ما در شهر آخن با حوزه سازمانی در کلن تماس گرفتند و آنها دو نفر از اعضای سازمان به‌نامهای سمیعی و رهنما را یکی دو بار به آلمان شرقی فرستادند تا در تماس با قاسمی، فروتن و سغایی طرح فرارشان را برنامه‌ریزی کنند. سمیعی و رهنما در سفری به آلمان شرقی گذرنامه‌هایشان را در اختیار فروتن و سغایی قرار دادند و آنها با تغییر عکس گذرنامه‌ها به غرب آمدند. سمیعی و رهنما که راهی برای خروج نداشتند خود را به پلیس آلمان شرقی معرفی کردند و مدتها زندانی شدند. از خودگذشتگی آنها کار کوچکی نبود. قاسمی نیز یک ماه بعد موفق شد با کسب اجازه رسمی از مقامات آلمان شرقی آن کشور را همراه با همسر و فرزندانش ترک کند. همه این ماجرا، که بی‌شبهت به داستانهای پلیسی و جاسوسی نبود، به قدرت سازمان انقلابی افزود و بر اعتبار حزب توده لطمه وارد آورد.

● **روایت فروتن از ماجرای فرار خود و سغایی به‌گونه‌ای دیگر است. او با اشاره به رهنما و سمیعی و استفاده از گذرنامه یکی از آنها می‌گوید سغایی با گذرنامه خود به پلیس آلمان شرقی رجوع می‌کند و تحت این عنوان که می‌خواهد گذرنامه‌اش را در آلمان غربی تمدید کند اجازه خروج می‌گیرد. او و سغایی اواخر سال ۱۹۶۵ به‌فاصله یک روز آلمان شرقی را ترک می‌کنند. قاسمی مدتی بعد هنگامی که مورد آزار حزب سوسیالیست متحد آلمان شرقی قرار گرفته بود از آن کشور اخراج می‌شود.**

- من از جزئیات امر بی‌خبرم. همین قدر می‌دانم که رهنما و سمیعی به‌خاطر شرکت در ماجرای فرار آنها مدتی در آلمان شرقی زندانی بودند. فروتن و سغایی شبی که کنفرانس دوم سازمان انقلابی در آذرماه ۱۳۴۴ تشکیل شد به محل کنفرانس رسیدند.

● **در شهر لی‌یژ در بلژیک،**

- در دهکده‌ای نزدیک لی‌یژ. محل کنفرانس را همان رفقای فرانسوی که برنامه سفر مرا به الجزایر تدارک دیده بودند، قبلاً فراهم کردند.

● **آیا پیرامون شرکت فروتن و سغایی در کنفرانس به‌توافق رسیده بودید؟**

- ما فقط پیرامون فرار آنها در هیأت اجرائیه گفتگو کرده و به توافق رسیده بودیم. البته شرکت آنها در کنفرانس نه‌تنها با مانعی روبرو نبود، بلکه باعث خشنودی همه بود. فروتن

عضو هیأت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده و سغایی عضو مشاور کمیته مرکزی و از اعضای هیأت اجرائیه سازمان افسری حزب بود. حضور آنها در کنفرانس معنای پر اهمیت دیگری نیز داشت. فروتن و سغایی به‌نوعی نماینده تمام رفقای بودند که در شرق زندگی می‌کردند و امکان خروج از اردوگاه شوروی و اعلام نارضایتی از حزب توده را نداشتند. پیام پر شور پولاددژ به کنفرانس که نشانه پیوستن واحد حزب توده در پراگ به سازمان انقلابی بود، ضربه دیگری به کمیته مرکزی و باقیمانده دستگاه رهبری آن حزب شمرده می‌شد.

چندی بعد با پیوستن قاسمی، عضو پر نفوذ کمیته مرکزی حزب توده به سازمان انقلابی، روندی که با شورش چند جوان انقلابی در برابر دستگاه رهبری حزب آغاز شده بود، به انتهای خود نزدیک شد.

● **رفتار فروتن و سغایی در کنفرانس چگونه بود؟**

- از همان آغاز کار تنشهایی پیش آمد. آنها خود را رهبران حزب و شاید به‌نوعی رهبران ما می‌دانستند.

● **حق داشتند. شما خود را سازمان انقلابی حزب توده خوانده بودید و پاره‌ای از آن تشکیلات می‌دانستید.**

- ما رهبری حزب توده را رد کرده بودیم. هر کس می‌آمد باید افکار قدیمی را دور می‌ریخت و آدم جدیدی می‌شد.

● **اگر چنین بود چرا فروتن را به عضویت در هیأت**

- این خط آنها بود که حاکمیت پیدا کرد. ما نظراتشان را در این زمینه با تردیها و تبصره‌هایی پذیرفتیم.

● **چرا؟**

- چون برای کنفرانس، تدارک تئوریک ندیده بودیم و مسأله ما بازگشت به ایران بود.

● **اما این آمادگی را داشتید تا آن نظرات را بپذیرید. عنوان سازمان انقلابی حزب توده برای این تشکیلات جدید، انتخابی پر معنا بود. شما با حزب توده نبودید، اما خود را جریان انقلابی آن می‌دانستید که وظیفه احیای حزب را بر عهده دارد.**

- این یکی از مسایلی مورد اختلاف ما در کنفرانس بود. ما در فکر ایجاد حزب طبقه کارگر ایران بودیم.

● **این ادعا به‌حکم اسناد سازمان انقلابی درست نیست. شما تا مدتها پس از کنفرانس لی‌یژ نیز از ضرورت احیای حزب طبقه کارگر در ایران سخن می‌گفتید. حتی در اعلامیه اخراج قاسمی، فروتن و سغایی نیز که یک سال بعد در آذرماه ۱۳۴۵ انتشار یافت صحبت از احیای حزب طبقه کارگر ایران کرده‌اید. روشن است که این انتخاب فراتر از یک بحث آکادمیک بود. تأکید بر ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر به معنای نفی حزب توده و باهمال نفی قاسمی، فروتن و سغایی به‌عنوان رهروان طبقه کارگر بود. حال آن که نظریه احیای حزب طبقه کارگر به گذشته آنان حقانیت**



بزرگ علوی

می‌بخشید. اگر حزب توده از همان آغاز - چنان که بعدها ادعا کردید - حزبی خرده بورژوازی بود، آن وقت تکلیف هر سه آنها روشن بود. حال آن که پذیرش گذشته کارگری آن حزب به آنان موقعیتی ممتاز می‌بخشید. موقعیتی که در آن بریدن از دستگاه رهبری حزب توده و پیوستن به سازمان انقلابی، نشانه تداوم و پافشاری آنان بر آمال و افکار پرولتری به‌شمار می‌آمد.

- اختلافات ما در کنفرانس نیز آشکار بود. ما در پی سازماندهی جریان نوینی بودیم که اعضای حزب توده نیز می‌توانستند در آن عضویت داشته باشند به‌شرط آن که افکارشان را نوسازی کنند.

● **مسأله نوسازی افکار مربوط به این دوره نیست. این اصطلاح پس از «انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریایی چین» باب شد و ذهنیت معینی را با خود به همراه**

اجرائیه انتخاب کردید؟

- فروتن آدم کمی نبود. او در کنفرانس پیرامون نقشی که در ماجرای فرار رهبران حزب توده از زندان در سال ۱۳۲۷ ایفا کرده بود، توضیحاتی داد که همه تحت تأثیر قرار گرفتند. سغایی نیز به‌عنوان عضو سابق هیأت اجرائیه سازمان افسری مورد احترام ما بود. هر چه کمیته مرکزی حزب توده بدنام و بی‌اعتبار بود، سازمان افسری حتی در میان کسانی که توده‌ای نبودند از وجهه و ارزش خاصی برخوردار بود. فروتن و سغایی هر دو اعتقاد داشتند که پایه حزب توده در ایران دارای قدرت است و حزب همچنان طبقه کارگر ایران را نمایندگی می‌کند.

● **شما هم چنین اعتقادی داشتید؟**

- ما چنین اعتقادی نداشتیم.

● **پس چرا می‌خواستید حزب توده را احیا کنید؟**

←

➔ **آورد.** شما حتی در شماره ویژه‌ای که به مناسبت ۱۶ سال مبارزه سازمان انقلابی پس از انقلاب انتشار دادید و گزارشی از کنفرانس لیژ نیز به‌دست می‌داد اشاره‌ای به این مقوله نکردید.

- فروتن در کنفرانس لیژ، به‌عنوان ثنورسین، هنگام ارزیابی گذشته حزب توده معتقد بود آن حزب، حزبی موفق بوده که با اشکالاتی نیز روبرو بوده است. این که با مغز خود نمی‌اندیشیده و از شوروی دنباله‌روی کرده است. اما در گسترش فرهنگ در ایران، در اشاعه مارکسیسم، در برپایی اتحادیه‌های کارگری و بسیج مردم نقشی ممتاز ایفا کرده است. فروتن و سغایی هر دو معتقد بودند از شوروی دنباله‌روی کرده‌اند.

● شما جز این می‌گفتید؟

- ما معتقد بودیم حزب توده رفرمیست بوده است. می‌گفتم درگیر مبارزات پارلمانی و شرکت در انتخابات مجلس شده است و فروتن استدلال می‌کرد که احزاب انقلابی کارگری نیز در انتخابات مجلس شرکت کرده‌اند.

● **با اختلافاتی که از آن صحبت کردی، هنوز روشن نیست چرا فروتن را به عضویت در هیأت اجرایی انتخاب کردید؟**
- فروتن و سغایی و بعدها قاسمی که به ما پیوستند برایمان از احترام خاصی برخوردار بودند. آنها از رهبران قدیمی و با تجربه حزب بودند و در مقابل دستگاه کمیته مرکزی، آن هم در شرایط خفقان‌آمیز آلمان شرقی، قد علم کرده بودند. این اقدام کار ساده‌ای نبود و می‌توانست مخاطراتی جدی برایمان به‌همراه داشته باشد. آنها با آمدن به غرب، به تمام امکاناتی که در اردوگاه سوسیالیستی داشتند پشت پا زده و به آینده‌ای نامعلوم روی آورده بودند. اقدام آنها با هر معیاری قابل ستایش بود.

در جریان کار کنفرانس، فروتن پلاتفرمی را به‌عنوان احیای حزب طبقه کارگر برای تصویب ارائه کرد. او اشاره کرد که این پلاتفرم نظر قاسمی نیز هست و اصولاً قاسمی بر این نظر است که نشست ما بر پایه آن بنا شود.

● نظرات شما چه بود؟

وقتی این مطلب عنوان شد، چند نفر از ما مخالفت کردند و بقیه یا سکوت کردند و یا گفتند «این رفقا تجربه دارند، باید نظراتشان را پذیرفت.» در این میان، پیام پولادژ به کنفرانس خوانده شد. او ضمن انتقادی تند به رهبران حزب توده، با پیوستن آنها به ارگانهای رهبری سازمان انقلابی برای چند سال آینده مخالفت کرده بود. فروتن وقتی این حرفها را شنید و خود را با مخالفتهایی روبرو دید پلاتفرم را پس گرفت.

● در کنفرانس لیژ چند نفر شرکت کردند؟

- ۱۸ نفر. من، بیژن حکمت، کورش لاشایی، محمود مقدم (خان) و غلامحسین فروتن به‌عنوان اعضای هیأت اجرایی انتخاب شدیم. اعضای مشاور هیأت اجرایی عبارت بودند از: منوچهر بوذری، سیاوش پارسانژاد، م. ع (دری) و ه. ق. کنفرانس همچنین تصمیم گرفت تا نشریه «توده» را به‌عنوان ارگان سازمان منتشر کند.

● آیا انتخاب عنوان «توده» برای ارگان سازمان انقلابی را می‌توان نشانه پیوستگی شما با حزب توده قلمداد کرد؟

- این پیوستگی زمینه مادی نداشت. اگر چیزی بود، خاطره آن حزب بود. شاید از این بابت که به‌جلب پایه‌های حزب در داخل و خارج کشور به این تشکیلات جدید دل بسته بودیم، بر عناوینی که نشانی از نام آن حزب داشت پای می‌فشرديم.

● **با آمدن قاسمی به غرب، دامنه اختلافات شما با آن سه نفر چرخشی تند به خود گرفت. زمینه این اختلافات چه بود؟**

- وقتی قاسمی به غرب آمد، جلسه‌ای با حضور او و اعضا

و مشاوران هیأت اجراییه در یکی از کافه‌های پاریس تشکیل شد. پیش از تشکیل جلسه، هیأت اجراییه دستور کاری را در ۹ نکته تنظیم کرده بود که باید مورد شور و تصویب قرار می‌گرفت. من رئیس جلسه بودم و وظیفه داشتم گزارش کار هیأت اجراییه را ارائه دهم.

● پیش از آن قاسمی را ندیده بودی؟

- نه، این نخستین دیدار بود. وقتی جلسه شروع شد به‌خاطر احترام به قاسمی گفتم: «رفیق قاسمی، پیش از آن که شروع به کار بکنیم، اگر نکته‌ای دارید طرح کنید.» قاسمی گفت: «پیش از ارائه گزارش هیأت اجراییه پیشنهاد می‌کنم یک بند جدید به دستور کار جلسه اضافه کنید و آن تقسیم کار جدید است.»

● منظور شما چه بود؟

- گفت فروتن با شرکت در کنفرانس لیژ به‌عضویت در هیأت اجراییه انتخاب شده است. او نیز اگر فرصت می‌یافت در آن کنفرانس شرکت کند، الان عضو هیأت اجراییه بود. همین دعوت از او برای شرکت در این جلسه نیز بیش و کم چنین معنایی دارد. حزب توده، حزبی بزرگ و سازمان انقلابی بخشی از آن است و این که او رسماً در هیأت اجراییه سازمان انقلابی عضویت ندارد، تنها و تنها یک مسأله تکنیکی است که به تاریخ خروج او از آلمان شرقی مربوط می‌شود.

در مقابل اظهارات قاسمی، فروتن و سغایی سکوت کردند و ما اعتراض کردیم. واقعاً چگونه ممکن بود سازمان انقلابی ادامه حزب توده باشد، هنگامی که کسانی چون محسن رضوانی و کورش لاشایی که سابقه مبارزه با کمیته مرکزی حزب را داشتند در رهبری آن قرار داشته باشند.

قاسمی گفت این داستان موقتی است. اگر آنها نیز در غرب بودند شاید این مبارزه را به همین خوبی یا بهتر از ما پیش می‌بردند و اضافه کرد: «شما دو سه سال کارها را خوب پیش برده‌اید، اما ما ادامه حزب توده و سنن پر افتخار آن هستیم.»

خاطرم هست کورش که همواره نرمش به‌خرج می‌داد در این جلسه ایستاد و در پلمیک با قاسمی هیچ کوتاهی نکرد. او در پاسخ به اظهارات قاسمی گفت: «هیچ چنین چیزی نیست. ما در کنفرانس لیژ به‌عضویت در هیأت اجراییه انتخاب شده‌ایم و تا کنفرانس بعدی به وظایف خود ادامه خواهیم داد. در این جلسه قرار است تقسیم کار صورت گیرد و به شما نیز وظیفه‌ای محول خواهد شد. در کنفرانس بعدی سازمان که انتخاب هیأت اجراییه جدید در دستور کار قرار گرفت می‌توانید تقاضای خود را مبنی بر عضویت در رهبری سازمان طرح کنید.»

● واکنش قاسمی چه بود؟

- عقب‌نشینی کرد و بند پیشنهادی او را کنار گذاشتیم. در مقابل قرار شد بندی به دستور جلسه اضافه شود که آن سپردن وظیفه‌ای به قاسمی بود. این تصمیم تا آنجا که به روند کار مربوط می‌شد، شکستی برای قاسمی بود. اما ما را نیز با نکته‌ای روبرو کرد و آن این که تازه متوجه شدیم با دست خودمان چه کاری برای خود درست کرده‌ایم.

در پایان کار این جلسه فروتن مسؤول انتشارات شد و قرار شد قاسمی زیر دست او کار کند. سغایی نیز عضو هیأت تحریریه بود. با این کار انتشار «توده» را در دست گرفته بودند. حضور فروتن در هیأت اجراییه نیز وزنه آنها را تقویت می‌کرد.

● شما چگونه این را پذیرفتید؟

- ما هنوز آن قدرها به کار انتشاراتی اعتقاد نداشتیم و حواسمان دنبال سازماندهی و انتقال به ایران بود. (ادامه دارد)

نیاز نظام به صف رأی و بی‌حجابی به عنوان تبلیغ انتخاباتی! فعلاً همه خوبند، حتی آنها که حجاب اجباری بر سر نمی‌کنند!

● با نزدیک شدن به روزهای انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی مقامات نظام و در راس آنها علی‌خامنه‌ای با نرمشی عاجزانه ادعا می‌کنند همه خوبند، حتی آنها که حجاب اجباری بر سر نمی‌کنند!

● علی‌خامنه‌ای صبح روز سه‌شنبه ۲۶ دی ماه در دیدار نمایندگان ولی‌فقیه و ائمه جمعه سراسر کشور در ادامه تأکیدهای اخیرش بر لزوم شرکت در رأی‌گیری افزود: «حضور در انتخابات صرفاً تکلیف نیست حق مردم است.»

● سخنگوی شورای نگهبان روز یکشنبه ۲۴ دی ماه در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی در مورد رأی‌گیری از افراد بی‌حجاب گفته بود: «حق رای از افراد بی‌حجاب سلب نشده، رهبری هم همه را به انتخابات دعوت کرده است.»

رهبر جمهوری اسلامی ادعا کرد: «مردم ما مردمی خوب و مومن هستند حتی آنها که برخی ظواهر شرعی را مراعات نمی‌کنند.»

با نزدیک شدن به روزهای انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی مقامات نظام و در راس آنها علی‌خامنه‌ای با نرمشی عاجزانه ادعا می‌کنند همه خوبند، حتی آنها که حجاب اجباری بر سر نمی‌کنند!

علی‌خامنه‌ای صبح روز سه‌شنبه ۲۶ دی ماه در دیدار نمایندگان ولی‌فقیه و ائمه جمعه سراسر کشور در ادامه تأکیدهای اخیرش بر لزوم شرکت در رأی‌گیری افزود: «حضور در انتخابات صرفاً تکلیف نیست حق مردم است.»

مقامات جمهوری اسلامی در حالی که مردم با اعمال انواع رفتارهای سختگیرانه و محرومیت از داشتن حق انتخاب سبک زندگی و حق انتخاب پوشش و حق انتخابات آزاد محروم هستند از سوی دیگر ادعا می‌کنند که می‌توانند با پوشش انتخابی خود آزادانه در انتخابات نمایشی شرکت کنند و رای بدهند. نظام بار دیگر به صف مردم نیاز دارد.

از جمله سخنگوی هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز یکشنبه ۲۴ دی ماه در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی در مورد رأی‌گیری از افراد بی‌حجاب گفته بود: «حق رای از افراد بی‌حجاب سلب نشده، رهبری هم همه را به انتخابات دعوت کرده است.»

در شرایطی که محدود ساختن زنان و «محرومیت اجتماعی» آنها بسیار گسترده است و حتی در فرودگاه‌ها نیز از سفر آنها جلوگیری می‌شود، سخنگوی شورای نگهبان در سخنانی متناقض ادعا کرده است که «از موضوع حجاب در انتخابات دوقطبی‌سازی نشود؛ اینها دوقطبی‌سازی‌های کاذب است!»

در واقع اکنون نه حجاب بلکه بی‌حجابی در

باندی بر سر قدرت و غارت تاکید دارند. آنها تصور می‌کنند ایرانی‌ها فراموشکار هستند، آنها تصور می‌کنند که مردم ایران اعدام‌ها، شکنجه غیرنظامیان و تیراندازی به معترضان را فراموش کرده‌اند.

اینهمه در حالیست که انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در خرداد ۱۴۰۰ با کمترین میزان مشارکت برگزار شد ضمن اینکه آرای باطله در جایگاه دوم پس از سیدابراهیم رئیسی قرار گرفت و با احتساب آرای که به صندوق ریخته نشد، در واقع خود رئیسی نیز کمتر از آرای تحریمی و باطله قرار

وی موضوع حجاب را «شگرد دیگری برای خالی کردن میدان دانسته و گفته بود: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.»

تا ۱۱ اسفندماه تقریباً دو ماه به برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی مانده و جمهوری اسلامی در پی کاهش شدید مشارکت در انتخابات پیشین مجلس و ریاست جمهوری، به دنبال اعتراض‌های سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۱ از هر ترفندی برای داغ کردن تنور انتخابات

بازی‌های انتخاباتی جمهوری اسلامی به ابزار تبلیغاتی برای دعوای سیاسی تبدیل شده است. روزنامه جوان در این ارتباط ادعا کرد: «آیا چون بی‌حجاب حق رأی دارد، نباید با عمل مجرمانه او برخورد کرد یا، چون با عمل مجرمانه او برخورد کردند، پس حق رأی را هم از او بگیرند و بگویند نمی‌توانی رأی بدهی؟»

در همین حال روزنامه «هم‌میهن» با انتشار گزارشی به این موضوع پرداخت و نوشت: «جالب آن است که اگر زنان برای رسیدن به صندوق‌های رأی از مترو استفاده کنند با تذکر



رأی آورد. اصلاح‌طلبان رژیم در آن انتخابات کمترین آرا را به دست آوردند و به «۳۰ درصدی‌ها» معروف شدند.

با اینهمه حالا رهبر جمهوری اسلامی، آتهم پس از خیزش ملی ۱۴۰۱ و کشتار و بازداشت و اعدام معترضان در سطح گسترده، خواستار «حضور مردم» در انتخابات نمایشی ۱۱ اسفند شده است. همزمان زنان مخالف حجاب اجباری نیز ضمن تهدید، جریمه، توقیف اتومبیل و انواع توهین‌ها و مزاحمت‌ها نه تنها از خدمات اجتماعی محروم می‌شوند بلکه حتی نمی‌توانند در اورژانس بیمارستان بستری شوند! با وجود این مقامات نظام از حالا برای شرکت آنها در انتخابات نمایشی تبلیغ می‌کنند و از آنها نیز می‌خواهند که به پای صندوق‌های رأی بروند.

گفتنی است که از سال‌ها گذشته همواره از چند هفته به رأی‌گیری برخی بگیر و ببندها و توجه به حجاب اجباری شل می‌شود و همزمان شماری زندانی نیز آزاد می‌شوند تا صف‌های رأی‌گیری تأمین شود و بعد دوباره روز از نو روزی از نو! سرکوب با شدتی بیش از گذشته ادامه می‌یابد. به همین دلیل هم برخی اظهارات خامنه‌ای و امثال سخنگوی شورای نگهبان را بیانگر نرمشی مقطعی در برابر مخالفان حجاب اجباری با هدف افزایش نرخ مشارکت در انتخابات ارزیابی کرده و آن را جزو سیاست دوگانه‌سازی رژیم از جمله در ارتباط با حجاب می‌دانند.

بهره می‌گیرد. اما انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی جان شهروندان را به لب رسانده و تمایل به شرکت در انتخابات را به پایین‌ترین میزان مشارکت رسانده است. در همین ارتباط خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز شنبه گزارش داد که بر پایه نتایج ۴ نظرسنجی که توسط ۴ موسسه جداگانه در فاصله ۲ تا ۳ ماه قبل از انتخابات ۱۱ اسفند امسال انجام شده، نرخ مشارکت به ۴۰ درصد رسیده است. در سال‌های اخیر به دنبال اعتراضات سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۱، مشکلات شدید اقتصادی، سرکوب گسترده منتقدان و نظارت استصوابی شورای نگهبان، مشارکت مردم ایران در انتخابات به شدت کاهش یافته و این موضوع به بحران مشروعیت حکومت جمهوری اسلامی دامن زده است.

در همین شرایط و همزمان با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی، مقامات جمهوری اسلامی که برای تشویق مردم به حضور در انتخابات حتی بر حضور زنان بدون حجاب هم تأکید می‌کنند، در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی به نام «سلام صبح بخیر» که تا پیش از این با مجری زن چادری گردانده می‌شد، اینبار با اجرای ژیلآ صادقی و با پوششی متفاوت پخش شد. با اینهمه حتی خودی‌های نظام جمهوری اسلامی هم به افتضاح و ابتذال نمایش این انتخابات در جنگ و دعوای

حجاب‌بان‌ها روبرو می‌شوند. اگر قرار باشد با خودروی شخصی پای صندوق‌های رأی بروند، جریمه و شاید توقیف شوند و در خیابان هم تذکر بسیاری می‌گیرند. فارغ از فراز و نشیب‌هایی که زنان بی‌حجاب برای رسیدن به صندوق‌های رأی طی می‌کنند، مجبورند به افرادی رأی بدهند که به اجرای مصوبه حجاب و عفاف اصرار داشتند، چرا که برخی از نمایندگان مجلس یازدهم بر این عقیده‌اند «با اعتراض به این مصوبه است که رد صلاحیت شده‌اند و آنهایی که از مصوبه حمایت کردند، تایید صلاحیت.» در حقیقت انتظار می‌رود افرادی که حجاب اختیاری دارند به افرادی رأی دهند که جریمه‌های سنگین، محدودیت و محرومیت‌هایی برای آنها وضع کرده‌اند.» در ادامه این گزارش آمده است: «حالا بی‌حجاب‌ها که به زعم مصوبه «حجاب و عفاف» قانون‌گریزند، با وجود قانون‌ستیزی هم می‌توانند با حجاب اختیاری پای صندوق‌های رأی بروند و رأی بدهند تا در سرنوشت خود شرکت کنند. اما این مشارکت در واقعیت و پس از انتخابات به معنای جراثم سنگین مالی، محرومیت از برخی خدمات و حتی اخراج از ادارات است.»

رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی روز ۱۹ دی نیز برای چندمین بار در کمتر از یک ماه گذشته بخش اعظم یک سخنرانی خود را به موضوع مشارکت مردم در انتخابات اختصاص داده بود.

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۷) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

جمهوری اسلامی بیش از همه از قدرت مردم می‌ترسد

● من مخالف نیستم... منتها می‌دانید موضوع سر همان است که ریگان می‌گفت که حاضر نیست با تروریست‌ها مذاکره کند. شما نمی‌توانید با افراطیون مذاکره کنید. خیلی مشکل است که بتوان با آنها پشت یک میز نشست. بگذارید این سؤال را بپرسم: آنها از چه می‌ترسند؟ در کدام نقطه است که بیش از همه احساس ضربه می‌کنند؟ من درباره خامنه‌ای، رئیسی، آیت‌الله‌ها، ملاها در ایران می‌پرسم. آنها در ایران از چه چیز بیشتر از همه می‌ترسند؟ از مردم؟ از فرقه‌های مشخص؟ آنهم در جایی که فقط ۷.۳ درصد از ایران جزو نیروی مسلح است و اگر آن جمعیت بخواهد کاری با حکومت بکند، آنها فقط ۷.۳ درصد هستند... اینجا در آمریکا ما بیش از تعداد جمعیت مان اسلحه داریم. یعنی اگر ۳۴۰ میلیون جمعیت داشته باشیم، ۳۹۰ میلیون اسلحه در آمریکا داریم. اما در ایران این را ندارند. آیا مردم می‌خواهند که تحریم‌ها بیشتر شود؟ آنطور که سی‌ان‌بی‌سی نوشته این شش فودار تحریم‌های ترامپ و اواما را نشان می‌دهد که اواما آنها را لغو کرد. [مایش فودارها] فودار اول آخرین رشد اقتصاد ایران را در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد [یک سال پس از روی کار آمدن ترامپ]. چون اواما تحریم‌های ایران را تا رسیدن به توافق اتمی [برجام] در سال ۲۰۱۵ تشدید کرده بود. پس از رسیدن به توافق، اواما تحریم‌ها را آزاد می‌کند و می‌بینید که در سال ۲۰۱۶ اقتصاد رونق گرفته و فودار بالا می‌رود. بعد ترامپ می‌آید و از توافق اتمی ۲۰۱۵ خارج می‌شود. به طرز چشمگیری سطح کل تولید ناخالص ملی سقوط می‌کند و پس از آن هم بایدن می‌آید و او هم تحریم‌ها را ول می‌کند و فودار بالا و پایین می‌رود. در فودار بعدی می‌بینید که تحریم‌ها چه اثری بر ایران داشته. صادرات نفت پس از اعمال تحریم‌های جدید کاهش یافته. به این ترتیب، توافق هسته‌ای امضا شد و در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ صادرات نفت افزایش یافت. ترامپ دوباره تحریم‌ها را اعمال کرد و دوباره بطور چشمگیری تعداد بشکه‌های میلیونی در روز کاهش پیدا کرد. در فودار بعد، تجارت ایران روند نزولی داشت و حتا پس از سال ۲۰۱۷ بدتر شد. به هر حال این مدت بدترین وضعیتی است که رژیم در چند دهه

گذشته داشته و برای آنها بسیار مشکل‌ساز شد. در فودار بعدی، میزان تورم را می‌بینید که حتا گفته شد که ۵۵ درصد است. نرخ بیکاری دوباره ۱۲ درصد افزایش یافت. فودار بعدی کسری بودجه ایران را نشان می‌دهد که از قرار معلوم بیشتر هم خواهد شد. حالا اگر به سال ۲۰۱۱ برگردید که هنوز اوضاع بد نبوده؛ و بعد نگاه کنید طی ۲۰۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ چه اتفاقی می‌افتد. کسی حتا نمی‌خواهد شرکت‌اش به این حال و روز بیفتد. کسی نمی‌خواهد حساب بانکی‌اش به این شکل باشد. در آمریکا و یا در ایران نمی‌خواهید که دولت شما این وضعیت را داشته باشد! حالا، آیا آنها بیشتر از همه از مردم می‌ترسند؟ آیا از تحریم‌ها می‌ترسند؟ آیا از زنان بیشتر از همه می‌ترسند؟ از جوانان می‌ترسند؟ از کردها وحشت دارند؟ از چه کسی بیشتر از همه می‌ترسند؟ می‌دانید، این یکی از راه‌های تحمیل آسیب به رژیم برای ایجاد تغییر است.

دولت آمریکا کار می‌کنند. بنابراین، اینها چیزهایی هستند که ترس را در ذهن آنها ایجاد می‌کند وقتی ببینند که جهان واقعاً این موضوعات را جدی می‌گیرد و آنان را از داشتن این اهرم‌ها در خارج کشور محروم می‌کند. اما در مورد مؤلفه داخلی چطور؟ آنها بیش از هر چیز از مردم می‌ترسند. چرا می‌روند و سعی می‌کنند دختران را در مدارس مسموم کنند؟ چرا می‌روند و به صورت مردم شلیک می‌کنند؟ چرا نیروهایی را برای کشتن کردها اعزام می‌کنند؟ من دارم از توپ و تانک علیه شهروندان خودشان صحبت می‌کنم. آنها بیش از همه از مردم می‌ترسند، اما تا زمانی که می‌بینند به مردم ایران کمک نمی‌شود یا از آنها حمایت و پشتیبانی نمی‌شود، فکر می‌کنند که هنوز فرصتی برای خرید زمان و سوء استفاده از برخی سیاست‌های ضعیف دولت‌های خارجی در مقابل آنها دارند. بنابراین آنچه در اینجا می‌خواهم بگویم این است که در حالی که شما می‌توانید با وارد کردن عناصر بیشتری در محدود کردن توانایی رژیم برای سرکوب در داخل و تهاجم در خارج، فشار حداکثری را افزایش دهید، باید به موازات آن یک سیاست حمایت حداکثری از مردم را پیش ببرید. این سیاست حمایت حداکثری به معنی اینست که شما فرصت‌های بیشتری برای مردم به وجود آورید تا از درون فشار بیاورند. ترکیبی از این دو سیاست [فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مردم] بیش از هر چیزی می‌تواند به پیروزی مردم در نهایت کمک کند. اما رژیم هم بی‌عقل نیست. حتا در زمان «جنش سبز» که هدفش بسیار کمتر از آن چیزی بود که امروز مردم ایران می‌خواهند، نقشه خامنه‌ای آماده بود تا او را به خارج از تهران منتقل کنند آنهم روزها پیش از آنکه در نهایت شروع به جمع کردن نیرو کند.

آنها در این مورد به شدت دچار پارانویا هستند و فقط روی این حساب می‌کنند که چنان وضعیتی ادامه پیدا نکند. راه حل‌شان همیشه این بوده. اما اگر بخواهم یکی از مواردی را که همیشه از آن انتقاد کرده‌ام، درباره نقض اساسی در سیاست خارجی اکثر دولت‌های غربی مطرح کنم، کشورهای اروپای غربی و البته ایالات متحده، اینست که همه سیاست تحریم‌ها مبتنی بر پیش‌فرض نادرست تغییر رفتار رژیم به عنوان حاصل این سیاست بود. انگار که این رژیم

من فکر می‌کنم کمی از هر کدام این مواردیست که شما توضیح دادید، زیرا فرض کنید اگر رویکردهای موازی را در نظر بگیرید، مثلاً برای مدتی روی کمپین فشار حداکثری در چارچوب انواع تحریم‌های متمرکز کنیم که می‌توانند اجرا شوند. باید بگویم که برخی تحریم‌های وضع شده واقعاً اجرا نشده و به همین دلیل رژیم به درآمد نفتی بیشتری دسترسی یافته و گرنه نمی‌بایست این درآمد را می‌داشت. اما، می‌دانید، باز هم، این نتیجه سیاست‌های دولت فعلی [بایدن] است، اما مجموعه‌ای دیگری از اقدامات هست که آنها می‌توانند انجام دهند که بخشی از آن به اجرای کارزار تهاجمی حکومت در خارج کشور برمی‌گردد. این یک واقعیت است که با آن برخورد نشده؛ به عنوان مثال، خامنه‌ای دفاتری در انگلستان دارد که به عنوان مراکز توزیع پول عمل می‌کنند که انواع فعالیت‌های آن از جمله یهودستیزی را در داخل کشور تأمین مالی می‌کند یا مثلاً روزنامه‌نگاران را تهدید می‌کند؛ اینها فقط چند نمونه است و من مطمئن هستم که آنها تشکیلات مشابهی در کانادا و ایالات متحده و غیره دارند که فعالیت می‌کنند. ما سیاستی را ندیده‌ایم که در عمل به این عناصر مرتبط با رژیم که این عملیات پولشویی را انجام می‌دهد توجه کرده باشد. کسانی که با افرادی مرتبط هستند که به لحاظ کیفی مسئول بسیاری از اقدامات تبهکارانه هستند و در حال حاضر آزادانه در خیابان‌های آمریکا پرسه می‌زنند. برخی از آنها حتی برای

احتمالاً می‌تواند رفتار خود را تغییر دهد و تبدیل به آدم‌های خوبی شود که پشت میز نمی‌نشینند و منطقی مذاکره می‌کنند. از اول این یک توقع نادرست بود صرف نظر از اینکه گاهی رویکرد هویج و چماق هم بود اما نتیجه نداد فقط به این دلیل که در دی‌ان‌ای این رژیم نیست که قادر به همزیستی با جهانی باشد که از آزادی و حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک صحبت می‌کند.

این یک رژیم توتالیتر است بر اساس دیدگاه خودش که مبتنی بر صدور یک ایدئولوژیست. این یک رژیم فاشیست است و از نظر شیوه برخورد با شهروندان، شباهت به نازی‌ها نیست. این یک رژیم نژادپرست است از نظر شیوه رفتار با اقوام دیگر شبیه آنچه در آپارتاید [آفریقای جنوبی] داشتیم. چیزی که اتفاقاً برای من جالب است اینکه جهان آزاد به جنگ با روسیه کمونیست رفت و در پایان پیروز شد. ما مجبور شدیم برای شکست نازی‌ها به جنگ برویم. شما برای حذف و پایان دادن به آپارتاید فشار آوردید. هر کدام از اینها سیستم‌های جداگانه‌ای بودند. اما اگر به رژیم ایران نگاه کنید، هر سه این موارد است! از یک جهت توتالیتر است مانند آنچه اتحاد جماهیر شوروی بود؛ فاشیست است مثل آنچه رژیم هیتلری بود. نژادپرست است به همان شکلی که آفریقای جنوبی بود. و با این حال، هیچ کاری در مورد آن انجام نشده است. این کمی عجیب است.

● منظورتان چیست هیچ کاری در مورد آن انجام نشده؟

مثل این است که این وضعیت [در ایران و جمهوری اسلامی با همه ویژگی‌هایش] یک امر بدیهی است و همه باید آن را بپذیرند و پشت این استدلال پنهان شده‌اند که بیایید با میانه‌روها وارد صحبت شویم. می‌خواهم شما را به این موضوع برگردانم که چرا رژیم از مردم می‌ترسد. زیرا اولین نشانه‌ای که جهان فکر می‌کرد خوب و واقعی است این بود که وعده‌ی اصلاحات داده شد. همه چیز از زمانی شروع شد که خاکی در صحنه حضور یافت یا وارد صحنه شد. اولین موج جوانان ایران که به آنها وعده اصلاحات داده شد با تقریباً ۲۲ میلیون رای پشت او ایستادند. یک سال پس از آنکه خاکی، که از سوی غرب به عنوان عامل تغییر و اصلاح در ایران تلقی می‌شد، به وعده‌هایش در مبارزه انتخاباتی‌اش عمل نکرد، اولین موج جوانان ایرانی که به او اعتراض کردند دانشجویانی بودند که از خوابگاه خود بیرون رانده شده و به دست عناصر رژیم کشته شدند.

یک نسل بعد، در جریان «جنبش سبز» بیش از ۲ میلیون نفر در خیابان‌های ایران بودند و شعار می‌دادند «اوباما اوباما یا با اونا یا با ما!» اتفاقاً این پاسخی به کسانیکست که می‌گویند اوه! ما نمی‌خواهیم درگیر شویم وگرنه ما را متهم به دخالت در مسائل داخلی می‌کنند. ولی این مردم ایران بودند که از اوباما می‌خواستند موضع خود را اعلام کند! اینکه چرا اینطور شد یک داستان متفاوت است، اما حداقل این خواسته مردم بود و رژیم از این می‌ترسید که نکند احتمالاً جهان برای کمک به مردم ایران بیاید.

اکنون ما در مورد نسل مهسا امینی صحبت می‌کنیم و جنبش «زن زندگی آزادی». هر زمان و با هر نسل، رژیم مجبور بود آنها را به شدت سرکوب کند. پس این نشانه ضعف است نه قدرت. چرا باید بروند و مردم را در این سطح سرکوب کنند؟ چرا نمی‌روند و بدون اینکه بترسند بگویند بسیار خوب، ما به رای شما احترام می‌گذاریم؟ آنها از روز اول نمی‌توانستند چنین کاری بکنند. بنابراین عامل ترس آنها از طرف خود مردم است.

اما مسئله بر سر هم‌سطح کردن زمین بازی است و توانمند ساختن کمپین نافرمانی مدنی و بدون خشونت که بسیار

مهم است زیرا اگر به درگیری داخلی برسد، همه چیز بهم می‌ریزد و تکرار یک دور باطل و بی‌پایان از انتقام و تلافی‌جویی خواهد بود. این راهش نیست. اما در عین حال نمی‌توانید مردم را بی‌دفاع نگه دارید، راه‌هایی وجود دارد که جهان می‌تواند با اعمال فشار بیشتر بر رژیم به ما کمک کند، البته مشروط بر اینکه دیگر برای تغییر رفتار [رژیم] و حفظ وضعیت موجود نباشد. اما خلاص شدن از سر مار که عامل اصلی [تنش] منطقه بوده، نه با دخالت خارجی، بلکه با خواست ملتی است که می‌خواهد خود را آزاد کند و ارتش طبیعی شما در خود کشور و با منابعی است که حتی یک دلار برای مالیات‌دهندگان این یا آن کشور فشار نمی‌آورد تا بگویند اوه باز هم مجبوریم در منطقه وارد ماجرای شویم که قبلاً چند بار شکست خورده از جمله در افغانستان و عراق؛ در مورد ایران بسیار متفاوت است. دارایی‌هایی وجود دارد که بتوان از آن استفاده کرد؛ اگر واقعاً می‌خواهید به آنها کمک کنید تا با حمایت مالی به سازماندهی اعتصابات کارگری بپردازند که سریع‌ترین راه برای فلج کردن رژیم است.

● به همین دلیل من در مورد محمد بن سلمان پرسیدم. اتفاقاً برای کسی مثل شما، حتی با این توافق هسته‌ای که اوباما به دست آورد و فکر می‌کنم جان کری با ۱۵۰ میلیارد دلار آن را رهبری می‌کرد. آیا فکر می‌کنید که این امر مانع از پیشرفت ایران در زمینه مپ هسته‌ای می‌شود؟

- فکر می‌کنم ماهیت خود رژیم دلیل عدم اعتماد به آنست زیرا حتی اگر بهترین قرارداد ممکن را امضا کنید چه تضمینی دارید که آنها به آن قرارداد احترام بگذارند؟ مسئله اعتماد است. از این نظر، موضوع بر سر اسلحه نیست بلکه انگشتی است که روی ماشه قرار دارد.

● چرا با یک کشوری که به «مرگ بر آمریکا» اعتقاد دارد نه تنها مذاکره می‌شود بلکه ۱۵۰ میلیارد دلار هم آزاد می‌کنند تا آنها متعهد شوند که مپ هسته‌ای نسازند و برنامه اتمی را پیش نبرند؟! چرا به چنین رژیمی اعتماد می‌کنند؟

- دقیقاً همین است. در این تجزیه و تحلیل یک تناقض وجود دارد. همان نکته‌ایست که به آن اشاره کردم که نقیصی دارد، زیرا شما فکر می‌کنید که این افراد عقلانیت و سیاست واقعی (رنال پلیتیک) در ذهن دارند. ولی آنها ندارند. واقعاً ندارند. بنابراین تنها چیزی که برای آنها وجود دارد اینست که اگر دشمن من ضعیف شود، من از آن سوء استفاده خواهم کرد. آمریکا دشمن است. آمریکا در ذهنیت رژیم شیطان بزرگ است. این طرز فکر رژیم است و نه مردم. وقتی دانشجویان ایرانی را می‌بینید که پرچم آمریکا را که در ورودی‌ها گذاشته شده لگد نمی‌کنند و آن را دور می‌زنند، در فیلم دیدید.. این یک سیگنال نه به ملایان بلکه یک سیگنال به جناب بایدن است! و به مردم آمریکا.

هنگامی که آنها شعارهایی به زبان انگلیسی یا فرانسوی در دست دارند، تهریز زبان نمی‌کنند، بلکه سیگنال به جهان خارج است. به همین دلیل است که اگر به مردم ایران و جایی که ایستاده‌اند نگاه کنید، برخلاف رژیمی که نمی‌توان به آن اعتماد کرد، نمی‌توانید استدلال افرادی مانند بی‌بی نتانیاها را در مورد تهدید علیه موجودیت اسرائیل ندیده بگیرید، زیرا آنها ماهیت این رژیم را می‌شناسند و درواقع، اسرائیلی‌ها می‌دانند که مردم ایران بسیار متفاوت از این رژیم هستند. به نظر من سعودی‌ها هم این را می‌دانند. من فکر می‌کنم برخی از اروپایی‌ها شروع به درک این موضوع کرده‌اند، امیدوارم که مردم آمریکا هم این را بدانند، زیرا ما حداقل با یک و نیم میلیون آمریکایی ایرانی یا ایرانی‌تبار در این کشور، فرصتی برای کشف آنها و افکار آنها در مورد کشورشان داریم و آنچه آنها نمایندگی می‌کنند؛ درست برخلاف آنچه رژیم هست. چیزی که من تعجب می‌کنم این است که نمی‌بینیم که بسیاری از سیاستمداران امروز در واشنگتن واقعاً آن را درک کنند، چه در کنگره و چه در دولت و این مایه شرمساری است زیرا در این لحظه نیاز است که آمریکا کاملاً با مسیری که مردم ایران می‌خواهند بروند همسو باشد. وقتی می‌دانیم که خارج از آنچه است که چین تلاش می‌کند انجام دهد یا روسیه می‌خواهد انجام دهد.

هدف ما به عنوان ایرانی خلاص شدن از شر این رژیم است، جهان لازم نیست برای آن فراخوان بدهد! اما اگر آنها واقعاً می‌خواهند از آزادی‌های مردم و آرمان‌های خود برای تعیین سرنوشت دفاع کنند، پس باید از آن پیروی کرده و به ایرانی‌ها کمک کنند تا به هدف خود برسند. ما به چیزی بیش از صرفاً حرف زدن و محکومیت این رژیم به دلیل نقض حقوق بشر نیاز داریم. ما واقعاً باید بفهمیم که آنها در کدام طرف ایستاده‌اند. آیا با ما ایستاده‌اند تا در نهایت از شر این رژیم رها بشویم که برای همه ما برد-برد خواهد بود یا این روند را به تأخیر می‌اندازند و اتفاقاً با این کار در امور داخلی ایران مداخله می‌کنند! با این کار که پول در اختیار رژیم می‌گذارند تا شهروندان را سرکوب کند؛ با این کار که روند شکست رژیم را به تأخیر می‌اندازند. این چیزیکست که اخیراً اتفاق افتاده و شما درواقع به مردم ایران کمک نکرده‌اید صرف نظر از اینکه چه حرف‌هایی زده باشید! شما درواقع به رژیم کمک کرده‌اید که دوباره نفس بکشد و مرگ خود را به تأخیر بیندازد.

به همین دلیل است که می‌بینیم مردم ایران در حال حاضر این سوال را می‌پرسند که آیا واقعاً بدون حمایت جهان از ما هیچ شانس داریم؟ و این همان نکته‌ای است که شرم‌آور خواهد بود؛ شرم‌آور خواهد بود؛ و دلیل اینکه می‌گویم شرم‌آور، اینست که این را در نظر بگیریم: همه ما می‌دانیم که استدلال نهای بر اساس داستان فیل در اتاق، چه خواهد بود. درگیری و تشدید تنش اجتناب‌پذیر است. هیچکس آن را نمی‌خواهد. درست؟ اما این با معجزه اتفاق نمی‌افتد! اگر این را متوجه نمی‌شوید که دیپلماسی شکست خورده و بعد مستقیم می‌خواهید وارد درگیری شوید و هیچ فرصتی برای تغییر بدون درگیری و تشدید تنش به ملتی ندهید که می‌خواهد خودش را آزاد کند، صادقانه بگویم، من این را از نظر تاریخی جنایتکارانه می‌دانم که به چنین فرصتی اجازه نداد آنهم درست وقتی در برابر ماست، همین الان که داریم صحبت می‌کنیم در مقابل ماست. مردم هنوز در خیابان‌های ایران هستند و اعتراض می‌کنند که به آنها اهرم‌های بیشتری برای افزایش فشار خارجی می‌دهد. این همان چیزیکست که رژیم را به سوی فروپاشی سوق می‌دهد. و رژیم هم در پایان می‌داند که دیگر روزهایش به شماره افتاده و مردم به درستی به حرکت درآمده‌اند و یک سواره‌نظام وجود دارد که به آنها کمک می‌کند.

و اگر به پایان همه این رژیم‌ها نگاه کنید، تا زمانی که یک حمایت ضمنی از آنها وجود نداشت، واقعاً [فروپاشی] اتفاق

وزارت خارجه آمریکا: ایالات متحده و اسرائیل مطلقاً نقشی در انفجارهای کرمان نداشتند

● وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «ادعاهای رژیم ایران مبنی بر هدف قرار دادن موساد یا دیگر گروه‌های ضد ایرانی در واکنش به هم‌گذاری در کرمان، بی‌اساس و تلاشی جهت توجیه تشدید تنش است.»

● در این بیانیه آمده «به نظر می‌رسد که قصد رژیم ایران، مرتبط کردن اسرائیل و آمریکا به هم‌گذاری در کرمان است، بنابراین ما دوباره تأکید می‌نماییم: ایالات متحده، مطلقاً در هم‌گذاری دخیل نبوده و همچنین اسرائیل هم نقشی در این مورد نداشته است.»

● در واکنش به حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوریه عراق و پاکستان، ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه در جلسه هیئت دولت «اقدامات سپاه در منطقه را برای ارتقاء آرامش و امنیت» لازم دانست و از نیروهای نظامی و امنیتی تقدیر کرد. وی هشدار داد دشمن به دنبال ناامن جلوه دادن جمهوری اسلامی است.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای که سه‌شنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) منتشر شد ضمن محکوم کردن حملات موشکی جمهوری اسلامی به کردستان عراق اعلام کرد این حملات بی‌پروا منجر به کشته شدن چهار غیرنظامی از جمله یک نوزاد، مجروح شدن ۱۷ نفر و تضعیف ثبات عراق شد.

در این بیانیه آمده «ادعاهای رژیم ایران مبنی بر هدف قرار دادن موساد یا دیگر گروه‌های ضد ایرانی در واکنش به هم‌گذاری در کرمان، بی‌اساس و تلاشی جهت توجیه تشدید تنش است. به نظر می‌رسد که قصد رژیم ایران، مرتبط کردن اسرائیل و آمریکا به هم‌گذاری در کرمان است، بنابراین ما دوباره تأکید می‌نماییم: ایالات متحده، مطلقاً در هم‌گذاری دخیل نبوده و همچنین اسرائیل هم نقشی در این مورد نداشته است.»

این دومین بیانیه رسمی است که وزارت خارجه آمریکا در واکنش به حمله موشکی سپاه پاسداران به اربیل عراق منتشر کرده است. پیش از این روز ۱۵ ژانویه این وزارتخانه اقدام جمهوری اسلامی را محکوم کرده بود.

در واکنش به حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوریه عراق و پاکستان، ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه در جلسه هیئت دولت «اقدامات سپاه در منطقه را برای ارتقاء آرامش و امنیت» لازم دانست و از نیروهای نظامی و امنیتی تقدیر کرد. وی هشدار داد دشمن به دنبال ناامن جلوه دادن جمهوری اسلامی است.

سپاه پاسداران به بهانه تلافی انفجارهای کرمان و حمله به نیروهای مرزبانی در راسک در کمتر از ۲۴ ساعت به سه کشور سوریه، عراق و پاکستان حمله موشکی و پهپادی کرد. مقامات نظامی جمهوری اسلامی آمریکا و اسرائیل را متهم اصلی انفجارهای کرمان معرفی کردند. حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران بزرگ گفته بود حملات موشکی به اربیل اجرا کردن «دستور» علی خامنه‌ای بود.

حتا پس از آنکه «داعش خراسان» مسئولیت انفجارهای کرمان را به عهده گرفت، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی در کرمان ادعا کرد «داعش عامل آمریکا و صهیونیسم است.» وی گفت، «مقامات صهیونیستی هیچ راهی برای فرار از این باتلاق ویرانگر ندارند... آنها بر سر دوراهی گرفتارند؛ همانند یا

«دیلی میل»:

خبر عمل جراحی چارلز سوم و پرنسس کیت ملکه آینده بریتانیا ناگهانی بود



پرنسس کیت میدلتون و شاه چارلز

● پزشکان معالج پادشاه ۷۵ ساله‌ی بریتانیا گفته‌اند که بیماری پادشاه خوش‌خیم است و او تحت یک جراحی اصلاحی قرار خواهد گرفت. دیدارهای رسمی او برای دوره کوتاهی تا پس از بهبودی به تعویق خواهد افتاد. «دیلی میل» نوشته که گفته می‌شود وی در حال حاضر در کاخ شخصی خود، برک‌هال، در املاک بلمورال، جایی که برای استراحت بسر می‌برد، اقامت دارد.

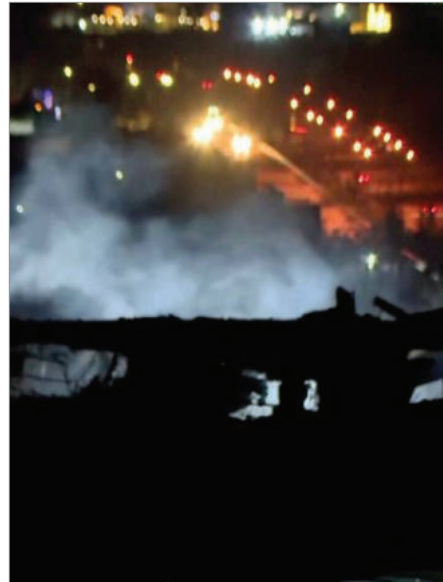
● کاخ کنزینگتون نیز اعلام کرد که پرنسس کیت ملکه آینده بریتانیا پس از عمل جراحی و سپری کردن دوران بیمارستان به محل سکونت‌اش در ویندزور باز خواهد گشت تا در کنار خانواده دوران نقاهت را بگذراند.

به گزارش «دیلی میل» در یک بعد از ظهر عجیب و استثنایی، اعلامیه‌هایی از سوی کاخ‌های باکینگهام و کنزینگتون که به فاصله ۹۰ دقیقه صادر شد، باعث نگرانی مضاعف برای سلامتی دو تن از اعضای خاندان سلطنتی بریتانیا گشت. بیانیه‌ها در مورد سلامت اعضای ارشد خانواده سلطنتی بریتانیا در فاصله ۹۰ دقیقه، نخست از سوی کاخ کنزینگتون در ساعت ۱۴ و به دنبال آن از سوی کاخ باکینگهام در ساعت ۱۵:۳۰ منتشر شدند.

طبق اعلام کاخ باکینگهام، چارلز سوم پادشاه بریتانیا هفته آینده به دلیل بزرگ شدن پروستات در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار خواهد گرفت.

پزشکان معالج پادشاه ۷۵ ساله‌ی بریتانیا گفته‌اند که بیماری پادشاه خوش‌خیم است و او تحت یک جراحی اصلاحی قرار خواهد گرفت. دیدارهای رسمی او برای دوره کوتاهی تا پس از بهبودی به تعویق خواهد افتاد. «دیلی میل» نوشته که گفته می‌شود وی در حال حاضر در کاخ شخصی خود، برک‌هال، در املاک بلمورال، جایی که برای استراحت بسر می‌برد، اقامت دارد. سخنگوی روز چهارشنبه ۱۷ ژانویه گفت: «والاحضرت شاهدخت ولز نیز دبروز برای عمل جراحی شکم که از قبل برنامه‌ریزی شده بود در کلینیک لندن بستری شده است.

بر اساس آنچه در بیانیه مربوطه آمده است «عمل جراحی موفقیت آمیز بود و پیش‌بینی می‌شود که وی پیش از برگشت به خانه برای گذراندن دوران نقاهت، ده تا چهارده روز در بیمارستان بماند. بر اساس توصیه‌های پزشکی فعلاً بعید است که ایشان تا بعد از عید پاک بتوانند به مسئولیت‌های



حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناطق مسکونی اربیل

بروند شکست خورده هستند.»

حملات موشکی ایران به خاک کشورهای منطقه نگرانی‌های بین‌المللی از تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه را به شدت افزایش داده است. موضوع افزایش ناامنی در خاورمیانه و تهدیدات جمهوری اسلامی یکی از مباحث مهمی است که در حاشیه نشست اقتصادی «داووس» در سوئیس مطرح شد به ویژه آنکه حملات ایذایی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها ضربه شدیدی به اقتصاد جهانی وارد کرده است.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که به سوئیس سفر کرده در پاسخ به پرسش‌های توماس فریدمن ستون‌نویس روزنامه «نیویورک تایمز» در حاشیه نشست داووس، درباره مسائل مختلفی از جمله اوضاع خاورمیانه و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی صحبت کرد.

وی با این ادعا که برنامه هسته‌ای ایران در زمان اجرای برجام محدود شده بود، با اشاره ضمنی به افسانه‌ی «جعبه‌ی پاندورا» که همه بلاها و شرارت‌ها در آن محفوظ است، گفت: «به نظر من خروج از توافق هسته‌ای ایران یک اشتباه بزرگ بود. ما برنامه هسته‌ای ایران را در جعبه قرار داده بودیم.»

بلینکن با اشاره به خروج دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا از توافق هسته‌ای در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸ گفت: «از زمانی که این توافق کنار گذاشته شد، برنامه هسته‌ای از این جعبه خارج شده است. در حال حاضر، به دلیل اینکه دیگر این توافق را نداریم، در موقعیتی قرار داریم که نمی‌خواستیم در آن باشیم.»

وزیر خارجه دولت بایدن به این واقعیت اشاره نکرد که افزایش سط غنی‌سازی اورانیوم در ایران و نقض برجام توسط جمهوری اسلامی پیش از خروج ترامپ از توافق اتمی آغاز شده بود و یکی از دلایل دولت وقت آمریکا از این توافق همین موضوع بوده است.

به دنبال کناره‌گیری ملکه مارگارت دوم، پسر او فردریک، در شور و شادی مردم پادشاه دانمارک شد



پادشاه فردریک و همسرش ملکه مری با فرزندان شان شاهدخت ژورفین، ولیعهد کریستیان، شاهدخت ایزابلا و شاهزاده ونسان / کپنهاگ / ۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ / رویترز

می‌شود و من برای حفظ جایگاهی که به من سپرده شده تلاش خواهم کرد.»

پادشاه فردریک همچنین بعد از ظهر یکشنبه پس از حضور پرشور و هیجان‌انگیز در بالکن کاخ با بوسیدن همسرش، ملکه مری، شغف و شادی مردم‌اش را برانگیخت. ملکه مری که ۵۱ سال دارد، در جریان بازی‌های المپیک سال ۲۰۰۰ استرالیا در سیدنی با پادشاه فردریک آشنا شد. آنها در ۱۴ ماه مه ۲۰۰۴ در کلیسای جامع کپنهاگ ازدواج کردند. ملکه مری در یک خانواده اسکاتلندی در استرالیا به دنیا آمده و تحصیلات عالی خود را در رشته‌های حقوق و بازرگانی در دانشگاه تاسمانیا به پایان رسانده است.

دانمارک که کشور فراقاره‌ای به شمار می‌رود در شمال اروپا قرار دارد. جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۹ حدود ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر برآورد شده است. زبان رسمی این کشور دانمارکی و زبان‌های فاروئی، گرینلندی و آلمانی نیز به عنوان زبان‌های دیگر در این کشور مرفه و پیشرفته رسمیت دارند. با اینکه دانمارک در سال ۱۹۷۳ به اتحادیه اروپا پیوسته، اما ارز ملی آن به یورو ملحق نشده است. دانمارک در واقع جنوبی‌ترین کشور اسکانديناوی است و تنها مرز زمینی آن با کشور آلمان است. یک تونل زیردریایی و پل معلق و معروف اورسوند، آنرا به سوئد متصل می‌کند.

کشور دانمارک از نظر درآمد سرانه در رتبه هفتم جهان قرار دارد و در بررسی‌های سالانه، مردم آن همواره به عنوان یکی از شادترین ملت‌های دنیا طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین در سال ۲۰۱۶، شرکت یونیورسوم با انتشار شاخص سالانه شادی، دانمارک را در رتبه نخست شادترین و راضی‌ترین نیروی کار در جهان قرار داد.

این کشور سلطنتی همچنین به عنوان کشوری با کمترین فساد اداری در دنیا به شمار می‌رود.

*منابع: وبلاگ سلطنتی دانمارک و دیلی میل

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

برای آینده کشورش باشد. او افزود: «این وظیفه‌ای است که در تمام دوران زندگی‌ام به آن اندیشیده‌ام. مسئولیتی که با احترام، غرور و شادی فراوان به عهده می‌گیرم و تلاش خواهم کرد تا از طریق اعتمادی که همه نسبت به من دارند، به بهترین وجه عمل کنم.» گفتنی است علیاحضرت مارگرت دوم، ملکه پیشین دانمارک، در یک سخنرانی در شب سال نو ۲۰۲۴ با اعلام کناره‌گیری غیرمنتظره خود از تاج و تخت، مردم کشورش را شگفت‌زده کرد. او نخستین ملکه دانمارک است که پس از ۹۰۰ سال به میل خود از سلطنت کناره می‌گیرد. حتی خانواده‌اش نیز تنها سه روز قبل از اعلام این خبر از تصمیم وی مطلع شده بودند.

پادشاه فردریک هنگامی که روز یکشنبه توسط نخست وزیر این کشور در قلعه کریستینزبورگ به عنوان پادشاه اعلام شد، به وضوح متأثر شده بود و در این مناسبت تاریخی، هنگامی که جمعیت خروشان با شادی برایش ابراز احساسات می‌کردند، اشک‌هایش را پاک کرد.

پادشاه ۵۵ ساله و پدر چهار فرزند در نخستین سخنرانی رسمی خود، طبق ترجمه‌ی آنچه در Gert's Royals وبلاگ رسمی سلطنتی منتشر شده، اضافه کرد: «من به هر حمایتی که می‌توانم داشته باشم، نیاز دارم. از همسر عزیزم، از خانواده‌ام، از شما و آنچه از ما بزرگتر است. من آینده‌ای در پیش دارم که می‌دانم در آن تنها نخواهم بود: ملتزم و متعهد به دانمارک شاهنشاهی.»

پادشاه فردریک ادامه داد: «مادر من، علیاحضرت ملکه مارگارت دوم، ۵۲ سال بر دانمارک سلطنت کرده است. برای نیم قرن، او به عنوان نقطه آغاز، با حفظ میراث مشترک ما، با زمان پیش رفته و همیشه به عنوان یک ملکه فراتر از مرزهای معمولی در یادها و خاطره‌ها خواهد ماند. مادرم مانند شماری دیگر، توانسته است خود را با تمام وجود وقف کشور پادشاهی‌اش کند. امروز تاج و تخت به من محول

● پادشاه فردریک، دریا سالار پیشین نیروی دریایی دانمارک با لباس رسمی نظامی‌مزمین به مدال‌های متعدد، به جمعیتی که در حال ابراز احساسات و کف زدن برای پادشاه جدید خود بودند، در نخستین سخنرانی رسمی خود به عنوان پادشاه این کشور گفت: «امید من این است که پادشاهی، بانی اتحاد برای فردای کشورم باشم.»

● همسر پادشاه جدید دانمارک از یک خانواده اسکاتلندی و متولد استرالیا است. آنها در جریان بازی‌های المپیک سال ۲۰۰۰ استرالیا در سیدنی با هم آشنا شدند و چهار فرزند دارند.

● پادشاه فردریک: «این وظیفه‌ای است که در تمام دوران زندگی‌ام به آن اندیشیده‌ام. مسئولیتی که با احترام، غرور و شادی فراوان به عهده می‌گیرم و تلاش خواهم کرد تا از طریق اعتمادی که همه نسبت به من دارند، به بهترین وجه عمل کنم.»

مته فردریکسن نخست وزیر دانمارک یکشنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ اعلامیه دربار آن کشور را در مورد انتقال سلطنت به فردریک دهم، پادشاه جدید، سه بار در بالکن کاخ کریستینزبورگ در کپنهاگ پایتخت این کشور قرائت کرد.

پادشاه فردریک، دریا سالار پیشین نیروی دریایی دانمارک با لباس رسمی نظامی‌مزمین به مدال‌های متعدد، به جمعیتی که در حال ابراز احساسات و کف زدن برای پادشاه جدید خود بودند، در نخستین سخنرانی رسمی خود به عنوان پادشاه این کشور گفت: «امید من این است که پادشاهی، بانی اتحاد برای فردای کشورم باشم.»

در یک لحظه به نظر رسید که پادشاه جدید که در حین سخنرانی به وضوح بسیار احساساتی شده بود، اشک‌های خود را پاک کرد. او به مردم قول داد که پادشاهی مدرن

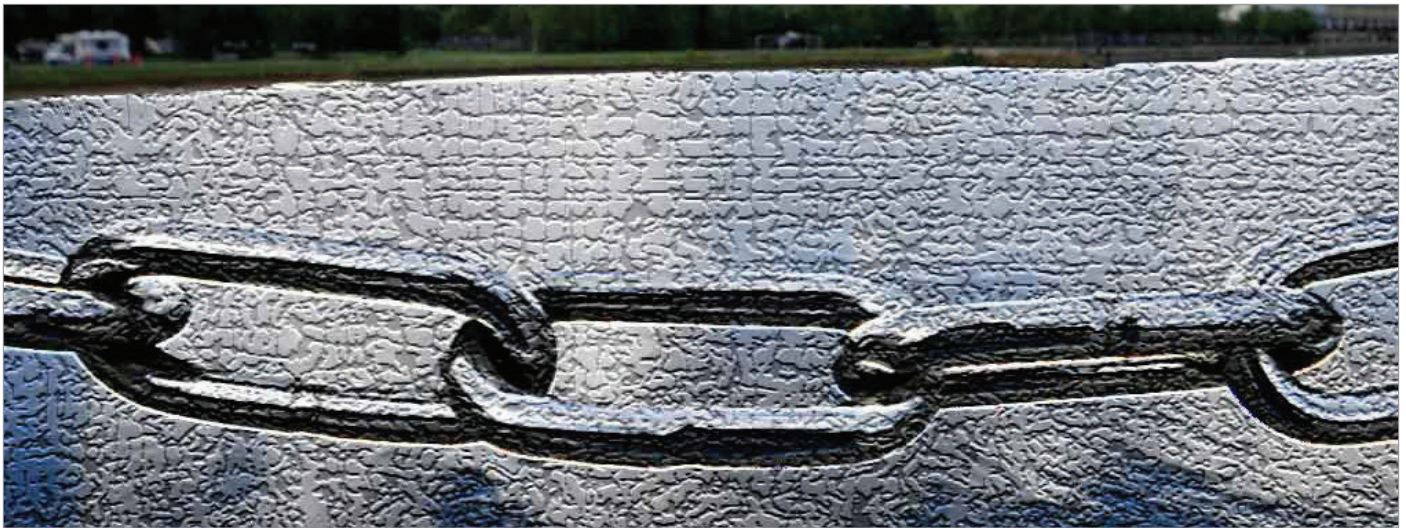
عمومی خود برگردد.»

کلینیک لندن واقع در دونشایر پلیس و خیابان ماریلبون در مرکز لندن، بزرگترین بیمارستان خصوصی بریتانیا است. کاخ کزینگتون اعلام کرد که ملکه آینده پس از آن به محل سکونت‌اش در ویندزور باز خواهد گشت تا در کنار خانواده دوران نقاهت را بگذراند. همچنین اعلام شد که بیماری وی سرطان نیست. شاهزاده ویلیام ولیعهد و همسر پرنسس کیت (۴۲ ساله) نیز به خاطر حمایت از خانواده خود تعدادی از برنامه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده‌ی خود را به تعویق می‌اندازد و تا زمانی که همسرش در بیمارستان بستری است وظایف رسمی را بر عهده نخواهد گرفت. او همچنین در نخستین روزهای بازگشت پرنسس کیت به خانه نیز به انجام هیچ وظیفه رسمی نخواهد پرداخت. مقامات دربار در زمان مناسب برنامه جدید شاهزاده ویلیام را تنظیم خواهند کرد.

پرنسس کیت بیش از یک هفته پیش تولد خود را جشن گرفت و صفحات رسمی سلطنتی در رسانه‌های اجتماعی عکس جدیدی از وی در پشت صحنه در مراسم تاجگذاری پادشاه چارلز سوم را به اشتراک گذاشتند.

کیت معمولاً از سلامتی خوبی برخوردار بوده و پیش از این فقط در دوران بارداری پس از تهوع شدید صبحگاهی، مدتی در بیمارستان بستری شده بود. شاهزاده ویلیام در عین حال که ساعتی را در کنار همسرش می‌گذراند، از فرزندان‌شان پرنس جرج، پرنسس شارلوت و پرنس لوئیس نیز مراقبت می‌کند.

یادداشتی کوتاه درباره چپگرایی؛ مفهوم چپ در طیف اندیشه سیاسی



بنیادشکن برای سامان بخشیدن به امور جامعه نیز استقبال می‌کند.

در فاصله میان نقطه وسط طیف تا انتهای سمت راست، آیین‌هایی قرار می‌گیرند که به نسبت جایگاه خود و فاصله‌ای که با طرف چپ و یا راست انتخاب می‌کنند، هرکدام درجاتی از پیشرو بودن و یا مواضع واپسگرا را حمل می‌کنند. اما هیچکدام از آنها بنیادشکن، انقلابی، و برهم زننده کل سیستم اجتماعی و سیاسی نیستند. آیین محافظه‌کاری متعادل به نسبت داعیه‌هایی که دارد می‌تواند در یکی از نقاط میان این بخش از طیف سیاسی قرار گیرد. اما آیین‌هایی که در فاصله میان نقطه وسط طیف سیاسی تا انتهای سمت چپ آن قرار می‌گیرند، درجات بالاتر و شدیدتری از پیشرو بودن و کمتری از درجه واپسگرایی را مدعی هستند. این آیین‌ها که از لیبرالیسم اجتماعی تا اشکال مختلف چپ را شامل می‌شوند، به دلیل همان سمت‌گیری خود به سوی نقطه انتهایی سمت چپ طیف سیاسی، حامل درجات متفاوتی از بنیادشکنی و انقلابی بودن هستند. هرچه موضع این آیین‌ها یا نظرات سیاسی به طرف نقطه‌ای انتهایی چپ نزدیک‌تر باشد، درجه بنیادشکنی و انقلابی بودن آن بیشتر است به نمودار زیر توجه کنید:

برخی معتقدند راست افراطی و چپ افراطی در نهایت از نظر عینی و ذهنی در عرصه عمل و واقعیت با هم تلاقی می‌کنند.

موضوع محافظه‌کاری اما بیشترین سردرگمی را برای علاقمندان به آیین‌های سیاسی به وجود می‌آورد. جایگاه محافظه‌کاری در طیف سیاسی از راست افراطی تا چپ افراطی کجاست؟

آیین‌های محافظه‌کار آنهایی هستند که خواهان حفظ وضع موجود هستند و یا آن را مورد محافظت قرار می‌دهند. البته این تعریف با آنچه در مورد احزاب محافظه‌کار استفاده می‌شود متفاوت است. در حقیقت، در اینجا نظر ما به احزاب سیاسی معطوف نیست، بلکه به معنی محافظه‌کاری از نقطه نظر جایگاهی که در طیف سیاسی قرار دارد، توجه داریم. حال، اگر محافظه‌کاری را به عنوان حفظ کردن وضعیتی که در جریان است (کنسرو کردن وضع موجود) در نظر بگیریم. هر کدام از آیین‌های سیاسی، چه چپ و چه راست و چه لیبرال و میانه

داده می‌شوند. این جایگاه نیز از نقطه فرضی انتهای سمت راست تا آخرین نقطه فرضی انتهای سمت چپ امتداد پیدا کرده و به نسبت جهت‌گیری آن به سمت راست و یا چپ، ویژگی پیشرو و یا واپسگرا را با خود حمل می‌کند. در حقیقت، این مفاهیم که اغلب جامه آیینی بر تن می‌کنند، بسته به جایگاهی که در میان دو قطب سمت راست و چپ برای خود در نظر می‌گیرند، می‌توان آنها را در محدوده‌ی پیشرو و مترقی و یا در حیطه‌ی واپسگرا و ارتجاعی قرار داد. در ابتدایی‌ترین نقطه سمت راست طیف سیاسی هر نوع آیینی قرار می‌گیرد که با تغییرات پیشرو مخالفت می‌کند. به عنوان مثال، اسلامگرایی سیاسی مبتنی بر شریعت مانند طالبان یکی از روشن‌ترین آیین‌های سیاسی است. در حالی که در انتهای سمت چپ طیف سیاسی، آیین‌هایی قرار می‌گیرند که داعیه مترقی‌ترین و پیشروترین بودن، مانند چپ کمونیستی کوبا، یا ونزوئلا، یا کره شمالی را دارند. بنابراین ماهیت آیین سیاسی نه فقط از طریق جایگاه مورد ادعایی خود، بلکه به واسطه جهت‌گیری به سوی نقطه سمت چپ (یعنی پیشرو بودن)، و یا به طرف راست (یعنی واپسگرایی) تعریف می‌شود. دو داعیه پیشرو و مترقی و یا ارتجاعی بودن هم با «تمایل» و «توانایی» این آیین‌های سیاسی برای پذیرش اصلاحات اجتماعی مربوط به عدالت اجتماعی وابستگی و پیوند دارد. نمودار زیر می‌تواند جایگاه آیین‌های سیاسی را در طیف اندیشه‌های سیاسی توضیح دهد:

تا کنون آنچه تفاوت‌های عمده میان دو مجموعه و یا گروه آیین‌های سیاسی را شامل می‌شود، تکیه بر دو واقعیتی است که به قاعده تبدیل می‌شوند. چپگرایی به حاکمیت مردم و انجام تغییرات بنیادشکن برای رساندن مردم به حاکمیت خویش اصرار می‌کند. راستگرایی، در نقطه مقابل، با انکار حقوق ذاتی مردم برای تعیین سرنوشت خویش، با هر نوع تغییرات بنیادین و شالوده‌شکن مخالفت می‌کند. در نقطه میانی طیف، مواضع میانه‌رو قرار می‌گیرند. موضع میانه‌رو با اصلاحات در سیستم از طریق همکاری میان طرفین مشخص می‌شود. پیشنهاد می‌شود آیین لیبرال در این جایگاه تعریف شود زیرا نه تنها رو به ترقی و اصلاحات اجتماعی عمیق دارد بلکه توانایی و تمایل به استقرار عدالت اجتماعی نیز دارد و از همکاری و یادگیری از دو طیف متقابلاً حذف‌کننده‌ی راست ارتجاعی تا چپ مدعی تغییرات

● آیین لیبرال می‌بایست در جایگاه میانه‌ی بین راست افراطی و چپ افراطی تعریف شود زیرا نه تنها رو به ترقی و اصلاحات اجتماعی عمیق دارد بلکه توانایی و تمایل به استقرار عدالت اجتماعی نیز دارد و از همکاری و یادگیری از دو طیف متقابلاً حذف‌کننده‌ی راست ارتجاعی تا چپ مدعی تغییرات بنیادشکن برای سامان بخشیدن به امور جامعه نیز استقبال می‌کند.

● برخی معتقدند راست افراطی و چپ افراطی در نهایت از نظر عینی و ذهنی در عرصه عمل و واقعیت با هم تلاقی می‌کنند. موضوع محافظه‌کاری اما بیشترین سردرگمی را برای علاقمندان به آیین‌های سیاسی به وجود می‌آورد. جایگاه محافظه‌کاری در طیف سیاسی از راست افراطی تا چپ افراطی کجاست؟

محمود مسائلی - این روزها در جریان مبارزات مردم ایران برای آزادی و رسیدن به نظام حکومتی مبتنی بر اراده و اختیار مردم، که در اصطلاح سیاسی دموکراسی نام دارد، مباحثی در افکار عمومی و همچنین رسانه‌ها مطرح است. به نظر می‌رسد که اغلب این مباحث به درستی جوهر این مفاهیم سیاسی را بیان نمی‌کنند و در نتیجه کمتر توانسته‌اند به نتایج روشنی برسند. کسانی هم زیر عنوان چپگرایی نه تنها تعهد انسانی دفاع از حقوق و آزادی‌های ذاتی شهروندان ایران تامین خیر عمومی را از نظر دور نگه داشته‌اند، بلکه آنگونه که اغلب مشاهده می‌شود به سوی خیانت نسبت به مردم و میهن نیز کشیده می‌شوند. اینان در هر کجا موضوعات مربوط «اراده آزاد» مطرح می‌شود، با تفاسیر خاص و جانبدارانه، خود هم «اراده آزاد» و هم «مردم» را در راستای نقطه نظرات ایدئولوژیک خود تقلیل داده و تصویری از مفاهیم سیاسی ارائه می‌کنند که در آن هیچ معنایی مگر مخالفت با جهان آزاد نمی‌توان یافت.

این نوشتار می‌کوشد مفهوم چپ را در طیف اندیشه سیاسی توضیح دهد تا از طریق آن شاید خوانندگان بتوانند به پاره‌ای سردرگمی‌ها درباره این آیین پر سر و صدا پایان بخشند. برای این منظور مفهوم چپ در طیف اندیشه سیاسی به ساده‌ترین شکل ممکن توضیح داده می‌شود. مفاهیم و آیین‌های سیاسی در رابطه با جایگاهی که در طیف اندیشه سیاسی به خود اختصاص می‌دهند توضیح

بازنشسته

به مناسبت ۲۶ دی؛

از «بگو مرگ بر شاه» تا «بگو برگرد شاه»



خروج پادشاه فقید و شهبانو از ایران؛ فرودگاه مهرآباد ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷

زیر درخت سیب در حومه پاریس مرتب وعده‌های خوب می‌داد ولی وقتی پایش به ایران رسید، اعدام‌ها را از بام محل اقامت خود شروع کرد تا رسید به بلعیدن فرزندان انقلابش! اما در این مدت علاوه بر اینکه شرایط جهان از همه نظر تغییر کرده (فروپاشی بلوک شرق، تکنولوژی ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، برآمدن قطب‌های اقتصادی جدید و...) شرایط ایران نیز با وجود فشارهای اراده‌گرایانه‌ی زمامداران، ایستا و ثابت نمانده. راه جامعه و حکومت که از آغاز نیز جدا بود، پس از پایان جنگ هشت ساله بیش از پیش از هم فاصله گرفت. ناتوانی و فساد فراگیر همه جناحین حکومت همراه با انزوای جهانی و منطقه‌ای، شرایط را بر جامعه چنان سخت کرده که از دی‌ماه ۹۶ مردم و حکومت را آشکارتر از همیشه در برابر هم قرار داده است. مردم امیدواری که برآوردن یک استبداد دینی از «انقلاب» را در هیچ جای ذهن خود نمی‌داشتند و ساده‌لوحانه شعار می‌دادند «به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره!» حالا از زیر فشار بهمنی که بر سر آنها آوار شد تا یک چله‌ی تاریخی از ۵۷ تا ۹۷ را برایشان رقم بزند، بجای «بگو مرگ بر شاه» شعار می‌دهند: «بگو برگرد شاه!»

روشن است که منظور از این شعار مخالفت با نظام حاکم و یادآوری همه‌ی آن حقوق و موقعیت‌هایی است که پس از انقلاب از دست رفت. «شاه» که گفته بود اینها بجای «تمدن بزرگ» به شما «وحشت بزرگ» را وعده می‌دهند، در خاک آرمیده است. گذشته به تاریخ پیوسته و جمهوری اسلامی که آمد تا راه ایران را به سوی آینده مسدود کند، خود به انسداد دچار شده و به گذشته می‌پیوندد. اما کسانی که پای پهلوی‌ها را ندا می‌دهند، برای عبور از این نظام باید که پای خود را برای پرش بر سکویی از تاریخ معاصر ایران محکم کنند. این سکوی پرش همان دوران پهلوی‌هاست که جامعه جوان ایران با ایستادن بر آن و پرواز به سوی آینده، حکومت کنونی را زیر پای خود پشت سر می‌گذارد.

آیا نهاد پادشاهی به ایران باز می‌گردد؟ کسی نمی‌داند. اما آیا سکوی پرش دوران پادشاهی پهلوی می‌تواند یک بار دیگر به مردم ایران برای عبور از نکبت و فلاکت قجری کمک کند؟ بی‌تردید چنین است.

● برخی با انقلاب و تحولات اجتماعی همراهی می‌کنند و حتی ممکن است در رأس آن نیز قرار بگیرند، با این هدف که با فشار و تحمیل بر دیگران، افکار خودشان را پیش ببرند؛ وگرنه هیچ فرد عاقلی از هیچ انقلاب و تغییری دفاع نمی‌کند برای اینکه وضوح‌اش بدتر شود!

● مردم امیدواری که برآوردن یک استبداد دینی از «انقلاب» را در هیچ جای ذهن خود نمی‌داشتند و ساده‌لوحانه شعار می‌دادند «به کوری چشم شاه، زمستونم بهاره!» حالا از زیر فشار بهمنی که بر سر آنها آوار شد تا یک چله‌ی تاریخی از ۵۷ تا ۹۷ را برایشان رقم بزند، بجای «بگو مرگ بر شاه» شعار می‌دهند: «بگو برگرد شاه!»

الاهه بقراط - این مطلب یک سال پس از دی ۹۶ و پیش از خیزش‌های دیگر آزادیخواهانه در ایران یعنی تابستان ۹۷ و آبان ۹۸ و پاییز ۱۴۰۰ و جنبش ملی ۱۴۰۱ نوشته شد. با اینهمه آنچه در همان پنج سال پیش تحولات اجتماعی را شاخص می‌کرد، مسیر ملی‌گرایی و ایراندوستانه‌ی آن بود که ناگزیر پهلوی‌ها به دلیل نیم قرن خدمت به ملت و مملکت و پیشرفتی که در جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان به دست آمده بود، در مرکز آن قرار می‌گرفتند. با اینهمه اگر فاجعه‌ی جمهوری اسلامی روی نمی‌داد، به احتمال زیاد امروز فکر و رفتار جامعه در ارتباط با بسیاری از مسائل داخلی و خارجی چه بسا به گونه‌ای دیگر می‌بود. بازخوانی و بررسی آنچه بر کشور گذشته می‌تواند به درک رویدادهای کنونی برای هشیاری در داشتن آینده‌ای به سود مردم و کشور یاری برساند.

هر تعریفی که از «انقلاب» به دست داده می‌شود، هر تلاشی که از سوی جامعه و افرادش برای تغییر و تحول صورت می‌گیرد، و ما هر برداشتی که از همه اینها داشته باشیم، اصلاً پذیرفتنی نیست که جوامعی به دنبال تغییرات بروند و مردمی «انقلاب» کنند تا وضع‌شان بدتر از قبل شود! اما این را می‌توان پذیرفت که برخی با انقلاب و تحولات اجتماعی همراهی می‌کنند و حتی ممکن است در رأس آن نیز قرار بگیرند، با این هدف که با فشار و تحمیل بر دیگران، افکار خودشان را پیش ببرند؛ وگرنه هیچ فرد عاقلی از هیچ انقلاب و تغییری دفاع نمی‌کند برای اینکه وضوح‌اش بدتر شود!

به همین دلیل نیز وقتی ایران در چهل سال پیش دچار آشوب شد، آن رهبری که برای «انقلاب» تراشیده شد، از

می‌تواند به نوعی محافظه‌کار باشد. به عنوان مثال، حزب کمونیست چین و یا نئولیبرالیسم آمریکایی تا زمانی که می‌کوشند همچنان شرایط موجود را برای حفاظت از قدرت حفظ کنند، محافظه‌کار به حساب می‌آیند. در اینصورت، گرایش محافظه‌کاری در هر جای طیف سیاسی می‌تواند چهره خود را نشان دهد، هرچند که به لحاظ تاریخی با مواضع راست افراطی معرفی یا معروف شده است!

حال بهتر می‌توان معنی چپ‌گرایی، راست‌گرایی، و محافظه‌کاری را درک کرد. نمودار زیر این گرایش‌های سیاسی را تصویر می‌کند:

بنابراین، محافظه‌کاری در هر جا، سیاست‌های خاص خود را ایجاد می‌کند، و از این رو در قبال موضوعات گسترده‌ای که در سیاست حضور دارند، اختلاف نظرهایی را نشان می‌دهد. محافظه‌کاری ممکن است آزادخواهانه‌تر یا اقتدارگراتر باشد؛ ممکن است بیشتر توده‌ای و یا بیشتر نخه‌گرا باشد، یا ممکن است پیشروتر یا ارتجاعی‌تر عمل کرده و واپس‌گراتر باشد. چپ‌گرایی هم که در سمت چپ طیف سیاسی قرار می‌گیرد، از اینگونه نوسانات در سیاست‌گذاری جدا نیست. چپ‌گرایی ممکن است با اندیشه‌های لیبرال بیامیزد، ممکن است ویژگی‌های آرمانی به خود بگیرد و یا حتی ابعاد معنویت‌گرا برای خود انتخاب کند، و ممکن است که در انتهای طیف سیاسی در سمت چپ، جامه چپ مارکسیستی بپوشد و سیاست‌های بنیادشکن برای خود پیشه کند.

اما آنچه مهم است این است که اینگونه آیین‌های سیاسی اغلب با لایه‌های همپوش نیز همراه می‌شوند. به عنوان مثال محافظه‌کاری ممکن است با ویژگی چپ بیامیزد. ویتنام یک نمونه است. آیین سیاسی کشور مارکسیستی است، اما در جهت عدالت اجتماعی سیاست‌گذاری‌هایی را دنبال می‌کند که از یکسو لیبرال هستند، و از دیگرسو به دلیل پیشرو بودن، ویژگی چپ به خود می‌گیرند. افزون بر این، در شرایط جهانی شدن، و امکان عبور از مرزهای موجود، آیین‌های سیاسی فرصتی بی‌نظیر پیدا کرده‌اند تا از یکدیگر یاد بگیرند و عملاً خود را از پیش‌فرض‌های تک‌ساحتی رها سازند. نهضت‌های محیط زیستی برای این فرضیه مثال‌های خوبی هستند. اینگونه نهضت‌ها می‌کوشند عناصری از آیین‌های سیاسی را برای توضیح بهتر چشم‌اندازهای خود انتخاب کرده و سیاست‌های خود را بر این اساس تنظیم نمایند.

با توجه به این توضیحات بهتر می‌توان موضع و جایگاه چپ ایرانی را نیز شناخت.

آیا چپ ایرانی که می‌بایست در سمت چپ طیف سیاسی یادشده قرار گیرد، درک درستی از این سنت فکری دارد؟ به نظر نویسنده پاسخ بسیار نامیدکننده است به گونه‌ای که حتی می‌توان موضع آنها را در سمت و سوی محافظه‌کاری جریان‌اتی که در سمت راست طیف سیاسی قرار می‌گیرند یافت.

حداقل از میان دو جریان مشهور چپ ایرانی، شامل حزب توده و فدائیان خلق، هیچ‌کدام از آنها نتوانسته‌اند تصویر روشنی از ویژگی‌های چپ بودن را ترسیم کنند، بلکه در مواضعی فرو افتاده‌اند که پیوسته مواعی را در پیش راه خیزش آزادیخواهی مردم ایران ایجاد می‌کنند. به نظر نمی‌رسد عامه جریان چپ در ایران درک روشنی از فلسفه فکری چپ بودن داشته و بیشتر با ویژگی چپ‌نمایی و سطحی‌نگری مواضع خود را به نمایش گذاشته است.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشاورتی دائم نزد ملل متحد

این سرمقاله نخستین بار شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۷ برابر با ۱۶ مارس ۲۰۱۹ در کیهان لندن شماره ۲۰۳ منتشر شد.

نمایش نخ‌های بازگشت هنرمندان؛ «اگر بیاید چه اتفاقی می‌افتد؟!»



در همین ارتباط حسن شماعی‌زاده آهنگساز و خواننده سرشناس ایرانی در صفحه ایکس نوشت: «امشب دوست و همکار نازنینم معین به من تلفن کرد، ضمن گفتگو صحبت ما کشیده شد راجع به دعوتش به ایران. گفت بله چنین صحبت‌هایی شده ولی از طرف مقامی گفته شده که طبق این ماده و فلان ماده باید ۲۸ سال بروم زندان!»

او بعداً در پست دیگری نوشت: «بطور معمول خوانندگان در زمان این رژیم به ایران نخواهند آمد، اوایل فکر می‌کردم آخوندها از موسیقی بدشان می‌آید اما ثابت کردند دشمن موسیقی هستند و ترس خواننده از ناامنی موجود در آن کشور، بخصوص برای آدم سرشناس، وقتی مهرجویی را می‌کشند و هزاران اتفاق دیگر، امنیت آبکی است.»

پیشتر عارف خواننده محبوب و قدیمی ایران در گفتگویی اعلام کرده بود: «گفتم آرزوم اینه که بتونم ایران برم و وطنم باشم... از طرف امنیت ایران کسانی رو فرستادند. گفتند میتونی بیای، ولی... ولی... تو جمع بیشتر از ۵ نفر نمیتونی بری، خوندن رو برای همیشه فراموش کن و توبه‌نامه بنویس. خیلی دردناکه، نه؟»

گویا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم فراموش کرده است که در طول سال‌های اخیر در کنار موج مهاجرت اقشار مختلف جامعه به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری از هنرمندان که به هر دلیلی اجازه فعالیت رسمی در کشور را پیدا نکرده‌اند مجبور به ترک وطن شده‌اند. از سوی دیگر ابعاد حقوقی و قضایی این مسئله از جمله موانعی است که باعث می‌شود هنرمندان خارج کشور برای بازگشت به وطن تردید کنند.

در همین ارتباط محسن برهانی حقوقدان در صفحه ایکس خود نوشته است: «وزیر ارشاد گفته است که معین می‌تواند به ایران برگردد. این مطلب از یک جنبه درست است؛ از نظر قوانین ایران، هیچیک از اتباع ایران را نمی‌توان ممنوع‌الورود کرد اما دستگیری شخص در فرودگاه و یا ممنوع‌الخروجی بعدی و یا ممنوع‌الکاری و... ربطی به ورود آزاد ندارد.»

در آذرماه ۱۳۹۳ بود که رسانه‌ها خبر دادند بینش بلور (قیصر) خواننده پاپ مقیم نروژ که چند سالی بود

فلان هنرپیشه یا خواننده هم می‌آید؟ اگر بیاید چه اتفاقی می‌افتد؟ قرار نیست هیچ اتفاقی بیفتد، قرار است درها بر روی ایرانیان باز شود و میلیون‌ها ایرانی با امنیت و به راحتی وارد کشور شوند!

سال‌ها از همان دوران پس از جنگ و دو دولت علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و سپس دو دولت خاچی و بعد هم در دوران احمدی‌نژاد و روحانی هر بار موضوع بازگشت ایرانیان خارج کشور اعم از متخصص و سرمایه‌گذار و هنرمند و حتا فعالان سیاسی مطرح شده است. شماری از متخصصان و کارآفرینان سرمایه‌دار و هنرمندان هم که به ایران رفتند، برخی‌شان با اتهامات واهی دستگیر شده و حتا در خطر صدور حکم اعدام قرار گرفتند، مانند دکتر احمدرضا جلالی که به دعوت خود دولت روحانی و برای کارهای علمی به ایران سفر کرده بود و یا فعالان محیط زیست که یا دستگیر شده و برخی هنوز در زندانند و برخی فرار را بر قرار ترجیح داده و به خارج کشور رفته‌اند و همچنین هنرمندانی مانند محمد خردادیان که سفرش به ایران با دستگیری و خارج شدن از ایران ختم شد و یا حبیب خواننده‌ای که با وعده‌ی اجرای کنسرت به ایران رفت ولی درگذشت بدون اینکه به این آرزو برسد.

در این میان، بسیاری از هنرمندان که در ایران بودند، از بهرام بیضایی تا گوگوش، از کشور خارج شدند و زمزمه یا تبلیغات بازگشت برخی مانند بهروز وثوقی نیز هربار سر و صدایی به ویژه در رسانه‌های داخلی پیا کرده و خاموش شده است. در حال حاضر هنرمندانی که در زندان بسر می‌برند کم نیستند مانند توماج صالحی و سامان یاسین. برخی هم مثل «تتلو» که اینک حرف و رفتار و حشر و نشرشان نیز به مقامات نظام نزدیک است، ممکن است تا حدی از حاشیه‌ی امن برخوردار باشند اما حتا آنها نیز هرگز از جمهوری اسلامی در امان نیستند.

حالا نوبت دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی معروف به قاضی مرگ رسیده که در آستانه‌ی انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی که قرار است در نیمه اسفند ۱۴۰۲ برگزار شود، به تبلیغ و وعده و وعید در این مورد بپردازد و این بار نام «معین» و شماری دیگر مطرح شده است.

● موضوع «بازگشت» هم مثل «بیان» است. جمهوری اسلامی مانع بیان و بازگشت هیچ شهروندی نمی‌شود اما پس از بیان و بازگشت است که سرنوشت‌ها رقم می‌خورد و انواع نیروهای امنیتی و قوه قضاییه به جای کسانی می‌افتند که فقط از حق آزادی بیان و همچنین آزادی سفر و بازگشت به میهن استفاده کرده‌اند.

● محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره «مثلاً بازگشت معین» گفته است: «حضورشان در ایران هیچ مشکلی ندارد... بعد از اینکه این افراد به کشورشان بازگشتند آنوقت درباره مجوز فعالیت‌شان هم مطابق قانون تصمیم گرفته می‌شود.»

● در همین ارتباط، معین به حسن شماعی‌زاده دیگر خواننده قدیمی و سرشناس ایران گفته: «بله چنین صحبت‌هایی شده ولی از طرف مقامی گفته شده که طبق این ماده و فلان ماده باید ۲۸ سال بروم زندان!»

فیروزه نوردستروم - یک خواننده در آبادان پس از اجرای کنسرت در یک باغ رستوران سنتی در این شهر، بازداشت و مکان مربوطه نیز به دلیل رقص و پایکوبی شماری از شهروندان، پلمب شد. بر اساس گزارش‌ها، ماموران پلیس نظارت بر اماکن عمومی آبادان با توجه به فیلم‌هایی از این رستوران با هماهنگی مسئولان قضایی اقدام به پلمب این باغ رستوران معروف در آبادان کردند.

صاحب رستوران هم احضار و برای وی قرار صادر شد و خواننده معروف اهوازی نیز که صاحب این مراسم بود و اقدام به انتشار فیلم رقص مختلط زنان مردان در مراسم آبادان در فضای مجازی کرده بود احضار و بازداشت شد.

با چنین وضعیتی در حالی که یک خواننده محلی در یک رستوران کوچک در اهواز به دلیل فراهم کردن فضایی شاد برای همشهریانش بازداشت و روانه زندان شده و همچنین در حالی که تعداد زیادی از هنرمندان مردمی و ایرانیان دوتابعیتی در زندان‌های جمهوری اسلامی بسر می‌برند، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی فریبکارانه ادعا کرده که معین خواننده ساکن آمریکا می‌تواند به ایران برگردد.

محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از «معین» هم فراتر رفته و ادعا کرده است: «تمام هنرمندانی که شهروند ایران هستند و دلشان برای مردم ایران می‌تپد می‌توانند به کشور بازگردند و تا کنون افراد زیادی بازگشته‌اند و اجرا هم داشته‌اند.»

اسماعیلی افزود: «حضورشان در ایران هیچ مشکلی ندارد... بعد از اینکه این افراد به کشورشان بازگشتند آنوقت درباره مجوز فعالیت‌شان هم مطابق قانون تصمیم گرفته می‌شود. دولت آقای ریسی رویه‌اش این بوده و یکی از برنامه‌هایش بازگشت ایرانیان خارج از کشور است. هیچ هنرمندی نبوده که درخواست بدهد و نتوانسته باشد به ایران بازگردد. هنرمندی بود که ۴۰ سال اجازه اجرا نداشت و خارج از کشور بود، اما ما اجازه اجرا به او دادیم. حتی صحبت‌هایی برای تشکر از دولت آماده انتشار کرده بود که من اجازه انتشار آن را ندادم، چون ما دنبال تبلیغات نیستیم. ما به عنوان مسئول خادم همه ایرانیان هستیم چه داخل و چه خارج از کشور!»

در همین ارتباط ضرغامی وزیر میراث فرهنگی نیز در سخنانی ادعا کرد: «قرار است درها بر روی ایرانیان باز شود و میلیون‌ها ایرانی با امنیت و به راحتی وارد کشور شوند، برخی‌ها تا صحبت از باز شدن درها برای ورود ایرانیان به کشور می‌شود بحث را تقلیل می‌دهند و می‌گویند «یعنی



خسرو علی کردی

اعتراضات جنبش ملی از شهریور ۱۴۰۱ بی‌وقفه ادامه داشته است.

در یکی دیگر از نمونه‌های محکومیت وکلا، صالح نیکبخت وکیل پایه یک دادگستری و استاد دانشگاه که وکالت خانواده مهسا امینی در پرونده قتل دخترشان را به عهده داشته اواخر تابستان امسال طی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه و به یک سال زندان و دو سال منع استفاده از فضای مجازی به عنوان «مجازات تکمیلی» محکوم شد.

از جمله مصادیق اتهام وارد شده به این وکیل پایه یک دادگستری انجام مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور عنوان شده است.

در چند هفته نخست آغاز اعتراضات بیش از ۴۰ وکیل دادگستری در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند که همچنان برخی از آنها با پرونده قضایی گشوده روبرو و اصطلاحاً زیر حکم هستند.

وکلاي بازداشت شده از وکلای بودند که معمولاً دفاع از فعالان سیاسی و مدنی می‌پذیرفتند و به نظر می‌رسد بازداشت گسترده وکلا با هدف تضعیف دفاع از هزاران متهم بازداشت شده در شهرهای مختلف، و همچنین ایجاد اختلال در ایجاد همبستگی وکلا در حمایت از خیزش ملی مردم بوده است.

ده‌ها وکیل دادگستری آبان‌ماه گذشته با امضای بیانیه‌ای مشترک تأکید کردند که اکثریت مردم ایران دیگر نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و «خیزش شهروندان ایران، خیزشی برای حقوق و بازگشت به حکومت قانون است.»

در این بیانیه آمده بود که «ده‌ها بعد از نهضت مشروطه که نیاکامان در برابر استبداد ایستادند و تحولی بنیادین در نظام سیاسی و حقوقی کشور بوجود آوردند، اینک شهروندان ایران در مقابل نظامی قرار گرفته‌اند که تصور می‌کرد می‌تواند «ملت» را به کمک ولایت مطلقه‌ی یک نفر فقیه، به «امت» تبدیل کرده و به تبع آن، حقوق سیاسی ملت را از بین ببرد.»

بخشی از بیانیه وکلا تأکید کرده بود که «از حقوق اساسی مردم این است که مشروعیت هر قانون به رضایت و اراده‌ی عمومی است و هیچ اراده دیگری این اجازه را ندارد تا بجای ایشان تصمیم بگیرد و اگر چنین اتفاقی بیفتد مردم حق دارند که با چنین اراده‌ای نامشروع و تصمیمات و قوانین آن مبارزه و مقابله کنند.»

وکلاي امضاکننده این بیانیه در پایان نوشته بودند که «در دوران نو که اراده اکثریت، ملاک تضمین حق تعیین سرنوشت است، وظیفه‌ی ما وکلا بعنوان شهروند، دفاع از حقوق بنیادین ملت در برابر تعدی و تجاوز حکومت است.»

عدالت اسلامی؛ «محرومیت از وکالت» برای وکیل خانواده‌های دادخواه و زندانیان سیاسی

● خسرو علی‌گردی خبر محکومیت خود را در شبکه «ایکس» اعلام کرد و همراه با بی‌تی از حافظ نوشت: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم، با پادشه بگوی که روزی مقدر است.»
● او وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جنبانختگان اعتراضات جنبش ملی، و فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را بر عهده داشته است.
● در سال‌های گذشته فشار بر وکلای دادگستری مانند دیگر شهروندان افزایش پیدا کرده بود اما این فشارها پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی از شهریور ۱۴۰۱ بی‌وقفه ادامه داشته است.

خسرو علی‌گردی وکیل پایه یک دادگستری که وکالت تعدادی از زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه را بر عهده داشت طی حکمی به جزای نقدی و «دو سال ممنوعیت از شغل وکالت» محروم شده است.

خسرو علی‌گردی ساکن مشهد است که طی یک سال و نیم گذشته وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جنبانختگان اعتراضات جنبش ملی را بر عهده داشته است. او همچنین فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را نیز پذیرفته است. وی شامگاه سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۲ خبر محکومیت خود را در شبکه «ایکس» اعلام کرد و همراه با بی‌تی از حافظ نوشت: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم، با پادشه بگوی که روزی مقدر است.»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته: «طبق رأی شعبه ۴ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری خراسان، به جرم! انتشار اخبار دادرسی موکلینم؛ فاطمه سپهری و خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و دیگر زندانیان سیاسی، به دو سال ممنوعیت از شغل وکالت محکوم شدم.»

خسرو علی‌گردی چند روز پیش با انتشار تصویر حکم صادر شده نوشته بود که حکم دو فقره مجازات نقدی «نشر اکاذیب» و «افشای اسرار» در شعبه ۱۳۱ دادگاه کیفری دو علیه او در دادگاه تجدید نظر قطعی شده است. او افزوده بود که در خصوص مجازات‌های یک سال زندان، دو سال تبعید به نهبندان، و دو سال منع اشتغال به وکالت و... حکم صادره توسط قاضی هادی منصور، پرونده در مرحله تجدید نظر است و قطعی نشده است.

با توجه به متن جدید منتشرشده از سوی این وکیل دادگستری به نظر می‌رسد او در دادگاه تجدید نظر به «دو سال محرومیت از وکالت» متهم شده است. در سال‌های گذشته فشار بر وکلای دادگستری مانند دیگر شهروندان افزایش پیدا کرده بود اما این فشارها پس از آغاز

بدون هیچ مشکلی به ایران رفت و آمد می‌کرد ممنوع‌الخروج شده و در فرودگاه «خمینی» تهران به او گفتند بجای خارج کشور، به دادرسی عمومی تهران برو. «ایران وایر» در گزارشی که آن سال منتشر کرد نوشت: «او اولین خواننده‌ای نیست که این سال‌ها به ایران رفته است؛ بیژن مرتضوی و حبیب هم رفتند؛ بی‌حاشیه یا باحاشیه. برخی نوشتند معین و شماعی‌زاده هم رفته‌اند ایران و سری زده‌اند به وطن.» اما حسن شماعی‌زاده در گفتگو با «ایران وایر»، این موضوع را تکذیب کرده و گفته بود: «من از بهمن سال ۱۳۵۷ در آمریکا هستم؛ یعنی ۳۶ سال و در ۳۳ سال گذشته در کشورم ممنوع‌الورود و ممنوع‌الخروج بوده‌ام.»

شهبال شب‌پره پایه‌گذار گروه پاپ «بلک کتز» نیز در این زمینه گفته بود: «سال‌هاست خوانندگانی که سیاسی نیستند، به ایران رفت و آمد می‌کنند.» او موضوع رفتن بینش بلور به ایران را موضوع تازه‌ای ندانسته و گفته بود: «خوانندگانی مثل بیژن مرتضوی و حتی هوشنگ توزیع شوهر شهره آغداشلو هم چند سال است که به ایران رفت و آمد می‌کنند.»

آن زمان «ایران وایر» موضوع سفر به ایران را از دفتر کار معین سوال کرد و آنها آن را تکذیب کردند و گفتند معین هرگز نه امسال و نه سال‌های گذشته به ایران نرفته است. اما محمد خردادیان یکی از هنرمندانی است که پس از بازگشت به وطن طعم تلخ مجازات احضار و زندان را چشید. خردادیان ۲۲ فروردین ۱۳۸۱ برای دیدار پدر بیمارارش راهی ایران شد اما هنگام بازگشت بجای بدرقه دستگیر شد و ۲۱ روز در زندان انفرادی گذراند. پس از آن ۴۰ روز در زندان اوین بسر برد و سرانجام به جرم «اشاعه‌ی فساد بر روی زمین» او را به دادگاه انقلاب فرستادند.

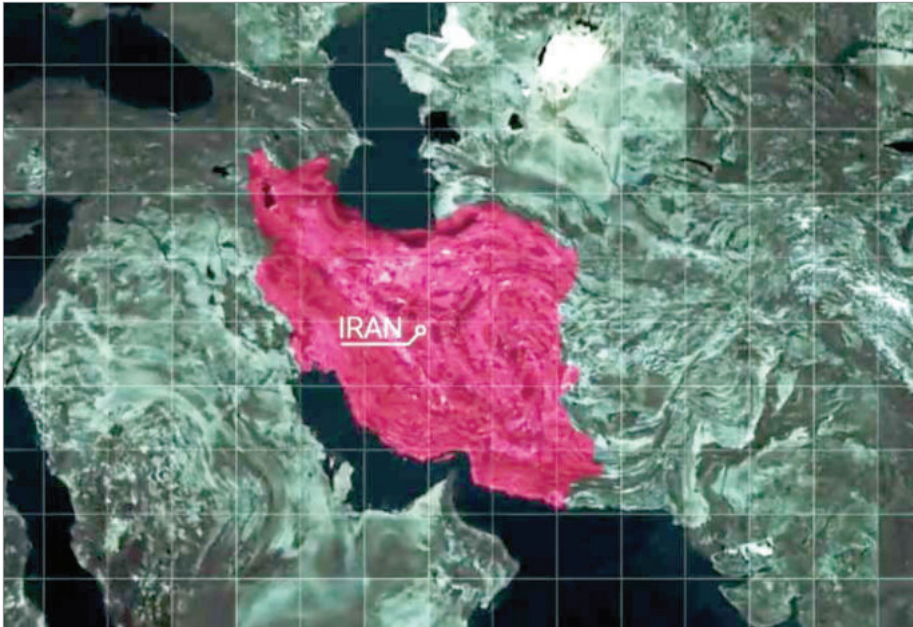
قاضی دادگاه محمد خردادیان را به مجازات شلاق و ۱۰ سال «ممنوع‌الخروج» بودن محکوم کرد اما او با اعتراض به این حکم و تجدید نظر در آن، سرانجام توانست از ایران خارج شود و هرگز هم به پشت سرش نگاه نکرد.

حبیب محبیان نیز یکی دیگر از خوانندگانی است که در سال ۱۳۸۸ در دولت محمود احمدی نژاد به ایران بازگشت و در رامسر اقامت گزید. بازگشت او به ایران، واکنش‌های متفاوتی برانگیخت. حبیب محبیان از مهمترین چهره‌های شناخته‌شده‌ای بود که در نتیجه باور و اعتماد به تبلیغات نهادهای حکومتی برای بازگشت ایرانیان مهاجر به ویژه هنرمندان، به کشورش بازگشت و سرنوشت تلخی یافت و این خواننده را به نمونه‌ی تأثیربرانگیزی از اعتماد به حکومت جمهوری اسلامی تبدیل کرد. وی که با آرزوی برگزاری کنسرت در ایران به کشور بازگشت هرگز اجازه این کار را نیافت و سرانجام نیز بدون آنکه بتواند فعالیت هنری خود را در ایران دنبال کند، درگذشت.

باروی کار آمدن هر دولتی و به‌خصوص پیش از شروع کارزار انتخابات مجلس شورای اسلامی یا انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، رژیم تلاش می‌کند ایرانیان به ویژه هنرمندان تبعیدی را تشویق به بازگشت کند تا به دستاویز تبلیغاتی حکومت تبدیل شوند؛ امری که در سال ۱۴۰۱ و پیش از به راه افتادن خیزش ملی نیز با انتشار ویدئوهای دل‌تنگی امید سلطانی و شادمهر عقیلی خوانندگان خارج کشور، به عنوان ابزار تمایل به بازگشت، رسانه‌های داخلی به تبلیغ آن پرداختند.

واقعیت این است که موضوع «بازگشت» هم مثل «بیان» است. جمهوری اسلامی مانع بیان و بازگشت هیچ شهروندی نمی‌شود اما پس از بیان و بازگشت است که سرنوشت‌ها رقم می‌خورد و انواع نیروهای امنیتی و قوه قضاییه به جای کسانی می‌افتند که فقط از حق آزادی بیان و همچنین آزادی سفر و بازگشت به میهن استفاده کرده‌اند.

گفتگو درباره نظرسنجی «ارفی»: (بخش ۱) ما نمی‌گوییم! آمار و اعداد و تحلیل فاکتورها می‌گویند!



دکتر لاهوتی - اساسا سنجش افکار عمومی در جمهوری اسلامی با چالش‌های ذاتی پیچیده همراه است؛ از محدودیت‌ها و سرکوب گفتمان‌ها گرفته تا خطرات امنیتی برای کسانی که با صراحت صحبت می‌کنند. پس روش‌های پیمایش می‌بایست با روش‌های نمونه‌گیری و تجزیه و تحلیل مناسب با هدف استخراج آنچه واقعا در افکار عمومی جریان دارد و جدا از هیاهو، با این موانع مقابله کند. درباره توسعه و توزیع سؤالات باید بگویم عبارات و قالب سؤالات به دنبال آن است که با وجود موانع دسترسی، مانند سطح سواد و ترس از گفتن نظر، طوری مطرح شود که بتواند به تفکر جمعیت دست پیدا کند. از سوی دیگر با توجه به وضعیت اینترنت در ایران، توزیع آنلاین با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی، یک تکنیک قابل ارجاع ارائه می‌کند. از آنجا که نرخ استفاده از اینترنت در سراسر کشور از ۷۰ درصد فراتر رفته، پس می‌توان گفت که برگزاری چنین نظرسنجی‌هایی در محیط اطلاعاتی اولیه ایرانیان به آنها می‌رسد.

در مورد تجزیه و تحلیل نیز رعایت اصول سختگیرانه‌ای لازم است تا محاسباتی که بر اساس اعداد و ارقام توسط شرکت‌کنندگان در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد، بتواند در یک نمای کلی، نسبت سن، جنسیت، درآمد و سایر شاخصه‌های جمعیتی را طوری تعیین کند که همراه با داده‌های ترکیبی به روشنی یک تصویر سراسری و ملی را منعکس نماید. سپس مجموعه داده‌های ترکیبی که با ویژگی‌های جمعیتی هماهنگ شده، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ پیوندهای بین آنها جستجو می‌شود؛ همگرایی و واگرایی‌ها زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند؛ تأثیرات اندازه‌گیری می‌شوند تا اهمیت بین عناصر متغیر سنجیده شود. در پایان، از طریق لایه‌های پالایش آماری دقیق، نشانه‌ها و پیام‌ها روشن‌تر شده و روند اصلی از پارامترهای آشفتنه و به ظاهر پراکنده جدا شده و تصویر نسبتاً دقیقی از وضعیت شکل گرفته و نبض پاسخ‌دهندگان که برشی از جمعیت کل ←

همچنین موضوع ناشناس ماندن نیز بسیار کلیدی است. یک نظرسنجی یکروزه خطر کمتری برای مداخلات سایبری و واکنش‌های منفی از سوی کسانی دارد که مخالف چنین نظرسنجی‌هایی هستند. مدتی کوتاه برای جمع‌آوری داده‌ها خطر آلودگی و دخالت‌های ثالث را که می‌توانند بر پاسخ‌ها تأثیر بگذارند، کاهش می‌دهد. وقتی نظرسنجی‌ها برای مدت طولانی باز هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که پاسخ‌دهندگان بتوانند نظرات دیگران را مورد بحث قرار دهند یا تحت تأثیر آنها قرار گیرند، که این می‌تواند بر نتایج تأثیر بگذارد. از نظر عملیات گردآوری و پژوهشی نیز یک اقدام ۲۴ ساعته نسبت به جمع‌آوری داده‌هایی که در زمانی طولانی به دست می‌آیند، نیاز به مصرف منابع کمتری دارد. برای تیم تحقیقاتی و پلتفرم نظرسنجی، نیازهای نیروی کار برای نظارت، عیب‌یابی و محافظت امنیتی در یک زمان کوتاه ادغام می‌شود. این حرکت سریع همچنین به تحلیلگران اجازه می‌دهد تا به سرعت از یک «عکس فوری» از افکار عمومی که به دست آمده استفاده کنند. داده‌های تازه می‌توانند پیام‌ها یا تغییرات استراتژیک را در زمانی که تحركات سیاسی سرسام‌آور است، به دست دهند.

در حالی که زمان طولانی ممکن است به بازتاب واقعیت بهبود بخشد، نظرسنجی‌های یکروزه فوریت موضوع را در زمینه‌های مخاطره‌آمیز اولویت می‌دهند. نفس این قضیه نه تنها نشان می‌دهد که مردم چه دیدگاهی دارند، بلکه بیانگر این است که با توجه به جو کنونی تا چه اندازه احساسات قوی دارند. برای تحقیقاتی که به منظور ثبت رویدادهای سریع انجام می‌شود، این رویکرد با واقعیت نوسانات مختلف در جمهوری اسلامی همسو می‌شود.

● در وبسایت این مؤسسه روش و متدولوژی بررسی نتایج توضیح داده شده. اما هم توضیح و هم نمودارها برای یک مخاطب عادی مشکل به نظر می‌رسد. درباره روش نظرسنجی/ تعیین پرسش‌ها و نیز تجزیه و تحلیل آنها/ لطفا توضیح دهید.

● کیهان لندن گفتگو با دکتر تقی آل رضا مدیر «ارفی» و دکتر هوشنگ لاهوتی دانشمند ارشد این مؤسسه پرسش‌هایی را با آنها در میان گذاشته که گذشته از روش تحلیلی این نظرسنجی، شامل نکاتی نیز می‌شود که برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند.

● دکتر هوشنگ لاهوتی: ما در «ارفی» تصمیم نمی‌گیریم که کدام نام‌ها را کنار هم بگذاریم. رویه‌های آماری تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی یا PCA) نشان داد که این افراد به اندازه کافی وجوه مشترک دارند تا با هم در یک گروه قرار بگیرند. در واقع باید گفت که بر اساس داده‌ها، این افراد به این شکل کنار هم قرار می‌گیرند؛ نه به این دلیل که نظر «من» اینست بلکه اعدادی که به دست آمده‌اند این را نشان می‌دهند.

● دکتر تقی آل رضا: این فقط یک فاکتور نیست که کسی را آماده تغییر وضعیت می‌کند. فاکتورهای بسیار متفاوتی وجود دارد؛ مثلا اینکه چقدر به آزادی یا عدالت اهمیت داده می‌شود؛ چقدر نگران تقلب و فساد و یا تدارکات تغییر هستند؛ یا با چه گروهی حشر و نشر دارند. ما سعی می‌کنیم تصویر کاملی را از آنچه در ایران می‌گذرد در کنیم و به همین دلیل است که به فاکتورهای مختلف در یک زمان نگاه می‌کنیم. آنچه مطالعات ما در تلاش است انجام دهد این است: درک عواملی که مردم را برای تغییر در ایران آماده یا غیرآماده می‌کند.

به تازگی نتایج تازه‌ترین نظرسنجی «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» و گزارش تحلیلی آن منتشر شد. با توجه به آنچه در این گزارش مطرح شده، کیهان لندن در گفتگویی با دکتر تقی آل رضا مدیر «ارفی» و دکتر هوشنگ لاهوتی دانشمند ارشد این مؤسسه، پرسش‌هایی را علاوه بر روش تحلیلی این نظرسنجی در میان گذاشته، که شامل نکاتی نیز می‌شود که برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز مطرح کرده‌اند.

● در گزارش ارفی آمده که این نظرسنجی ۲۴ ساعت آنلاین بوده. چرا؟ آیا یک نظرسنجی ۲۴ ساعته از نظر بررسی و یا اهدافی که مؤسسات نظرسنجی دنبال می‌کند، بیانگر نکاتی برای پژوهشگران است؟

دکتر آل رضا: انجام یک نظرسنجی در فقط ۲۴ ساعت می‌تواند یک تصویر مهم فراهم کند که در خدمت اهداف پژوهشی و تحلیلی قرار می‌گیرد. در فضای سیاسی ایران که به سرعت در حال تحول است، افکار عمومی می‌تواند روزانه در میان رویدادهای تازه دچار نوسان شود. بنابراین، یک نظرسنجی ۲۴ ساعته، واکنش‌های فوری و هیجان‌انگیز جمعیت را به مسائل مهم، قبل از سرد شدن احساسات یا محو شدن آن نشان می‌دهد. این محدودیت زمانی همچنین به دریافت پاسخ‌های بیشتر و نیز به یکپارچگی داده‌ها کمک می‌کند.

در مورد نرخ مشارکت، بازه زمانی کوتاه، بر اساس این تأثیر روانی که «با همین الان اقدام کن یا دیگر شانس نخواهی داشت» باعث می‌شود تا علاقمندان بلافاصله شرکت کنند و آن را به زمان دیگری موکول نکنند. این می‌تواند حجم نمونه‌ی نهایی را در موضوعات بحث‌برانگیز که در یک بازه‌ی طولانی‌تر ممکن است برخی را از مشارکت بازدارد، به حداکثر برسد.

→ کشور به شمار می‌روند به دست می‌آید.

● پس از انتشار این نظرسنجی و بعداً نتیجه‌اش و همچنین گزارشی که کیهان لندن درباره آن منتشر کرده، کاربران بسیاری موضوعی را مطرح کرده‌اند که درباره اغلب نظرسنجی‌های مشابه مطرح می‌شود: اسامی افراد سیاسی و اجتماعی بر چه مبنایی انتخاب می‌شود؟ چرا اسامی کسانی که نه از نظر سیاسی اهمیت دارند مثل مجریان برنامه‌های تلویزیونی و یا افراد زیادی آنها را نمی‌شناسند در کنار چهره‌ی سرشناسی مانند شاهزاده رضا پهلوی و یا شخصیت‌های محبوبی مانند علی کریمی قرار می‌گیرد؟

دکتر لاهوتی- این نظرسنجی با هدف سنجش طیف نفوذ در میان شخصیت‌های عمومی که بطور بالقوه می‌توانند افکار عمومی را در ایران تحت تأثیر قرار دهند، انجام شده است. برای انتخاب افراد از روشی با توجه به نکات زیر استفاده شد:

۱- معیارهای تأثیرگذاری: چهره‌ها بر اساس اهمیت طرفداران و تأثیر آنها در شکل دادن گفتگوی سیاسی-اجتماعی انتخاب شدند. این تضمین می‌کند که این نظرسنجی منعکس‌کننده تأثیر کسانی است که واقعاً گفتگوهای سیاسی-اجتماعی را شکل می‌دهند، نه صرفاً داشتن یک موقعیت مشهور بدون دخالت اساسی در مسائل سیاسی.

۲- تجزیه و تحلیل عمیق: تحلیلگران ما محتوا، متون و فعالیت‌های رسانه‌های اجتماعی را برای ارزیابی میزان دسترسی و طنین پیام این افراد با مخاطبان خود بررسی کردند. این هم ماهیت و هم میزان تأثیر آنها را آشکار می‌کند.

۳- شمول عینی: افرادی مانند رضا پهلوی و علی کریمی بدون توجه به موقعیت عمومی آنها بطور مساوی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این عینیت برای جلوگیری از انحراف داده‌ها به سمت هر فرد یا گروه خاصی بسیار مهم است.

۴- طبقه‌بندی بر اساس شفافیت: افراد به سه گروه طبقه‌بندی شدند: سیاستمداران، افراد مشهور رسانه‌های اجتماعی، و فعالان اجتماعی-سیاسی. این طبقه‌بندی انواع مختلفی از تأثیرگذاری را که این گروه‌ها ممکن است بر افکار عمومی اعمال کنند تأیید می‌کند و اجازه می‌دهد تا درک دقیق‌تری از نقش آنها داشت.

۵- کاهش جانبداری: گنجانیدن شمار متنوعی از افراد برای جلوگیری از عنصر جانبداری بسیار مهم است. این نظرسنجی با اطمینان از بازماندن از بازمانده‌ها، خطر نادیده گرفتن تأثیرگذارانی را هم که ممکن است بینشی در مورد تحولات اجتماعی-سیاسی کشور ارائه دهند، کاهش می‌دهد.

این روش در عمل بازتاب یک اقدام دقیق و متعادل‌کننده است: به ما اطمینان می‌دهد که داده‌ها دیدگاهی جامع از نفوذ در بافت اجتماعی-سیاسی ایران را ارائه می‌دهند و در عین حال یکپارچگی و عینیت نظرسنجی را حفظ می‌کنند. هدف ما به دست آوردن تصویری واقعی از وضعیت کنونی است که چشم‌انداز متنوع و پیچیده کسانی را که گفتمان عمومی را شکل می‌دهند، نشان دهد.

دکتر آل رضا- اجازه بدهید من نیز بر برخی نکات تأکید کنم چرا که پرداختن به آن، یک رویکرد جامع را برای مقابله با پیچیدگی‌های تحقیقات سیاسی-اجتماعی در یک محیط به شدت قطبی‌شده ترسیم می‌کند. روش این نظرسنجی به گونه‌ای طراحی شده که طیف متنوعی از دیدگاه‌ها و تأثیرات آنها را به تصویر بکشد، که شامل موضع‌گیری‌های بحث‌برانگیز و گاه متناقض شخصیت‌های عمومی می‌شود:

۱- تأیید مناقشه: این نظرسنجی تشخیص می‌دهد که برخی افراد مناقشه‌برانگیز هستند، به ویژه آنهایی که

دیدگاه‌های حزبی را ترویج می‌کنند یا ممکن است اسلام را به عنوان یک دین مورد انتقاد قرار دهند و جنبش‌های اجتماعی را بطور بالقوه به حاشیه رانده یا نادرست معرفی کنند. این شناخت برای درک پیامدهای گسترده‌تر تأثیرات آنها بسیار مهم است.

۲- توجه به احساسات عمومی: همچنین مشخص می‌شود که شهروندان عادی اغلب از حزب‌گرایی افراطی یا شخصیت‌های مناقشه‌برانگیز فاصله می‌گیرند. این نکته بسیار مهم است چرا که می‌تواند بر احساسات عمومی و مشروعیت و حقانیتی که جنبش‌های مختلف یا شخصیت‌های متفاوت پیدا می‌کنند، تأثیر بگذارد.

۳- تحركات سیاسی: برخی افراد ممکن است با جمهوری اسلامی فقط به عنوان ابزاری برای حمله به شخصیت‌های دیگر، مثلاً رضا پهلوی، مخالفت کنند تا کارآیی آنها را تضعیف کنند. درک این تحركات سیاسی هنگام تحلیل چشم‌انداز سیاسی و افکار عمومی ضروریست.

۴- اهمیت آمار و ارقام: این نظرسنجی آمار و ارقامی به

فاکتور می‌تواند واقعاً پیچیده و سخت باشد. آنچه تجزیه و تحلیل فاکتورها انجام می‌دهد کمی شبیه به سازماندهی یک اتاق درهم ریخته است بطوری که موارد مشابه یا مرتبط در کنار هم قرار بگیرند. در ارتباط با نمودارهایی که اشاره کردید، شما بجای مثلاً جوراوب و کتاب، شخصیت‌های عمومی را بر اساس ویژگی‌های مشترک در داده‌هایی که در مورد آنها جمع‌آوری کرده‌اید، گروه‌بندی می‌کنید. به این ترتیب، شما اطلاعاتی در مورد چهره‌های مختلف عمومی در ایران دارید؛ در مورد دیدگاه‌های سیاسی آنها هم می‌دانید؛ آنها هر چند وقت یکبار در مورد موضوعاتی صحبت می‌کنند و می‌دانید چه کسانی به آنها گوش می‌دهند و غیره. شما تمام این اطلاعات را به یک برنامه آماری که تجزیه و تحلیل عاملی یا بررسی فاکتورها را انجام می‌دهد، می‌دهید.

برنامه متوجه الگوهایی می‌شود، مانند اینکه: «این چند نفر که همگی درباره آزادی صحبت می‌کنند، گروه مشابهی از طرفداران دارند.» پس آنها را در یک دسته قرار می‌دهد



دکتر تقی آل رضا

که احتمالاً در گروه «لیبرال» قرار می‌گیرند. سپس مجموعه دیگری از مردم را پیدا می‌کند که اغلب در مورد ارزش‌های سنتی صحبت می‌کنند و گروه متمایز دیگری از طرفداران را دارند؛ آنها را هم در گروه دیگری قرار می‌دهد که می‌توان آن را دسته «تندروها» نامید.

دکتر لاهوتی- لطفاً اجازه بدهید این را هم اضافه کنم که نکته مهم این است که ما در «ارفی» تصمیم می‌گیریم که کدام نام‌ها را کنار هم بگذاریم. رویه‌های آماری تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی یا PCA) نشان داد که این افراد به اندازه کافی وجوه مشترک دارند تا با هم در یک گروه قرار بگیرند. درواقع باید گفت که بر اساس داده‌ها، این افراد به این شکل کنار هم قرار می‌گیرند؛ نه به این دلیل که نظر «من» اینست بلکه اعدادی که به دست آمده‌اند این را نشان می‌دهند.

به عبارت ساده‌تر، تحلیل عاملی یا تحلیل فاکتورها مانند یافتن گروه‌های مختلف که تمایلات مشترکی دارند در یک دبیرستان است. شما تصمیم نمی‌گیرید که چه کسی کم‌دین باشد چه کسی ورزشکار و یا بازیگر! بلکه فقط نگاه می‌کنید که کدام دانش‌آموزان با هم مرادوه دارند و چه فعالیت‌های مشترکی در چه زمینه‌ای انجام می‌دهند و به این شکل نیز گروه‌ها شکل می‌گیرند. تحلیل عاملی این کار را انجام می‌دهد، اما با دقت ریاضی و با داده‌هایی که از شخصیت‌های عمومی ایران به دست آمده است.

(ادامه دارد)



دکتر هوشنگ لاهوتی

دست داده که برای روشن کردن خواسته‌ها و اقدامات افراد منتشر خواهد شد. هدف این داده‌ها روشن کردن این موضوع است که آیا فعالیت‌های آنها، خواه عمدی یا غیرعمدی، از وضعیت موجود جمهوری اسلامی حمایت می‌کند یا نه!

۵- رویکرد خنثی: در برخورد با چنین پیچیدگی‌هایی، این نظرسنجی رویکردی خنثی دارد و تضمین می‌کند که همه افراد بر اساس اعمال و تأثیرشان ارزیابی می‌شوند و نه روایت‌های از پیش موجود که خودشان و یا دیگران درباره آنها منتشر کرده‌اند. این بی‌طرفی برای اطمینان از اعتبار و قابل اعتماد بودن یافته‌های نظرسنجی حیاتی است.

● با مراجعه به **مُودارهای صفحه ۶ و ۷ (اسامی افراد)** در گزارش ارفی، این محاسبات به چه معنی هستند؟ لطفاً درباره این اعداد و مبنای محاسبه و معنای آنها توضیح دهید؟ همچنین لطفاً توضیحاتی درباره مُودارهای صفحات ۸ و ۹ مربوط به **جریان‌های ملی و لیبرال و اصولگرا و بدهید.**

دکتر آل رضا- تجزیه و تحلیل عاملی یا مبتنی بر فاکتور (Factor analysis) یک روش آماری است که به مجموعه بزرگی از متغیرها نگاه می‌کند و سعی می‌کند ارتباط بین آنها را پیدا کند. تصور کنید یک جدول بزرگ پر از انواع مختلف داده‌ها درباره گروهی از مردم دارید. مانند نظرات آنها در مورد سیاست، غذاهای مورد علاقه‌شان، سرگرمی‌هایشان و غیره. به دست آوردن هر الگویی فقط با نگاه کردن به آن

خلاصه حکم دادگاه تجدید نظر حمید نوری در سوئد و

نگاهی به برخی نکات مهم آن (بخش ۳)

حنیف حیدر نژاد



حمید نوری / نقاشی سیامک نادری

یک اشتباه جدی پیش آمده است. وگرنه درخواست فرجام رد خواهد شد.

● خلاصه حکم دادگاه، جایگزین خود حکم نیست. حکم دادگاه تجدید نظر به زودی با ترجمه رسمی و بطور کامل از سوی دادگاه انتشار پیدا خواهد کرد. تنظیم‌کنندگان خلاصه حکم در سازمان سوئدی «گزارش پنجاه وهشتم» تلاش کرده‌اند تا با این نوع خلاصه کردن که زبان اداری و حقوقی در آن ساده شده، فهم آن را برای بخش بزرگتری از مردم امکان‌پذیر کنند.

● اگر دولت سوئد که هیچ اظهار نظری در زمینه مبادله نداشته، نیت مبادله حمید نوری با زندانیان سوئدی در ایران را داشته باشد، باید تا نهای شدن حکم دادگاه تجدید نظر صبر کند. حمید نوری پس از پایان دوران محکومیت بر این اساس که حکم حبس ابد در سوئد برابر با ۲۵ سال است به ایران اخراج خواهد شد.

● دادگاه پژوهش یا استیناف و یا تجدید نظر حمید نوری ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ شروع و پس از ۹ ماه رسیدگی به پرونده، در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ حکم حبس ابد حمید نوری را تأیید کرد. دادگاه سوئد متهم را به اتهام یک جنایت جنگی و ۲۴ قتل به حبس ابد محکوم کرد.

● حمید نوری فرصت دارد تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ از دیوان عالی سوئد فرجام‌خواهی کند تا حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر را مورد بررسی قرار دهد. دیوان عالی سوئد زمانی چنین درخواستی را می‌پذیرد که دلایل محکمی ارائه شود که دادگاه تجدید نظر در حکم صادره رویه جدیدی را به لحاظ قضائی پایه‌گذاری کرده است. یا اگر دلایل خیلی استثنائی وجود داشته باشد، از جمله اینکه مشخص شود روند دادرسی در دادگاه تجدید نظر یک نقض جدی داشته یا اینکه در صدور حکم،

مسئولیت کیفری متهم

اتهام اول - جنایات جنگی

دادگاه ابتدا ادعای اول مبنی بر اینکه متهم با همکاری دیگران مرتکب جنایات جنگی شده و باعث مرگ تعداد زیادی از زندانیان وابسته به مجاهدین خلق شده است را بررسی کرد.

دادگاه ابتدا به این پرسش پرداخت که آیا دادستان موفق شده است ثابت کند که تعداد قابل توجهی از افراد در زندان گوهردشت بین ۸ مرداد تا ۲۵ مرداد کشته شده‌اند یا نه. [محدوده زمانی درست: موج اول اعدام‌ها بین ۸ مرداد تا ۲۵ مرداد (۳۰ ژوئیه تا ۱۶ اوت ۱۹۹۸) و موج دوم اعدام‌ها بین ۶ مرداد تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ (۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۹۸) بوده است.]

زندان گوهردشت محل اصلی وقوع جرم بوده است، اگرچه اظهارات برخی شاهدان ارزش اثباتی کمتری داشته است، اما توسط شواهد کتبی پشتیبانی شده است. مانند دادگاه منطقه [بدوی]، دادگاه [تجدید نظر] نیز به این نتیجه رسید که نمی‌توان به فهرست‌های ارائه‌شده که حاوی اسامی اعدام‌شدگان در زندان‌های سراسر ایران در سال ۱۹۸۸ و همچنین تاریخ و مکان اعدام آنها بود، ارزش اثباتی بالایی قائل شد، زیرا اطلاعات مربوط به منابع آنها ناشناخته بود. مانند دادگاه منطقه [بدوی]، دادگاه [تجدید نظر] خاطرنشان کرد که مشخص شده است که تعداد قابل توجهی از زندانیان در گوهردشت در دوره مربوطه اعدام شده‌اند. در مورد ارزیابی اینکه آیا در مدت مربوطه در زندان گوهردشت افراد مشخص اعدام شده‌اند یا نه، دادگاه بجز چهار نفر، به همان نتیجه دادگاه منطقه‌ای (بدوی) رسید: دادگاه به این نتیجه نرسید که دادستان با موفقیت ثابت کرده است که A1، A30 و A75 در گوهردشت در مدت مربوطه به جنایت، اعدام شدند. با این حال، برخلاف دادگاه منطقه، دادگاه تشخیص داد که A۴۹ در زندان گوهردشت در دوره محکومیت مربوطه اعدام شده

افراد [زندانیان] را تشویق و راهنمایی کرده است که در اعدام‌ها شرکت کنند. مانند دادگاه منطقه، دادگاه تجدید نظر نیز اقدامات متهم را که در اظهارات شاهدان شرح داده شده است، به رسمیت شناخت. با این حال، دادگاه در نظر گرفت که «تشویق و راهنمایی» که در اتهام اول بیان شده است، لزوماً برای اثبات اینکه متهم دارای چنین اختیاری بوده است کافی نیست. بنابراین دادگاه به این نتیجه رسید که متهم را نمی‌توان از نظر کیفری برای دستور دادن به دیگران برای شرکت در اعدام‌ها مسئول دانست. اساساً دادگاه به این نتیجه رسید که متهم باید به دلیل سازماندهی و مشارکت در اعدام محکوم شود. این شامل انتخاب زندانیان برای به اصطلاح کمیته مرگ، هدایت آنها به راهرو اصلی، نگهداری از آنها، اعلام اسامی آنها به کمیته، اسکورت زندانیان به کمیته، اعلام اسامی آنها برای اعدام و دستور به صف کشیدن زندانیان است. تا آنجا که تا محل اعدام بدرقه شوند و در نهایت تا محل اعدام که به دار آویخته شده بودند، اسکورت شدند.

اتهام دوم: قتل

دادگاه سپس اتهام دوم را ارزیابی کرد که بر اساس آن متهم با ارتکاب اعمالی مشابه با اتهام اول، اما در مرحله دوم اعدام زندانیان متعلق به گروه‌های سیاسی غیر از مجاهدین خلق، مرتکب جرم قتل شده است. دادگاه ابتدا خاطرنشان کرد که با نتیجه دادگاه منطقه‌ای موافق است که متهم زندانیان را برای محاکمه با هیئت مرگ انتخاب کرده و آنها را به راهرو اصلی هدایت می‌کرد. با توجه به ادعای دادستان مبنی بر نگهداری متهم از زندانیان در راهرو اصلی، دادگاه بطور خلاصه به این نتیجه رسید که مشخص شده است که متهم واقعاً به روشی که دادستان تشریح کرده، از زندانیان نگهداری می‌کرده است.

در مورد این ادعا که متهم اسامی زندانیان را برای ارائه به کمیته مرگ فاش کرده و سپس آنها را در جریان موج

است. دادگاه در ادامه یافته‌های خود مانند دادستان ناحیه، تشخیص داد اگرچه برخی افراد در زندان گوهردشت اعدام شده‌اند، اما با توجه به اعتراض متهم در مورد برخی دیگر، توضیحات بیشتری از دادگاه از سوی دادگاه [بدوی] لازم بوده است.

علاوه بر این، دادگاه به این سؤال پرداخت که آیا جرم «رنج شدید» که بخشی از شکنجه در چهارچوب جنایت جنگی محسوب می‌شود، حادث بوده است و با نتیجه دادگاه [بدوی] موافقت کرد که افراد حاضر در راهرو مرگ چنین رنج شدیدی را که شکلی از ایجاد هراس از مرگ داشته متحمل شدند.

دادگاه سپس بررسی اقدامات خاصی را که به گفته دادستان، متهم انجام داده بود، آغاز کرد.

دادگاه ابتدا به این نتیجه رسید که با یافته‌های دادگاه منطقه‌ای موافق است که متهم در انتخاب و اسکورت زندانیان به مکان‌های مختلف از جمله اتاقی که کمیته مرگ در آن حضور داشت و محل اعدام نقش داشته است. در ادامه دادگاه به این نتیجه رسید که چندین شاکی تأیید کرده‌اند که متهم در راهروی موسوم به مرگ بر زندانیان نظارت داشته و حرکات آنها را کنترل می‌کرده است. بنابراین، دادگاه تشخیص داد که ادعای دادستان مبنی بر نگهداری متهم از زندانیان در راهرو اصلی (یادداشت نویسنده: راهروی خارج از اتاقی که به اصطلاح کمیته مرگ در آن اداره می‌شد. قبلاً به عنوان «راهروی مرگ» نیز شناخته می‌شد) تأیید شد.

دادگاه همچنین اظهار داشت که نتیجه دادگاه منطقه‌ای را تأیید می‌کند که دادستانی نتوانسته است ثابت کند که متهم اطلاعات شفاهی و کتبی در باره زندانیان به هیئت اعدام ارائه کرده است. بنابراین متهم نمی‌تواند در قبال این اقدامات مسئولیت کیفری داشته باشد.

سپس دادگاه به این پرسش پرداخت آیا همانطور که دادستان در کیفرخواست اول بیان کرده است، متهم سایر

دوم اعدام‌ها به کمیته [مرگ] همراهی کرده است، دادگاه به این نتیجه رسید که شواهد به اندازه کافی قوی نیستند که این عنصر را قطعی کند تا مستند شود. بطور خلاصه، دادگاه به این نتیجه رسید که متهم باید به دلیل سازماندهی و مشارکت در اعدام‌ها و همچنین مشارکت در اجرای احکام اعدام، صادر شده توسط کمیته [مرگ]، محکوم شود. این شامل انتخاب زندانیان برای معرفی خود به کمیته، هدایت آنها به راهرو اصلی و نگهداری در آنجا بود.

تعریف و اقدامات کمیته

سپس دادگاه به تعریف کمیته در گوهردشت پرداخت که از سوی چند شاکی و شاهد به عنوان کمیته مرگ تعریف شده بود، اما متهم استدلال کرد که کمیته عفو بوده است. دادگاه تجدید نظر به این نتیجه رسید که شواهد موجود در پرونده به شدت با ادعاهای متهم در مورد هدف و مأموریت ادعایی کمیته در تضاد است، زیرا این واقعیت که زندانیان بلافاصله پس از برخورد با کمیته [مرگ] اعدام شده‌اند، نشان می‌دهد که [به دلیل] تصمیمات این کمیته بوده است که [حکم مرگ] اجرا شده است.

سپس دادگاه این موضوع را مورد بررسی قرار داد که آیا بررسی کمیته را می‌توان با یک دادرسی عادلانه برابر دانست. دادگاه به این نتیجه رسید که هیچ دلیلی برای شک وجود ندارد که کمیته [مرگ] به عنوان یک دادگاه عادی عمل نمی‌کند و کسانی که با آن روبرو هستند، آنطور که شاکیان و شهود توصیف کرده‌اند، وکالت یا کمک قانونی دریافت نکرده‌اند. علاوه بر این، هیچ فرصتی برای اعتراض به تصمیمات کمیته وجود نداشت. بنابراین دادگاه با ارزیابی دادگاه منطقه‌ای موافقت کرد که بررسی کمیته الزامات اساسی یک دادرسی عادلانه را برآورده نمی‌کند.

طبقه‌بندی اعمال تحت اتهام اول - جنایات جنگی

دادگاه ابتدا به درگیری مسلحانه بین ایران و عراق پرداخت و ابتدا این سؤال را ارزیابی کرد که آیا مجاهدین خلق بخشی از درگیری مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق بوده است. دادگاه به این نتیجه رسید که با نتیجه دادگاه منطقه موافق است که مجاهدین خلق در عملیات نظامی علیه ایران از خاک عراق در سال ۱۹۸۸ شرکت کرده و پایگاه نظامی مجاهدین خلق در عراق از حمایت و حفاظت عراق بهره می‌برد. دادگاه همچنین با دادگاه منطقه موافقت کرد که مجاهدین خلق از [حکومت / دولت وقت] عراق در قالب تجهیزات نظامی کمک نظامی دریافت می‌کرده است و این واقعیت که مجاهدین خلق ممکن است هزینه این تجهیزات را از نظر اقتصادی به عراق بازپرداخت کرده باشد، این فرض را که مجاهدین خلق در جبهه عراق درگیر بوده است، نفی نمی‌کند.

دادگاه هنگام پرداختن به موضوع همکاری نظامی عملیاتی بین عراق و مجاهدین خلق خاطرنشان کرد که مشخص نیست نیروهای عراقی تا چه حد بطور فعال و مشخص کنترل مستقیمی بر مجاهدین خلق در طول عملیات چلچراغ داشتند. با این حال، دادگاه به این نتیجه رسید که تحقیقات نشان داد که عراقی‌ها مشارکت فعال‌تری در عملیات چلچراغ و عملیات فروغ جاویدان داشتند. در مورد عملیات چلچراغ، دادگاه بعید می‌دانست که نیروهای عراقی و نیروهای مجاهدین خلق در این حمله همکاری عملیاتی نداشته باشند، زیرا نتایج نشان داد که نیروهای پیاده و نیروی هوایی عراق درگیر هستند. دادگاه به این نتیجه رسید که این نشان‌دهنده نفوذ عملیاتی بر مجاهدین

خلق از طرف [حکومت / دولت وقت] عراق است. دادگاه همچنین دریافت که تحقیقات قویاً ثابت کرده است که ارتش عراق پشتیبانی عملیاتی ملموس، از جمله پشتیبانی هوایی و پشتیبانی لجستیک از مجاهدین خلق در طول پیشروی مجاهدین خلق به سمت قلمرو تحت کنترل ایران در طول عملیات فروغ جاویدان ارائه کرده است.

دادگاه همچنین به این سؤال پرداخت که آیا یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی بین ایران و مجاهدین خلق رخ داده است، و دریافت که شواهد قویاً نشان می‌دهد که درگیری مسلحانه بین مجاهدین خلق و ایران در زمان درگیری مورد ادعا ادامه داشته است. سطح درگیری‌ها به دلیل مدت و شدت آن یک درگیری مسلحانه غیربین‌المللی است. سازمان مجاهدین خلق سطح سازماندهی و ساختار یک گروه مسلح سازمانیافته را به نمایش گذاشت، همانطور که ساختار رهبری، دسترسی به تجهیزات نظامی و توانایی آن در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی نشان می‌دهد. با این حال، دادگاه به این نتیجه رسید که این یافته در این مورد تعیین‌کننده نبود، زیرا دادگاه قبلاً به این نتیجه رسیده بود که عراق چنان کنترل گسترده‌ای بر مجاهدین خلق اعمال می‌کند که مجاهدین خلق را بخشی از درگیری مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق می‌دانند. بنابراین، دادگاه تجدید نظر نتیجه دادگاه منطقه را به تأیید می‌کند.

سپس دادگاه در مورد اینکه آیا ارتباط کافی بین درگیری مسلحانه و اعدام‌های زندان گوهردشت برای طبقه‌بندی اعمال ادعایی به عنوان جنایات جنگی وجود دارد یا نه، بحث کرد.

دادگاه دریافت که نزدیکی بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه شواهد محکمی از ارتباط بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه ارائه می‌دهد. دادگاه همچنین دریافت که رهبری [جمهوری اسلامی] ایران [خیمینی] پس از یک جنگ پرهزینه و طولانی با عراق، تحت فشار زیادی قرار داشت و مجاهدین خلق در ژوئن و ژوئیه ۱۹۸۸ عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه ایران انجام دادند. سپس دادگاه بررسی کرد که آیا قبل از اعدام‌ها فتوایی از سوی آیت‌الله خمینی صادر شده است یا نه. این دادگاه دریافت که مقیاس و سازماندهی اعدام‌ها حاکی از آن است که این اعدام‌ها، آنطور که در کیفرخواست ادعا شده است، به دستور آیت‌الله خمینی در حکمی که در ارتباط نزدیک با اعدام‌ها صادر شده، صورت گرفته است. با وجود ابهام در مورد ماهیت فرمان خمینی (یعنی اینکه آیا باید آن را فتوا [دستور دینی] یا حکم [دستور حکومتی] تلقی کرد)، دادگاه بسیار بعید دانست که این اعدام‌ها بدون حمایت و دستور رهبری [جمهوری اسلامی] ایران انجام شده باشد و بنابراین این امر را چنین می‌دانند. [و این] ارتباط بین اعدام‌ها و درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را توجیه می‌کند.

در اصل، دادگاه به نتیجه دادگاه منطقه‌ای موافقت کرد که اعدام‌ها مربوط به درگیری بوده و بنابراین ارتباط لازم برقرار بوده است.

سپس دادگاه در مورد اینکه آیا عناصر اتهام اول [جنایات جنگی] برآورده شده است یا نه بحث کرد. یعنی اینکه آیا متهم، همراه یا در تبانی با سایر مجرمان، با ایجاد ترس شدید از مرگ [در بین زندانیان]، تعداد زیادی از زندانیان را در معرض رنج شدید روحی قرار داده است و آیا این به منزله شکنجه و رفتار غیرانسانی در مفهوم ماده ۷۵ پروتکل ۱ کنوانسیون ژنو است. دادگاه به این نتیجه رسید که ترس از مرگ که شاکیان در طول دوره اعدام به دلیل

ترس از اعدام احساس می‌کردند، همانطور که شاکیان در شهادت‌های خود شرح داده‌اند، و این واقعیت که شاکیان با کمیته [مرگ] روبرو شده‌اند، به این معنی است که آنها به شدت چنین رنجی را متحمل شده‌اند. چیزی که طبق ماده ۷۵ پروتکل ۱ کنوانسیون ژنو معادل شکنجه بود. علاوه بر این، دادگاه در نظر گرفت که رفتار کمیته با قربانیان به دلیل ارتباط آنها با سازمان مجاهدین خلق است و بنابراین این رفتار با درگیری مسلحانه مرتبط است. دادگاه همچنین دریافت که نه تنها شاکیان، بلکه زندانیان اعدام شده نیز از ترس شدید مرگ، رنج می‌بردند.

سپس دادگاه بررسی کرد که زندانیان اعدام شده در زندان گوهردشت از چه حمایتی بر اساس کنوانسیون ژنو برخوردار هستند. دادگاه خاطرنشان کرد در حالی که کنوانسیون چهارم ژنو از شهروندان بازداشت شده توسط دولت خود محافظت نمی‌کند، پروتکل یک کنوانسیون ژنو از هر غیرنظامی در یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، صرف نظر از شهروندی آنها، محافظت می‌کند. در همین حال، ماده ۷۵ پروتکل یک قتل و شکنجه افراد تحت حمایت را ممنوع کرده است. این کنوانسیون همچنین برای اشخاصی که در دست نیروی متخاصم هستند، صرف نظر از ملیت‌شان، تضمین می‌طلبد. (نویسنده گزارش: اگرچه دادگاه این موضوع را به صراحت بیان نکرده است، اما ظاهراً به این نتیجه رسیده است که زندانیان اعدام شده در واقع افراد [اسیران] حمایت شده بوده‌اند.)

طبقه‌بندی اعمال تحت اتهام دوم - قتل

دادگاه به این نتیجه رسید که شواهد موجود در پرونده این ادعا را تأیید می‌کند که ۲۴ نفری که دادستان در کیفرخواست دوم نام برده است، طبق ادعای دادستان اعدام شده‌اند. با این حال، دادگاه شواهد را برای حمایت از ادعای دادستان مبنی بر اعدام افراد نامشخص دیگر، کافی تشخیص نداد. بنابراین، دادگاه به این نتیجه رسید که متهم نمی‌تواند مسئول قتل اشخاصی غیر از کسانی باشد که در کیفرخواست ذکر شده‌اند. دادگاه همچنین خاطرنشان می‌کند که هرگونه قتل یک شخص بطور کلی یک جرم جداگانه تلقی می‌شود. بنابراین متهم در اتهام دوم به ۲۴ فقره قتل محکوم شده است.

نوع مسئولیت - کمک و همدستی یا مشارکت

سپس دادگاه به این پرسش پرداخت که آیا اقدامات متهم را باید به عنوان مشارکت در جرم تلقی کرد یا به عنوان کمک و همدستی [مباشرت]. این ارزیابی بر اساس رویه قضایی دادگاه‌های سوئد بود. دادگاه خاطرنشان کرد که جنایات جنگی می‌تواند شامل اعمال مختلفی باشد که هر یک ممکن است یک جرم مجرمانه مجزا باشد. با این حال، در چارچوب یک شرکت مجرمانه مشترک، طبیعی است که اعمال را به عنوان یک جرم واحد تلقی کنیم. این امر همچنین در صورتی اعمال می‌شود که جرائم شامل اعمال مختلفی مانند محرومیت از زندگی، ایراد صدمه بدنی یا رفتاری شبیه به شکنجه باشد. با این حال، دادگاه تأکید کرد که وقتی صحبت از قتل به میان می‌آید، طبقه‌بندی تعداد زیادی از پرونده‌های قتل فردی به عنوان یک جرم واحد نه ممکن است و نه مناسب. در عوض، هر گزارش قتل باید بر اساس شایستگی‌های خودش باشد. با این حال، اگر قتل‌ها به صورت سیستماتیک و سازماندهی شده انجام شده باشد، این مانع از آن نمی‌شود که پرونده‌های چند قتل به عنوان یک شرکت مجرمانه مشترک در نظر گرفته شوند.

(ادامه دارد)



کشتی‌ریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در دریای عمان

رژیم ایران به رشادت و دلاوری مردم ایران نیاز دارد. به نظر من، در مورد جمهوری اسلامی دنیا دچار سردرگمی است. بنابراین بدون حمایت از مردم ایران در این راه، دنیا مجبور خواهد هزینه‌های بیشتری در آینده پرداخت کند.

● فکر می‌کنید اسرائیل به اندازه‌ای که پیش‌بینی می‌شد برای دفاع از خودش ظرفیت دارد؟

-در معادله «صداقت، شجاعت و قدرت» دو اصل اول یعنی «صداقت» در بیان و عمل‌کردن به تصمیمات و خواسته‌ها و اصل دوم «شجاعت» که طی بیش از هفت دهه پس از استقلال کشور اسرائیل و در نهایت بعد از «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ دیدیم، مردم و دولت اسرائیل نشان دادند با تمام ظرفیت از کشورشان دفاع می‌کنند. بدون شک پشت همه این خصوصیات انکارناپذیر، عنصری قدرتمند قرار دارد که نقش پشتیبان را ایفا می‌کند و آن حمایت دوست دیرینه و یک ابرقدرت به نام آمریکا از کشور اسرائیل است. فکر می‌کنم در این مقطع زمانی حساس تنها یک ابرقدرت مثل آمریکاست که با جانبداری از طرف حق در این ماجرا می‌تواند جنگ علیه تروریسم را به هدف نهایی برساند اما در نهایت این زبان سیاست است که یک ابرقدرت را می‌تواند در کنار مردم منطقه، پیروز موقعیت پیچیده‌ی خاورمیانه کند.

● «بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و قوانین بین‌المللی، کشورها حق دارند از کشتی‌های خود در دریاها و اقیانوس‌ها در برابر تهدیدات دفاع کنند. این قوانین همچنانکه زمینه‌ساز حمله آمریکا و انگلیس به حوثی‌ها شد ممکن است جمهوری اسلامی را هم به عنوان منشاء حمله در مرکز توجه قرار دهد. یعنی اگر بریتانیا و ایالات متحده آمریکا اصرار و متقاعد کنند که جمهوری اسلامی عامل اصلی این ناامنی‌ها است، آنوقت گزینه‌های دیگر را روی میز قرار خواهند داد. بعید نمی‌دانم بعد از حوثی‌ها و حماس، توجه آنها به سمت جمهوری اسلامی معطوف شود.»

کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه ارتش جمهوری اسلامی در دریای عمان نفتکش «سوئز راجان» را توقیف کرد، ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف حمله قرار داد. همزمان وزارت خزانه‌داری آمریکا دو شرکت در امارات و هنگ‌کنگ و چهار کشتی مرتبط با «سپاه قدس» و حوثی‌ها را در فهرست تحریم‌ها ثبت کرد.

گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا به رژیم ایران هشدار داد

● لحن مقامات آمریکایی و انگلیسی چند هفته‌ای است تغییر کرده. آنها کاملاً روشن به تهران پیام داده‌اند که «تحمل ما تمام شده است.» هوایی‌های ائتلاف علیه حوثی‌ها اقدام کردند و بایدن گفته اگر لازم باشد اقدام بیشتری خواهد کرد. مستقیم هم خطاب‌شان به ←

که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است.» وی در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی‌ماه) منتشر شد هشدار داد «جمهوری اسلامی باید به حوثی‌ها و سایر گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات‌شان را متوقف کند و دست بردارند.» جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا که در تمام سه سال گذشته متهم به مداخلات با جمهوری اسلامی بود حالا می‌گوید به تهران پیام داده که اگر دست از اقداماتش بر ندارد شدت عمل آمریکا را خواهد دید.

آیا واقعا کاسه صبر دولت‌های غربی و متحدان آنها در منطقه از اقدامات جمهوری اسلامی و شرکای آن لبریز شده است؟

دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» و از مأموران ویژه «پروژه کاساندر» (مقابل با قاچاق مواد مخدر توسط رژیم ایران و حزب‌الله) در گفتگو با کیهان لندن به پرسش‌هایی در مورد تنش‌ها در منطقه پاسخ داده است.

● دکتر حمیدی، آیا عملیات اسرائیل به تنهایی برای شکار فرماندهان و سران حماس و حزب‌الله می‌تواند اصل تهدید را خنثی کند؟ مقامات اسرائیل دائم تکرار می‌کنند سر اختاپوس و منشاء تهدید در ایران است. آیا ترورها برون‌مرزی پیام روشن برای مقامات رژیم ایران دارد؟

-بدون شک برای کسی پوشیده نیست که اینبار بعد از رخداد فجیع «هفت اکتبر»، کشور اسرائیل با قدرتی بیشتر در حال نهایی کردن تصمیم خود برای پاک شدن غزه از میکروب تروریسم حماس است. پاکسازی از گروه‌های تروریستی تا دورترین نقاط کره زمین ضروری است. در منطقه خاورمیانه نیز تا بساط کامل تروریسم جمع نشود به ویژه مردم ایران و اسرائیل رنگ آرامش نمی‌بینند.

دولت و ارتش و همچنین مردم اسرائیل نشان دادند از حماس به ستوه آمده‌اند. تروریست‌های حماس جنایتی کردند که نه تنها در عرف بین‌الملل و در جنگ‌ها بی‌سابقه است بلکه بویی از انسانیت نبرده بود. حالا هم دارند بهای سنگینی را به دلیل اقدام رذیلانه‌ای که مرتکب شدند پرداخت می‌کنند.

اما واقعیت آن است که هم مقامات اسرائیل و هم جهانیان می‌دانند سر اختاپوس در تهران است ولی تا خود ایرانی‌ها وجود منحوس رژیم اسلامی را از کشورشان پاک نکنند صلح و آرامش به ایران و منطقه باز نمی‌گردد. سرنوشتی

دکتر امیر حمیدی در گفتگو با کیهان لندن: بعید نیست توجه نیروهای ائتلاف بعد از حماس و حوثی‌ها به سمت رژیم ایران معطوف شود

● آیا واقعا کاسه صبر دولت‌های غربی و متحدان آنها در منطقه از اقدامات جمهوری اسلامی و شرکای آن لبریز شده است؟ دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» و از مأموران ویژه «پروژه کاساندر» (مقابل با قاچاق مواد مخدر توسط رژیم ایران و حزب‌الله) در گفتگو با کیهان لندن به پرسش‌هایی در مورد تنش‌ها در منطقه پاسخ داده است.

● «واقعیت آن است که هم مقامات اسرائیل و هم جهانیان می‌دانند سر اختاپوس در تهران است ولی تا خود ایرانی‌ها وجود منحوس رژیم اسلامی را از کشورشان پاک نکنند صلح و آرامش به ایران و منطقه باز نمی‌گردد. سرنوشتی رژیم ایران به رشادت و دلاوری مردم ایران نیاز دارد. به نظر من، در مورد جمهوری اسلامی دنیا دچار سردرگمی است.»

● «در این مقطع زمانی حساس تنها یک ابرقدرت مثل آمریکاست که با جانبداری از طرف حق در این ماجرا می‌تواند جنگ علیه تروریسم را به هدف نهایی برساند اما در نهایت این زبان سیاست است که یک ابرقدرت را می‌تواند در کنار مردم منطقه، پیروز موقعیت پیچیده‌ی خاورمیانه کند.»

● «بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و قوانین بین‌المللی، کشورها حق دارند از کشتی‌های خود در دریاها و اقیانوس‌ها در برابر تهدیدات دفاع کنند. این قوانین همچنانکه زمینه‌ساز حمله آمریکا و انگلیس به حوثی‌ها شد ممکن است جمهوری اسلامی را هم به عنوان منشاء حمله در مرکز توجه قرار دهد. یعنی اگر بریتانیا و ایالات متحده آمریکا اصرار و متقاعد کنند که جمهوری اسلامی عامل اصلی این ناامنی‌ها است، آنوقت گزینه‌های دیگر را روی میز قرار خواهند داد. بعید نمی‌دانم بعد از حوثی‌ها و حماس، توجه آنها به سمت جمهوری اسلامی معطوف شود.»

کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه ارتش جمهوری اسلامی در دریای عمان نفتکش «سوئز راجان» را توقیف کرد، ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف حمله قرار داد. همزمان وزارت خزانه‌داری آمریکا دو شرکت در امارات و هنگ‌کنگ و چهار کشتی مرتبط با «سپاه قدس» و حوثی‌ها را در فهرست تحریم‌ها ثبت کرد.

→ رهبران جمهوری اسلامی است. فکر می‌کنید تهران پیام را گرفته؟

- اگرچه حوثی‌ها واکنش‌های پراکنده‌ای نشان دادند اما به نظر پیام را گرفته‌اند. رهبران ارشد آنها سکوت کردند اما سران جمهوری اسلامی هنوز به یاهوگویی‌ها و تهدیدات تو خالی همراه با اخبار ساختگی و دروغین ادامه می‌دهند. این حمله مشترک نظامی به خاطر ژئواستراتژیک دنیا و به خاطر موقعیت بسیار حساس تجاری دنیا که در دریای سرخ وجود دارد انجام شد. دریای سرخ آبراه اصلی حمل و نقل کالاهای تجاری مثل نفت و گاز مابین قاره آسیا و اروپاست که از طریق کانال سوئز و باب‌المندب که به دریای سرخ متصل هستند حمل و نقل می‌شود. یک سوم کل کانتینرهای جهان از این مسیر می‌گذرند که حملات حوثی‌ها با مدیریت و حمایت جمهوری اسلامی آن را مختل کرده. حملات حوثی‌ها روی اقتصاد جهانی، بیمه حمل و نقل و کشتیرانی تأثیرات منفی گذاشته است. موضوع دیگر فقط درگیری نظامی نیست. در بدترین موقعیت، اقتصاد جهانی صدمه دیده. شرکت‌های بزرگ ضرر می‌کنند. حتا مصر و عربستان ضرر کرده‌اند. نرخ حمل و نقل گران شده. شرکت‌های بیمه پول بیشتری طلب می‌کنند. این وضعیت برای دنیا و اقتصاد قابل تحمل نیست.

در چنین شرایطی همانطور که گفتم ابرقدرت‌ها باید از یک هدف پشتیبانی کنند. اسرائیل منطقی عمل می‌کند و عملیات خودش را در دفاع از خود پیش می‌برد. همزمان اما در یک هماهنگی حساب شده آمریکا و انگلیس سراغ حوثی‌ها رفتند. پیامشان چیست؟ جمهوری اسلامی یا را از گلیم خود بیشتر دراز کرده و باید دست و پایش را جمع کند؛ اما اگر این کار را نکند شک ندارم تنش‌ها بیشتر می‌شود چون مسئله بر سر اقتصاد است. اما این را هم می‌دانم ژن رژیم ایران تغییرناپذیر است و تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران حکومت می‌کند، امنیت منطقه در خطر و با تلاطم و تنش همراه خواهد بود. بنابراین غرب راهی ندارد جز اینکه سرانجام تصمیم نهایی را بگیرد.

حمله نیروهای ائتلاف به حوثی‌ها هشدار بسیار جدیست. به نظر تازه مرحله اول شروع شده و ضربات شدیدی به حوثی‌ها وارد شده است. هیچ بعید نیست در مرحله بعدی آمریکا، انگلستان، اسرائیل و دوستان غربی تصمیم نهایی را گرفته و دست‌های جمهوری اسلامی در منطقه را کاملاً قطع کنند.

اولین مشکل جمهوری اسلامی حضور آمریکا در منطقه است. عوامل حکومت در پارلمان عراق خیلی تلاش می‌کنند تا نظامیان آمریکایی را از منطقه بیرون کنند. مشکل دوم جمهوری اسلامی، جنگ غزه و حمله سنگین اسرائیل به این منطقه و نیروهای حماس است. سوم، ترس جمهوری اسلامی است. آنها تا حدودی روش مستقیم را در پیش گرفته‌اند. یعنی با نیابتی‌ها آشکارا علیه آمریکا و اسرائیل اقدام می‌کنند با این امید که «موازنه هراس» ایجاد کنند. این استراتژی اتفاقاً خطر برخورد را افزایش می‌دهد.

بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت و قوانین بین‌المللی، کشورها حق دارند از کشتی‌های خود در دریایا و اقیانوس‌ها در برابر تهدیدات دفاع کنند. این قوانین همچنانکه زمینه‌ساز حمله آمریکا و انگلیس به حوثی‌ها شد ممکن است جمهوری اسلامی را هم به عنوان منشاء حمله در مرکز توجه قرار دهد. یعنی اگر بریتانیا و ایالات متحده آمریکا اصرار و متقاعد کنند که جمهوری اسلامی عامل اصلی این ناامنی‌ها است، آنوقت گزینه‌های دیگر را روی میز قرار خواهند داد. بعید نمی‌دانم بعد از حوثی‌ها و حماس، توجه آنها به سمت جمهوری اسلامی معطوف شود.

«وقت آن نرسیده که ایران سلاح اتمی داشته باشد؟» پرسش مجری «شبکه دو» از رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی



محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی

بر اساس آخرین گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت دست‌کم سه سلاح اتمی را ذخیره کرده است. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بارها به شورای حکام هشدار داده که غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران و ذخیره این حجم اورانیوم غنی‌شده هیچ توجیه معتبر غیرنظامی ندارد.

کمتز از یک ماه پیش از این آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد «ذخایر اورانیوم غنی شده ایران با غلظت ۶۰ درصد از ۶/۷ کیلوگرم در ماه سپتامبر (شهریور) به ۱۲۸/۳ کیلوگرم افزایش یافته است.»

برای ساخت هر بمب اتم تقریباً ۴۲ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده نیاز است که بر اساس گزارش آژانس، جمهوری اسلامی ایران سه برابر این مقدار را در اختیار دارد.

جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۳ زنده‌ترین بازرسان آژانس را از ایران اخراج کرد. در همین ارتباط مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته بود، ایران بازرسانی را هدف قرار داده که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی [اورانیوم] و سایر ظرفیت‌ها دارند.»

مقامات جمهوری اسلامی بطور رسمی ادعا می‌کنند به دنبال دستیابی به بمب اتم نیستند اما محمود علوی وزیر سابق اطلاعات رژیم ۲۰ بهمن ۹۹ در برنامه گفتگوی ویژه خبری «شبکه دو» گفته بود «مقام معظم رهبری فتوا داده که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گریه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارشان با وقتی که گریه آزاد است فرق کند!» علی خامنه‌ای مهرماه سال ۱۳۹۸ در یک سخنرانی گفت «ما با وجود اینکه می‌توانستیم در این راه قدم برداریم، بر اساس حکم اسلام عزیز کاربرد این سلاح را حرام قطعی شرعی اعلام کردیم، بنابراین هیچ دلیلی ندارد که برای تولید و نگهداشت سلاحی که استفاده از آن مطلقاً حرام است، هزینه کنیم.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان تهران نیز امرداد سال ۱۳۹۶ در یادداشتی با عنوان «چرا مثل کره شمالی نباشیم؟» نوشته بود ساختن موشک‌های دوربرد توسط کره شمالی نمونه موفق از مقاومت بجای سازش است. جمهوری اسلامی از زبان کیهان تهران با چنین روشی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود را غیرقابل مذاکره اعلام کرد. کیهان تهران بعداً نیز مرتب بر همین مواضع تأکید کرده است.

● در میانه تنش‌های روز افزون در خاورمیانه، یک مجری «شبکه دو» صداسویمای جمهوری اسلامی شبیه شب ۲۳ دی‌ماه روی آنتن زنده از محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی پرسید که آیا زمان آن نرسیده که ایران با توجه به تهدیدات اسرائیل، سلاح هسته‌ای داشته باشد یا دست به یک آزمایش هسته‌ای بزند؟

● اسلامی در پاسخ به این مجری گفت: «امروز بدون اینکه وابسته باشیم به نقطه‌ای رسیدیم که در ترازهای بالای جهانی قلمداد می‌شویم. آنان از این نگران بودند و این نگرانی پابرجاست. آنان می‌خواستند که ما به این فناوری برسیم اما اکنون رسیدیم.»

● وی با این مقدمه ادامه داد: «جمهوری اسلامی راهبرد بازدارندگی فعال دارد و داشتن سلاح کشتار جمعی هرگز در دکترین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی جایگاه نداشته به ویژه اینکه فتوای رهبری هم هست که سلاح هسته‌ای را حرام می‌دانند... راهبرد ملی ما برای تضمین امنیت مؤلفه‌هایی دارد که کمتر کشوری از آن برخوردار است... کشور ما مردم‌پایه است و با توکل بر خدا و اعتماد بر نصرت الهی کار خود را پیش برده است!»

در میانه تنش‌های روزافزون در خاورمیانه، یک مجری «شبکه دو» صداسویمای جمهوری اسلامی شبیه شب ۲۳ دی‌ماه روی آنتن زنده از محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی پرسید که آیا زمان آن نرسیده که ایران با توجه به تهدیدات اسرائیل، سلاح هسته‌ای داشته باشد یا دست به یک آزمایش هسته‌ای بزند؟

اسلامی در پاسخ به این مجری گفت: «امروز بدون اینکه وابسته باشیم به نقطه‌ای رسیدیم که در ترازهای بالای جهانی قلمداد می‌شویم. آنان از این نگران بودند و این نگرانی پابرجاست. آنان می‌خواستند که ما به این فناوری برسیم اما اکنون رسیدیم.»

وی با این مقدمه ادامه داد: «جمهوری اسلامی راهبرد بازدارندگی فعال دارد و داشتن سلاح کشتار جمعی هرگز در دکترین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی جایگاه نداشته به ویژه اینکه فتوای رهبری هم هست که سلاح هسته‌ای را حرام می‌دانند... راهبرد ملی ما برای تضمین امنیت مؤلفه‌هایی دارد که کمتر کشوری از آن برخوردار است... کشور ما مردم‌پایه است و با توکل بر خدا و اعتماد بر نصرت الهی کار خود را پیش برده است!»

پیام هشدار مقامات آمریکا و بریتانیا به تهران:

صبر ما تمام شده! حمله حوثی‌ها به کشتی‌ها دیگر قابل تحمل نیست!

دفاع سفیر آمریکا از عملیات ائتلاف و مخالفت روسیه در نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل که جمعه در مورد وضعیت یمن برگزار شد، لیندا توماس گرینفیلد سفیر و نماینده آمریکا از عملیات نیروهای ائتلاف حمایت کرد و گفت: «حملات به یمن پس از آن انجام شد که ثابت شد گزینه‌های غیرنظامی برای بازدارندگی تهدید کافی نیست.»

سفیر آمریکا در سازمان ملل حملات در یمن را «ضروری، متناسب و مطابق با قوانین بین‌المللی» خواند و مدعی شد: «هدف حملات به یمن تضعیف توانایی حوثی‌ها برای ادامه حملات به کشتی‌ها است.»

اما نماینده روسیه در سازمان ملل هشدار داد: «رویارویی در دریای سرخ و خلیج عدن در حال گسترش است و کشورهای ائتلاف تهدید به گسترش بیشتر رویارویی می‌کنند. علاوه بر این، ایالات متحده و متحدانش با حمله به مردم یمن در نقض بند ۲ منشور سازمان ملل در گسترش درگیری‌ها و سرایت آن به کل منطقه نقش داشته‌اند.»

سفیر روسیه همچنین گفت: «حملات گسترده به خاک یمن ربطی به استفاده از حق دفاع از خود ندارد. حق دفاع از خود را نمی‌توان برای تضمین آزادی کشتیرانی اعمال کرد و آمریکایی‌ها این را به خوبی می‌دانند.»

سفیر روسیه در سازمان ملل که کشور خودش با تجاوز نظامی به اوکراین درگیر جنگ است، تأکید کرد: «همه این کشورها حملات گسترده‌ای را به خاک یمن انجام داده‌اند. به نظر من این حمله به گروهی خاص نیست، بلکه تهاجمی به همه مردم یک کشور است. در این حمله علاوه بر هواپیماها، از کشتی‌های جنگی و زیردریایی هم استفاده شده است.»

با آغاز حملات نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها شماری از حامیان آنها در خیابان‌های نیویورک دست به اعتراض زدند و علیه جنگ طلبی بایدن شعار دادند!

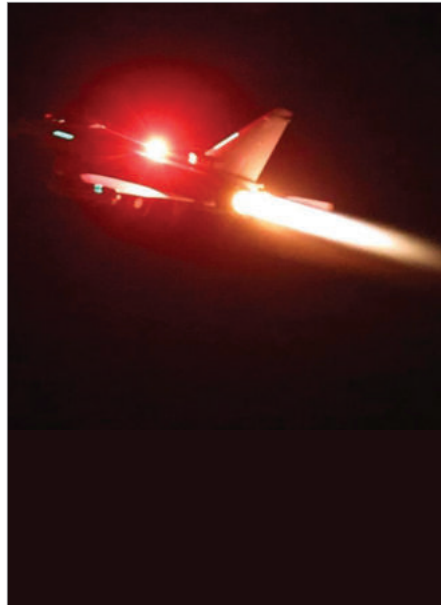
شلیک اشتباهی حوثی‌ها به کشتی‌های روسیه

حوثی‌ها بعد از دو مرحله حمله نیروهای ائتلاف همچنان به پرتاب موشک به سمت کشتی‌ها در دریای سرخ ادامه می‌دهند. در این میان، گزارش شد که روز جمعه یک نفتکش حامل نفت روسیه در سواحل یمن به «اشتباه» هدف حمله موشکی حوثی‌ها قرار گرفته است.

شرکت بریتانیایی «امبری» که در زمینه کارشناسی و مدیریت خطرهای دریایی فعال است، می‌گوید گزارشی را درباره شلیک یک موشک در فاصله ۹۰ میل دریایی (۱۶۷ کیلومتری) جنوب شرقی شهر بندری عدن یمن دریافت کرده است.

به گفته امبری، این دومین نفتکش حامل نفت روسیه است که به اشتباه توسط حوثی‌ها هدف قرار گرفت.

به نظر می‌رسد بعید است به این زودی‌ها و با این سطح از واکنش نظامی نیروهای ائتلاف، حوثی‌های یمن دست از تهدیدات خود بردارند. یکی از رهبران آنها به شبکه المیادین گفته است «یمن قواعد درگیری جدیدی در دریای سرخ وضع کرده است.» وی تهدید کرده «پاسخ دردناکی به آمریکا و انگلیس می‌دهیم.»



پرواز جنگنده‌های آمریکایی و انگلیسی از ناوهای مستقر در دریای سرخ برای هدف قرار دادن مواضع حوثی‌ها

بود و یک مرکز راداری مورد استفاده حوثی‌ها هدف قرار گرفت. پس از اینکه ایالات متحده توانست ارزیابی خسارات نبرد را انجام دهد، خواهد دید چه اهدافی باقی مانده است. مشخص نیست که آیا حملات اضافی ایالات متحده در پاسخ به پرتاب موشک بالستیک ضد کشتی بوده یا ادامه‌ی حملات قبلی بوده است.

همزمان گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا به رژیم ایران هشدار داد که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است.» این مقام نظامی بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی‌ماه) منتشر شد گفت: «رژیم ایران باید به حوثی‌ها و سایر گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات‌شان را متوقف کند و دست بردارند.»

وی با تأکید بر اینکه «مزاحمت تبهکاران بین‌المللی علیه کشتی‌های تجاری را نمی‌توان نادیده گرفت و این وضعیت دیگر قابل تحمل نیست» گفت: «نقش [رژیم] ایران مهم است... باید درک کنند ضروریست به گروه‌های نیابتی متعدد که در منطقه فعالیت می‌کنند بگویند از این کارها هیچ سودی گیرشان نمی‌آید و اگر ادامه بدهند ضرر خواهند کرد.»

روزنامه «تلگراف» پیش از این گزارش داده بود که جمهوری اسلامی به یمنی‌هایی که به حوثی‌ها در حمله به اسرائیل و کشتیرانی در دریای سرخ پیوندند، ماهانه ۱۰۰ دلار پرداخت می‌کند.

این روزنامه با اشاره به وضعیت معیشتی یمنی‌ها نوشته این مبلغ در مقایسه با ماهانه ۱۳۰۰ دلار پرداختی به اعضای حزب‌الله پایین‌تر است. تلگراف همچنین به نقل از منابع امنیتی گزارش داده بود که دست‌کم ۲۰۰ نفر از حوثی‌ها در «مرکز علوم و فنون دریایی خامنه‌ای» متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر ساحلی زیباکنار دوره آموزشی دیده‌اند.

● جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا ساعاتی پس از عملیات نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها گفت: «من پیام را به [رژیم] ایران رسانده‌ام. اطمینان دادم اگر حوثی‌ها به این رفتار ظالمانه ادامه دهند، به آنها پاسخ خواهیم داد... آنها می‌دانند نباید کاری انجام دهند.»

● گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا به رژیم ایران هشدار داد که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است.» این مقام نظامی بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی‌ماه) منتشر شد گفت: «رژیم ایران باید به حوثی‌ها و سایر گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات‌شان را متوقف کند و دست بردارند.»

● لیندا توماس گرینفیلد سفیر و نماینده آمریکا در سازمان ملل از عملیات نیروهای ائتلاف حمایت کرد و گفت: «حملات به یمن پس از آن انجام شد که ثابت شد گزینه‌های غیرنظامی برای بازدارندگی تهدید کافی نیست.»

● حوثی‌ها بعد از دو مرحله حمله نیروهای ائتلاف همچنان به پرتاب موشک به سمت کشتی‌ها در دریای سرخ ادامه می‌دهند. در این میان، گزارش شد که روز جمعه یک نفتکش حامل نفت روسیه در سواحل یمن به «اشتباه» هدف حمله موشکی حوثی‌ها قرار گرفته است.

مقامات ارشد آمریکا و انگلیس ۲۴ ساعت پس از حمله سنگین به مواضع حوثی‌ها به جمهوری اسلامی در مورد ادامه پشتیبانی از گروه‌های نیابتی به ویژه برای مختل کردن کشتیرانی در دریای سرخ هشدار دادند.

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا روز جمعه ۱۲ ژانویه (۲۲ دی‌ماه) گفت حمله به حوثی‌ها در یمن یک پیام به جمهوری اسلامی بود.

به گزارش سی‌ان‌ان، بایدن که به بازدید یک مرکز کسب و کار کوچک در آین‌تاون در ایالت پنسیلوانیا رفته بود، در پاسخ درباره اینکه «آیا آمریکا در جنگ نیابتی با ایران قرار دارد» پاسخ داد: «نه. [جمهوری اسلامی] ایران جنگ با ما را نمی‌خواهد.»

وی گفت: «من پیام را به [رژیم] ایران رسانده‌ام. اطمینان دادم اگر حوثی‌ها به این رفتار ظالمانه ادامه دهند، به آنها پاسخ خواهیم داد... آنها می‌دانند نباید کاری انجام دهند.» ارتش آمریکا و بریتانیا پنجشنبه شب و همچنین روز جمعه ۲۲ دی‌ماه حملاتی را علیه تأسیسات نظامی و انبارهای مهمات حوثی‌ها در مناطقی از یمن انجام دادند. به گفته مقامات نظامی، نیروهای ایالات متحده و ائتلاف دست‌کم ۶۰ نقطه را با بیش از ۱۵۰ مهمات هدایت شونده دقیق هدف قرار دادند که شامل گروه‌های فرماندهی و کنترل، مهمات، انبارها، سیستم‌های پرتاب، تأسیسات تولید و سامانه‌های راداری دفاع هوایی می‌شد.

ژنرال داگلاس سیمز از فرماندهان ارشد ستاد مشترک گفت که حوثی‌ها روز جمعه به تلافی این حملات یک موشک بالستیک ضد کشتی به سمت یک کشتی تجاری شلیک کردند. به گفته یک مقام آمریکایی، ساعاتی بعد، ایالات متحده حملات بیشتری را علیه مواضع حوثی‌ها در یمن انجام داد.

این مقام گفت که این حملات که به صورت یکجانبه توسط ایالات متحده انجام شد، از وسعت بسیار کمتری برخوردار

درخواست روسیه برای «نشست فوری» شورای امنیت پس از حمله نیروهای ائتلاف به حوثی‌ها

دریاندردی در دریای سرخ بسیار مهم است و به همین دلیل است که ما اقدام می‌کنیم.»
 وی تأکید کرد «همانطور که شورای امنیت سازمان ملل متحد تصریح کرده است، حوثی‌ها باید حملات خود را در دریای سرخ متوقف کنند.»
 لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که حملات آمریکا و بریتانیا علیه شبه‌نظامیان حوثی در یمن، انبار مهمات، تأسیسات و رادارها و زیرساخت‌های موشکی و پهپادی این گروه را هدف قرار داده است.
 وی گفت: «این عملیات با هدف تخریب و تضعیف توانمندی حوثی‌ها در به خطر انداختن دریانوردان و تهدید تجارت بین‌المللی در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان انجام گرفت.»

«هستیم.»
 جمهوری اسلامی نیز حمله به حوثی‌ها به رهبری ایالات متحده را غیرقانونی و تشدیدکننده وضعیت خوانده است. ایالات متحده گفت که استرالیا، بحرین، کانادا و هلند از این عملیات حمایت می‌کنند و این حملات بخشی از تلاش بین‌المللی برای بازگرداندن جریان آزاد تجارت به حالت عادی در مسیر کلیدی بین اروپا و آسیا است. این آبراه محل حدود ۱۵ درصد ترافیک دریایی جهان را شامل می‌شود.
 سخنگوی حوثی‌های یمن گفت هیچ توجیهی برای حمله آمریکا و انگلیس وجود ندارد. وی گفت این گروه به هدف قرار دادن کشتی‌هایی که به سمت اسرائیل می‌روند ادامه خواهد داد.
 آمریکا و بریتانیا پس از آن عملیات نظامی علیه حوثی‌ها را

● ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه به خبرنگاران گفت: «ما این اقدامات غیرمسئولانه ایالات متحده و متحدانش را به شدت محکوم می‌کنیم.»

● رویترز می‌نویسد تشدید تنش نظامی در مقیاس وسیع در منطقه دریای سرخ می‌تواند روندهای مثبتی را که اخیراً در مسیر حل و فصل یمن مسائل [با عربستان] آغاز شد، خنثی کند و همچنین باعث بی‌ثباتی اوضاع در سراسر خاورمیانه شود.

● در واکنش به این حمله، دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در پیامی که در «ایکس» منتشر شد نوشت: «بریتانیا و آمریکا حملات هدفمندی را به اهداف نظامی حوثی‌ها در یمن انجام دادند... ایمنی کشتی‌های بریتانیا و آزادی دریانوردی در دریای سرخ بسیار مهم است و به همین دلیل است که ما اقدام می‌کنیم.»

● لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد حمله به پایگاه‌های حوثی‌ها حاوی پیامی روشن به حوثی‌ها با این محتواست که اگر به حملات غیرقانونی خود پایان ندهند، هزینه‌های بیشتری متحمل خواهند شد.

روسیه روز جمعه ۱۲ ژانویه (۲۲ دی‌ماه) ایالات متحده و بریتانیا را به دلیل حملات نظامی به حوثی‌های یمن محکوم کرد. مسکو هشدار داده این اقدام به منزله یک «ماجرای غیرمسئولانه» است که خطر ایجاد هرج و مرج در کل خاورمیانه را به دنبال دارد.

به گزارش رویترز ایالات متحده و بریتانیا پنجشنبه شب حملات هوایی و دریایی را علیه اهداف نظامی حوثی‌ها در یمن در پاسخ به حملات آنها به کشتی‌ها در دریای سرخ آغاز کردند که نشان می‌دهد تنش‌ها در منطقه پس از جنگ اسرائیل با حماس در غزه تشدید شده است. اما روسیه متحد جمهوری اسلامی و شریک قدرت‌های کلیدی عربی، خواستار تشکیل جلسه فوری شورای امنیت سازمان ملل در روز جمعه برای تبادل نظر در مورد این موضوع شد.
 ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه به خبرنگاران گفت: «ما این اقدامات غیرمسئولانه ایالات متحده و متحدانش را به شدت محکوم می‌کنیم.»

رویترز می‌نویسد تشدید تنش نظامی در مقیاس وسیع در منطقه دریای سرخ می‌تواند روندهای مثبتی را که اخیراً در مسیر حل و فصل مسائل یمن [با عربستان] آغاز شد، خنثی کند و همچنین باعث بی‌ثباتی اوضاع در سراسر خاورمیانه شود.

روسیه که خودش به دلیل تجاوز نظامی علیه اوکراین مورد انتقاد قرار دارد، می‌گوید حمله به یمن بدون هیچگونه دستوری از سوی سازمان ملل صورت گرفته و بنابراین یک «ماجرای غیرقانونی» از سوی ایالات متحده و متحدانش است.

روسیه اعلام کرده که در نگرانی عربستان سعودی و سایرین در منطقه در مورد این حملات شریک است. ریاض پس از این حملات خواستار خویشتنداری و «جلوگیری از تشدید تنش» شده و گفته است که با نگرانی شدید اوضاع را زیر نظر دارد.

زاخارووا گفت: «ما در نگرانی‌های ابراز شده توسط شرکای منطقه‌ای خود، به ویژه از سوی عربستان سعودی شریک



یک هواپیما برای پیوستن به عملیات ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده علیه اهداف نظامی در یمن از عرشه یک ناو برمی‌خیزد
 ۱۲ / ژانویه ۲۰۲۴

وزیر دفاع آمریکا تأکید کرد، «اقدامات امروز ائتلاف، حاوی پیامی روشن به حوثی‌ها با این محتواست که اگر به حملات غیرقانونی خود پایان ندهند، هزینه‌های بیشتری متحمل خواهند شد.»

حوثی‌ها تهدید کردند که انتقام این حمله را خواهند گرفت اما ظرفیت آنها برای عملی کردن تهدیداتشان مشخص نیست. برخی منابع غیررسمی گزارش دادند کشتی‌های بیشتری در ۲۴ ساعت گذشته برنامه خود را با هدف اجتناب از مسیر دریای سرخ تغییر دادند. صاحبان و خدمه این کشتی‌ها از اصابت پهپاد و موشک به کشتی‌ها یا برخورد با مین‌های دریایی نگران‌اند.

گفتنی است که ائتلاف دریایی در دریای سرخ به رهبری آمریکا ساعاتی پس از آن به حوثی‌ها حمله کرد که ارتش جمهوری اسلامی کشتی «سنت نیکولاس» را در دریای عمان توقیف و آن را به بندر جاسک منتقل کرد.

آغاز کردند که شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه با ۱۱ رأی موافق و چهار رأی ممتنع از سوی روسیه، چین، الجزایر و موزامبیک و بدون مخالف، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از حوثی‌ها خواسته شده فوراً حملات به خطوط کشتیرانی را متوقف کنند. این قطعنامه با حمایت ژاپن و ایالات متحده آمریکا به شورای امنیت شده بود.

در این قطعنامه بطور غیرمستقیم به جمهوری اسلامی به عنوان «تامین‌کننده اصلی تسلیحات حوثی‌ها» هشدار داده شده است. هرچند بارها این درخواست به اشکال مختلف مطرح شده اما تا کنون هیچ نتیجه‌ای نداشته و اکنون به تشدید حملات علیه حوثی‌ها انجامیده است.

در واکنش به این حمله، دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در پیامی که در «ایکس» منتشر شد نوشت: «بریتانیا و آمریکا حملات هدفمندی را علیه اهداف نظامی حوثی‌ها در یمن انجام دادند... ایمنی کشتی‌های بریتانیا و آزادی

حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی آمریکایی «عقاب» جبل الطارق» در خلیج عدن

● شرکت امنیت دریایی امبری اعلام کرد کشتی متعلق به شرکت Eagle Bulk مستقر در استمفورد است که سهام آن در بورس نیویورک معامله می‌شود.

● فرماندهی سنتکام در اطلاعیه‌ای اعلام کرد حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی M/V Gibraltar Eagle تلفات جانی یا خسارت قابل توجهی نداشته و کشتی به مسیر خود ادامه داده است.

● رویترز گزارش داد با افزایش اختلال در مسیر حیاتی حمل و نقل انرژی در دریای سرخ دست‌کم شش نفتکش روز دوشنبه از جنوب دریای سرخ دور شدند. بر اساس گزارش سازمان نفتکش «INTERTANKO»، نیروهای (CMF) مستقر در بحرین به همه کشتی‌ها هشدار داد که برای چند روز عبور و مرور از تنگه باب‌المندب را متوقف کنند.

● همزمان با این رویدادها قطر ارسال محموله‌های گاز مایع (LNG) از طریق تنگه باب‌المندب را به دلیل حملات حوثی‌های یمن متوقف کرد. در سال ۲۰۲۳ قطر تأمین‌کننده ۱۳ درصد از نیاز گاز طبیعی کشورهای اروپایی بود. در واقع قطر دومین صادرکننده بزرگ گاز به اروپاست.

شبه‌نظامیان حوثی با وجود حملات نیروهای ائتلاف با یک فروند موشک کروز، یک کشتی آمریکایی را در دریای سرخ هدف قرار دادند.

آسوشیتدپرس روز دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) گزارش شد این کشتی قله‌بر که با پرچم جزایر مارشال حرکت می‌کرد در خلیج عدن هدف قرار گرفته است.

شرکت امنیت دریایی امبری اعلام کرد کشتی متعلق به شرکت Eagle Bulk مستقر در استمفورد است که سهام آن در بورس نیویورک معامله می‌شود.

فرماندهی سنتکام در اطلاعیه‌ای اعلام کرد حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی M/V Gibraltar Eagle تلفات جانی یا خسارت قابل توجهی نداشته و کشتی به مسیر خود ادامه داده است.

آمریکا و بریتانیا با همکاری سایر اعضای ائتلاف پس از بی‌توجهی حوثی‌ها به اظهارهای بین‌المللی

اسکای نیوز:

حوثی‌ها با کمک جمهوری اسلامی و حزب‌الله موشک بالستیک به بندر الحدیده منتقل کرده‌اند



یک موشک بالستیک (زمینی-دریایی) حوثی‌ها به نام «عاصف» با برد ۴۰۰ کیلومتر

البختی با اشاره به اینکه «نیروهای مسلح ما مشتاق رویارویی با آمریکا هستند» تهدید کرد که «یمن به این حملات پاسخ خواهد داد و باید انتقام بگیریم و گزینه‌های دردناکی علیه منافع آنها در منطقه داریم.»

از سوی دیگر، وزارت دفاع ایالات متحده اعلام کرد که حملات ایالات متحده و بریتانیا به مواضع حوثی‌ها «اثرات خوبی» داشته است.

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا پس از این حملات بار دیگر به حوثی‌ها هشدار داد که در صورت ادامه تهدیدات علیه زنجیره‌های تأمین حیاتی در آبراه‌ها، بریتانیا و آمریکا بار دیگر دست به اقدام لازم خواهند زد.

پیش از این گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» به رژیم ایران هشدار داده بود که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است». این مقام نظامی بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی ماه) منتشر شد گفت: «رژیم ایران باید به حوثی‌ها و سایر گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات‌شان را متوقف کند و دست بردارند.»

همچنین جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا نیز گفته است که یک «پیام خصوصی» به رژیم ایران درباره حوثی‌های مورد حمایت آن که مسئول حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ هستند، ارسال کرده است. در این پیام تأکید شده که آمریکا برای دفاع از منافع خود آمادگی کامل دارد. برخی تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی با ادامه پشتیبانی از حوثی‌ها احتمال درگیری نظامی علیه ایران را افزایش می‌دهد.

در مورد اثربخش بودن حملات نیروهای ائتلاف به مواضع حوثی‌ها تردید زیاد است. برخی تحلیلگران می‌گویند این حملات از شدت لازم علیه این گروه برخوردار نبوده اما روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد که حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از قابلیت‌های تهاجمی حوثی‌ها نابود شده است.

● شبکه «اسکای نیوز عربی» روز یکشنبه ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) به نقل از «منابع یمنی» گزارش داد که شبه‌نظامیان حوثی با کمک کارشناسان ایرانی و حزب‌الله لبنان، موشک‌های بالستیک و موشک‌های دریایی از صنعا به استان حدیده مشرف به دریای سرخ منتقل کردند.

● محمد البختی یکی از اعضای دفتر سیاسی حوثی‌ها روز جمعه گفت که این گروه ممکن است کشتی‌های آمریکایی و انگلیسی را در دریای سرخ هدف قرار دهد و مانع از عبور آنها از تنگه باب‌المندب شود. وی افزود: «آمریکا و انگلیس با حمله به حوثی‌ها کشتی‌های خود را برای عبور از دریای سرخ محروم کردند.»

● دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا پس از این حملات بار دیگر به حوثی‌ها هشدار داد که در صورت ادامه تهدیدات علیه زنجیره‌های تأمین حیاتی در آبراه‌ها، بریتانیا و آمریکا بار دیگر دست به اقدام لازم خواهند زد.

شبکه «اسکای نیوز عربی» روز یکشنبه ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) به نقل از «منابع یمنی» گزارش داد که شبه‌نظامیان حوثی با کمک کارشناسان ایرانی و حزب‌الله لبنان، موشک‌های بالستیک و موشک‌های دریایی از صنعا به استان حدیده مشرف به دریای سرخ منتقل کرده‌اند.

این اقدام به عنوان بخشی از آمادگی حوثی‌ها برای ادامه حمله به کشتی‌های تجاری در منطقه ارزیابی شده است. این منابع توضیح دادند که موشک‌ها بر روی کامیون‌هایی که در زمان‌های مختلف از جاده اصلی صنعا و حدیده عبور می‌کردند، حمل شده است.

محمد البختی یکی از اعضای دفتر سیاسی حوثی‌ها، روز جمعه گفته بود که این گروه ممکن است کشتی‌های آمریکایی و انگلیسی را در دریای سرخ هدف قرار دهد و مانع از عبور آنها از تنگه باب‌المندب شود. وی افزود: «آمریکا و انگلیس با حمله به حوثی‌ها کشتی‌های خود را برای عبور از دریای سرخ محروم کردند.»

سرنگونی هواپیمای غول پیکر «آواکس» نیروی هوایی روسیه توسط پدافند اوکراین بر فراز دریای آزوف



Russian AWACS A-50

برخی منابع روسی و اوکراینی گزارش دادند که شامگاه یکشنبه ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) هواپیمای غول پیکر شناسایی روسیه «آواکس A-۵۰» توسط موشک‌های اوکراین بر فراز دریای آزوف سرنگون شده است. این منابع همچنین گزارش دادند یک فروند هواپیمای شناسایی روسی دیگر که احتمالاً «ایلیوشین-۲۲» است نیز از صفحه رادار محو شده است. به گزارش وبسایت «اوکراینیسکا پراودا» میکولا اولسچوک، فرمانده نیروی هوایی اوکراین سقوط این دو هواپیمای روسی را تأیید کرده است.

طبق گزارش منابع نظامی اوکراین، «حوالی ساعت ۲۱:۰۰ یگان‌های اوکراینی به دو فروند هواپیمای نیروی هوافضای روسیه حمله کرده و بطور خاص یک هواپیمای هشداردهنده و کنترل زود هنگام هوا برد A-۵۰ و یک هواپیمای ترابری IL-۲۲ را هدف قرار دادند. این حمله بر فراز دریای آزوف انجام شد. مقامات نظامی اوکراین گزارش دادند طبق آخرین برآوردها هواپیمای آواکس سرنگون شد، در حالی که IL-۲۲ آسیب دیده و به پرواز ادامه داد و سعی کرد به نزدیکترین فرودگاه برسد اما پس از شلیک از صفحه رادار ناپدید شد. یک منبع نظامی گزارش داد که صد درصد مطمئن است آواکس سقوط کرده و ۹۸ درصد ایلیوشین-۲۲ هم سرنگون شده است. در همین حال، روایت دیگری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که مدعی است هواپیمای روسی توسط خود روس‌ها با استفاده از سامانه‌های پدافند هوایی سرنگون شده است. نه مقامات اوکراینی و نه مقامات روسیه تا لحظه تنظیم این گزارش بطور رسمی در مورد سرنگونی این هواپیما خبری اعلام نکرده‌اند.

هواپیمای آواکس شناسایی برای روس‌ها فوق‌العاده مهم است زیرا این کشور تعداد کمی از آنها را در اختیار دارد. تخمین زده می‌شود قیمت یک فروند از این هواپیماها حدود ۳۰۰ میلیون دلار است.

● منابع روسی و اوکراینی گزارش دادند که شامگاه یکشنبه ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه) هواپیمای غول پیکر شناسایی روسیه «آواکس A-۵۰» توسط موشک‌های اوکراین بر فراز دریای آزوف سرنگون شده است.

● این منابع همچنین گزارش دادند یک فروند هواپیمای شناسایی روسی دیگر که احتمالاً «ایلیوشین-۲۲» است نیز از صفحه رادار محو شد.

● وبسایت «اوکراینیسکا پراودا» به نقل از میکولا اولسچوک فرمانده نیروی هوایی اوکراین سقوط این دو هواپیمای روسی را تأیید کرد.

● روایت دیگری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که مدعی است هواپیمای روسی توسط خود روس‌ها با استفاده از سامانه‌های پدافند هوایی سرنگون شده است.

→ ۲۲ دی ماه به مواضع آنها در یمن حمله کردند و بیش از ۶۰ نقطه از جمله انبارهای تسلیحات، رادارها و مراکز فرماندهی حوثی‌ها را هدف قرار دادند. این حملات دست‌کم در یک الی دو مورد دیگر ادامه پیدا کرد. روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از برخی مقام‌های نظامی آمریکا ادعا کرد حدود ۳۰ درصد از توانایی تهاجمی حوثی‌ها در حمله آمریکا و متحدانش آسیب دیده است.

بسیاری از شرکت‌های بزرگ تجاری ترجیح داده‌اند مسیر ترانزیت کالاهای خود از دریای سرخ را متوقف کنند و راه‌های طولانی‌تر اما امن را در پیش بگیرند.

در همین ارتباط رویترز گزارش داد با افزایش اختلال در مسیر حیاتی حمل و نقل انرژی در دریای سرخ دست‌کم شش نفتکش روز دوشنبه از جنوب دریای سرخ دور شدند. بر اساس گزارش سازمان نفتکش «INTERTANKO»، نیروهای (CMF) مستقر در بحرین به همه کشتی‌ها هشدار داد که برای چند روز عبور و مرور از تنگه باب‌المندب را متوقف کنند.

همزمان با این رویدادها، قطر ارسال محموله‌های گاز مایع (LNG) از طریق تنگه باب‌المندب را به دلیل حملات حوثی‌های یمن متوقف کرد. در سال ۲۰۲۳ قطر تأمین‌کننده ۱۳ درصد از نیاز گاز طبیعی کشورهای اروپایی بود. در واقع قطر دومین صادرکننده بزرگ گاز به اروپاست. محمد عبدالسلام سخنگوی حوثی‌ها به رویترز گفت: «حملات برای توقف کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌هایی که به سمت بنادر فلسطین اشغالی حرکت می‌کنند ادامه خواهد یافت.» وی مدعی شده «ما خواهان تشدید تنش در دریای سرخ و دریای عرب نیستیم و این ایالات متحده و انگلیس هستند که با ناوهای خود دریای سرخ را نظامی کردند... همه کشتی‌ها به استثناء کشتی‌هایی که به اسرائیل تردد می‌کنند از ایمنی برخوردارند.»

پیش از این جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا گفته بود «من پیام را به [رژیم] ایران رسانده‌ام. اطمینان دادم اگر حوثی‌ها به این رفتار ظالمانه ادامه دهند، به آنها پاسخ خواهیم داد... آنها می‌دانند نباید کاری انجام دهند.»

همچنین گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا به رژیم ایران هشدار داد که «صبر ما و صبر جهان تمام شده است.» این مقام نظامی بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» که شنبه ۱۳ ژانویه (۲۳ دی ماه) منتشر شد گفته بود «رژیم ایران باید به حوثی‌ها و سایر گروه‌های نیابتی در خاورمیانه بگوید حملات‌شان را متوقف کند و دست بردارد.»



حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی آمریکایی «عقاب جبل الطارق» در خلیج عدن

بیش از ۱۱ کشته و زخمی در حمله سنگین آمریکا و بریتانیا علیه حوثی‌های یمن



مباران مراکز مرتبط با حوثی‌ها در یمن

حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند ۷۳ مورد حمله مشترک آمریکا و انگلیس به یمن اتفاق افتاد و طی آن ۵ نفر کشته و شش نفر زخمی شدند.

در این بیانیه حمله آمریکا و انگلیس به یمن «حماقت بزرگ» خوانده شده و حوثی‌ها تهدید کرده‌اند دشمن منتظر «بهای گزاف و عواقب سنگین» این تنش‌ها باشد.

شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه ۱۰ ژانویه با ۱۱ رأی موافق و چهار رأی ممتنع از سوی روسیه، چین، الجزایر و موزامبیک و بدون مخالف، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن از حوثی‌ها خواسته شده فوراً حملات به خطوط کشتیرانی را متوقف کنند. این قطعنامه با حمایت ژاپن و ایالات متحده آمریکا به شورای امنیت شده بود.

در این قطعنامه بطور غیرمستقیم به جمهوری اسلامی به عنوان «تامین‌کننده اصلی تسلیحات حوثی‌ها» هشدار داده شده است. هرچند بارها این درخواست به اشکال مختلف مطرح شده اما تا کنون هیچ نتیجه‌ای نداشته و اکنون به تشدید حملات علیه حوثی‌ها انجامیده است.

پس از عملیات «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای، حوثی‌ها حملات گسترده‌ای را علیه کشتی‌هایی که به مقصد اسرائیل در حرکت هستند آغاز کردند. در این مدت جامعه جهانی بارها به رهبران انصارالله هشدار دادند که اخلاف در مسیر کشتیرانی آزاد پیامدهای سختی برای آنها خواهد داشت اما به این درخواست‌ها توجه نشد.

این نخستین اقدام جدی تهاجمی علیه حوثی‌ها توسط «ائتلاف دریایی» از «هفت اکتبر» تا کنون است.

در این میان، کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دور جدیدی از تهدیدات را علیه آمریکا و بریتانیا آغاز کرده‌اند. آنها تهدید می‌کنند که توقیف کشتی‌ها و حملات ایذایی علیه آنها افزایش پیدا خواهد کرد.

سنتکام می‌گوید این حمله چندملیتی تعهد جامعه بین‌المللی به آزادی ناپری و در برابر موشک‌های بالستیک ضد کشتی دائمی حوثی‌ها، پهپادها و حملات موشک‌های کروز به کشتی‌های تجاری و نظامی ایالات متحده و ائتلاف در دریای سرخ را تقویت می‌کند.

همچنین در این بیانیه تأکید شده «ما به شرکای مهم خود در سراسر خاورمیانه متعهد می‌مانیم تا در برابر گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت ایران، از جمله شبه‌نظامیان حوثی، و تهدیدی که برای امنیت و ثبات منطقه ایجاد می‌کنند، دفاع کنند.»

این عملیات کمتر از دو هفته پس از تشکیل «ائتلاف دریایی» موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» انجام شد. دولت‌های استرالیا، بحرین، کانادا، دانمارک، آلمان، هلند، نیوزلند، کره جنوبی، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا عضو این ائتلاف هستند.

در عملیات اخیر شماری از اعضای ائتلاف شرکت نکردند. یک مقام ارشد دولت از اظهار نظر در مورد اینکه چرا بقیه اعضای ائتلاف در آن شرکت نکردند، خودداری کرد.

در واکنش به این حملات حوثی‌های یمن تعدادی موشک به سمت ناوها و کشتی‌ها در دریای سرخ شلیک کردند.

محمد عبدالسلام سخنگوی انصارالله یمن در واکنش به این حملات گفت: «تجاوز به یمن مطلقاً و به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست زیرا هیچ تهدیدی برای کشتیرانی بین‌المللی در دریای سرخ و دریای عرب وجود نداشته است و حملات ما متوجه کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌هایی است که به سمت بنادر فلسطین اشغالی حرکت می‌کنند و این حملات ادامه خواهد داشت.»

عبدالسلام تأکید کرد: «نیروهای مسلح یمنی تنها پاسخ اولیه به این حملات دادند و ما به زودی حملات و پاسخ خود را گسترش خواهیم داد.»

● جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا درباره این حملات گفت که ایالات متحده و بریتانیا «حملات موفقی» علیه اهداف حوثی‌ها در یمن انجام داده‌اند.

● یک مقام ارشد دولت آمریکا گفت در حالی که حملات اخیر به حوثی‌ها از نظر ابعاد «قابل توجه» بود، ایالات متحده این توقع را نداشت که آنها بطور کامل توانایی‌های حوثی‌ها را کاهش دهند.

● در بیانیه‌ای که سنتکام صادر کرد تأکید شده بیش از ۱۰۰ مهمات هدایت‌شونده دقیق از انواع مختلف در این حملات استفاده شد. این حملات شامل حملات هوایی و دریایی ائتلاف و یگان‌های پشتیبانی از سراسر منطقه، از جمله هواپیماهای فرماندهی مرکزی نیروی دریایی ایالات متحده و موشک‌های «تاماهاوک» بود که از لانچرهای سطحی و زیرسطحی پرتاب می‌شدند.

● در واکنش به این حملات، حوثی‌ها تعدادی موشک به سمت ناوها و کشتی‌ها در دریای سرخ شلیک کردند.

● محمد عبدالسلام سخنگوی انصارالله یمن در واکنش به این حملات گفت: «تجاوز به یمن مطلقاً و به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست... ما به زودی حملات و پاسخ خود را گسترش خواهیم داد.»

با ادامه حملات موشکی و پهپادی به کشتی‌های خارجی و نفتکش‌ها در دریای سرخ، ارتش آمریکا و بریتانیا در یک عملیات مشترک که پنجشنبه شب ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴ صورت گرفت چند مرکز فرماندهی و تأسیسات نظامی حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند.

به گزارش سی‌ان‌بی‌سی، جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا در اینبار گفت که ایالات متحده و بریتانیا «حملات موفقی» علیه اهداف حوثی‌ها در یمن انجام داده‌اند. بایدن با اشاره به اینکه دریای سرخ یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های جهان است گفت: «امروز به دستور من نیروهای نظامی ایالات متحده همراه با بریتانیا و با حمایت استرالیا، بحرین، کانادا و هلند با موفقیت حملاتی را علیه تعدادی از اهداف در یمن انجام دادند که توسط شورشیان حوثی برای به خطر انداختن آزادی دریانوردی در یمن استفاده می‌شد.»

یک مقام ارشد دولت آمریکا گفت در حالی که حملات اخیر به حوثی‌ها از نظر ابعاد «قابل توجه» بود، ایالات متحده انتظار نداشت که آنها بطور کامل توانایی‌های حوثی‌ها را کاهش دهند.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در بیانیه‌ای اعلام کرد که به حملات عمدی حوثی‌ها که به بیش از ۶۰ مورد می‌رسید پاسخ داده شد و دست‌کم ۱۶ پایگاه مرتبط با شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی از جمله ساختمان‌های فرماندهی، انبارهای مهمات، سیستم‌های پرتاب، تأسیسات تولید و سیستم‌های راداری پدافند هوایی آنها هدف قرار گرفت.

در بیانیه‌ای که سنتکام صادر کرد تأکید شده بیش از ۱۰۰ مهمات هدایت‌شونده دقیق از انواع مختلف در این حملات استفاده شد. این حملات شامل حملات هوایی و دریایی ائتلاف و یگان‌های پشتیبانی از سراسر منطقه، از جمله هواپیماهای فرماندهی مرکزی نیروی دریایی ایالات متحده و موشک‌های «تاماهاوک» بود که از لانچرهای سطحی و زیرسطحی پرتاب می‌شدند.

بیزنس اینسایدر: کشتی‌های عبوری از دریای سرخ از ترس حمله حوثی‌ها اعلام می‌کنند «خدمه چینی» دارند یا «مقصدشان به چین» است!



عبور یک نفتکش از دریای سرخ / عکس: رویترز

به دزدان دریایی بود با این عنوان که «داخل کشتی نگهبان مسلح مستقر است».

برخی منابع کشتیرانی می‌گویند شرکت‌های بزرگ با افزایش موج حملات حوثی‌ها مجبور به استخدام نیروهای مسلح خصوصی شده‌اند.

برخی از کشتی‌ها هنگام ورود به منطقه، ردیاب‌های AIS خود را خاموش می‌کنند، به این امید که بدون جلب توجه حوثی‌ها و دزدان دریایی از این مسیر عبور کنند. اما به آنها هشدار داده شد که اگر کشتی‌ها موقعیت‌یاب خود را خاموش کنند و مورد حمله قرار گیرند، شناسایی موقعیت آنها برای ناوهای غربی که در منطقه گشت می‌زنند و می‌توانند به آنها کمک کنند، سخت‌تر خواهد بود.

محمدعلی الحوثی یکی از رهبران حوثی‌ها قبلاً به کشتی‌های تجاری گفته بود اگر می‌خواهند از حمله جلوگیری کنند، در AIS خود نشان دهند که «هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارند».

حوثی‌ها می‌گویند تنها به کشتی‌هایی حمله می‌کنند که با اسرائیل ارتباط دارند. با این حال، دیده‌بان حقوق بشر در ماه دسامبر دریافت که این ستیزه‌جویان به حداقل پنج کشتی بدون هیچ مدرکی که نشان دهد با اسرائیل مرتبط هستند حمله کرده‌اند.

موج حملات حوثی‌ها بطور قابل توجهی تجارت بین‌المللی را مختل کرده و هزینه‌های بیمه و حمل و نقل را به شدت افزایش داده است.

سیمون هرنی مدیر ارشد مشاور تحقیقات دریایی شرکت «Drewry» تخمین زده ۹۰ درصد از کشتی‌های کانتینری که از طریق کانال سوئز عبور می‌کردند، اکنون مسیر طولانی در جنوب آفریقا را در پیش گرفته‌اند تا از این حملات در امان بمانند و همین موضوع اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.

کشتی دیگر را در دریای سرخ یا نزدیک به آن ردیابی کرده که عصر یکشنبه پیام‌های مشابه ارسال می‌کردند. به عنوان مثال، کشتی فله‌بر «Great Ocean» که اغلب به بنادر چین سفر می‌کند و پرچم لیبریا دارد، این پیام را مخابره کرده که حامل «خدمه چینی» است.

کشتی فله‌بر دیگری به نام «دیاس» که آن هم پرچم لیبریا دارد و سال گذشته عمدتاً به بنادر اوکراین و چین سفر کرده بود، هنگام حرکت در نزدیکی دریای سرخ، علامت «چین» را نشان داد.

از این ۹ کشتی که پیام ارتباط با چین را ارسال کرده‌اند فقط یکی از آنها دارای نام چینی است.

کشتی‌هایی که از روز یکشنبه از منطقه خارج شده‌اند، مقصدهای AIS خود را به حالت عادی بازگردانده‌اند.

رویه جدید نشان می‌دهد که مالکان یا خدمه این کشتی‌ها بر این باورند که ارتباط با جمهوری خلق چین ممکن است به آنها کمک کند که شبه‌نظامیان حماس و یا حوثی‌ها که از نوامبر حملات خود را در دریای سرخ تشدید کرده‌اند، با آنها همراهی کنند.

وبسایت «بیزنس اینسایدر» در ادامه گزارش خود می‌نویسد سیاست چین برای نشان دادن اینکه مخالف جنگ غزه است بین کشورهای فقیرتر باعث محبوبیت پکن شده است. چین از حمله اسرائیل به غزه انتقاد کرده و پس از حمله ایالات متحده و بریتانیا به حوثی‌ها از آنها خواست خویشتنداری کنند. نیروهای ائتلاف در پاسخ به حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری، حوثی‌ها را هدف حملات نظامی قرار دادند.

گفتنی است که طی این مدت دست‌کم دو کشتی روسی به اشتباه از سوی حوثی‌ها مورد هدف قرار گرفتند.

یکی از تاکتیک‌ها که کشتی‌ها قبلاً هنگام عبور از باب‌المندب و خلیج عدن استفاده می‌کردند ارسال یک پیام

چندین کشتی باری و نفتکش در دریای سرخ مدام از فرستنده‌های خود سیگنال می‌فرستند که خدمه آنها همگی چینی هستند و با این اقدام ظاهراً امیدوارند که وابستگی به پکن، شبه‌نظامیان یمنی را متقاعد کند که به آنها حمله نکنند.

دست‌کم ۹ کشتی با چین وضعیت از دریای سرخ عبور کردند. آنها در اطلاعات خود در سیستم شناسایی خودکار یا موقعیت‌یاب بین‌المللی ثبت کرده‌اند که مقصدشان به چین است یا خدمه چینی دارند.

کشتی فله‌بر «Great Ocean» که اغلب به بنادر چین سفر می‌کند و پرچم لیبریا دارد، این پیام را مخابره کرده که حامل «خدمه چینی» است.

وبسایت «بیزنس اینسایدر» روز دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی‌ماه) گزارش داد کشتی‌هایی که از دریای سرخ عبور می‌کنند امیدوارند با اعلام اینکه «چینی» هستند یا مقصدشان به چین است، حوثی‌ها را از حمله به کشتی خود منصرف کنند.

این کشتی‌ها ردیاب‌های خودکار (AIS) را تغییر می‌دهند تا اعلام کنند خدمه آنها «همه چینی» هستند. جمهوری خلق چین از منتقدان جنگ در غزه است و در حملات آمریکا و بریتانیا به حوثی‌ها دخالت نمی‌کند.

چندین کشتی باری و نفتکش در دریای سرخ مدام از فرستنده‌های خود سیگنال می‌فرستند که خدمه آنها کاملاً چینی هستند و با این اقدام ظاهراً امیدوارند که وابستگی به پکن، شبه‌نظامیان یمنی را متقاعد کند که به آنها حمله نکنند. دست‌کم ۹ کشتی با چین وضعیت از دریای سرخ عبور کردند. آنها در اطلاعات خود در سیستم شناسایی خودکار یا موقعیت‌یاب بین‌المللی ثبت کرده‌اند که مقصدشان به چین است یا خدمه چینی دارند.

پنج فروند از این کشتی‌ها اولین بار توسط بلومبرگ شناسایی شدند. وبسایت بیزنس اینسایدر نیز دست‌کم چهار

پوتین چگونه به قدرت رسید: انفجارهای جادویی در آستانه‌ی انتخابات



بوریس یلتسین و ولادیمیر پوتین

آچمز گویانف با پلیس تماس گرفت و آدرس دو آپارتمان دیگر در مسکو را به پلیس داد که نگران هم‌گذاری در آنها بود. گویانف به‌خوبی دانسته بود که انفجارهای مسکو در همان ساختمان‌هایی صورت گرفته که دوست کارمند افساس‌بی اش از او خواسته بود زیرزمین‌هایی برای انبارداری کرایه کند. [۹] دو هم‌گذاری دیگر در آن دو محل کشف و خنثی شدند و پلیس گویانف را به عنوان مظنون اصلی بازداشت کرد، اما بعدها پس از طرح اتهاماتی بدون محاکمه برای همیشه ناپدید شد. انفجار چهارم تنها سه روز بعد در شهر ولگودونسک در خودرویی مقابل یک مجتمع مسکونی صورت گرفت که هفده کشته برجای گذاشت. انفجار ولگودونسک در چهارده کیلومتری نیروگاه انرژی هسته‌ای بود که حساسیت‌های بیشتری در بعد امنیت ملی برانگیخت. [۱۰]

اما هم‌پنجم بود که روایت رسانه‌ای کرملین از انفجارها را زیر سوال برد و انگشت اتهام را از سوی جدایی‌طلبان چین به نیروهای خودی چرخاند. دیوید ساتر روزنامه‌نگار آمریکایی اخراج‌شده از روسیه به دنبال تحقیقاتش در مورد انفجارات سریالی روسیه در مناطق مسکونی در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ در کتاب «هرچه کمتر بدانی، بهتر می‌خواهی» در بخش‌های مختلف کتاب چنین گزارش می‌دهد:

«هم‌پنجم که در زیرزمین یک منزل مسکونی در منطقه‌ی مسکونی ریزان در نزدیکی مسکو کار گذاشته شده بود، توسط شهروندی که رفت و آمد مشکوک دو نفر را با ساک‌هایی مشاهده و به پلیس محلی گزارش داده بود شناسایی و توسط واحد ویژه خنثی شد. اپراتور تلفن وقتی مکالمه‌ی مشکوک افرادی را شنود کرد که دستور داشتند به صورت جداگانه از منطقه خارج شوند، پلیس را از محل تماس مطلع کرد. پلیس در هنگام مراجعه با دفتر افساس‌بی (کاگب سابق) مواجه شد و افراد بازداشت‌شده توسط پلیس کارت‌شناسایی افساس‌بی ارائه کردند. افساس‌بی برای پوشش این رسوایی ادعا کرد که این یک تمرین برای آمادگی مردم منطقه بود. در حالی که این افراد از خودروی دزدی استفاده کرده بودند و هم‌پنجم به ظاهر تمرینی، چاشنی نظامی و کاملاً آماده انفجار داشت. همان چاشنی نظامی که در هم‌گذاری‌های پیشین از آن استفاده شده بود.

قاطع انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ میلادی گره زد، درهایی نبود که یلتسین برای او گشود. پوتین و نیروهای سابق کاگب نیاز به تغییر صحنه‌ی سیاست داشتند و هیچ روایتی بیشتر از قهرمانی که مانند تزارها به ناامنی‌های دهه‌ی نود میلادی پایان می‌دهد در آن روزها خریدار نداشت.

جنگ اول بین جدایی‌طلبان چین و دولت روسیه بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ میلادی بدون هیچ نتیجه‌ی قابل ملاحظه‌ای به پایان رسیده بود و جدا از هزینه‌های سنگین جنگ برای دولت، به نوعی نیروهای نظامی روسیه را دچار فرسایش کرده بود، خصوصاً آنکه در خلاء قدرت مرکزی نامنی و جنایت در شهرهای روسیه افزایش چشمگیری داشت [۶] و بحران‌های اقتصادی پیاپی و فساد دولت در واگذاری بخش‌های خصوصی هیچ انگیزه‌ای میان این نیروها باقی نگذاشته بود. با این زمینه در اواخر دهه نود میلادی ژنرال‌های سابق کاگب به امید فتح قله‌های سیاسی خیال جنگ دوم چین را با استراتژی «جنگ کوتاه و پیروزمندانه» از قول تزار نیکولاس دوم در سر می‌پروراندند.

اما داستان هم‌گذاری‌های سریالی سال ۱۹۹۹ از اوایل سپتامبر آن سال شروع می‌شود. پیش از انفجار مناطق مسکونی هم‌ کوچکتری در مرکز خرید میدان مانژانیا منفجر شد و با این‌که تلفات جانی نداشت، گویی پیش درآمدی برای آغاز سریال انفجارهای بعدی بود. انفجار اول در خودرویی در منازل مسکونی خانواده‌های نیروهای ارتش روسیه در شهر بونیانکسک در منطقه‌ی داغستان بود که ۶۶ کشته برجای گذاشت. در همان روز خودروی دیگری حامل مواد منفجره در پارکینگ بیمارستان نظامیان روسیه توسط شهروندی شناسایی و به‌دنبال آن خنثی شد. [۷]

پنج روز بعد از انفجار اول، انفجار دوم ساعت هشت شب در جنوب شرق مسکو منجر به ریزش کامل یک آپارتمان نه طبقه شد و بیش از صد کشته و دویست‌وپنجاه مجروح برجای گذاشت. چهار روز پس از آن در روزی که عزای عمومی برای کشته‌شدگان انفجار قبلی اعلام شده بود، انفجار مهیب سوم در فاصله‌ی شش کیلومتری از محل انفجار دوم در جنوب مسکو یک مجتمع مسکونی هشت طبقه را با خاک یکسان کرد و ۱۱۹ نفر کشته شدند. [۸]

در همان روز انفجار سوم یک شهروند روسی به نام

دیاکو گویو - جان آدامز از پدران بنیانگذار ایالات متحده آمریکا در مورد واقعه‌ی کشتار بوستون در سال ۱۷۷۰ نوشته بود که «پایه‌ی استقلال آمریکا در آن روز گذاشته شد». کشتاری که انتشار تصویری غیرواقعی از آن، شکاف میان استقلال‌طلبان آمریکایی و امپراتوری بریتانیا را تعمیق بخشید. تصویر منتشرشده با واقعیت ماجرا منطبق نبود. شلیک غرورآمیز سربازان سرخ‌پوش بریتانیایی به مردمی که غرق در خون بودند تنها روایتی بود که در عرصه‌ی عمومی ارائه شد و از آن روز آن تصویر کشتار بی‌رحمانه در بوستون پیش‌برنده انقلاب شد. [۱]

کشتار بوستون

ماکیاولی معتقد بود که اخلاق عمومی و خصوصی باید به عنوان دو چیز متفاوت درک شود تا بتوان به خوبی حکومت کرد. مهندسی افکار عمومی بحث تازه‌ای نیست و در دوره‌های تاریخی صورت و معنای متغیری داشته است. اما آنچه در سپتامبر سال ۱۹۹۹ در فدراسیون روسیه صورت پذیرفت برای طرف زمانی‌اش نیز هضم‌ناپذیر بود.

در تابستان سال ۱۹۹۹ میلادی، بوریس یلتسین - رئیس جمهور فدراسیون روسیه - ولادیمیر ولادیمیرویچ پوتین ناشناخته را به عنوان نخست‌وزیر منصوب کرد. پوتین پنجمین نخست‌وزیر انتخاب‌شده توسط یلتسین در طول ۱۸ ماه بود. ماه‌های پرتلاشی که به دنبال بحران اقتصادی در آسیا از سال ۱۹۹۷ میلادی آغاز شد و در نتیجه‌ی کاهش تقاضای جهانی، قیمت نفت افت پنجاه درصدی پیدا کرد. بیش از ۶۰ درصد درآمد سرانه‌ی دولت روسیه از حوزه‌ی انرژی تأمین می‌شد و با کاهش غیرمنتظره‌ی درآمد‌های ارزی دولت و ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها، ارزش روبل روسیه در مقابل دلار آمریکا از تابستان ۱۹۹۸ میلادی تا پیش از انتخاب پوتین در تابستان ۱۹۹۹ شاهد سقوط بیش از چهارصد درصدی بود.

ولادیمیر ولادیمیرویچ پوتین تنها یک سال پیش از آن به عنوان رئیس افساس‌بی (سرویس امنیت فدرال که جایگزین کاگب شده بود) منصوب شده و شخصیتی غیرکاربردی تیک داشت. در تنها نظرسنجی پیش از انفجارهای سریالی منازل مسکونی در روسیه در زمان نخست‌وزیری‌اش، محبوبیتی کمتر از ۲ درصد داشت و کسی شانس برای او در مقابل رقبای شناخته‌شده‌اش برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ قائل نبود [۲]؛ رقبایی همانند بوریس فمتسوف که بعدها منتقد اصلی سیاست‌های غیردموکراتیک پوتین بود و در سال ۲۰۱۵ در نزدیکی کاخ کرملین ترور شد. [۳] هدف از این مقاله بررسی تحولاتی است که منجر به پیروزی پوتین در دور اول انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ میلادی فدراسیون روسیه با ۵۳٪ آرا شد. در زمانی که خانواده‌ی یلتسین درگیر پرونده‌های فساد اقتصادی بود و میزان محبوبیت یلتسین به نزدیک ۵ درصد رسیده بود، پوتین جوان با پخش تلویزیونی رابطه‌ی جنسی دادستان وقت با دو زن در هتل روند رسیدگی قضایی پرونده‌های فساد خانواده یلتسین را متوقف کرد و موجب استعفا دادستان شد. [۴] مشاوران ارشد یلتسین همانند والتین یوماشوف و رومن آبراهامویچ بعد از این واقعه پوتین را به عنوان نیروی امنیتی قابل اعتماد و بدون بلندپروازی در کنار آنچه «خانواده» می‌نامیدند در نظر گرفتند. [۵]

پخش رابطه جنسی دادستان در تلویزیون

اما آنچه سرنوشت پوتین را از کاندیدای ناشناخته به پیروز

درگیری خونین بین نیروهای امنیتی و افراد مسلح در سراوان منابع نزدیک به سپاه پاسداران: «دو عامل انتحاری کشته شدند»



نیروهای مرزبان جمهوری اسلامی در حال گشت زنی در نواحی مرزی

هنگ مرزی را داشتند که موفق به این کار نشدند. این منبع افزود: «پس از این درگیری، نیروهای نظامی در خیابان های اطراف هنگ مرزی و سطح شهر سراوان مستقر شدند.» گفته می شود در این درگیری ها دو نفر از مهاجمان کشته شدند. رسانه های داخلی ایران تصاویری از کشته شدگان این درگیری منتشر کرده اند. منابع محلی می گویند دو نفر از پرسنل هنگ مرزی پس از برخورد با تله انفجاری زخمی شدند. کانال های تلگرامی که به صورت غیررسمی اخبار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پوشش می دهند نوشته اند «دو تروریست در سراوان که قصد عملیات انتحاری داشتند مورد تعقیب و درگیری با نیروهای نظامی قرار گرفتند و قبل از انجام هرگونه اقدامی به دلیل وجود مواد منفجره همراه آنها در درگیری با تیراندازی مأموران منجر شدند.»

هفته هاست در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان بین نیروهای امنیتی و افراد مسلح درگیری های شدید رخ می دهد. احمدرضا رادان فرمانده نیروی نظامی جمهوری اسلامی که نامش به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم های بین المللی قرار دارد روز یکشنبه ۲۴ دی ماه اعلام کرد چهار نفر از عاملان حمله به پاسگاه راسک که باعث کشته شدن دست کم ۱۲ نفر از پرسنل مرزبانی و نیروی نظامی شد بازداشت شده اند.

برخی تحلیلگران می گویند در اینکه بازداشت شدگان واقعاً عوامل عملیات تروریستی باشند یا نه تردید وجود دارد زیرا تجربه نشان می دهد حکومت فعالین سیاسی آن منطقه را با اتهامات امنیتی بازداشت و زیر شکنجه با اعتراف گرفتن اجباری زمینه اعدام شان را فراهم می کند.

● به گزارش «کمپین فعالین بلوچ» شنبه شب ۲۳ دی ماه ۱۴۰۲ بار دیگر افراد مسلح به پایگاه هنگ مرزی سراوان حمله کردند که منجر به زخمی شدن شماری از نیروهای نظامی شده است.

● در جریان این درگیری در اطراف هنگ مرزی در «چهارراه ناهوک» سراوان نیز صدای انفجار شنیده شده که شهروندان به دلیل شدت صدای انفجار از منازل خارج شدند. ● یک منبع مطلع گفته «افراد مسلح قصد نفوذ به داخل هنگ مرزی را داشتند که موفق به این کار نشدند.»

● در این درگیری ها دو نفر از مهاجمان کشته شدند. رسانه های داخلی ایران تصاویری از کشته شدگان این درگیری منتشر کرده اند.

● منابع محلی گزارش دادند دو نفر از پرسنل هنگ مرزی پس از برخورد با تله انفجاری زخمی شدند.

درگیری میان نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی با افراد مسلح در مرزهای شرقی ایران در استان سیستان و بلوچستان همچنان ادامه دارد.

به گزارش «کمپین فعالین بلوچ» شنبه شب ۲۳ دی ماه ۱۴۰۲ بار دیگر افراد مسلح به پایگاه هنگ مرزی سراوان حمله کردند که منجر به زخمی شدن شماری از نیروهای نظامی شده است.

گزارش شده است که در جریان این درگیری در اطراف هنگ مرزی در «چهارراه ناهوک» سراوان نیز صدای انفجار شنیده شده که شهروندان به دلیل شدت صدای انفجار از منازل خارج شدند.

یک منبع مطلع گفته «افراد مسلح قصد نفوذ به داخل

مهم تر آنکه مواد منفجره ی کشف شده شبیه چهار انفجار قبلی شامل هگزوزن بود.»

آلکساندر لیتویننکو، افسر اطلاعاتی سابق کاگب که بعدها در کتابی نقش نهادهای امنیتی در مپ گذاری های سریالی سال ۱۹۹۹ را افشا کرده بود، با عنصر پلوتونیم در سال ۲۰۰۶ در لندن به قتل رسید. او در تحقیقاتش از دسترسی انحصاری نیروهای نظامی و امنیتی روسی به هگزوزن که تحت تدابیر شدید امنیتی تولید و نگهداری می شد اشاره کرده است. اگرچه رئیس اف اس بی به مردم هوشیار ریزان تبریک گفت که از یک عملیات تهرینی برای سنجش آمادگی شهروندان سریلند خارج شده اند و مواد سفید در این مپ شکر بوده است، اما در تست گاز گرفته شده توسط واحد خنثی سازی مپ وجود هگزوزن تأیید شده بود و افسر مسئول پرونده به دنبال مصاحبه با روزنامه نوایا گازتا در این مورد به واحد دیگری منتقل شد.

در کمتر از دو هفته از آخرین انفجار منازل مسکونی، نیروهای زمینی ارتش روسیه به تهاجم و پیشروی گسترده ای در چین دست زدند. انفجارهای سریالی در مسکو و سایر شهرها نه تنها مشروعیت جنگی و روحیه تهاجمی نیروهای روسی را افزایش داده بود، بلکه محبوبیتی یک شبه به نخست وزیر جوان و تازه کار که علاقه مند بود در لباس نظامی دیده شود بخشید. پوتین که از رئیس جمهور یلتسین خواسته بود جنگ را به او بسپارد، یلتسین را قانع کرد تا نیروی زمینی را به منظور ایجاد سپر دفاعی در مقابل تروریست های چینی تا کناره رودخانه ترک در شمال چین پیشروی دهد. اما در کمتر از دو هفته نیروهای روسی از رودخانه عبور کردند و در چشم بهم زدن یلتسین خود را درگیر جنگی همه جانبه یافت که تنها برنده ی آن فرمانده جنگ ولادیمیر ولادیمیرویچ پوتین بود.

پوتین در مقطعی که نیاز به حمایت سیاسی یلتسین جهت کاندیداتوری برای ریاست جمهوری روسیه در سال دو هزار داشت به یلتسین گفته بود: «نه تو برادر داری نه من، مرا به عنوان برادر کوچکترت بپذیر، این فقط حرف نیست.» اما در روز پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری جواب تلفن یلتسین را نداد تا به آنچه «خانواده» می نامیدند نشان دهد که قوانین بازی کاملاً عوض شده است. یلتسین در خاطراتش نوشت: «مردم باور کردند که او یک تته از آنها حفاظت خواهد کرد.»

در عصر اینترنت کمپین های تبلیغاتی سایبری راهی ساده تر برای انحراف افکار عمومی و دستکاری های روان شناختی به حساب می آیند. ایران یکی از ۲۶ کشور دیکتاتوری است که یکی از بالاترین میزان آنچه «پروپاگاندا محاسبه شده» خوانده می شود دارد. [۱۱] مانند بسیاری از پروژه های دستکاری امنیتی در جهان که با گذر زمان حقایق آشکار شدند، واقعیت جریان هایی در پس مپ گذاری در میان حامیان حکومت، تیراندازی در اماکن مذهبی و آلودگی شیمیایی در مدارس روشن خواهد شد. اما گاهی خطای استراتژیک دستگاه های امنیتی وقتی آشکار می شود که در حالی که مغرور از دستکاری و انحراف افکار عمومی هستند، متوجه می شوند که این مردم هستند که آنها را به بازی گرفته اند. [۱۲]

[۱] https://archive.org/details/americanpastur-v0000conl_q1g8

[۲] <https://www.wilsoncenter.org/publication/pollsters-perspective-the-putin-phenomenon>

[۳] <https://ukandeu.ac.uk/western-policy-failures-have-facilitated-russias-terror-campaign/>

[۴] <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/299354.stm>

[۵] <https://www.bbc.co.uk/news/world-europe-50807747>

[۶] <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC28623/>

[۷] <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/438691.stm>

[۸] <https://archive.org/details/B-001-000-156/page/n25/mode/2up>

[۹] <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/2154100.stm>

[۱۰] <https://www.nytimes.com/1999/09/17/world/another-bombing-kills-18-in-russia.html?scp=6&sq=russia+apartment+bombings&st=cse>

[۱۱] <https://demtech.oi.ox.ac.uk/wp-content/uploads/sites/12/2019/09/CyberTroop-Report19.pdf>

[۱۲] <https://www.cato.org/white-paper/public-opinion-war-terror#introduction>

یک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی: خلاء اطلاعاتی و امنیتی داریم

اسرائیل در ایران توده‌زنی می‌کند هدف‌زنی می‌کند

توده‌ای وار عمل نمی‌کند. قطعاً اسرائیل در داعش در نفوذ دارد، اما اینکه کار اسرائیل باشد را نمی‌توانم قطعی بگویم، زیرا سابقه اقدامات اسرائیل علیه ما در ایران و سوریه و جاهای دیگر، نشان داده که روش‌اش همب انتحاری نیست و با عملیات‌های کاملاً طراحی شده و هدفدار اقدام می‌کند.»

درواقع منظور قربان‌اوغلو که آن را مستقیم بیان نمی‌کند این است که اسرائیل در مأموریت‌های خود در خاک ایران با مردم کاری ندارد و سراغ مقامات و فرماندهان و تأسیسات نظامی می‌رود.

مقامات ارشد نظام از جمله حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم، مجتبی ذوالنوری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی و خیلی‌های دیگر در سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های خود انگشت اتهام در انفجارهای کرمان را به سوی اسرائیل دراز کردند و درباره «پاسخ سخت» رجز می‌خواندند.

مانند سابق روی گروه‌های تروریستی اشراف نداریم

قربان‌اوغلو با اشاره به ضرورت «ارتقاء و ایمن‌سازی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری» گفته «صادقانه باید بگویم در این دو مورد دچار مشکل هستیم. اگر نیروهای امنیتی ما اقتدار سابق را داشتند، نباید چنین اتفاقی رخ می‌دهد، اتفاقی که در کرمان رخ داد نشان داد که ما خلاء اطلاعاتی و امنیتی داریم و مانند سابق بر گروه‌های تروریستی اشراف کامل نداریم. در داخل نیز نارضایتی‌های که وجود دارد که خود به خود احساس مسئولیت نسبت [به] کشور و آینده را کم می‌کند و متأسفانه این آفتی است که کشور دچار شده است.»

وی در پایان این گفتگو خواسته «بجای بیانیه‌های تند و آتشین، باید به سمت صحبت با زبان دنیا برویم و موضوع مبارزه با داعش را تبدیل به فرصت پیام امنیت منطقه و جهان کنیم و برای مبارزه با آن ائتلاف‌سازی کنیم، در این صورت سازمان‌های بین‌المللی هزینه‌های آن را هم پرداخت می‌کنند و با ما همراه خواهند شد.»

پیش از این غلامرضا نوری قزلبچه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود «نوع عملیات و زمان و مکان این اجتماع از پیش تعیین شده و محل‌ها برای نیروهای امنیتی مشخص بود، بنابراین باید تمهیدات امنیتی لازم با دقت انجام می‌گرفت. قابل قبول نیست به سادگی از کنار این حوادث بگذریم و مسئولین امر را متوجه مسئولیت، قصور و کوتاهی‌هایشان نکنیم.»

گفتنی است اعتباری که در بودجه سال ۱۴۰۲ به «امور دفاعی و امنیتی» اختصاص داده شد، حدود ۲۷۲/۶ هزار میلیارد تومان است که نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۳۸/۵ درصد رشد داشته است. مشخص نیست این میزان اعتبار چطور هزینه شده که تا این اندازه جمهوری اسلامی با ضعف در حوزه امنیتی و اطلاعاتی مواجه است! دو عملیات تروریستی در شاهچراغ و عملیات مرگبار کرمان بخشی از ضرباتی هستند که در ماه‌های اخیر حکومت دریافت کرده است. با اینهمه کم نیستند کارشناسانی که معتقدند نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی از درون تحت تأثیر نفوذی‌ها قرار گرفته‌اند.



جاوید قربان‌اوغلو دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی

نفوذی‌هایی داشتیم که رد همه مواد انفجاری را می‌زدیم بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان مستقل معتقدند نهادها و سازمان‌های امنیتی-اطلاعاتی جمهوری اسلامی وظیفه و مسئولیت اصلی‌شان را که تأمین امنیت مردم و کشور در مقابل دشمنان خارجی است رها کرده‌اند و به جان خود مردم افتاده‌اند.

قربان‌اوغلو در این مصاحبه با اشاره تلویحی به این انتقادات می‌گوید: «نیروهای امنیتی ما مهم‌ترین و اصلی‌ترین مأموریت‌شان تأمین امنیت شهروندان کشور است و چنانچه به این موضوع نپردازند، یعنی مسئله اصلی و فرعی را گم کرده‌اند. وقتی یک فراخوان عمومی برای بزرگداشت سلیمانی داده می‌شود، خب، وظیفه نیروهای امنیتی و شورای تأمین است که از قبل شرایطی را فراهم کنند تا اتفاق ناگواری رخ ندهد. من آدم اطلاعاتی نیستم اما در گذشته سیستم‌های اطلاعاتی ما به گونه‌ای بود که در همه مناطق و گروه‌ها نفوذی‌هایی داشتند که رد هرگونه مواد انفجاری را که می‌خواست از مرز وارد شود، می‌زدند. نمی‌دانم الان چطور است اما انفجارها نشان می‌دهد سیستم امنیتی خلاءهایی پیدا کرده است.»

وی همچنین از اینکه دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی «قدرت بازی» را از دست داده‌اند و نتوانسته‌اند در ائتلاف‌سازی‌های بین‌المللی «یارگیری» کنند انتقاد کرد.

اسرائیل در ایران توده‌زنی می‌کند

قربان‌اوغلو در ادامه به تشریح عملیات تروریستی کرمان پرداخته و می‌گوید: «اسرائیل اقدامات بسیار زیادی در ایران انجام داده و دشمن ماست. آنها اقدامات شنیعی انجام داده‌اند، اما سابقه عملیات‌های تروریستی آنها در ایران عمدتاً هدف‌زنی بوده نه توده‌زنی. مثلاً دانشمند هسته‌ای را می‌زند، مراکز خاصی را هدف قرار می‌دهد و به جاهای خاص دستبرد می‌زند، خرابکاری نظامی می‌کند و

● جاوید قربان‌اوغلو دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی در مصاحبه با وسایت «رویداد۲۴» می‌گوید «اگر بخواهیم انفجارهای کرمان را ریشه‌یابی کنیم، باید بگویم که داعشی‌ها یک گروه تروریستی افراطی مبتنی بر مذهب هستند که از لحاظ اعتقادی و از دیدگاه خودشان، شیعیان را رافضی می‌دانند و ما با آنها جنگیده‌ایم... بنابراین بطور طبیعی علیه ما اقدامات تروریستی انجام می‌دهند و دفعه اول‌شان هم نیست.»

● وی در این مصاحبه اشاره کرده که نیروهای امنیتی به مهم‌ترین و اصلی‌ترین مأموریت‌شان که تأمین امنیت شهروندان کشور است نپرداخته‌اند و «مسئله اصلی و فرعی را گم کرده‌اند.» قربان‌اوغلو توضیح داده «در گذشته سیستم‌های اطلاعاتی ما به گونه‌ای بود که در همه مناطق و گروه‌ها نفوذی‌هایی داشتند که رد هرگونه مواد انفجاری را که می‌خواست از مرز وارد شود، می‌زدند. نمی‌دانم الان چطور است اما انفجارها نشان می‌دهد سیستم امنیتی خلاءهایی پیدا کرده است.»

● این دیپلمات پیشین در ادامه به تشریح عملیات تروریستی کرمان پرداخته و می‌گوید: «اسرائیل اقدامات بسیار زیادی در ایران انجام داده و دشمن ماست. آنها اقدامات شنیعی انجام داده‌اند، اما سابقه عملیات‌های تروریستی آنها در ایران عمدتاً هدف‌زنی بوده نه توده‌زنی. مثلاً دانشمند هسته‌ای را می‌زند، مراکز خاصی را هدف قرار می‌دهد و به جاهای خاص دستبرد می‌زند، خرابکاری نظامی می‌کند و توده‌ای وار عمل نمی‌کند.»

جمهوری اسلامی با حمایت تمام‌عیار از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه تاخت و تاز می‌کند. مقامات نظام بازتولید آشوب و بی‌ثباتی در منطقه با تکیه بر «محور مقاومت» را از مؤلفه‌های «قدرت‌ساز» می‌دانند اما همزمان شماری از خودی‌های نظام در مورد ادامه این وضعیت هشدار می‌دهند. جاوید قربان‌اوغلو دیپلمات پیشین وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با وسایت «رویداد۲۴» عملکرد دستگاه امنیتی نظام در انفجارهای کرمان را زیر سؤال برده و گفته که «اقتدار سابق» را ندارند و «ما خلاء اطلاعاتی و امنیتی داریم.» وی همچنین روایت مقامات حکومت از دخالت اسرائیل در این انفجارها را به پرسش کشیده است. این دیپلمات پیشین در این مصاحبه که ۲۲ دی‌ماه منتشر شد گفته «اگر بخواهیم این موضوع ریشه‌یابی کنیم، باید بگویم که داعشی‌ها یک گروه تروریستی افراطی مبتنی بر مذهب هستند که از لحاظ اعتقادی و از دیدگاه خودشان، شیعیان را رافضی می‌دانند؛ بنابراین عملیات تروریستی و کشتار شیعیان را حرکتی جهادی برای خودشان می‌دانند [که] در آن خون رافضی‌ها ریخته می‌شود.»

این دیپلمات پیشین که به نظر می‌رسد از سرشاخ شدن فرماندهان سپاه پاسداران با اسرائیل انتقاد می‌کند، توضیح داده «به لحاظ سیاسی و امنیتی، ما از زمان اعلام حضور و وجود داعش تا کنون، با آنها جنگیده‌ایم و داعشی را که تا سوریه و عراق رفته بود کنار زدیم. ایران کشور پرچمدار مبارزه با داعش است بنابراین بطور طبیعی علیه ما اقدامات تروریستی انجام می‌دهند و دفعه اول‌شان هم نیست. در گذشته نیز [در] شاهچراغ، مجلس و در جاهای دیگر هم اقداماتی انجام داده بودند و از حمله آنها نباید تعجب کنیم.»

بازداشت ۱۱ ایرانی در مرز روسیه و فنلاند

مقامات امنیتی فنلاند: «روس‌ها به آنها کمک کردند تا به مرز برسند!»

وی گفت: «کمیسون‌های مرزی فنلاند و روسیه با یکدیگر دیدار کردند تا این موضوع را به تفصیل بررسی کنند.»

پیش از این نیز گارد مرزی فنلاند یک گروه چهار نفره را که از مرز روسیه قصد ورود داشتند بازداشت کرد. آنها نیز پس از دستگیری تقاضای پناهندگی کردند.

فنلاند در ماه دسامبر هر هشت ایست بازرسی را در امتداد مرز شرقی خود با روسیه بست، زیرا این گمان وجود داشت که مقامات روسی عمداً پناهجویان غیرقانونی را به پست‌های بازرسی فنلاند منتقل می‌کنند.

یک گذرگاه مرزی بین فنلاند و روسیه ماری رانتانن وزیر کشور فنلاند اوایل این هفته اعلام کرد که ایست‌های بازرسی دست‌کم تا ۱۴ فوریه بسته خواهند ماند. وی تأکید کرد وضعیت در مرز تغییر نکرده زیرا پناهجویان در سمت روسیه دیده شده‌اند و ظاهراً منتظر دریافت نقطه‌ای امن برای عبور هستند.

منابع فنلاندی گزارش دادند منطقه‌ای که ۱۱ ایرانی در آنجا بازداشت شدند دارای جنگل‌های انبوه است که بیش از ۴۰ سانتی‌متر برف در آنجا نشسته و دمای هوا به منفی ۲۰ درجه می‌رسد.

بسته شدن مرزهای فنلاند پس از آن صورت می‌گیرد که بیش از ۹۰۰ مهاجر تنها در چند ماه خود را از روسیه به فنلاند رساندند.

کردند. همه بازداشت شدگان از فنلاند تقاضای پناهندگی کرده‌اند.

معاون فرمانده گارد مرزی جنوب شرقی فنلاند توضیح داد اعضای این گروه گفتند که در سمت روسیه از مرز برای تسهیل سفر آنها به فنلاند به آنها کمک شده است.

پیشتر روزنامه «دیلی میل» در ۱۸ نوامبر به نقل از مقامات فنلاند نوشته بود که روسیه عمداً پناهجویان را روانه فنلاند می‌کند چون این کشور به «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) پیوسته است. گارد مرزی فنلاند همان زمان اعلام کرد که مرزهای جنوب شرقی این کشور را با نصب موانعی خواهد بست. یک مقام گارد مرزی فنلاند گفته بود «فقط در روز جمعه، ۱۷ نوامبر، بیش از ۱۰۰ مهاجر غیرقانونی داشتیم که از همین نقطه وارد کشور شدند.»

فنلاند ۱۳۴۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه دارد که در واقع مرز اتحادیه اروپا نیز هست. به گفته گارد مرزی فنلاند، در هفته دوم نوامبر ۲۰۲۳ حدود ۳۰۰ پناهجوی عمدتاً عراقی و یمنی و سومالیایی وارد این کشور شدند.

وی گفت: «ما هویت افرادی را که این کمک را ارائه می‌دهند، نمی‌دانیم. به عنوان مقامات تحقیقات اولیه، ما علاقمندیم بدانیم چه کسی این کمک را ارائه می‌دهد، به این امید که بتوانیم آنها را دستگیر کنیم.»

گارد مرزی فنلاند تحقیقات اولیه در مورد این پرونده را

● مقامات مرزی در جنوب شرقی فنلاند روز پنجشنبه ۱۱ ژانویه (۲۱ دی‌ماه) این افراد را در مناطق صعب‌العبور جنگلی در سرمای شدید نزدیکی شهر «لایپیرانتا» شناسایی کردند. همه بازداشت شدگان از فنلاند تقاضای پناهندگی کرده‌اند.

● منابع فنلاندی گزارش دادند منطقه‌ای که ۱۱ ایرانی بازداشت شدند دارای جنگل‌های انبوه است که بیش از ۴۰ سانتی‌متر برف در آنجا نشسته و دمای هوا به منفی ۲۰ درجه می‌رسد.

● معاون فرمانده گارد مرزی جنوب شرقی فنلاند توضیح داده که طرف روسی مایل به همکاری در تحقیقات است. با این حال گارد مرزی فنلاند اعلام کرد که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد ایرانی‌ها از طرف روسیه کمک گرفته‌اند.

● مقامات فنلاند مطمئن هستند که جریان مهاجران توسط مسکو به عنوان بخشی از تلاش برای بی‌ثبات کردن اوضاع در کشور همسایه سازماندهی شده است. روزنامه «دیلی میل» در ۱۸ نوامبر به نقل از مقامات فنلاند نوشته بود که روسیه عمداً پناهجویان را روانه فنلاند می‌کند چون این کشور به «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) پیوسته است.

رسانه‌های فنلاندی گزارش دادند ۱۱ ایرانی که تلاش می‌کردند از روسیه به صورت غیرقانونی وارد خاک فنلاند



یکی گذرگاه مرزی بین فنلاند و روسیه



مرز روسیه و فنلاند

مقامات فنلاند مطمئن هستند که جریان مهاجران توسط مسکو به عنوان بخشی از تلاش برای بی‌ثبات کردن اوضاع در کشور همسایه سازماندهی شده است. بطور معمول، افراد بدون ویزای معتبر توسط سرویس گارد مرزی FSB اجازه ورود به منطقه مرزی روسیه را ندارند. اما اکنون مرزبانان مهاجران را بدون مدارک سفر از پاسگاه‌ها عبور می‌دهند.

آغاز کرده که گفته می‌شود با همکاری مقامات مرزی روسیه انجام شده است.

معاون فرمانده گارد مرزی جنوب شرقی فنلاند خاطرنشان کرد که طرف روسی مایل به همکاری در این تحقیقات بوده است. با این حال گارد مرزی فنلاند اعلام کرد که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد ایرانی‌ها از طرف روسیه کمک گرفته‌اند.

شوند توسط نیروهای مرزی این کشور بازداشت شدند.

به گفته مقامات فنلاند، اعضای این گروه ظاهراً پناهجو گفته‌اند «به آنها کمک شده است تا به گذرگاه مرزی برسند.»

مقامات مرزی در جنوب شرقی فنلاند روز پنجشنبه ۱۱ ژانویه (۲۱ دی‌ماه) این افراد را در مناطق صعب‌العبور جنگلی در سرمای شدید نزدیکی شهر «لایپیرانتا» شناسایی

«انتقام سخت» جمهوری اسلامی از مردم اربیل و موشک باران مخالفان بشار اسد در ادلب سوریه! باز هم پروازهای مسافری متوقف نشد!



خسارات ناشنی از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اربیل عراق

نیز هدف قرار داده است اما شبکه «المیادین» به نقل از منابع محلی گزارش داد سپاه به مناطقی حمله کرد که گروه «تحریر الشام» (جبهه النصره سابق) آنجا مستقر است که از مخالفان بشار اسد هستند.

حمله موشکی به سوریه و عراق در شرایطی صورت گرفته که مسئولیت انفجارهای کرمان را «داعش خراسان» که در افغانستان مستقر است به عهده گرفت. با اینهمه رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران نوشتند که «داعش» و «موساد» با هم نقره‌داغ شدند!

در تأیید این حملات، سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «دست و بازوی برادرانم در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مجاهدان نستوه در سراسر منطقه را می‌بوسم که به آمریکا، رژیم صهیونیستی و تروریست‌های حامی آنها مجدداً و با قدرت یادآوری کردند که دوران بزن در رو مدت‌هاست تمام شده است.»

همچنین سردار پاسدار حسن حسن‌زاده فرمانده «سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ» با تکرار اینکه در حمله سپاه مقرر جاسوسی و محل استقرار تروریست‌ها در هم کوبیده شد، گفت: «حملات دقیق سپاه نشان داد همه فعالیت‌ها، اقدامات و تلاش‌های آنها مورد رصد جمهوری اسلامی و سرایان گمنام کشورمان است.»

حمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کردستان عراق و ادلب سوریه با موشک‌های بالستیک در شرایطی صورت گرفت که در چنین وضعیت جنگی باز هم پرواز هواپیماهای مسافربری بر فراز ایران متوقف نشده بود. در یک نمونه بعد از اصابت موشک به فرودگاه اربیل هواپیمای ایرباس «ترکیش ایرلاین» پرواز THY۴CX از مبدا استانبول نتوانست در اربیل فرود آید و بیشتر از نیم ساعت پرفراز آن شهر دور می‌زد تا شرایط فرود مهیا شود.

دست‌کم یک فروند از این موشک‌ها به فرودگاه اربیل عراق اصابت کرد و پروازها در این فرودگاه را برای چند ساعت متوقف کرد. همچنین تعدادی از این موشک‌ها به مناطق مسکونی اربیل اصابت کردند.

همین‌ه‌ورامی نایب رئیس پارلمان اقلیم کردستان عراق حمله موشکی سپاه پاسداران را «توجیه‌ناپذیر» خواند و تأیید کرد که یکی از موشک‌ها به منزل پیشرو دیزه‌یی اصابت کرده که منجر به کشته شدن وی و چهار عضو دیگر خانواده‌اش شده است. دیزه‌یی بازرگان بود.

در واکنش به این حملات، وزارت خارجه عراق «تجاوز» جمهوری اسلامی را که منجر به کشته شدن شماری از شهروندان غیرنظامی عراق شد محکوم کرد. مسرور بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق نیز با محکوم کردن این اقدام سپاه پاسداران از دولت عراق خواست درباره نقض آشکار تمامیت ارضی عراق و اقلیم کردستان سکوت نکند.

وی افزود: «در روزهای آینده با شرکایمان دبرای جلوگیری از این حملات وحشیانه علیه مردم بی‌گناه فعالیت خواهیم کرد.» ساعاتی پس از این حملات، سپاه در اطلاعیه اعلام کرد «مقرّهای جاسوسی و تجمع گروهک‌های تروریستی» به تلافی انفجارهای کرمان و حمله به نیروهای امنیتی در راسک هدف قرار داده شد.

سپاه پاسداران در اطلاعیه شماره سه خود مدعی شد که «مقرّ جاسوسی رژیم صهیونیستی» را در کردستان عراق منهدم کرده است.

وزارت خارجه آمریکا نیز حمله موشکی سپاه پاسداران به اقلیم کردستان عراق را محکوم کرد. ماتیو میلر سخنگوی این وزارتخانه با تسلیت به بازماندگان قربانیان موشک‌باران سپاه پاسداران گفت این قبیل حملات ثبات در عراق را تضعیف می‌کند. سپاه مدعی شد مراکز تجمع داعش در ادلب سوریه را

● همین‌ه‌ورامی نایب رئیس پارلمان کردستان عراق حمله موشکی سپاه پاسداران را «توجیه‌ناپذیر» خواند و تأیید کرد که یکی از موشک‌ها به منزل پیشرو دیزه‌یی اصابت کرده که منجر به کشته شدن وی و چهار عضو دیگر خانواده‌اش شده است. دیزه‌یی بازرگان بود.

● مسرور بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق با محکوم کردن این اقدام سپاه از دولت عراق خواست درباره نقض آشکار تمامیت ارضی عراق و اقلیم کردستان سکوت نکند.

● وزارت خارجه آمریکا نیز حمله موشکی سپاه به کردستان عراق را محکوم کرد. ماتیو میلر سخنگوی این وزارتخانه با تسلیت به بازماندگان قربانیان موشک‌باران سپاه پاسداران گفت این قبیل حملات ثبات در عراق را تضعیف می‌کند.

● سپاه مدعی شد مراکز تجمع داعش در ادلب سوریه را نیز هدف قرار داده است اما شبکه «المیادین» به نقل از منابع محلی گزارش داد سپاه به مناطقی حمله کرد که گروه «تحریر الشام» (جبهه النصره سابق) آنجا مستقر است که از مخالفان بشار اسد هستند.

● سپاهی‌ها در شرایطی به عراق و سوریه حمله کردند که مسئولیت انفجارهای کرمان را «داعش خراسان» که در افغانستان مستقر است به عهده گرفت.

● حمله سپاه پاسداران به کردستان عراق و ادلب سوریه با موشک‌های بالستیک در شرایطی صورت گرفت که در چنین در وضعیت جنگی باز هم پرواز هواپیماهای مسافربری بر فراز ایران متوقف نشده بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامگاه دوشنبه ۲۵ دی‌ماه با چند فروند موشک بالستیک نقاطی در اربیل عراق و ادلب سوریه را هدف قرار داد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اینبار خاک پاکستان را هدف قرار داد؛ واکنش تند اسلام آباد به تهران

این گروه همچنین آذرماه امسال به مقر فرماندهی نیروی انتظامی راسک حمله و ۱۱ مأمور انتظامی را کشت و شماری را زخمی کرد. تیرماه گذشته نیز یک کلانتری در استان سیستان و بلوچستان هدف حمله مسلحانه قرار گرفت و دو عضو نیروی انتظامی کشته شدند. «جیش العدل» مسئولیت این حمله را نیز به عهده گرفته بود.

جمهوری اسلامی در ادامه تنش آفرینی سازمانیافته در کشورهای همسایه، دو روز پیش خاک سوریه و عراق را نیز هدف حمله قرار داد. در یکی از این حملات که مناطقی در اقلیم کردستان عراق مورد حمله قرار گرفته بود چهار کودک جانباختند. جمهوری اسلامی اما مدعی شد که یک مفر جاسوسی اسرائیل را هدف قرار داده است!

دست کم یک فروند از این موشکها به فرودگاه اربیل عراق اصابت کرد و پروازها در این فرودگاه را برای چند ساعت متوقف کرد. همچنین تعدادی از این موشکها به مناطق مسکونی اربیل اصابت کردند.

در واکنش به این حملات، وزارت خارجه عراق «تجاوز» جمهوری اسلامی را که منجر به کشته شدن شماری از شهروندان غیرنظامی عراق شد محکوم کرد. مسرور بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان عراق نیز با محکوم کردن این اقدام سپاه پاسداران از دولت عراق خواست درباره نقض آشکار تمامیت ارضی عراق و اقلیم کردستان سکوت نکند.

وی افزود: «در روزهای آینده با شرکایمان دبرای جلوگیری از این حملات وحشیانه علیه مردم بی گناه فعالیت خواهیم کرد.» وزارت خارجه آمریکا نیز حمله موشکی سپاه پاسداران به اقلیم کردستان عراق را محکوم کرد. ماتیو میلر سخنگوی این وزارتخانه با تسلیت به بازماندگان قربانیان موشکباران سپاه پاسداران گفت این قبیل حملات ثبات در عراق را تضعیف می کند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای مدعی شده بود حملات به عراق و سوریه در پاسخ به به تلافی انفجارهای کرمان و حمله به نیروهای امنیتی در راسک صورت گرفته است. این در حالی بود که مسئولیت انفجارهای کرمان را «داعش خراسان» که در افغانستان مستقر است به عهده گرفت. اکنون در پی چند روز موشک پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک سه کشور همسایه، ابراهیم رئیسی امروز چهارشنبه ۲۷ دی ماه در جلسه هیئت دولت با ادعای «تلاش های دشمنان برای ناامن جلوه دادن جمهوری اسلامی» از «همه نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی که مخلصانه، مجاهدانه و بی نام و نشان برای تأمین و حفظ امنیت کشور شبانه روز تلاش می کنند» تقدیر کرد.

امیر سرتیپ آشتیانی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز در حاشیه جلسه هیئت دولت با اشاره به حملات روزهای گذشته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت که «به حق حاکمیت و منافع کشورها و حقوق و قوانین کشورها احترام می گذاریم اما نمی پذیریم که در مرزهای ما کسی بخواهد شیطنت کند. از هر ناحیه ای جمهوری اسلامی را تهدید کند، عکس العمل نشان می دهیم.»

روز گذشته نیز سردار پاسدار احمد سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنانی در استان هرمزگان با ادعای اینکه «خواب های پریشان دشمن را باطل کرده ایم» گفت که «قدرت حقیقی سپاه متصل به مردم است.»



عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، استاندار سیستان و بلوچستان، مدیر عامل منطقه آزاد چابهار و مسئولین ارشد کشورهای پاکستان و افغانستان، عراق و عمان در چابهار در حال برگزاری بوده است.

در مقابل واکنش تند دولت پاکستان به حملات سپاه پاسداران به خاک این کشور، محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی اعلام کرده که «به پاکستان بارها تذکر داده شده که باید مانع ورود تروریست ها به ایران شود، طبیعی بود که ما واکنش نشان دهیم!»

همزمان سردار احمدعلی گودرزی فرمانده مرزبانی فراجا از یک درگیری در روز گذشته در مرز ایران و پاکستان و جلوگیری از ورود تروریست ها به ایران خبر داد.

فرمانده مرزبانی فراجا گفته که «روز گذشته یک گروهک تروریستی قصد ورود به کشور برای اقدامات خرابکارانه را داشت که مرزبانان هنگ مرزی جکیگور با اشراف اطلاعاتی از قصد آنان با خبر شدند. در واکنش به این اقدام، مرزبانان نیز با هوشیاری اقدام به تیراندازی به سمت آنان کردند و با تبادل آتش سنگین و مقابله جانانه از ورود آنها به کشور ممانعت به عمل آمد.»

احمدعلی گودرزی با بیان اینکه «در این درگیری یک نفر از عناصر گروهک تروریستی به هلاکت و دو نفر دیگر مجروح و متواری شدند» گفته که «از این گروهک تروریستی یک دستگاه خودرو و مقادیر قابل توجهی سلاح و مهمات و فیتلیه های انفجاری و لوله ای، نارنجک دستی، تله انفجاری پدالی، مواد منفجره و یک قبضه آرپی جی به همراه مهمات مربوطه کشف شد.»

حمله پهبادی و موشکی سپاه با ادعای منهدم کردن مقر گروه تروریستی «جیش العدل» در حالی صورت گرفته که این گروه شبه نظامی پیشتر مسئولیت حمله به یک پاسگاه انتظامی در راسک استان سیستان و بلوچستان را به عهده گرفته بود. این حمله در بیستم دی ماه جاری سبب کشته شدن یک عضو نیروی انتظامی شده بود.

● وزارت خارجه پاکستان حملات صورت گرفته را غیرقابل قبول خوانده و تهران را نسبت به عواقب جدی اقدام سپاه پاسداران تهدید کرده است.

● دولت پاکستان همچنین سفیر خود از تهران را فراخوانده و اعلام کرده که سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان که در حال حاضر در تهران بسر می برد حق بازگشت به پاکستان را نخواهد داشت.

● معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی اعلام کرده که «به پاکستان بارها تذکر داده شده که باید مانع ورود تروریست ها به ایران شود، طبیعی بود که ما واکنش نشان دهیم!»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامگاه سه شنبه ۲۶ دی ماه ۱۴۰۲ بخشی از خاک پاکستان را هدف حملات پهبادی و موشکی قرار داد. این حملات با ادعای هدف قرار دادن مقر گروه «جیش العدل» صورت گرفته است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده که منطقه ای به نام «کوه سبز» در استان بلوچستان پاکستان هدف حملات پهبادی و موشکی سپاه پاسداران قرار گرفته است. این خبرگزاری نوشته در این حملات «دو مفر گروهک جیش العدل منهدم شده است.»

گروه تروریستی «جیش العدل» در بیانیه ای این حملات را تأیید کرده اما نوشته که منازل مسکونی اعضای این گروه هدف قرار گرفته و طی این حملات دست کم دو کودک خردسال کشته و دو زن به همراه یک دختر نوجوان به شدت زخمی شدند. این گروه اعلام کرده که در این حمله شش فروند پهباد انتحاری و تعدادی موشک، خانه های دو تن از اعضای جیش العدل که همسر و فرزندان شان در آنجا اسکان داشتند هدف قرار گرفته است.

در پی حملات موشکی و پهبادی سپاه پاسداران به خاک پاکستان، وزارت خارجه این کشور حملات صورت گرفته را غیرقابل قبول خوانده و تهران را نسبت به عواقب جدی اقدام سپاه پاسداران تهدید کرده است. این بیانیه تأکید کرده که دولت پاکستان این حق را برای خود محفوظ می داند که به اقدام غیرقانونی جمهوری اسلامی پاسخ دهد و مسئولیت عواقب آن نیز کاملاً متوجه تهران خواهد بود.

دولت پاکستان همچنین سفیر خود از تهران را فراخوانده و اعلام کرده که سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان که در حال حاضر در تهران بسر می برد حق بازگشت به پاکستان را نخواهد داشت. این بیانیه همچنین افزوده که با تصمیم دولت پاکستان تمام سفرهای سطح بالا در روزهای آینده را که بین پاکستان و ایران در جریان بود یا برنامه ریزی شده بود، متوقف خواهد شد.

ساعاتی بعد از صدور این بیانیه اعلام شد جلسه مشترک کمیته تجارت مرزی بین پاکستان و ایران که قرار بود امروز چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۱۴۰۲ برگزار شود توسط پاکستان تعلیق شد. بر اساس گزارشها قرار بود در این نشست تعدادی یادداشت تفاهم و همکاری میان دو کشور امضا شود.

همچنین «کمیته فعالان بلوچ» گزارش داده که اعضای یک هیئت پاکستانی حاضر در نمایشگاه چابهار محل نمایشگاه را ترک کردند.

بر اساس این گزارش نمایشگاه صادرات به پاکستان با حضور وزیر کشور، مشاور رئیس جمهور و دبیر شورای

منابع غیررسمی: تأیید حکم اعدام «سرهنگ جواهردی» به جرم قتل مهران سماک در دیوان عالی کشور؛ قربانیان انتخابات نمایشی؟!



سرهنگ دوم پاسدار سیدجعفر جواهردی رئیس سابق نیروی انتظامی بندرانزلی

● بر اساس گزارش منابع غیررسمی، دیوان عالی کشور حکم اعدام سرهنگ سیدجعفر جواهردی متهم ردیف اول قتل مهران سماک در بندرانزلی را تأیید کرده است.

● فریبرز کرمی زند افسر سابق نیروی انتظامی از مخالفان جمهوری اسلامی در «ایکس» می‌نویسد: «چقدر به مأموران و مزدوران جمهوری اسلامی گفتند و گفتیم که این حکومت پایش بیفتد شما که هیچ هفت نسل قبل و بعد شما را قربانی بقای خود می‌کند اما کو گوش شنوا... نزدیک انتصابات نمایشی احتیاج به یک قربانی داشتند».

● شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش، حکم اعدام سرهنگ جواهردی را «حاصل خوش خدمتی به رژیم» دانسته و می‌نویسد: «جلاد برای ادامه کار نیاز به خون مدافعین‌اش دارد... این قتل بی‌پرده خودی‌هاست... نیروهای مسلح! نتیجه خوش خدمتی به قاتلان و اشغالگران، کشته شدن برای بقای آنها به دست خود اشغالگران است. بهترین راه قرار گرفتن سمت مردم و پشتیبانی کردن از ملت ایران است».

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید «دستگاه‌های اطلاعاتی بی‌میل نبودند که برای جواهردی حکم اعدام صادر شود».

● به تازگی مأمور شلیک‌کننده به «محمد جامه بزرگ»، فرش‌فروشی که به جرم پناه دادن به معترضان در خانه‌ی خود در ملارد توسط این مأمور امنیتی به قتل رسید نیز به اعدام محکوم شد.

بر اساس گزارش منابع غیررسمی، دیوان عالی کشور حکم اعدام سرهنگ سیدجعفر جواهردی متهم ردیف اول قتل مهران سماک در بندرانزلی (بندرپهلوی) را تأیید کرده است. جواهردی فرمانده نیروی انتظامی در بندر انزلی متهم است که هشتم آذرماه ۱۴۰۱ به مهران سماک شلیک کرد و او را به قتل رساند. در آن شب گروهی از ایرانیان پس از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی به تیم فوتبال آمریکا در مسابقات جام جهانی قطر به خیابان‌ها آمدند و به بازیکنان تیم که در جریان خیزش ملی پشتیبان مردم نبودند اعتراض کردند. آن شب در چندین شهر نیروی انتظامی و بسیج با مردم معترض درگیر شدند.

با شکایت خانواده سماک، فرمانده نیروی انتظامی بندر انزلی از کار خود برکنار و دادگاهی شد. مجید احمدی وکیل خانواده مهران سماک ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اتهام فرمانده سابق نیروی انتظامی انزلی را «عدم رعایت قانون به‌کارگیری سلاح منجر به قتل عمد» عنوان کرده بود.

با توجه به اینکه متهم پرونده، هنگام قتل مهران سماک به عنوان فرمانده نیروی انتظامی مشغول فعالیت بود، پرونده در دادگاه نظامی تشکیل شد. در نهایت دادگاه نظامی پس از چند ماه بررسی، جرم را قتل عمد تشخیص داده و در ارتباط با آن حکم صادر کرده است. حکمی که البته با اعتراض متهم و وکلای او، برای بررسی به دیوان عالی کشور ارجاع شد و حالا گفته می‌شود که حکم دادگاه بدوی در این دیوان تأیید شده است.

خبر تأیید حکم اعدام سرهنگ جواهردی با واکنش‌های مختلفی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. فریبرز کرمی زند افسر سابق نیروی انتظامی از مخالفان جمهوری اسلامی در «ایکس» می‌نویسد: «چقدر به مأموران و

که برای جواهردی حکم اعدام صادر شود». همزمان شماری از هواداران نظام خواستار لغو حکم اعدام سرهنگ جواهردی شده‌اند. بعضی از ولایت‌مداران می‌گویند وی «سرباز ایران» است و در مقابل «اغتشاشگران» و ضدانقلاب ایستاد.

محاکمه سرهنگ جواهردی پرونده‌ای کم‌سابقه از رسیدگی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به شکایت مردم علیه مأموران حکومتی است. البته در همین ارتباط می‌بایست به پرونده یکی دیگر از مأموران حکومتی متهم به قتل یک معترض نیز اشاره کرد.

این پرونده مربوط به قتل «محمد جامه بزرگ» است که در ملارد کرج یک مغازه فرش‌فروشی داشت. او به جرم پناه دادن به معترضان، در شب سوم مهرماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی در منزل خود به قتل رسید. این پرونده نیز با شکایت خانواده جامه بزرگ به دادگاه رفت. روزنامه «شرق» گزارش داده بود که «قاتل محمد جامه بزرگ بر اساس آنچه بازپرس در پرونده قید کرده، کارمند رسمی یکی از نهادهای نظامی» است.

حالا پس از یک سال، شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران، مأمور شلیک‌کننده را به «قصاص نفس» یا اعدام محکوم کرده و سه تن دیگر از مأموران نیز به حبس و جریمه نقدی محکوم شده‌اند. تعداد متهمان این پرونده بیش از ۱۰ تن بود که بیشتر آنها به حبس یا جریمه نقدی محکوم شده‌اند و برای یک نفر حکم براءت صادر شده است.

آبان‌ماه ۱۴۰۱ نیز فرمانده نیروی انتظامی زاهدان و رئیس کلانتری ۱۶ این شهر به دلیل دخالت در تیراندازی به مردم زاهدان در جریان «جمعه خونین» (هشتم مهرماه ۱۴۰۱) عزل شدند. در جمعه خونین زاهدان ده‌ها نفر از مردم که برای مراسم چهلم جانباختگان به اطراف «مسجد مکی» آمدند به رگبار بسته و کشته شدند.

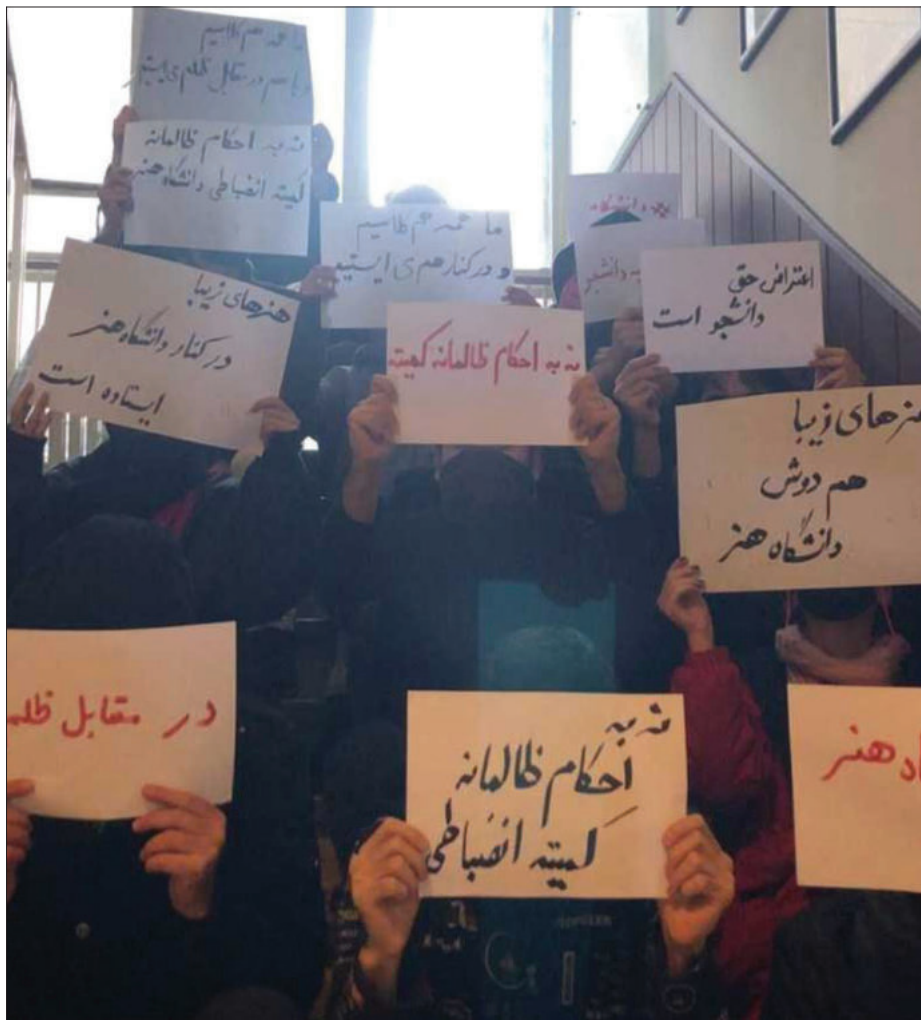
مزدوران جمهوری اسلامی گفتند و گفتیم که این حکومت پایش بیفتد شما که هیچ هفت نسل قبل و بعد شما را قربانی بقای خود می‌کند اما کو گوش شنوا. نه تنها خوش خدمتی کردند بلکه دست‌شان را به خون هموطنان خود آغشته کردند».

وی ادامه داده «نزدیک انتصابات نمایشی احتیاج به یک قربانی داشتند بنابراین حکم اعدام سرهنگ جواهردی را در دیوان عالی خود تأیید کردند... خطاب به باقی مزدوران جنایتکار که دست‌شان به خون آغشته است: حتی اگر توسط رژیم قربانی نشوید مطمئناً بعد از رژیم محاکمه خواهید شد؛ مثال بارز چوب دوسر طلا. امیدواریم درس عبرتی باشد برای سایر نیروهایی که هنوز دست‌شان به خون هموطنی آغشته نیست و عبرت بگیرند از عاقبت این مزدور و دست از پا خطا نکنند».

شهرام سبزواری از پرسنل سابق ارتش نیز صدور حکم اعدام علیه سرهنگ جواهردی را «حاصل خوش خدمتی به رژیم» دانسته و می‌نویسد: «جلاد برای ادامه کار نیاز به خون مدافعین‌اش دارد... این قتل بی‌پرده خودی‌هاست. چرا می‌نویسیم بی‌پرده چون دیگر در قالب تصادف و ترور دشمن و عارضه قلبی و... نیست مستقیم حکم اعدام است تا مشروعیت انتخابات فرمایشی را تضمین کند. نیروهای مسلح! نتیجه خوش خدمتی به قاتلان و اشغالگران کشته شدن برای بقای آنها به دست خود اشغالگران است. بهترین راه، قرار گرفتن سمت مردم و پشتیبانی کردن از ملت ایران است».

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید «امام جمعه انزلی و رشت فشار زیادی آوردند تا حکم جواهردی کاهش پیدا کند اما دستگاه‌های اطلاعاتی گردش کار (گزارش پرونده) را طوری تهیه کردند که قاضی گزینه‌ای بجز حکم اعدام نداشت. چون شاکتی خصوصی بود بجز رضایت شاکتی، حکم قابل اجراست. در واقع دستگاه‌های اطلاعاتی بی‌میل نبودند

نقره داغ کردن دانشجویان به دلیل هم نظر نبودن با حکومت!



تحصن دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران - بهمن ۱۴۰۱

۶۰۰ نفر تعلیق هستند. روزنامه «هم‌میهن» در همین ارتباط روز ۲۱ آذرماه گزارشی از وضعیت دانشگاه‌ها در یک سال اخیر منتشر کرد. بر اساس این گزارش، تذکر و تعهد و رفت و آمد دانشجویان به حراست شدت گرفته و کوچکترین حرکت، مساوی است با پرونده انضباطی. پیش از این آمار غیررسمی از ثبت ۱۷۶ حکم انضباطی، ۸ اخراج و ۳۰۱ ترم تعلیق از سوی کمیته‌های انضباطی گزارش شده بود و دانشجویان از دخالت‌های بی‌مورد حراست دانشگاه‌ها گلایه می‌کنند. در دانشگاه تربیت مدرس اما اتفاقات دیگری هم افتاده که همچنان ادامه دارد. یکی از آنها راه‌اندازی کانال تلگرامی به اسم «گاندو» است که در آن اطلاعات خصوصی دانشجویان به همراه اتهامات واهی امنیتی و اخلاقی علیه دانشجویان منتشر می‌شود که به گمان دانشجویان، از سوی بخش حراست دانشگاه مدیریت می‌شود: «برخوردهای شدید در فضای دانشگاه به گونه‌ای شده که دانشجویان برای روز دانشجو که ۱۶ آذرماه بود، نتوانستند تجمعی داشته باشند. هر اقدام و فعالیتی در دانشگاه به شدت برخورد می‌شود.»

فضای دانشگاه برای دانشجویان از یک سال گذشته به شدت تغییر کرده و امنیتی شده است. آنها می‌گویند که فشارها بیشتر شده. ورودی دانشگاه‌ها، زنانه و مردانه شده و تعدادی پرسنل زن استخدام شده‌اند که در ارتباط با پوشش به دانشجویان دختر تذکر می‌دهند.

از ثبت نام، پذیرش، تحصیل و حتی فراغت از تحصیل با دانشجو مطابق ضوابط و مقررات برخورد کند! این در حالیست که در آیین‌نامه استعداد درخشان به این موضوع هیچ اشاره‌ای نشده است.

از سوی دیگر در شرایطی که همه نشانه‌ها از روند رو به رشد میل و اقدام به مهاجرت در میان اقشار مخالف حکایت دارد وزارت بهداشت شرطی عجیب برای ادامه تحصیل دانشجویان دستبازی گذاشته است: ضمانت و وثیقه‌های سنگین از رزیدنت‌ها برای اینکه بعد از پایان تحصیل نه تنها در ایران بمانند بلکه در هر منطقه‌ای که وزارت بهداشت تعیین کرد ارائه خدمت دهند!

در این ارتباط علی امرایی عضو کمیسیون آموزش «دیده‌بان شفافیت و عدالت» گفته است: «در بخشنامه وزارت بهداشت، این وزارتخانه برای دانشجویان دوره رزیدنتی، دو نوع وثیقه در نظر گرفته است که دانشجو برای گذراندن دوره خود، ملزم به تأمین یکی از این وثایق هستند. اول، تعهد محضری همراه با دو ضامن کارمند رسمی غیربازنشسته با سابقه کمتر از ۲۰ سال، و دوم تعهد محضری به همراه تودیع وثیقه ملکی.»

همچنین احضار و تعلیق و ممنوعیت ورود دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف به محل تحصیل خود همچنان ادامه دارد.

طبق آمارهای غیررسمی و شایعاتی که در این زمینه وجود دارد، در این دانشگاه‌ها بیش از هزار نفر ممنوع‌الورود و

● دست‌کم در چهار دانشگاه تهران، هنر تهران، امیرکبیر و علم و صنعت از ماه‌ها پیش، عملاً ورود بدون کنکور به مقاطع بالاتر بدون تأیید حراست غیرممکن شده است.

● طبق اطلاع «خبرنامه امیرکبیر»، این شکل از محرومیت غیرقانونی در سال جاری در دانشگاه‌های دیگری نیز اعمال شده است. با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲ ثبت نام برخی از این دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی لغو شده و در مواردی حتی پس از ثبت نام و دریافت شماره دانشجویی دانشجو را از تحصیل محروم کرده و یا مشروط به اخذ تعهد توسط حراست تأیید شده است.

بنا به گزارش‌های رسیده به «خبرنامه امیرکبیر»، تصمیم به محرومیت دانشجویان «استعداد درخشان» از مقاطع بالاتر تنها محدود به دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) نیست. دست‌کم در چهار دانشگاه تهران، هنر تهران، امیرکبیر و علم و صنعت از ماه‌ها پیش، عملاً ورود بدون کنکور به مقاطع بالاتر بدون تأیید حراست غیرممکن شده است.

بر اساس این گزارش، دانشگاه امیرکبیر (پلی‌تکنیک) ثبت‌نام خشایار نجف زاده از فعالان دانشجویی و دانشجوی ممتاز ارشد مستقیم رشته مهندسی شیمی این دانشگاه را با وجود صلاحیت علمی و طی کردن همه مراحل ثبت نام، لغو و او را اخراج کرده است. نجف‌زاده سال گذشته ۵۷ روز در بازداشت بسر برده بود.

طبق اطلاع «خبرنامه امیرکبیر»، این شکل از محرومیت غیرقانونی در سال جاری در دانشگاه‌های دیگری نیز اعمال شده است. با آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲ ثبت نام برخی از این دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی لغو شده و در مواردی حتی پس از ثبت نام و دریافت شماره دانشجویی دانشجو را از تحصیل محروم کرده و یا مشروط به اخذ تعهد توسط حراست تأیید شده است.

دانشگاه تهران نیز دست‌کم سه دانشجو را بدون اعلام قبلی از فهرست ارشدهای بدون کنکور حذف کرده است. در همان دانشگاه تهران، یک دانشجو به علت بازداشت در اعتراضات، با وجود رتبه دو رقمی در کنکور ارشد، با دخالت حراست بدون هیچ توضیحی از کرسی ارشد محروم شد.

در دانشگاه علم و صنعت نیز در همین چند ماه گذشته، حراست با دست‌کم ۷ دانشجوی استعداد درخشان برای دادن تعهد تماس گرفت که تقریباً نیمی از آنها به دلیل خودداری از امضای تعهد، از سهمیه ارشد محروم شده‌اند. خبرگزاری ایسنا اخیراً اعلام کرد که دانشگاه «بهشتی» اعلام کرده است دانشجویانی که دارای هرگونه محکومیت انضباطی از شورای انضباطی دانشگاه یا وزارت علوم با هر درجه و عنوان باشند، امکان ورود به مقطع بالاتر از طریق سهمیه استعداد درخشان را ندارند.

دانشگاه مختار است در صورت اطلاع از آن در هر مرحله

مرگ کسب و کار پر رونقِ بعضی هاست! دوران «می میرم راحت می شوم» تمام شد!



ماشین حمل متوفی

بدون فیش خارج از ضوابط سازمان است. با این حال بعضی مراجعان می‌گویند از آنها هزینه‌های دیگری هم گرفته شده که گویا نظارتی بر آن نیست. مثلاً در فیش «بهشت زهرا» ۴۰۰ هزار تومان هزینه مداحی دریافت شده اما گویا هزینه‌های دیگری هم به همین نام هنگام خاکسپاری دریافت می‌شود.

«ایلنا» خبرگزاری جامعه کارگری نیز ۲۰ مهرماه امسال با بیان اینکه هزینه‌های زندگی افزایش یافته و این هزینه‌ها فقط مربوط به زندگی نیست در این ارتباط نوشت: «بعد از پایان یک زندگی، هزینه‌های سنگینی بر دوش خانواده‌های متوفی می‌افتد؛ خانواده‌هایی که عموماً از طبقات فرودست هستند و توان تمسّیّت امور خاکسپاری، تغسیل و کفن و دفن را ندارند.»

در بخشی از این مطلب آمده است: «فرض بگیرد کارگری چند میلیون تومان خرج دارو و درمان مادر یا پدر بیمار کرده؛ او را برای مداوا از یک شهرستان کوچک به شهرهای بزرگ یا تهران آورده، این وسط خرج ایاب و ذهاب و اقامت در مسافرخانه یا چادر زدن کنار خیابان روی دستش مانده؛ حالا بعد از اینکه تمام این معالجات سخت بی‌ثمر مانده و پدر یا مادر بیمار این کارگر به رحمت خدا رفته، فصل جدیدی از سختی‌ها در کنار غم و عزاداری آغاز می‌شود؛ خدمات پس از فوت غالباً پولی‌ست و کارگر اندوهگینی که تا رسیدن به این مرحله جانکاه دیگر آه در بساطش نمانده باید برای خیلی چیزها پول بپردازد حتی برای تابوت! تا بتواند جسد بیجان عضو متوفی خانواده را به شهر و دیار خود بازگرداند.»

این فلاکت گسترده به دلیل سوء مدیریت و ناکارآمدی مژمن جمهوری اسلامی نه تنها به گسترش فقر و دشوار کردن زندگی برای زندگان منجر شده بلکه مردگان را هم بی‌نصیب نگذاشته است. در این وضعیت، وقتی خانواده‌ای عزیزش را به هر دلیل از دست می‌دهد در میانه‌ی سوگواری و اندوه باید فشارهای سنگین مالی برای برگزاری مراسم کفن و دفن را هم تحمل کند.

این میان هستند افرادی که سنگ قبرهای دست دوم را به صورت قسطی هم می‌فروشند.

اگر کسی بخواهد سنگ قبر دست دوم را به صورت قسطی تهیه کند که ۱ میلیون و پانصد هزار تومان نرخ دارد، باید نصف مبلغ را ابتدا پرداخت کند و باقیمانده را در یک چک یک ماهه تحویل فروشنده دهد.

اینهمه در حالیست که شهرداری با ایجاد نظام طبقاتی در «بهشت زهرا» به دنبال پول درآوردن از مردگان است. خبرگزاری «تسنیم» در این ارتباط به نقل از مدیرعامل سازمان «بهشت زهرا» درباره قیمت قبور برای سال ۱۴۰۲ نوشت: «در ناحیه یک قیمت هر قبر مبلغ ۳۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ناحیه دو مبلغ ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و در ناحیه ۳ مبلغ ۱۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود.»

به گفته محمدجواد تاجیک مدیرعامل «بهشت زهرا» در لایحه نرخ خدمات سال ۱۴۰۲ هزینه غسل، کفن، دفن و همچنین هزینه قبر کودکان زیر هفت سال رایگان است و قرار شد هزینه برای کودکان متوفی زیر هفت سال دریافت نشود. شاید قابل تصور نباشد که کفن که چند متر پارچه سفید معمولی است نیز این روزها میلیونی شده است؛ روزنامه «اعتقاد» گزارش داده که هزینه ارزانترین کفن موجود از ۱۴۸ هزار تومان شروع و تا بیش از یک میلیون تومان هم می‌رسد.

از سوی دیگر فیش هزینه‌های یک کفن و دفن ساده در یکی از ارزانترین بخش‌های «بهشت زهرا» در تهران نشان می‌دهد هزینه شستشوی متوفی ۴۰۰ هزار تومان، هزینه جایجایی جسد از غسلخانه‌ی همین آرامستان تا محل قبر ۵۰۰ هزار تومان، سنگ کوچکی هم که بطور موقت روی قبر گذاشته می‌شود ۴۲۵ هزار تومان است. اما هزینه‌ها به همینجا ختم نمی‌شود و هزینه ناهار و پذیرایی را نیز باید به آن اضافه کرد که البته ارتباطی به «بهشت زهرا» ندارد اما به هر حال بازماندگان باید آن را فراهم کنند.

روی فیش مربوط همچنین آمده هرگونه پرداخت وجه

● هزینه ارسال متوفی از ایران به خارج کشور مثلاً به آلمان یا کانادا بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان است که باورنکردنی است. اگر قصد جایجایی متوفی داخل تهران را داشته باشید با قیمت‌های حدود ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان مواجه می‌شوید.

● در گزارشی که با عنوان «لطفاً نخرید! هزینه حمل جنازه نجومی شد» در وبسایت «روزگار خودرو» منتشر شده آمده است: «برای شهرهای نزدیکتر مانند اردبیل و مشهد هم هزینه ارسال به ترتیب ۶ و ۷/۵ میلیون تومان اعلام می‌شود.»

● رواج فروش سنگ قبر دست دوم نیز سال‌هاست در شهرهای مختلف کشور رایج شده است و به نظر می‌رسد مردم در ایران باید برای مرگ هم پس‌انداز کنند.

«اگر قصد ارسال فرد متوفی از تهران به شهرستان یا حتی خارج از کشور را داشته باشید با قیمت‌های عجیب و غریبی مواجه می‌شوید. به عنوان مثال هزینه حمل میت از تهران به شیراز با آمبولانس حدود ۹ میلیون و از تهران به اهواز تقریباً ۱۲/۵ میلیون تومان است.»

در گزارشی با عنوان «لطفاً نخرید! هزینه حمل جنازه نجومی شد» که ۲۴ دی‌ماه در وبسایت «روزگار خودرو» منتشر شده با اعلام این مطلب آمده: «برای شهرهای نزدیکتر مانند اردبیل و مشهد هم هزینه ارسال به ترتیب ۶ و ۷/۵ میلیون تومان اعلام می‌شود.»

بر اساس این گزارش، هزینه ارسال متوفی از ایران به خارج کشور مثلاً به آلمان یا کانادا بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان است که باورنکردنی است. اگر قصد جایجایی متوفی داخل تهران را داشته باشید با قیمت‌های حدود ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان مواجه می‌شوید.

اینهمه در حالیست که یکی دیگر از نتایج فقر و فلاکت، بازار پررونق سنگ قبر دست‌دوم و قسطی است.

رواج فروش سنگ قبر دست دوم نیز سال‌هاست در شهرهای مختلف کشور رایج شده است و به نظر می‌رسد مردم در ایران باید برای مرگ هم پس‌انداز کنند.

سنگ قبر یکی از موارد ضروری در روند کفن و دفن به شمار می‌رود که به دلیل استفاده از انواع جنس سنگ و طراحی آن، قیمت‌های متنوعی را شامل می‌شود. نگاهی به آگهی‌های سنگ قبر نشان می‌دهد حتی تا ۲۵۰ میلیون تومان پرداخت برای سنگ قبر نیز از جمله نرخ‌های معمول است. با اینهمه شمار زیادی از خانوارها توان پرداخت چنین قیمت‌هایی را ندارند و همین موضوع بازار سنگ قبرهای دست دوم را هم داغ کرده است.

نگاهی به آگهی‌های سنگ قبر نشان می‌دهد حتی تا ۲۵۰ میلیون تومان پرداخت برای سنگ قبر نیز از جمله نرخ‌های معمول است.

افرادی که قصد جدید کردن سنگ قبر مردگان خود را دارند، سنگ کهنه را به سنگ فروشی می‌فروشند و سنگ فروش آن را سائیده و مرتب می‌کند تا به صورت سنگ دست‌دوم به فروش برسد.

وبسایت «گسترش نیوز» در بهمن ماه سال گذشته گزارشی با این موضوع منتشر کرده بود. بر اساس این گزارش نرخ سنگ قبر معمولی، از ۲ میلیون و پانصد هزار تومان آغاز می‌شود و تا ۱۰۰ میلیون تومان نیز بالا می‌رود.

بسیاری از کسانی که توان پرداخت سنگ قبرهای نو را ندارند، به سنگ قبرهای دست دوم روی می‌آورند. در

نرمش تبلیغاتی جمهوری اسلامی برای جلب مشارکت در انتخابات نمایشی



گسترده، خواستار «حضور مردم» در انتخابات نمایشی ۱۱ اسفند شده است. همزمان زنان مخالف حجاب اجباری نیز ضمن تهدید، جریمه، توقیف اتومبیل و انواع توهین‌ها و مزاحمت‌ها نه تنها از خدمات اجتماعی محروم می‌شوند بلکه حتی نمی‌توانند در اورژانس بیمارستان بستری شوند! با وجود این مقامات نظام از حالا برای شرکت آنها در انتخابات نمایشی تبلیغ می‌کنند و از آنها نیز می‌خواهند که به پای صندوق‌های رأی بروند.

گفتنی است که از سال‌ها گذشته همواره از چند هفته به رأی‌گیری برخی بگیر و ببندها و توجه به حجاب اجباری شل می‌شود و همزمان شماری زندانی نیز آزاد می‌شوند تا صف‌های رأی‌گیری تأمین شود و بعد دوباره روز از نو روزی از نو! سرکوب با شدتی بیش از گذشته ادامه می‌یابد. به همین دلیل هم برخی اظهارات سخنگوی شورای نگهبان را بیانگر نرمشی مقععی در برابر مخالفان حجاب اجباری با هدف افزایش نرخ مشارکت در انتخابات ارزیابی کرده و آن را جزو سیاست دوگانه‌سازی رژیم از جمله در ارتباط با حجاب می‌دانند.

در سال‌های گذشته برخی ایرانیان خارج کشور هم که در رأی‌گیری‌های رژیم شرکت می‌کردند یکی از افتخارات‌شان این بود که بدون حجاب در سفارتخانه جمهوری اسلامی حضور یافته و در انتخابات نمایشی رژیمی شرکت کرده‌اند که حقوق اساسی زنان را در ایران زیر پا گذاشته و حجاب را به آنها تحمیل کرده است! مأموران سفارت هم برای نمایش صف و جمع‌آوری آرای آنان واکنشی نشان نمی‌دادند. حالا از قرار معلوم خود حکومت می‌خواهد همین نمایش را در ارتباط با حجاب در خود ایران پیاده کند.

اما از آنجا که در انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی ۱۴۰۰ با وجود تقلب و صحنه‌سازی‌های رژیم، کمترین حد مشارکت ثبت شد، بعید به نظر می‌رسد پس از رویدادهای سال گذشته و شرایطی که اکنون جمهوری اسلامی در آن بسر می‌برد، مردم انتظار رژیم را برای «مشارکت پرشور» در رأی‌گیری اسفند ۱۴۰۲ برآورده کنند.

تعیین سرنوشت دارد و انشاءالله از این حق استفاده می‌کند. رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی روز ۱۹ دی موضوع حجاب را «شگرد دیگری برای خالی کردن میدان از حضور مردم» عنوان کرد.

علی خامنه‌ای در سخنرانی در جمع مداحان درباره انتخابات نمایشی گفته بود: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.»

رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد که «برخی می‌خواهند انتخابات و حضور مردم که اثبات تحقق مردم‌سالاری دینی است ضعیف و نامناسب باشد تا حرف و ایده امام بزرگوار و وعده الهی دروغ درآید که در مقابل این حرکت خصمانه، مجاهدان تبیین باید با بیان حقایق بایستند و به وظیفه خود عمل کنند.»

تا ۱۱ اسفندماه تقریباً دو ماه به برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی مانده و جمهوری اسلامی از هر ترفندی برای داغ کردن تنور انتخابات بهره می‌گیرد.

اما انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی جان شهروندان را به لب رسانده است. در همین ارتباط خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز شنبه گزارش داد که بر پایه نتایج ۴ نظرسنجی که توسط ۴ موسسه جداگانه در فاصله ۲ تا ۳ ماه قبل از انتخابات ۱۱ اسفند امسال انجام شده، نرخ مشارکت به ۴۰ درصد رسیده است. اینهمه در حالیست که انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در خرداد ۱۴۰۰ با کمترین میزان مشارکت برگزار شد ضمن اینکه آرای باطله در جایگاه دوم پس از سیدابراهیم رئیسی قرار گرفت و با احتساب آرای بی‌حسابی که به صندوق ریخته نشد، درواقع خود رئیسی نیز کمتر از آرای تحریمی و باطله قرار رأی آورد. اصلاح‌طلبان رژیم در آن انتخابات کمترین آرا را به دست آوردند و به «۳درصدی‌ها» معروف شدند.

با اینهمه حالا رهبر جمهوری اسلامی، آنهم پس از خیزش ملی ۱۴۰۱ و کشتار و بازداشت و اعدام معترضان در سطح

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز یکشنبه ۲۴ دی‌ماه در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی در مورد رأی‌گیری از افراد بی‌حجاب گفت: «حق رأی در هیچ قانونی سلب نشده و حتی توسط دادگاه سلب‌شدنی نیست.»

● رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی روز ۱۹ دی موضوع حجاب را «شگرد دیگری برای خالی کردن میدان از حضور مردم» عنوان کرد.

● به گزارش خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بر اساس نتایج ۴ نظرسنجی که توسط ۴ موسسه جداگانه در فاصله ۲ تا ۳ ماه قبل از انتخابات ۱۱ اسفند امسال انجام شده، نرخ مشارکت به ۴۰ درصد رسیده است.

● بعید به نظر می‌رسد پس از رویدادهای سال گذشته و شرایطی که اکنون جمهوری اسلامی در آن بسر می‌برد، مردم انتظار رژیم را برای «مشارکت پرشور» در رأی‌گیری اسفند ۱۴۰۲ برآورده کنند.

سخنگوی شورای نگهبان گفت حق رأی از افراد بی‌حجاب سلب نشده، رهبری هم همه را به انتخابات دعوت کرده است. هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز یکشنبه ۲۴ دی‌ماه در یک نشست خبری در پاسخ به سؤالی در مورد رأی‌گیری از افراد بی‌حجاب گفت: «حق رأی در هیچ قانونی سلب نشده و حتی توسط دادگاه سلب‌شدنی نیست.»

در شرایطی که محدود ساختن زنان و «محرومیت اجتماعی» آنها بسیار گسترده است و حتی در فرودگاه‌ها نیز از سفر آنها جلوگیری می‌شود، سخنگوی شورای نگهبان در سخنانی متناقض ادعا کرده است که «از موضوع حجاب در انتخابات دوقطبی‌سازی نشود؛ اینها دوقطبی‌سازی‌های کاذب است!»

وی در ادامه با اشاره به سخنرانی‌های اخیر علی خامنه‌ای درباره ضرورت شرکت در انتخابات گفت: «الحمدلله جامعه ما نسبت به موازین اعتقادی مقید است و رهبری هم همه را به انتخابات دعوت کرده است. هرکس با هر دیدگاهی حق

فرمانده نیروی انتظامی تهران: اگر مثل قبل معتاد و مواد فروش دیدید، یقه ما را بگیرید!



کارتن خواب‌های معتاد پایتخت / عکس آرشیوی

کراک مقابل دبیرستان‌هاست و برخی از دک‌ها و مغازه‌ها در کنار کاسبی خود گل، حبشیش و... می‌فروشند که نشان از سود این مواد برایشان دارد.»

با وجود این هشدارها مسئولان با فرافکنی نسبت به مشکل اعتیاد دانش‌آموزان ادعا می‌کنند این معضل خارج از آموزش و پرورش صورت می‌گیرد!

خبرگزاری «رکنا» روز یکشنبه ۱۰ دی‌ماه به نقل از سخنگوی آموزش و پرورش با اشاره به اوج‌گیری آمار اعتیاد در میان دانش‌آموزان اعلام کرد اعتیاد خارج از آموزش و پرورش صورت می‌گیرد و مدارس سالم هستند!

با وجود هشدار مکرر کارشناسان و برخی مسئولان در سطح استان‌ها طی سال‌های اخیر مبنی بر اینکه سن اعتیاد به دانش‌آموزان دبستان و ۱۰ و ۱۲ سالگی رسیده اما این مشکل با فرافکنی مقامات ارشد گسترش پیدا می‌کند و طرح‌هایی که بوجه‌های کلان نیز به آنها اختصاص داده می‌شود، یا روی کاغذ می‌مانند و یا شکست می‌خورند.

در همین ارتباط روزنامه «اعتماد» ۲۰ آذرماه گزارشی در مورد افزایش اعتیاد به گل در میان دانش‌آموزان منتشر کرد. با اینهمه در حالی که طبق دستورالعمل‌های رسمی، قرار است از طریق ایجاد کانون «پاریگران زندگی» در مدارس، برنامه‌های خودمراقبتی و مهارت‌های زندگی با هدف پیشگیری از اعتیاد و توقف رشد اعتیاد در مدارس و مداخلات حمایتی و اجتماعی و درمانی برای دانش‌آموزانی که درگیر اعتیاد شده‌اند اجرا شود، دانش‌آموزانی از برخی مدارس پسرانه و دخترانه مقطع دوم متوسطه در مناطق ۴، ۶ و ۱۱ شهر تهران می‌گویند که نه تنها تا به حال خود و هم‌کلاسی‌های‌شان در سایر مدارس، اسمی از «کانون پاریگران زندگی» نشنیده‌اند و حتی نمی‌دانند که این کانون قرار است چه فعالیتی در مدرسه داشته باشد، بلکه بارها نیز شاهد استعمال دخانیات و قلیان و «گل» توسط هم‌کلاسی‌های‌شان بوده‌اند.

در ۱۱ دی‌ماه نیز گزارشی در شبکه «شرق» با

حسن موسوی چلک در واکنش به این ادعای شهردار تهران در ۴ دی‌ماه به وبسایت «تجارت نیوز» گفته بود: «امکان ندارد که شهرداری بتواند معتادان و کودکان کار را شناسایی و جذب کند. نه تنها امکان ساماندهی آنها وجود ندارد، بلکه تعدادشان در آینده بیشتر هم می‌شود. چون رشد فقر ادامه دارد. تا ریشه فقر خشک نشود، وعده زاکانی عملی نیست.»

با وجود این، مروری بر تعداد اخبار محموله‌های متعدد کشف شده مواد مخدر در رسانه‌های جمهوری اسلامی از افزایش خرید و فروش و تقاضای مصرف در ایران خبر می‌دهد.

از سوی دیگر، روزنامه «جام جم» در ۳ آبان‌ماه گزارشی از بالا رفتن مصرف کوکائین در میان قشر مرفه منتشر کرد و نوشت: «با اینکه مصرف آن نسبت به مواد مخدر دیگر پایین است، اما تمایل جوانان به آن، زنگ خطر را به صدا درآورده است.»

در این گزارش به نقل از مسعود زاهدیان، مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر آمده بود: «کوکائین به علت قیمت بالا پیش‌ه‌نوز در قشر مرفه مصرف می‌شود و به یک مخدر خیابانی تبدیل نشده است.»

اما از سوی دیگر گزارش‌ها از جولان خرید و فروش مواد مخدر در اطراف مراکز آموزشی خبر می‌دهند.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران ۱۸ مهرماه در این ارتباط گفته بود: «فروشندهگان مواد مخدر به دنبال جذب دانش‌آموزان به مصرف مواد هستند. تا کنون ۵۰ باب منزل در اطراف مدارس به دلیل فروش مواد مخدر پلمب شده است. همچنین ۱۰۴۱ موادفروش نیز در اطراف مراکز آموزشی شناسایی و بازداشت شده‌اند.»

دکتر غلامعلی افروز روانشناس نیز ضمن هشدار نسبت به مصرف مواد اعتیادآور نظیر گل، حبشیش و کراک در بین دانش‌آموزان دبیرستانی گفته بود: «مکان فروش برخی از فروشنده‌های مواد مخدر و اعتیادآور نظیر گل، حبشیش و

● سردار عباسعلی محمدیان گفت: «می‌توانید بروید و مناطقی که در گذشته در تهران پرخطر بودند را مشاهده کنید، اگر مثل گذشته بود و همان وضعیت را دیدید، یقه پلیس را بگیرید!»

● در این میان علیرضا زاکانی شهردار تهران بیشتر در اظهاراتی مدعی شده بود که شهرداری تهران تا عید معتادان و کودکان کار در تهران را ساماندهی خواهد کرد.

● مروری بر تعداد اخبار محموله‌های متعدد کشف شده مواد مخدر در رسانه‌های جمهوری اسلامی از افزایش خرید و فروش و تقاضای مصرف در ایران خبر می‌دهد.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ در واکنش به گزارش‌ها در مورد «دسترسی پنج تا ۱۰ دقیقه به مواد مخدر» ادعا کرد: «چنین چیزی اشتباه است و با طرح‌ها و کارهایی که پلیس در مناطق پرخطر (شوش، مولوی، هرنندی و دروازه غار) انجام داده است، مدت زمان دسترسی به مواد مخدر بیشتر از این عددها شده است.»

سردار عباسعلی محمدیان گفت: «می‌توانید بروید و مناطقی که در گذشته در تهران پرخطر بودند را مشاهده کنید، اگر مثل گذشته بود و همان وضعیت را دیدید، یقه پلیس را بگیرید!»

اینهمه در حالیست که یک هفته پیش، حسن موسوی چلک رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفته بود سطح دسترسی به مواد مخدر در ایران فقط پنج دقیقه است.

فرید براتی سده کارشناس پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی نیز در تیرماه ۱۴۰۰ گفته بود: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت مواد مخدر روز به روز نسبت به نرخ تورم پایین‌تر می‌رود و در فضای مجازی و با یک تلفن در کمتر از هفت دقیقه می‌توان آنرا تهیه کرد.»

در این میان علیرضا زاکانی شهردار تهران بیشتر در اظهاراتی مدعی شده بود که شهرداری تهران تا عید معتادان و کودکان کار در تهران را ساماندهی خواهد کرد.



ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در حضور مشاورش مدودف با ابراهیم رئیسی دست می‌دهد / ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲

اندیشکده آمریکایی «مطالعات جنگ» (ISW): روسیه و جمهوری اسلامی آماده امضای قرارداد توسعه همکاری‌های نظامی هستند

جمهوری اسلامی در مورد جزئیات این توافق که شامل تجارت، توسعه اقتصادی، حمل و نقل و لجستیک می‌شود، گفتگو کرد.

مذاکرات مجدد درباره یک توافق بین‌دولتی در حالی انجام می‌شود که طبق گزارش‌ها، روسیه در حال برنامه‌ریزی برای خرید موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران است. اگرچه مقامات آمریکایی گفتند که توافق کامل نشده است، اما مقامات هشدار دادند که روسیه ممکن است در بهار سال ۲۰۲۴ موشک‌های ایران را دریافت کند.

مؤسسه «مطالعات جنگ» گزارش می‌دهد که جزئیات بیشتری در مورد توافق بزرگ بین رژیم ایران و روسیه مشخص نیست و هیچ چارچوب زمانی برای زمان اجرای یک توافق رسمی تعیین نشده است.

جمهوری اسلامی همچنان به عنوان تامین‌کننده ابزار تسلیحاتی برای تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین خدمت می‌کند و هزاران پهپاد انتحاری در اختیار روسیه قرار داده که در حملات هوایی علیه اوکراین استفاده می‌شوند. در مقابل، روسیه قراردادهایی برای فروش هواپیماها و هلی‌کوپترهای پیشرفته روسی با ایران منعقد کرده اما هنوز به تعهدات خود عمل نکرده است.

ماه گذشته نیز مسکو و تهران بیانه‌ای مبنی بر مبارزه مشترک با تحریم‌های غرب علیه خود به دلیل نقش آنها در جنگ علیه اوکراین امضا کردند.

از آنجا که روسیه از آغاز تهاجم تمام‌عیار منزوی‌تر شده و بطور فزاینده‌ای تجهیزات نظامی از قبل موجود خود را مصرف کرده است، برای تکمیل ذخایر خود به دیگر رژیم‌های منفور بین‌المللی مانند حکومت کمونیست کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران روی آورده است.

مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ کلیات لایحه همکاری در حوزه امنیت اطلاعات میان جمهوری اسلامی و روسیه را با ۱۸۰ رأی موافق در مقابل ۲۷ رأی مخالف تصویب کرد.

طبق این لایحه که از ۹ ماده و یک ضمیمه تشکیل شده است، یکی از اهداف همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روس‌ها مقابله با «اختلال در نظم عمومی» و مقابله با «بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی و دخالت در اداره دولت» است.

● اندیشکده آمریکایی «مطالعه جنگ» (ISW) در آخرین گزارش خود که ۱۵ ژانویه (۲۵ دی‌ماه) منتشر شد ارزیابی کرده که روسیه و جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای امضای قراردادی گسترده جهت توسعه بیشتر همکاری‌های نظامی و فناوری هستند.

● به گزارش روزنامه «ایدپندنت کی‌یف» مسکو و تهران به دنبال تقویت همکاری‌های نظامی و فنی دوجانبه از طریق ایجاد یک قرارداد بزرگ بین‌دولتی خواهند بود، زیرا روسیه همچنان به دنبال تسلیحات و تدارکات گسترده برای تقویت تهاجم مداوم خود به اوکراین است.

● بر اساس گزارشی از وزارت دفاع روسیه، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد جزئیات این توافق که شامل تجارت، توسعه اقتصادی، حمل و نقل و لجستیک می‌شود، گفتگو کرد.

● مذاکرات مجدد درباره یک توافق بین‌دولتی در حالی انجام می‌شود که طبق گزارش‌ها، روسیه در حال برنامه‌ریزی برای خرید موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از ایران است. اگرچه مقامات آمریکایی گفتند که توافق کامل نشده، اما مقامات هشدار دادند که روسیه ممکن است در بهار سال ۲۰۲۴ موشک‌های ایران را دریافت کند.

اندیشکده آمریکایی «مطالعه جنگ» (ISW) در آخرین گزارش خود که ۱۵ ژانویه (۲۵ دی‌ماه) منتشر شد ارزیابی کرده که روسیه و جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای امضای قراردادی گسترده جهت توسعه بیشتر همکاری‌های نظامی و فناوری هستند.

به گزارش روزنامه «ایدپندنت کی‌یف» مسکو و تهران به دنبال تقویت همکاری‌های نظامی و فنی دوجانبه از طریق ایجاد یک قرارداد بزرگ بین‌دولتی خواهند بود، زیرا روسیه همچنان به دنبال تسلیحات و تدارکات گسترده برای تقویت تهاجم مداوم خود به اوکراین است.

سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه و محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در تماس‌های تلفنی جداگانه روز دوشنبه ۲۶ دی‌ماه درباره برنامه خود برای پیشبرد «اصول اساسی روابط روسیه و ایران» صحبت کردند.

بر اساس گزارشی از وزارت دفاع روسیه، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه

→ موضوع اعتیاد به مصرف حشیش و گل در بین دانش‌آموزان منتشر شد. در بخشی از این گزارش با بیان اینکه کارشناسان اعتیاد بارها نسبت به عادی‌سازی مصرف حشیش و گل در بین دانش‌آموزان هشدار می‌دهند اعلام شده بود: «مسئله آنقدر آشکار شده، که حالا عده‌ای از معلمان و مدیران، نگران سلامت برخی از دانش‌آموزان‌شان هستند، آنها تایید کرده‌اند که بساط برخی از موادفروشان در مقابل مدارس و یا پارک‌های اطراف مدرسه است. برخی دیگر از موادفروشان هم از دانش‌آموزان در داخل مدرسه برای فروش استفاده می‌کنند تا جایی که بوی گل در سرویس بهداشتی مدارس می‌پیچد.»

دکتر تهمینه باهری مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز ۴ آبان ماه با ابراز نگرانی از تاثیر تبلیغات اغواگرانه و غیرواقعی درباره «گل» اعلام کرده بود که این ماده روانگردان، حاصل تلفیق دو گونه از گیاه شاهدانه و دارای ماده موثره ۴ الی ۵ برابر غلیظ‌تر از ماری‌جوانا (برگ و گل گیاه شاهدانه) است و برخلاف باور عمومی، علاوه بر اینکه صد درصد اعتیادآور است، در هر نوبت مصرف هم، تاثیرات مخرب روانی و جسمی بیشتری در مقایسه با ماری‌جوانا دارد.

به گفته وی ۱۴٪ درصد از مصرف‌کنندگان گل، دانشجویان و ۳۷ درصد، دانش‌آموزان هستند. در جمعیت معتادان هم، حشیش و گل با فراوانی ۴۴ درصد، در رتبه دوم و بعد از تریاک است. ۳۳٫۳ درصد مصرف‌کنندگان گل، بیکار و ۵۱٫۹ درصد مصرف‌کنندگان گل در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال هستند.

روزنامه «هم‌میهن» نیز یکم امرداد به نقل از محمد جمالو، معاون پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر نوشته بود که ۱/۲ درصد از دانش‌آموزان با اعتیاد درگیر هستند. به گفته این مقام مسئول، بیشترین اعتیاد در میان دانش‌آموزان، مصرف الکل است. دانش‌آموزانی که در همان ابتدای مسیر تحصیلی با یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مواجه شدند. آنهم در حالی که روزانه در گوشه و کنار صحبت از یک ماده اعتیادآور جدید می‌شود و به چشم بهم‌زدنی به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

با اینهمه چند سالیست که آمار تعداد معتادان در کشور به‌روز نشده و مسئولان مربوطه آمارهای تکراری از تعداد معتادان ارائه می‌کنند. ازجمله حمیدرضا صرامی مدیرکل سابق دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر در خرداد ۱۴۰۱، گفته بود: «چهار میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مصرف‌کننده مستمر و غیرمستمر در کشور وجود دارد که با بُعد خانوار آنان، حدود ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور به صورت روزمره دغدغه و نگرانی در عرصه موادمخدر دارند.»

همین آمار را حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در اردیبهشت ۹۷ در گزارشی از وضعیت اعتیاد ارائه و اعلام کرده بود: «در ایران حدود چهار میلیون ۴۰۰ هزار نفر معتاد داریم که دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر به صورت دائم و بقیه به صورت تفریحی مصرف می‌کنند.»

با وجود این آمارهای ثابت و تکراری و بگیر و بندها و جمع‌آوری معتادان از یکسو و اعمال مجازات‌های سخت و اعدام متهمان خرید و فروش مواد مخدر، مصرف و خرید و فروش مواد مخدر در ایران همچنان بدون توقف، روندی صعودی را طی می‌کند.

در این ارتباط، اعدام‌های مرتبط با «مواد مخدر» در سه سال گذشته بطور مستمر و هر ساله، افزایش شدیدی داشته است. از ابتدای سال جاری میلادی تا آبان ماه، دست‌کم ۳۴۲ تن با اتهام‌های مربوط به مواد مخدر اعدام شدند.

جنس مهاجرت ایرانیان از جنس «فرار» است «امنیتی شدن زیست اجتماعی» عامل مهم مهاجرت

است تا پایان آموزش ابتدایی بیش از ۸ هزار دلار (برابری قدرت خرید-دلار ثابت)، تا پایان دوره متوسطه بیش از ۲۴ هزار دلار و تا پایان مقطع کارشناسی بیش از ۳۷ هزار دلار هزینه آموزش عمومی کرده است.

رصدخانه در ادامه نیز با استناد به آمار بانک جهانی گزارش داده که هزینه کرد دولت برای سلامت یک فرد در ۲۳ سال منتهی به سال ۲۰۱۹ میلادی، به صورت تجمعی حدود ۸ هزار دلار می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که برای هر فردی که در سال ۲۰۲۰ به سن میانگین مهاجرت، یعنی ۲۳ سالگی می‌رسد و تحصیلات کارشناسی را هم تمام می‌کند، بیش از ۴۵ هزار دلار هزینه آموزشی و سلامت صورت گرفته است. با احتساب قیمت دلار در حال حاضر، بیش از ۲ میلیارد تومان هزینه آموزش و سلامت برای یک فرد تا سن ۲۳ سالگی می‌شود. مقامات جمهوری اسلامی نه تنها به فکر چاره‌ای درباره مهاجرت دسته دسته نیروی انسانی کارآمد از کشور نیستند بلکه در اینباره به فراقکنی می‌پردازند.

مسعود میرزایی شهبابی سرپرست دانشگاه فردوسی مشهد امروز چهارشنبه ۲۷ دیماه ۱۴۰۲ گفته که به نظر می‌رسد مهاجرت از جمله کليدواژه‌هایی است که رسانه غرب به خوبی با ضرب دادن آن را برجسته کرده است. سرپرست دانشگاه فردوسی مشهد در ادامه اظهارات عجیب و غیرمسئولانه‌اش گفته که «غرب با به‌کارگیری هوش مصنوعی در رسانه‌اش غوغا می‌کند، در حالیکه موضوع مهاجرت به تلخی‌ای که نشان داده می‌شود، نیست. نخست آنکه آیا بررسی و رصد شده که کسانی که مهاجرت کرده‌اند، به همان شکلی که رسانه‌های غربی می‌گویند، در آنجا زندگی می‌کنند؟ اگرچه کشورهای غربی برای جوانان ما باغ سبز و سرخ نشان می‌دهند، اما بیشتر جوانان ما آنجا از مسیری که برایشان تعریف می‌کنند، خارج می‌شوند و درصد کمی از آنان موفق هستند.»

پیش از این نیز روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی ابراهیم رئیسی درباره آمار مهاجرت از کشور گفته بود که «آمار مجموعه‌ها، افراد و شرکت‌های مهاجرت کننده در حال حاضر اصلاً خطرناک نیست!»

سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم بدون اشاره به سبب مهاجرت گروه گروه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سبب مهاجرت گروه گروه ایرانیان از کشور می‌شود، مهاجرت از کشور را به «نبرد میان حق و باطل» ارتباط داده و به برنامه‌ریزی عده‌ای در خارج از کشور مربوط دانسته است.

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته است: «از تک تک نفراتی که به خارج می‌روند چه پزشک و چه پرستار مطلع هستیم حتی می‌دانیم چه بیمارستانی می‌روند و چقدر حقوق می‌گیرند. چون بیشتر از همه مطلع هستیم خیلی بیشتر از همه غصه می‌خوریم.»

سردار پاسدار علی فدوی همچنین گفته «از آنطرف برنامه‌ریزی وجود دارد که اینطور شود؛ صرفاً نیاز افراد نیست. مجموعه‌ای وجود دارد که کار می‌کند پزشک و پرستار و دانشجوی مهاجرت کنند و بروند. الان بین حق و باطل دعواست. در هر جنگی هم ستون پنجم وجود دارد و کار می‌کند.»

او مهاجرت را موضوعی «طبیعی» دانسته اما گفته وقتی «بیش از اندازه معمولی» می‌شود به خاطر «همان جنگ» است.



گريزان از هموطنان خود هستند. برای برخی مناسبت‌های خاص دور هم جمع می‌شوند. پیوند اجتماعی میان ایرانیان قوی نیست. حالا همبستگی‌های سیاسی که در یکی دو سال اخیر اپوزیسیون تشکیل شده، اما اینکه در آن سوی مرز ملت جدا شده از هم هستیم، ناراحت کننده است. در داخل کشور که دیگر جای خود دارد.»

علی‌خرسندی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «میان‌رانش‌گر و رانده‌شده، خشنودی متقابل وجود دارد. یعنی هم کسانی که می‌گویند «جمع کنید از ایران بروید» خوشحال هستند، هم کسانی که جمع کردند و رفتند. این نکته بسیار عجیبی است.» رصدخانه مهاجرت ایران سال گذشته اعلام کرد که بر اساس آمار ویزاهای دریافتی ایرانیان در برخی مقاصد اصلی شامل آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلستان و اتحادیه اروپا بطور متوسط در ۱۲ سال اخیر، سالانه ۱۲ هزار ویزای موقت یا دائم یا اجازه اقامت کاری در این مقاصد برای ایرانیان صادر شده است. بر اساس این گزارش هم‌اکنون نیز تعداد ایرانیانی که در این کشورها برای کار اقامت دارند یا رفت و آمد دارند، طبق تخمین‌های موجود بالغ بر یک میلیون نفر است. هم‌اکنون با برنامه‌های جدید این کشورها در توسعه اقتصادی و به تبع آن در جذب نیروی انسانی ماهر و تعریف برنامه‌های مهاجرتی خاص برای گروه‌های مختلف نیروی انسانی از جمله برنامه‌نویسان، کادر درمان، استعدادهای فرهنگی، ورودی خوبی از نیروی انسانی ماهر و باکیفیت بالای ایران دارند. مهاجرت‌های غالباً بی‌بازگشت نیروی کار ماهر، تحصیل‌کرده و حرفه‌ای از کشور، نه تنها جبران این نیروها را در شبکه اقتصادی کشور دشوار می‌کند بلکه هزینه‌ای که برای پرورش و تحصیل این نیروها هزینه شده است نیز دود شده و سود آن به اقتصاد کشورهای مقصد این مهاجرت‌ها می‌رود. رصدخانه مهاجرت ایران این هزینه را محاسبه کرده است؛ بر این اساس با در نظر گرفتن ۲۳ سالگی به عنوان پایان مقطع کارشناسی و سن معمول بیشتر دانش‌آموختگان ایرانی در زمان مهاجرت، می‌توان تخمینی از هزینه‌های دولتی آموزش و سلامت صرف شده برای هر مهاجر انجام داد.

محاسبات رصدخانه مهاجرت ایران با استفاده از داده‌های یونسکو نشان می‌دهد که دولت ایران برای یک فرد متولد ۱۳۷۶ که در سال ۲۰۱۹ در سن میانگین مهاجرت قرار گرفته

● دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه «علامه»: برای وضعیت دشواری که در حوزه مهاجرت داریم، دیگر واژه مهاجرت، واژه کاملی نیست.

● سرپرست دانشگاه فردوسی مشهد گفته که به نظر می‌رسد مهاجرت از جمله کليدواژه‌هایی است که رسانه غرب به خوبی با ضرب دادن آن را برجسته کرده است.

● پیشتر معاون علمی ابراهیم رئیسی درباره آمار مهاجرت از کشور گفته بود که آمار مجموعه‌ها، افراد و شرکت‌های مهاجرت کننده در حال حاضر اصلاً خطرناک نیست!

یک استاد دانشگاه معتقد است «جنس مهاجرت ایرانی جنس انتخاب نیست، بلکه از جنس فرار است. امنیتی شدن زیست اجتماعی در ایران یکی از عوامل مهاجرت از ایران است. این یک عامل بسیار گریزاننده برای افراد است.»

آمارها همچنان از افزایش روند مهاجرت شهروندان از ایران حکایت دارد؛ زوایای مختلف مهاجرت ایرانیان و عواقب خالی شدن کشور از نیروی انسانی سبب برگزاری سمینارها و نشست‌هایی با موضوع «مهاجرت» در ایران شده است. در همین رابطه موسسه مردم‌نهاد «رحمان» (رشد، حمایت، اندیشه) روز گذشته نشستی با عنوان «آینده‌اندیشی درباره مهاجرت نخبگان ایرانی» و با حضور کارشناسان و جامعه‌شناسان برگزار کرد.

در این نشست علی خرسندی دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه «علامه» اعلام کرد که «برای وضعیت دشواری که در حوزه مهاجرت داریم، دیگر واژه مهاجرت، واژه کاملی نیست.»

این استاد دانشگاه گفته «جنس مهاجرت ایرانی جنس انتخاب نیست، بلکه از جنس فرار است. یک شانس از جنس گریختن است.»

«بی‌آیندگی شغلی و حرفه‌ای»، «نبود فرصت‌های اقتصادی»، «امنیتی شدن زیست اجتماعی در ایران» و «بی‌اعتبار شدن یا کم‌اعتبار شدن نظام دانشگاهی» از جمله عوامل مهمی است که از دید علی خرسندی بر افزایش آمار مهاجرت در ایران موثر بوده است.

این استاد دانشگاه توضیح داده که «در کنار عوامل گریزاننده از مبداء، عواملی که موجب انگیزه مهاجران می‌شود در مقصد بیشتر است. رشد فردی و حرفه‌ای یکی از عوامل جذب در مقصد است. فرد مهاجر می‌گوید می‌خواهم رشد کنم، در ایران سقف رشد من کوتاه است.»

علی خرسندی افزوده که «دومین عامل، فرصت‌های شغلی و سومین عامل آزادی‌های مدنی است. چهارمین عامل امکانات و حمایت‌های آموزشی و پژوهشی است. دانشجوی دکترا در کشورهای دیگر از ۱۲۰۰ دلار تا ۱۵۰۰ دلار به صورت ماهانه دریافت می‌کند. در ایران اما اینطور نیست.»

این دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی گفته که «پنجمین عامل هم امنیت روانی در مقصد است. عوامل زیادی وجود دارد که از آن می‌گذریم. از نظر بازگشت مهاجران، کشورهایی که مانند ما (ایران) هستند، افغانستان و کشورهای آفریقایی هستند. در ژاپن اینگونه نیست.»

این کارشناس همچنین با اشاره به «دایاسپورا و ارتباطات اجتماعی مهاجران ایرانی در کشورهای مقصد» گفت: «دایاسپورای ایرانی بسیار از خود بیگانه است. ایرانیان بسیار

تداوم آلودگی هوا همراه با اعتراضات شهروندان «تعطیلات زمستانی» راهکار مجلس شورای اسلامی برای کاهش بحران



اعتراض شهروندان در اراک به بی‌تفاوتی مسئولان به آلودگی هوا - سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۲

● مرکز پایش کیفی هوای ایران هوای شهرستان امیدیه در استان خوزستان را در وضعیت «خطرناک» و «بسیار ناسالم» اعلام کرد. هوای شهرهای رامشیر، شوشتر و هندیجان نیز ناسالم گزارش شده است.

● رئیس امور آزمایشگاه‌های اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی اعلام کرده که میزان دی اکسید گوگرد هوای اراک بعد از مازوت‌سوزی ۲ برابر شده است.

● رئیس فراکسیون مدیریت شهری مجلس شورای اسلامی گفته که تعطیلات زمستانی یک مسکن موقتی برای مقابله با آلودگی هوا است.

آلودگی هوا در استان‌های مختلف ایران ادامه دارد و شاخص این آلودگی در شهر امیدیه در استان خوزستان به ۵۰۰ رسیده است. شهروندان در اراک روز گذشته تظاهرات گسترده‌ای در اعتراض به بی‌تفاوتی مسئولان به آلودگی هوا برگزار کردند. یک نماینده مجلس شورای اسلامی «تعطیلات زمستانی» را راهکار کاهش بحران آلودگی هوا اعلام کرده است.

مرکز پایش کیفی هوای ایران بامداد چهارشنبه ۲۷ دی هوای شهرستان امیدیه در استان خوزستان را در وضعیت «خطرناک» و «بسیار ناسالم» اعلام کرد. هوای شهرهای رامشیر، شوشتر و هندیجان نیز ناسالم گزارش شده است. به گزارش مرکز پایش کیفی هوای ایران، شاخص آلودگی هوا در امیدیه به عدد AQI ۵۰۰ رسیده است که نشان دهنده هوای بسیار خطرناک است.

همچنین شاخص آلودگی هوا در شهرهای رامهرمز و بهبهان به ۳۰۰ و ۲۷۵ رسید که نشان دهنده هوای بسیار ناسالم برای اهالی این دو شهر است.

در پی آلودگی شدید هوا در چند شهر استان خوزستان، بابک نوری‌زاده مدیر روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش این استان اعلام کرد به دلیل آلودگی هوا مدارس همه مقاطع تحصیلی در شهرهای اهواز، بای، کارون و شوش در روز چهارشنبه در ۲ نوبت صبح و عصر غیر حضوری و در سامانه شاد برگزار خواهند شد.

آلودگی هوا در استان‌های مختلف ادامه دارد و علت اصلی آن مازوت‌سوزی نیروگاه‌های برق به دلیل کمبود گاز در کشور است.

شهر اراک مرکز استان مرکزی نیز به دلیل مازوت‌سوزی نیروگاه شازند طی هفته‌های گذشته با آلودگی هوا روبرو بوده است. روز گذشته صدها شهروند اراکی با راهپیمایی نسبت به آلودگی هوا و بی‌تفاوتی مسئولان نسبت به سلامت شهروندان تظاهرات کردند.

همزمان علیرضا محرابیان رئیس امور آزمایشگاه‌های اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی اعلام کرده که میزان دی اکسید گوگرد هوای اراک بعد از مازوت‌سوزی ۲ برابر شده است.

علیرضا محرابیان گفته که «تعداد روزهای آلوده امسال تا کنون ۱۱۹ بوده که ۵ درصد نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش پیدا کرده است، سال گذشته ۱۸ روز آلوده مسئول دی اکسید گوگرد بوده و در سال جاری تا الان ۱۶ روز آلوده مسئول با دی اکسید گوگرد داشته‌ایم که با ادامه مازوت‌سوزی احتمالاً بیشتر خواهد شد.»

بوده است. رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت افزوده که میانگین غلظت ذرات معلق در کشور ما ۳۸ میکروگرم است که ۷/۶ برابر بالاتر از رهنمود سازمان جهانی بهداشت و بیش از سه برابر استاندارد ملی کشور است!

مهدی پیرهادی رئیس کمیسیون سلامت شورای اسلامی شهر تهران نیز نیمه دی‌ماه اعلام کرد که «در طول یک سال گذشته بیش از ۲۷ هزار نفر در کشور و ۶ هزار و ۳۹۸ نفر در پایتخت به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند و اگر به همین شکل پیش برویم تعداد جانباختگان به دلیل آلودگی هوا از شهدای هشت سال دفاع مقدس پیشی خواهد گرفت.»

داریوش گل‌علی‌زاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست نیز با اعلام آمار مرگ میر بر اثر آلودگی هوا، گفته که از سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۶ هزار نفر در ۳۳ شهر به دلیل آلودگی هوا جان خود را دست داده‌اند.

در این میان همچنان نهادهای مختلف به دنبال ارائه «پیشنهاد» برای رویارویی با بحرانی است که اگر در هر کشور دیگری رخ داده بود با استعفای چند مدیر و مسئول همراه بود!

محسن پیرهادی رئیس فراکسیون مدیریت شهری مجلس شورای اسلامی گفته که تعطیلات زمستانی یک مسکن موقتی برای مقابله با آلودگی هوا است.

او افزوده که یکی از طرح نمایندگان بخش خصوصی که با رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به مناسبت هفته هوای پاک ارائه شد، تصویب لایحه تعطیلی زمستانی مدارس است. سعید تاجیک رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران نیز اعلام کرده که یک راهکار خاص داریم، تعطیلی زمستانی یک ماهه مدارس در بازه ۱۵ آذر تا ۱۵ دی اضافه شود و در مقابل تعطیلات تابستانی در خرداد و شهریور کم شود.

او همچنین گفته مقایسه‌ای که تا ۱۵ دی ماه در میزان گوگرد وارد شده به هوا داشتیم نشان می‌دهد نسبت به قبل از مازوت‌سوزی، دی اکسید گوگرد هوا دو برابر شده و غلظت این آلاینده در هوا در اراک نسبت به شازند هم بیشتر بوده است.

رئیس امور آزمایشگاه‌های اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی افزوده که «در شهرهای دیگر شهرداری‌ها در افزایش تعداد ایستگاه‌های سنجش آلودگی نقش دارند و در اراک شهرداری موظف بوده ۵ ایستگاه به پایانه‌های سنجش آلودگی شهر اضافه کند که متأسفانه این تقلیل پیدا کرد به یک ایستگاه که آن هم هنوز خریداری نشده است.»

تداوم آلودگی هوا در ماه‌های گذشته زندگی و سلامت شهروندان را متأثر کرده اما همچنان مقامات جمهوری اسلامی هیچ اقدام کارآمدی برای کاهش آلودگی هوا انجام نداده‌اند.

پیش از این و در پنجم دی‌ماه شهروندان در اردکان استان یزد در اعتراض به آلودگی هوا و صنایع آلاینده تجمع و راهپیمایی کردند. معترضان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها جملاتی از جمله «اردکان هوا ندارد» و «نفس کشیدن، حق مسلم ما است» نوشته شده بود.

عباس شاهسونی رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت نیز روز گذشته اعلام کرد که ۱۳/۹ درصد از مرگ‌های طبیعی ایران ناشی از آلودگی هوا است.

عباس شاهسونی گفته که طبق آیین‌نامه قانون هوای پاک، وزارت بهداشت وظیفه دارد که سالانه مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا را بررسی، محاسبه و منتشر کند، بر این اساس از سال ۱۳۹۵ مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا را سالانه محاسبه و منتشر می‌کنیم. طبق بررسی‌ها و محاسباتی که با مدل پیشنهادی سازمان جهانی بهداشت در ۳۳ شهر کشور در سال ۱۴۰۱ انجام دادیم و ذرات متعلق ۲/۵ PM را محاسبه کردیم؛ مشخص شده است که ۱۳/۹ درصد از مرگ‌های طبیعی در کشورمان، منتسب به این ذرات معلق

سدهائی که شکسته می شود تا زنان رها شوند



سپیده رشنو

یا روستا- چه در محله یا خانواده یا در محل کار و ... به جنگ ارزش‌های ارتجاعی و ضدبشری رفته که در طول قرن‌ها ریشه عقب‌ماندگی ایران و ایرانیان است. این یک انقلابیست که شروع شده و لایه به لایه و مرحله به مرحله پیش خواهد رفت و حتی پس از سرنگونی نظام سیاسی فعلی نیز همچنان ادامه خواهد داشت. هر فرد ایرانی که در این مسیر تلاش می‌کند تا خودش را سریع‌تر رها کند، پیروزی نهائی نیز سریع‌تر به دست خواهد آمد. بدین ترتیب بین رهائی فردی و آزادی سیاسی- اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

سدشکنان

نوشته کوتاه سپیده رشنو با این جملات به پایان می‌رسد: «حالا زنی ۲۹ ساله بازگشته با حقیقتی که دیگر نمی‌خواهد از کسی پنهانش کند. بی اینکه بدود، بی اینکه فرار کند و بی اینکه بیج روبرو شدن داشته باشد. بازگشته تا بر چهره‌ی زادگاهش، بر چهره‌ی روستا بنویسد زنده باد همه‌ی سدهایی که شکستند و زنده باد همه سدشکنان. بنویسد زنده باد فاتحان ایستاده بر سدها، زنده‌باد ویدها...» وی امروز خود در ردیف آنانی قرار دارد که از آنان به عنوان «سدشکن» یاد می‌کند. وه! چه زیبا و شورانگیز شکفتن جوانه‌هایی که جمهوری اسلامی فکر می‌کرد با تر، ریشه آنها را زده است!

پیروزی مردم ایران، علیه جمهوری اسلامی تا این مرحله مرهون تلاش همه افرادیست که با پذیرش خطر یا فدا کردن جان خود از ارزش‌های حقوق بشری و کرامت انسانی‌شان دفاع کرده و به آزادی و سربلندی ایران و رفاه اجتماعی برای همه ایرانیان فکر کرده‌اند. پیش‌تاز و پیشگام این مبارزه، زنان جوان ایران‌زمین هستند که هر روز با ابتکاری نو پرچم این مبارزه را برافراشته نگه داشته‌اند. پیروزی نهائی زمانی فرا خواهد رسید که اکثریت بزرگی از مردم ایران، همچون سپیده به این باور برسند که هرکسی باید از خودش شروع کند. برای آزادی فقط کفایت که به ذلت و اطاعت و سنت و ترس و ... هر چیز تحقیرکننده یا اسپرکننده دیگر تن در نداد. برای آزادی، فقط باید اراده کرد که آزاد بود!

ارزش‌های مذهبی در جامعه و خانواده می‌پردازد. حکومت از این طریق اهداف و ارزش‌های خودش را بطور نامرئی از همان بدو تولد در ذهن و ضمیر کودکان جا انداخته و به تدریج و با بزرگ شدن آنها، این ارزش‌ها را با روش‌های مختلف آموزشی- تربیتی، هرچه بیشتر در شخصیت کودکان و نوجوانان نهادینه می‌کند تا آسوده‌خاطر باشد که کودکان دیروز در جوانی و بزرگسالی، پیروانی مطیع و حرف شنو خواهند بود و برایش دردرس درست نخواهند کرد. سپیده رشنو در نوشته خودش به خوبی کشمکش‌های عاطفی‌اش در مواجهه با این سدها و عبور از آنها را بطور خلاصه بازتاب داده است.

سوم- سد «خود»: آنجا که هر زن یا مرد یا هر شهروندی در قبال رفتاری که می‌خواهد انجام دهد مدام با خودش در کلنجار است که: بکنم یا نکنم، چی بگم، چکار کنم و...؟ با «سد خود» درگیر است.

سپیده رشنو در همان تهران و قبل از سفر به زادگاهش، روستائی در حومه خرم آباد، با این سد درونی مواجه بود که چه بپوشم؟ آیا بهتر نیست برای حفظ ظاهر و در رفتن از زخم زبان و نگاه‌های آزاردهنده یا برای آنکه پدر و مادر دلخور نشوند، شالی بر دور گردن ببندم؟ وی می‌توانست همانجا تسلیم شود و به اندازه کافی دلیل هم برای توجیه تصمیم خودش داشت. اما پاسخش «نه» بود. «سامان»، نفر همراه وی می‌توانست نقش حمایتی خودش را تقویت کند، ولی اما و اگرهایی را مطرح می‌کند. پدر، مادر و یا هر فرد دیگر که حتی شاید بخاطر ترس از آینده سپیده رشنو با پوشش اختیاری‌اش مخالفت می‌کردند، می‌توانستند متفاوت از آنچه وی در نوشته‌اش تشریح کرده رفتار کنند، لازمه آن اما این بود که آنها نیز باید قبل از هرچیز از سد درونی «خود» عبور می‌کردند.

جنبش «زن، زندگی، آزادی»، انقلابی در حال شدن

جنبش «زن، زندگی، آزادی» نه تنها علیه نظام سیاسی حاکم، یعنی علیه جمهوری اسلامی قد علم کرده، بلکه به دلیل درگیر شدن با لایه‌های عمیق فکری- فرهنگی در ذهن تک تک ایرانیان (چه در داخل یا خارج کشور- چه در شهر

حنیف حیدرئزاد- سپیده رشنو نوشته کوتاهی در صفحه اینستاگرامش پست کرده و در آن چندین سد و مانع که در برابر جنبش «زن، زندگی، آزادی» قرار دارد را به زبانی ساده در مقابل دیدگان قرار می‌دهد.

نوشته حاضر سدهائی را که که وی در نوشته‌اش به آن اشاره کرده کمی می‌شکافد: سد «خود»، سد خانواده، سد سنت- مذهب- جامعه که در هم تنیده شده‌اند، سد حکومت. این سدهای مختلف از هم جدا نبوده و مانند حلقه‌های یک زنجیر بهم وصل هستند و بر ذهن و فکر و بر پای همه ما قفل شده‌اند.

سدها و موانع رهائی فردی و آزادی اجتماعی

یکم- سد حکومتی: در ایران امروز ما، در مبارزه فردی برای رهائی بر پایه ارزش‌های انسانی و در مبارزه برای آزادی سیاسی- اجتماعی بر پایه ارزش‌های حقوق بشری و دموکراتیک، سد حکومت در بین همه موانع موجود از همه بلندتر و قوی‌تر و محکم‌تر است. زیرا حکومت با پایه‌های مختلفی مثل نظام آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی و نیروهای رنگ و وارنگ سرکوبگر و نیز با ابزارهای مختلف تنبیهی این سد را تقویت کرده است. درگیر شدن با سد حکومت نیاز به آگاهی، اراده، باور به کرامت انسانی خود و دفاع از آن دارد.

زمانی که خودآگاهی انسان‌مدار در فرد شکل بگیرد، به تدریج ترس درگیر شدن با سد حکومتی و نهادهای مدافع آن ریخته و جای آن را انگیزه و شوق بزرگ نبرد برای آزادی و رهائی فردی- اجتماعی می‌گیرد. این چیز است که امروز بخش بزرگی از مردم ایران به آن رسیده و قشری پیش‌تاز در بین جوانان، به ویژه در زنان ایران‌زمین، چنین انگیزه زندگی بخشی را الهام بخش مبارزه خود کرده‌اند. در کلمات سپیده رشنو و با رویا حشمتی که در آن شلاق خوردنش در دادگاه حکومتی را تشریح کرده بود می‌توان چنین اراده و عزم مصممی را به خوبی دید.

دوم- سد در هم تنیده خانواده- جامعه- سنت- مذهب: حتی آزمون که بخش بزرگی از جامعه با حکومت مخالف است می‌تواند به اشکال مرئی و نامرئی، ترمز بر سر راه مبارزه رهائی‌بخش جوانان شده و به ویژه در مخالفت با آزادی زنان و تملک آنان بر بدن و سرنوشت و سبک زندگی خود، با آنان مخالفت کند. بعضی وقت‌ها این مخالفت‌ها بر بستر عادت‌های نهادینه شده‌ای که دهه‌هاست در افراد خانواده و جامعه جا گرفته انجام می‌شود و بر پایه یک برنامه هدفمند و از قبل طراحی شده انجام نمی‌شود، اما نتیجه آن ایجاد مانع و ترمز بر سر راه زنانی است که برای رهائی خود و آزادی همه کشور مبارزه می‌کنند. درگیر شدن با این سد، بیش از آنکه به شجاعت احتیاج داشته باشد، به عبور از موانع درونی نیاز دارد که فرد و خانواده‌ی او را با آن جامعه پیوند زده است. جنس این پیوندها عاطفی- «حیثیتی» بوده و به همین خاطر درگیر شدن و عبور از آنها انرژی بیشتری می‌گیرد. برای یک مبارز راه آزادی، درگیر شدن با پاسداران و بسیجیان حکومتی راحت‌تر است تا درگیر شدن کلامی و عاطفی و چشم در چشم شدن با پدر و مادر، هم‌محله‌ای‌ها، یا افراد خانواده و فامیل. همین، این مرحله از مبارزه را دشوارتر می‌کند.

نهاد قدرت و حکومت با علم به همین موضوع است که برای آنکه تسخیر و سرنگونی خود را سخت‌تر کند به تقویت پدرسالاری و مردسالاری و تقویت و ترویج باورها و خرافه‌ها

برگزاری نخستین جلسه دادگاه محاکمه متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش



داریوش مهرجویی و همسرش

در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود.

همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است.

او همچنین گفته که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسر پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سروری وکیل داریوش مهرجویی گفته که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به وکیلش گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

این پرونده از ابتدا با ابهامات زیادی همراه بود و با توجه به اظهارات وکیل اولیای دم مهرجویی، به نظر می‌رسد ابهامات همچنان برقرار هستند. برخی معتقدند قتل داریوش مهرجویی و همسرش اقدامی شبیه قتل‌های زنجیره‌ای و از سوی حکومت یا بخشی از حکومت بوده تا افکار عمومی را از مسائل اعتراضی و فسادهای گسترده حکومتی دور کند.

پس از آنکه مقامات قضایی از صدور کیفرخواست این پرونده و پایان تحقیقات خبر دادند، مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی در استوری حساب اینستاگرام خود درباره روند بررسی پرونده قتل پدر و مادرش نوشت: «تا کون هیچ‌یک از شواهد و مدارک، اقرار و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد و حضور در پرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.»

اکبر محمدی‌فر برادر وحیده محمدی‌فر نیز پیشتر به «رادپو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام ارعابی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریت فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند.

گزارش وبسایت «جنایی» نشان می‌دهند خبر تابعیت غیرایرانی متهمان درست بوده است.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.



جلسه دادگاه

پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد.

وحیده محمدی‌فر پانزدهم مهرماه، با انتشار یک استوری

پیشتر اعلام شده بود که متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش تابعیت ایران را ندارند و افغانستانی هستند. گزارش وبسایت «جنایی» نشان می‌دهند خبر تابعیت غیرایرانی متهمان درست بوده است.

با اینکه اعلام شده بود جلسه دادگاه این متهمان به صورت علنی برگزار می‌شود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری شده است.

وکیل خانواده مهرجویی برای همه متهمان درخواست «قصاص» کرد.

محاکمه چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش صبح امروز در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد. در حالی که پیشتر اعلام شده بود دادگاه علنی خواهد بود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری شد. نخستین جلسه دادگاه محاکمه متهمان به قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر ساعت ۹ صبح امروز، چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۲، در شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد.

بر اساس گزارش‌ها، فرزندان داریوش مهرجویی در دادگاه حاضر نشدند و تنها وکیل آنها با حضور در جلسه خواستار اشد مجازات برای متهمان شد.

این پرونده چهار متهم دارد که یک متهم اصلی و سه متهم دیگر همدستان او در قتل مهرجویی و همسرش هستند. دو متهم این پرونده زیر سن قانونی هستند. آنها شناسنامه ندارند و با آزمایش‌های پزشکی مشخص شده هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند.

در حالی که پیشتر اعلام شده بود جلسه دادگاه این متهمان به صورت علنی برگزار می‌شود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری شده است.

وبسایت «جنایی» گزارش داده که در ابتدای جلسه دادگاه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و اعلام کرد جرم هر ۴ متهم این پرونده محرز است. کیفرخواست صادره علیه متهمان در ۱۲ صفحه در جلسه دادگاه خوانده شد.

در ادامه، نماینده پزشکی قانونی به تشریح نحوه قتل و علت مرگ داریوش مهرجویی و همسرش پرداخت و علت اصلی فوت را بریدگی رگ گردن اعلام کرد. او همچنین به سوالات طرح شده از سوی وکیل اولیای دم پاسخ داد و گفت اول داریوش مهرجویی و سپس همسرش به قتل رسیدند.

همچنین از آنجا که اولیای دم داریوش مهرجویی در دادگاه شرکت نکرده بودند، وکیل آنها در جایگاه قرار گرفت و برای همه متهمان درخواست «قصاص» کرد. در ادامه نیز پدر وحیده محمدی‌فر برای طرح خواسته‌اش درباره قصاص همه متهمان در جایگاه قرار گرفت.

این گزارش افزوده که وکیل اولیای دم نواقص زیادی را به پرونده وارد کرد و خواستار تحقیق بیشتر و رفع این نقص‌ها شد، اما نماینده دادستان در پاسخ به او گفت تحقیقات انجام و همه این نواقص برطرف شده است.

وبسایت «جنایی» همچنین نوشته که در ادامه متهم ردیف چهارم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در جایگاه قرار گرفت و با قبول بخش از اتهاماتش گفت: من ایرانی‌ها را دوست دارم و آنها به من بدی نکردند.

پیشتر اعلام شده بود که متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش تابعیت ایران را ندارند و افغانستانی هستند.

گفتگوی «اندیشکده منا» با ابی: اگر می‌توانستم در ایران به روی صحنه بروم اول از همه «خانوم گل» را می‌خواندم



عکس از کیلیان فورستر

● کیلیان فورستر بلاگر و عکاس آلمانی با ابی درباره فعالیت‌های این هنرمند با او گفتگویی کرده است که در وبسایت «منا» اندیشکده خاورمیانه و شمال آفریقا منتشر شده است.

● «هر کسی به دنبال چیز نیست و این برای خود آن آدم مشخص است. من با موهبت الهی صدایم به دنیا آمدم و با این هدیه می‌بایست که خواننده می‌شدم.»

● «اصلا و ابدا هیچ چیز ارزشمند فرهنگی و هنری و یا موسیقی وجود ندارد که اسلامگرایان به وجود آورده باشند. آنها بیشتر طرفدار نابودی فرهنگ هستند و نه اینکه چیز نوینی تولید کنند. آنها می‌خواستند غیرممکن را ممکن کنند یعنی فرهنگ ما را نابود کنند. اما تا امروز موفق به این کار نشده‌اند.»

ابراهیم حامدی با نام هنری «ابی» یکی از مهم‌ترین هنرمندان موسیقی پاپ ایران است. او از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران در تبعید زندگی می‌کند. ترانه‌های او تا امروز نیز بین نسل‌های قبل و همچنین نسل جدید از محبوبیت بسیار برخوردارند. کیلیان فورستر بلاگر و عکاس آلمانی با ابی درباره فعالیت‌های این هنرمند با او گفتگویی کرده است که در وبسایت «منا» اندیشکده خاورمیانه و شمال آفریقا منتشر شده است.

● چه طنین و آهنگی شما را به دوران کودکی‌تان در ایران پیوند می‌دهد؟

-هرآنچه به عنوان موزیسین انجام می‌دهم و تمام کارهایم ریشه در ایران دارند. احساساتم و خودم تا امروز با بند ناف به ایران متصل هستیم.

در دوران کودکی‌ام، تقریباً ۶۵ سال پیش، خوانندگان محبوب من عارف و ویگن و علی نظری و داود مقامی بودند. این هنرمندان الگوی موسیقی ایران در دوران جوانی من به شمار می‌رفتند.

● چرا خواستید که خواننده بشوید؟

-هر کسی به دنبال چیز نیست و این برای خود آن آدم مشخص است. من با موهبت الهی صدایم به دنیا آمدم و با این هدیه می‌بایست که خواننده می‌شدم. در چهار پنج سالگی شروع کردم برای دوستانم بخوانم و این را تا سنین نوجوانی دنبال کردم و بعد یک گروه موسیقی درست کردم. استعداد صدا برای خواندن در من بود و در نوجوانی توانستم آن را بیشتر پرورش بدهم. اینطور بود که خواننده شدم. البته من با استعدادهای دیگری هم می‌توانستم به دنیا بیایم و آنوقت به دنبال همان استعداد می‌رفتم؛ مثلاً آهنگساز یا نقاش و یا نویسنده می‌شدم. به نظر من هر آدمی یک استعدادی دارد. من هم استعداد آواز خواندن را در خودم کشف کردم و همان را دنبال کردم.

● آیا در دوران مدرسه به کلاس موسیقی هم رفتید؟

-متأسفانه هیچوقت به یک مدرسه موسیقی نرفتم. بعدها البته در جوانی در ارکستر ملی وابسته به وزارت فرهنگ و هنر، سولیست (تک‌خوان) شدم و وزیر فرهنگ مرا برای آموزش آواز اپرا در نظر گرفته بود. اما من هنوز خواننده جوانی بودم که در بهترین کلوب‌های شبانه تهران روی

-من یک قرارداد با کاباره ونک در تهران داشتم و همانجا آخرین حضورم روی صحنه در ایران بود. اما دیگر به یاد ندارم که کدام ترانه را برای بار آخر در آنجا خواندم. بیشتر ترانه‌هایم را تازه پس از انقلاب اسلامی خوانده‌ام و تنها بخش کوچکی از آنها را پیش از آن اجرا کردم.

● به عنوان یک هنرمند موسیقی چه طنین و آهنگی را با ایران پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پیوند می‌دهید؟

-خاطرات من از ایران پیش از انقلاب اسلامی به طنین مشخصی مربوط نیست بلکه نام‌ها و خاطراتم درباره افراد معین هستند. فریدون فرخزاد در زندگی من و برای کارم نقش بسیار بزرگی بازی کرد و این را هرگز فراموش نخواهم کرد. او همواره در یاد من باقی خواهد ماند و بسیار افتخار می‌کنم که فرخزاد در زندگی من چنان معنای مهمی پیدا کرد. علاوه بر این، سه سال با فرهاد مهراد همکاری داشتم. این خاطرات و نام‌ها مرا با زندگی‌ام در ایران قبل از انقلاب اسلامی وصل می‌کنند. به ویژه صدای فرهاد در کاباره کوچینی، جایی که ما با هم به روی صحنه می‌رفتیم، خاطره‌ی مرا از آن دوران صیقل می‌دهد. من به همکاری با فرهاد نیز بسیار افتخار می‌کنم و آن زمان برای من بهترین دوران بود.

نابودی فرهنگ

● خمینی در سال ۱۹۷۹ در یک مصاحبه با اورینا فالاجی خبرنگار ایتالیایی گفت: «حتی موسیقی ذهن را مخدوش می‌کند. چون مانند مواد مخدر، حاوی لذت و خلسه است. منظورم موسیقی شماس است. معمولاً موسیقی شما روح را تعالی نمی‌دهد، بلکه روح را به خواب می‌برد. و به

صحنه می‌رفتم. از این کار خوشم می‌آمد و آوازهای جیم موریسون، تام جونز و وان موریسون و آلبانو را می‌خواندم. آموختن آوازخوانی اپرا برای من جالب نبود.

عقبگرد به دورانی بسیار کهنه

● شما در یک تور موسیقی در آمریکا بودید که انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاد. چگونه این تغییر را تجربه کردید؟

-بدهی است که در زمان یک تغییر، اول این امیدواری و توقع وجود دارد که جنبه‌های مثبت هم داشته باشد. اما کمی بعد از انقلاب اسلامی در خارج متوجه شدیم که اینهمه در ایران مسیر خوبی ندارد. ما دیدیم این انقلابی نیست که برای ما پیشرفت بیاورد و یا باعث تداوم رشد ما شود بلکه برعکس؛ انقلابی است که ما را به فقر می‌برد. ما فوری فهمیدیم که این انقلاب ما را به سوی دورانی بسیار کهنه سوق می‌دهد. وقتی نخستین فرمان‌های خمینی و هوادارانش مشخص شد، دیگر روشن بود که یک دیکتاتور کوچک روی کار آمده که مرتب بزرگ و بزرگ و بزرگتر می‌شود.

اول هنوز امیدوار بودیم که بتوانیم اشتباه خودمان را جبران کنیم. اما خیلی زود متوجه شدیم که این کار غیرممکن است. و پس از اینکه امیدواری ما از بین رفت، یک موج بزرگ فرار از کشور به خارج شروع شد. فهمیدیم آنچه را در ایران اتفاق افتاده دیگر نمی‌توان به عقب برگرداند.

● آیا یادتان هست که کدام ترانه را آخرین بار در ایران، قبل از اینکه کشور را ترک کنید، در یک جمع عمومی خواندید؟

موسیقی می‌تواند انسان‌های مختلف را گرد بیاورد و آنها را بهم پیوند بدهد؟

-این دوباره مرا به موضوع عشق بر می‌گرداند چرا که عشق همه چیز را بهم وصل می‌کند همچنین باعث همبستگی انسان‌ها می‌شود. این همبستگی در زندگی به چیزهای خوب می‌انجامد. در عشقی که من نسبت به حرفه‌ام به عنوان خواننده دارم، تلاش می‌کنم همچنین همه احساساتم را به شنوندگانم نشان دهم. وقتی شنوندگانم از آن خوششان می‌آید، آنوقت این مبادله و این پیوند عشق نوعی شیفتگی است. بیشتر خوانندگان در تبعید احساس مشترکی دارند.

● اگر می‌توانستید دوباره در ایران به روی صحنه بروید، اول از همه کدام ترانه‌تان را می‌خواندید؟

-در گذشته به ترانه‌های دیگری فکر می‌کردم. اما الان بعد از جنبش زن زندگی آزادی در ایران برای من تنها یک ترانه وجود دارد: خانوم گل! به عنوان اولین ترانه در ایران، «خانوم گل» را خواهم خواند.

۱- مصاحبه اوریانا فلاچی با خمینی؛ نیویورک تایمز؛ ۷ اکتبر ۱۹۷۹

*منبع: وبسایت اندیشکده منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) و وبسایت کیلیان فورستر
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● آهنگ «سوراخ موش» توماج صالحی رپر ایرانی معروف شد. او در این آهنگ به بی‌تفاوتی و ناآگاهی همه آنهایی در داخل و خارج ایران اشاره می‌کند که با رژیم اسلامی همراهی کرده‌اند. چون توماج صریح و آشکار درباره وضعیت ایران حرف می‌زند، در اکتبر ۲۰۲۲ دستگیر شد و مورد بدرفتاری قرار گرفت و پس از یک سال حبس با وثیقه آزاد شد. پس از چند رو اما دوباره رژیم او را بازداشت کرد. شما برای توماج صالحی که این شهامت را داشت که سکوت نکنند پیامی دارید؟

-من کارهای توماج و ترانه‌هایش را می‌شناسم و می‌دانم چه خدمتی کرده. می‌خواهم به او بگویم راهی که در پیش گرفته یک سرمشق است و اینکه مردم ایران نیز همین راه او را می‌روند. به همین خاطر از او سپاسگزارم و برای شجاعت و صراحت‌اش در کارهایش احترام قائلم.

وقتی آدم در ایران زندگی می‌کند، آنهم در این وضعیت فعلی بسیار مهم است که چنین سخنان صریحی بر زبان آورد. برای این کار آدم نیاز به یک شخصیت خیلی خیلی بزرگ دارد که با وجود اطلاع از اینکه چه اتفاقی ممکن است بیفتد باز هم مرعوب نشود و هراسی نشان ندهد بلکه راه خودش را ادامه دهد و کارش را پیش ببرد. من بالاترین احترام را برای کار توماج قائلم.

● آیا شما پس از مسیر حرفه‌ای موفق و طولانی خود به عنوان یک خواننده، دلیل این موضوع را پیدا کردید که چرا

➔ جوانان ما آسیب می‌زند. که از آن طریق مسموم می‌شوند و دیگر به کشورشان اهمیت نمی‌دهند.» (۱) آیا برای شما هیچ مورد فرهنگی ارزشمندی وجود دارد که اسلامگرایان در ایران پس از ۱۳۵۷ تولید کرده باشند؟

- (می‌خندد) اصلا و ابدا هیچ چیز ارزشمند فرهنگی و هنری و یا موسیقی وجود ندارد که اسلامگرایان به وجود آورده باشند. آنها بیشتر طرفدار نابودی فرهنگ هستند و نه اینکه چیز نوینی تولید کنند. آنها می‌خواستند غیرممکن را ممکن کنند یعنی فرهنگ ما را نابود کنند. اما تا امروز موفق به این کار نشده‌اند با اینکه همواره در این راه تلاش کرده‌اند از جمله با سانسور، کنترل و ممنوعیت فیلم و تئاتر و آثار نویسندگان و هنرمندان موسیقی.

اسلامگرایان اصلا هیچ پیشرفتی در زمینه فرهنگی به وجود نیاوردند بلکه هدفشان این بود که فرهنگ را به عقب برگردانند و نابود کنند. آنچه آن زمان پیش از انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ به وجود آمده بود، آثار هنری واقعی با مضمون و ارزش بودند اما آنچه امروز توسط اسلامگرایان انجام می‌شود بی‌محتوا و سطحی و بی‌ارزش است. با وجود همه سانسورها و انواع مجازات مثل حبس و ممنوعیت شغلی و دستورات تحمیلی برای هنرمندان ایرانی اما هنوز جمهوری اسلامی موفق نشده فرهنگ و هنر ایرانی ما را به یک هنر اسلامی و ایدئولوژیک تغییر دهد.

● موسیقی همچنین به عنوان زبان احساسات تعریف می‌شود. شما می‌خواهید با موسیقی خود بیش از همه کدام حس را بیان کنید؟

- فکر می‌کنم همه چیزهایی که در جهان اتفاق می‌افتد می‌بایست بر اساس عشق روی دهد. به عنوان خواننده در کارهایم سعی می‌کنم نوعی حس عشق را بیان کنم. این حس عشق می‌تواند مربوط به یک شخص یا خانواده و فامیل باشد و ترانه‌های من هم از همین حس عشق سرچشمه می‌گیرند. برای من تبادل احساسات مهم است؛ حس شیفته و عاشق بودن و تأثیراتی که عشق در آدم‌ها بر می‌انگیزد. به همین دلیل نیز تور کنونی‌ام را «پروژه عشق» می‌نامم. این پروژه عشق شامل عناصری مانند زن، میهن، دوستی، انسانیت و صلح است.

● آیا موسیقی به شما در تبعید کمک کرد تا بر فقدان وطن غلبه کنید یا اینکه خاطرات و ترانه‌های قدیمی بیشتر رنج و شوق به ایران را بیدار می‌کنند؟

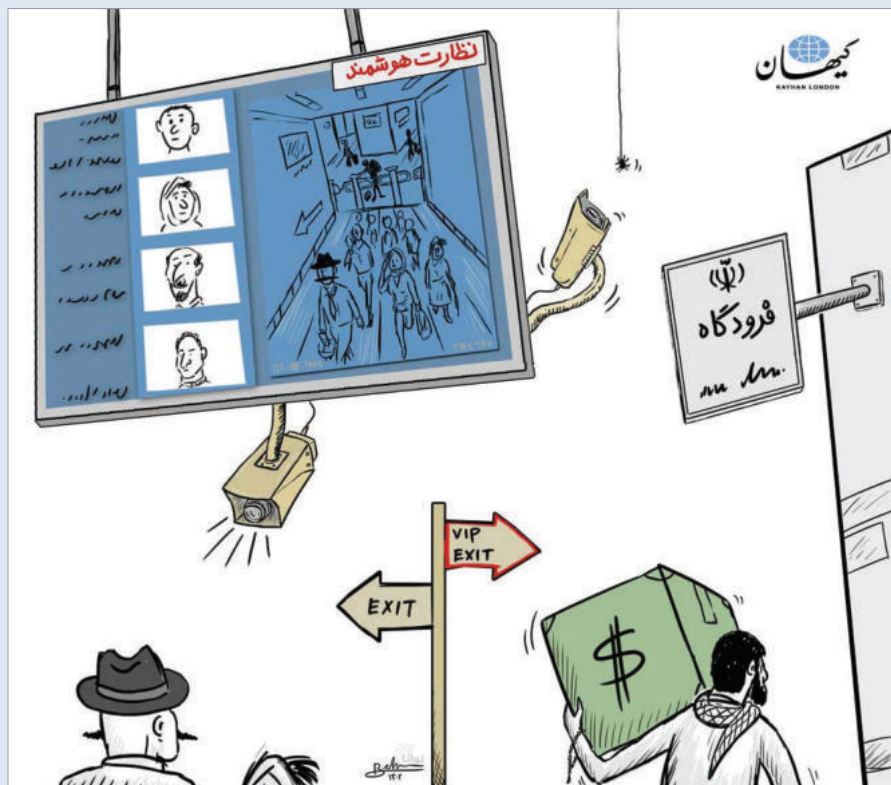
-البته کار من به معنی مثبت بر زندگی شخصی من نیز تأثیر دارد. وقتی مایوس بودم، ترانه‌های اندوهناک خواندم و وقتی حال خوشی داشتم، ترانه‌های شاد خواندم. آمیخته‌ای از احساسات معین مثل دوری از میهن و خانواده و زندگی در تبعید گاهی حالات شخصی را بازتاب می‌دهند اما می‌توانند بسیار غم‌انگیز باشند و شنونده را اندوهگین کنند.

● مجیدرضا رهنورد ۲۳ ساله به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شد. پیش از اعدام در ۲۱ آذر ۱۴۰۱ به بستگانش در ایران توصیه کرد: قرآن نخوانید؛ دعا نخوانید؛ شادی کنید و آهنگ‌های شاد بذارید. به عنوان یک خواننده ایرانی وقتی این حرف‌ها را شنیدید چه احساسی داشتید؟

-حرف زیادی نمی‌توانم در اینباره بزنم (اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زند) در برابر این انسان‌ها و شجاعت و شهامت‌شان فقط می‌توان احترام داشت و از آنها برای خود آموخت.

از بی‌نظارتی بر خودی‌ها تا نظارت بر شهروندان

سیستم نظارت هوشمند و مایتورینگ شهروندان در برخی فرودگاه‌های کشور از جمله فرودگاه مشهد همچنان فعال است. این در حالیست که اکثر اختلاسگران از همین فرودگاه‌ها بدون مشکل از کشور فرار کرده و می‌کنند.



ادامه پلمب‌های زنجیره‌ای مراکز فرهنگی و تفریحی به دلیل بی‌حجابی و رقص و شادی



شده بود اعلام کرده بود: «در پی انتشار تصاویری از رقص و پایکوبی در معابر عمومی رشت توسط عده‌ای هنجارشکن که موجب جریحه‌دار نمودن عفت عمومی شده، ۱۲ نفر از گردانندگان این صفحات شناسایی و به دادسرا معرفی شدند و برای ۴ واحد صنفی متخلف برپاکنده رقص و آواز خوانی نیز توسط اداره نظارت بر اماکن عمومی اخطاریه پلمب صادر شده است.»

او همچنین با تاکید بر مقررات «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» گفته بود: «انتشار هرگونه تصاویر یا محتوای مجرمانه با موضوع سیاه‌نمایی، تشویش اذهان عمومی، انتشار تصاویر غیراخلاقی و نامتعارف، در فضای مجازی جرم تلقی شده و پیگرد قانونی دارد و فضای مجازی به صورت مستمر توسط پلیس رصد می‌شود.»

در ۶ آذرماه فرمانده انتظامی شهرستان نوشهر از پلمب مجتمع تفریحی و رستورانی در سواحل دریای سی‌سنگان با توجه به انتشار «کلیپی از ناهنجاری‌های اجتماعی و عدم رعایت شئون اسلامی» خبر داده بود.

یک روز پیش از آن نیز یک کافه رستوران واقع در «ایران مال» تهران توسط پلیس اماکن پلمب شد. «صابرین نیوز» ارگان رسانه‌ای نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ارتباط نوشت که این رستوران به جرم «برگزاری مراسم هنجارشکنانه ضد فرهنگی و انتشار تصاویر آن در فضای مجازی» پلمب شده است.

رسانه‌های رسمی ایران به محتوای این مراسم اشاره‌ای نکردند اما ویدیویی از سوی کاربران طرفدار حکومت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن برگزاری مراسم یا نمایشی با تم هیجان و وحشت را نشان می‌دهد.

دادستان مهریز نیز ۴ آذرماه از پلمب یک خانه باغ به دلیل برگزاری مهمانی مختلط هنجارشکنانه خبر داده و گفته بود: «حاضرین در این مراسم بازداشت شدند.»

ک مقام قضایی از پلمب ۵ کافه رستوران شیراز در روز ۹ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ به «جرم» برگزاری

توجه تذکرات برای رعایت شئون اسلامی توسط مهمانان، اقدام به قطع برق جهت بیرون کردن مهمانان کرده بود.» در ماه‌های گذشته چندین کافه، سفره‌خانه و رستوران به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری و رقص و پایکوبی توسط پلیس نظارت بر اماکن عمومی پلمب شده‌اند.

چند روز پیش نیز رستوران «ساطور» مشهد به دلیل بی‌حجابی مشتریان برای دومین بار در طی یک هفته پلمب شد. پیشتر کافه «آتراکت» و کافه «اسکیمو» مشهد نیز به خاطر عدم رعایت حجاب پلمب شده بودند. «یوگولند» مجموعه ماست‌بستنی رژیمی در مشهد نیز پلمب شد! در همین ارتباط مسئول دبیرخانه قرارگاه ۱۹ دی‌ماه از پلمب ۵۰ واحد صنفی و اخطار پلمب به ۶۵ واحد و ارائه تذکر به صورت مکتوب و پیامکی برای کلیه صاحبان صنوف مبنی بر رعایت پوشش و ظاهر فروشندگان و متصدیان در قم خبر داد. رستوران «لیدولانژ» تهران هم پیشتر در اینستاگرام اعلام کرده بود این مجموعه به دلیل عدم رعایت حجاب تا اطلاع ثانوی پلمب شده است.

در ۲۵ آذرماه یک کافه در تبریز به دلیل «برگزاری مراسم مختلط همراه با رقص و پایکوبی و کشف حجاب گسترده زنان و اجرای صحنه‌ای موسیقی غیرمجاز» پلمب شده بود. یک روز پیش از آن نیز رئیس پلیس امنیت عمومی هرمزگان گفته بود در راستای برنامه‌های پیشگیرانه و مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی «دو واحد سفره‌خانه سنتی» در بندرعباس به دلیل ترویج رفتارهای هنجارشکنانه و کشف حجاب پلمب شده است. وی از مردم خواسته بود این موارد را به ۱۱۰ گزارش دهند. همچنین فرمانده انتظامی تبریز در ۲۵ آذرماه از پلمب یک کافه به دلیل «برگزاری مراسم مختلط همراه با رقص و پایکوبی، کشف حجاب گسترده، اجرای صحنه‌ای موسیقی غیرمجاز» خبر داده بود.

حسین حسن‌پور جانشین فرمانده انتظامی گیلان، روز ۱۴ آذر با اشاره به ویدیوهایی که در آذرماه از رقص و شادی شهروندان در بازار رشت در فضای مجازی منتشر

● بر اساس گزارش وبسایت «رکنا»، «ماموران پلیس نظارت بر اماکن عمومی آبادان باتوجه به فیلم‌های موجود با هماهنگی مقام قضایی اقدام به پلمب این باغ رستوران معروف در آبادان کردند. صاحب رستوران احضار و برای وی قرار صادر شد و خواننده معروف اهوازی که صاحب این مراسم بود و اقدام به انتشار فیلم رقص مختلط زنان مردان در مراسم آبادان در فضای مجازی کرده بود احضار و بازداشت شد.»

● چند روز پیش نیز رستوران «ساطور» مشهد به دلیل بی‌حجابی مشتریان برای دومین بار در طی یک هفته پلمب شد. پیشتر کافه «آتراکت» و کافه «اسکیمو» مشهد نیز به خاطر عدم رعایت حجاب پلمب شده بودند. «یوگولند» مجموعه ماست‌بستنی رژیمی در مشهد نیز پلمب شد!

یک خواننده در آبادان پس از اجرای کنسرت در یک باغ رستوران سنتی در این شهر، بازداشت شد. این مکان نیز به دلیل رقص و پایکوبی شماری از شهروندان، پلمب شد.

وبسایت «رکنا» روز ۲۳ دی‌ماه در این ارتباط نوشت: «ماه گذشته فیلم‌هایی عجیب از یک باغ رستوران سنتی معروف در منطقه امیرآباد آبادان در فضای مجازی منتشر شد که یک خواننده معروف عرب اهوازی درمیان انبوه جمعیت زن و مرد در حال خوانندگی است که مردان و زنان نیز به صورت مختلط در حال پایکوبی و رقص در این باغ رستوران بودند.»

بر اساس این گزارش، «ماموران پلیس نظارت بر اماکن عمومی آبادان باتوجه به فیلم‌های موجود با هماهنگی مقام قضایی اقدام به پلمب این باغ رستوران معروف در آبادان کردند.» صاحب رستوران احضار و برای وی قرار صادر شد و خواننده معروف اهوازی که صاحب این مراسم بود و اقدام به انتشار فیلم رقص مختلط زنان مردان در مراسم آبادان در فضای مجازی کرده بود احضار و بازداشت شد.»

در ادامه «رکنا» اضافه کرد: «شنیده‌ها حاکی از آن است که در زمان اوج گرفتاری این مراسم صاحب رستوران با توجه به عدم

وزیر آموزش و پرورش: ۳۶۰۰ مسجد کشور با مدارس پیوند دارند!

صدور مجوز به متقاضیان ایجاد مدرسه به عنوان بخشی از یک مسجد

این بند تصریح دارد که «وزارت آموزش و پرورش مکلف است به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی ایجاد مدرسه و یا مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی به عنوان بخشی از یک مسجد هستند، مشروط به موافقت هیئت امنای مسجد رسیدگی کرده و ضمن رعایت ضوابط فنی برای ساختمان مسجد و یا ساختمان منظور شده از سوی متقاضی، مجوز ایجاد مدرسه مسجدمحور و یا مرکز آموزش و پرورشی مسجد محور را به متقاضی مربوطه بدهد» و ضوابط اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد، ظرف مدت ۳ ماه از ابلاغ این قانون به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می رسد.

بر این اساس، در صورت تایید این مواد از سوی شورای نگهبان و تغییر قانون مدارس غیردولتی، مستقیماً هیات امنای مساجد به عنوان شخص حقوقی و یا اشخاص حقیقی دیگر با اجاره فضایی که مالکیت آن به نام مسجد است، می‌توانند از سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی برای ایجاد مدارس غیردولتی مجوز دریافت کنند.

در این ماده مشخصاً درج شده است که صدور این مجوز منوط به رعایت ضوابط فنی برای ساختمان مسجد و یا ساختمان منظور شده از سوی متقاضی است و از سوی دیگر ضوابط اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش و با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد، ظرف مدت ۳ ماه از ابلاغ این قانون به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می رسد. با این حال انتشار این خبر با عنوان «ساخت مدارس مسجدمحور» شائبه‌هایی مبنی بر نحوه به کار گیری نیروی انسانی در این مدارس و برنامه درسی دانش آموزانی که در این مدارس مشغول به تحصیل خواهند بود ایجاد کرد؛ از جمله آنکه آیا قرار است روحانیون در این مدارس تدریس کنند و یا دانش‌آموزان محصل در این مدارس مکلف به گذراندن دروس خاص و ویژه و رعایت کردن کردن قوانین خاص هستند یا نه.

در این ارتباط احمد محمودزاده رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی با بیان اینکه طبق ماده یاد شده قرار است که سازمان مدارس و مراکز غیردولتی از ظرفیت مساجد برای ایجاد مدارس غیردولتی استفاده کند، به ایسنا گفت: «به هیچ وجه قرار نیست در داخل مسجد، کلاس درس برگزار شود بلکه مجوز مربوطه برای ایجاد مدارس غیردولتی در فضاهایی که بخشی از یک مسجد هستند، صادر می‌شود.»

وی توضیح داد: «برخی مساجد فضاهای زیادی دارند که ممکن است از آنها استفاده تجاری کرده، مغازه‌هایی را ایجاد کرده باشند و یا این مغازه‌ها را به افرادی اجاره داده باشند. این مساجد در صورت تمایل می‌توانند از این فضاها برای ایجاد مدرسه غیردولتی استفاده کنند و برای آن از ما مجوز بگیرند.»

محمودزاده در پاسخ به اینکه آیا در این مدارس معلمان خاص و یا روحانیون تدریس خواهند داشت، تاکید ←

● وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم: «این نه فقط یک طرح پیشنهادی بلکه یک تکلیف قانونی است که وجه شرعی نیز پیدا کرده است.»

● صحرائی با تاکید بر اینکه مدیران باید بجای ساختارسازی، گفتمان‌سازی کنند، افزود: «اتحاد مسجد، مدرسه و خانواده گفتمان برکت‌آفرین است چون موجب سام‌سازی جامعه شده و کل کشور از آن بهره‌مند خواهند شد.»

● بیش از چهار دهه تبلیغ و نفوذ در مراکز آموزشی کشور تا کنون نه تنها حاصلی نداشته بلکه نتیجه‌ای برعکس مقاصد رژیم داده است ولی زمامداران جمهوری اسلامی همچنان دست‌بردار نیستند.

وزیر آموزش و پرورش ارتباط مسجد و مدرسه را یک «تکلیف» دانست و گفت: «اکنون سه هزار و ۶۰۰ مسجد در کشور با مدارس رابطه تنگاتنگی دارند و امسال برای ارتباط ۹ هزار مسجد دیگر هدف‌گذاری شده است.»

رضا مراد صحرائی شامگاه جمعه ۲۲ دی‌ماه در پانزدهمین هم‌اندیشی ستاد همکاری حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش در قم با بیان این مطلب افزود: «این نه فقط یک طرح پیشنهادی بلکه یک تکلیف قانونی است که وجه شرعی نیز پیدا کرده است.»

وی ادامه داد: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که اجرای آن در یک دهه اخیر دست‌کم ۱۰ بار مورد تاکید قرار گرفته، چرا که پشتوانه تعلیم و تربیت اسلامی دارد.»

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه ستاد همکاری‌ها باید کمر همت را برای اتحاد سه عنصر کلیدی مسجد، مدرسه و خانواده ببندد افزود: «آموزش و پرورش در کنار ستاد همکاری‌ها است و وظیفه خود می‌داند که این کار را انجام دهد.»

صحرائی با تاکید بر اینکه مدیران باید بجای ساختارسازی، گفتمان‌سازی کنند، افزود: «اتحاد مسجد، مدرسه و خانواده گفتمان برکت‌آفرین است چون موجب سام‌سازی جامعه شده و کل کشور از آن بهره‌مند خواهند شد.»

در همین ارتباط رییس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی روز یکشنبه ۲۴ دی‌ماه با بیان اینکه برنامه درسی و مجوز مدارس غیردولتی مسجدمحور زیر نظر آموزش و پرورش است، گفت: «آموزش و پرورش به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی ایجاد مدرسه یا مرکز آموزشی و پرورشی غیردولتی به عنوان بخشی از یک مسجد هستند، مجوز صادر می‌کند.»

وی تاکید کرد که فعلاً مجوزی برای ایجاد مدارس غیردولتی «مسجد محور» صادر نشده است.

به گزارش ایسنا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در فرآیند اصلاح موادی از قانون سازمان مدارس و مراکز غیردولتی ماده‌ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن وزارت آموزش و پرورش می‌تواند مجوز ایجاد «مدارس مسجد محور» را صادر کند.

→ جشن هالووین خبر داده بود. به همین «جرم» طبقات ۲۲ و ۲۵ هتل «چمران» نیز پلمب شدند! جانشین فرمانده انتظامی استان سمنان نیز در ۲۳ آبان از بازداشت ۳۰۰ نفر در یک पार्टी شبانه و پلمب تالار در شاهرود خبر داده و گفته بود: «مأموران در گشت‌زنی نامحسوس، متوجه برگزاری पार्टी شبانه مختلط و بی‌بندوبار در یک تالار واقع در حومه این شهرستان شدند. مأموران با هماهنگی‌های لازم و رعایت موازین شرعی و قانونی ۳۰۰ نفر مرد و زن هنجارشکن را در این पार्टी شبانه بازداشت کردند. تالار مورد نظر به دلیل تخلف صنفی پلمب شد.»

البته موج بگیر و ببندها و پلمب مراکز مختلف فرهنگی و تفریحی، گریبان کتابفروشی‌ها را نیز گرفته است. فروشگاه مرکزی «شهرکتاب» که ظهر جمعه یکم دی‌ماه ۱۴۰۲، به علت بی‌حجابی برخی مراجعان پلمب شده بود، یک روز بعد، رفع پلمب شد و فعالیت خود را از سر گرفت.

در ماه‌های اخیر برخی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران بطور مکرر به برخی فروشگاه‌های شهر کتاب مراجعه کرده و به حضور مشتریان بی‌حجاب در فروشگاه‌ها اعتراض کرده بودند. پیش از این برخی از شعبه‌های شهر کتاب نیز پس از این دیدارها پلمب شده بودند.

شهر کتاب مرکزی اولین کتابفروشی نیست که با حکم اداره اماکن به صورت موقت بسته شد. از سال گذشته روند پلمب موقت واحدهای صنفی، اماکن تجاری، فرهنگی، گردشگری بسیاری به خاطر سر باز زدن زنان از حجاب اجباری تشدید شده است. از جمله ۹ مهرماه دو کتابفروشی در تهران به نام «کتاب دی» و «کتابخانه» پلمب شدند.

صفحه اینستاگرام کتابفروشی «دیدآور» در خیابان «انقلاب» تهران نیز امردامه اعلام کرده بود که این مجموعه به دلایلی تا اطلاع ثانوی پلمب شده است. گفته شده بود که پلمب این کتابفروشی نیز به دلیل کتاب فروختن به مراجعین بی‌حجاب بوده است.

«شهر کتاب» با بلسر نیز در ۲۶ اردیبهشت ماه از توقیف خود به دلیل عدم رعایت حجاب توسط مشتریان خبر داده بود. این کتابفروشی در صفحه رسمی خود در اینستاگرام اعلام کرد که تا مدت نامعلومی در پلمب بسر خواهد برد. همان روز صفحه رسمی کتابفروشی «اردیبهشت» رشت متعلق به سروش صحت بازیگر تئاتر و تلویزیون از پلمب این فروشگاه خبر داده بود.

همچنین در ۳۰ فروردین ماه روزنامه «اعتقاد» نوشت که کتابفروشی «روبه‌قرمز» در مجتمع «آسپ» تهران که مخصوص کودکان است، به دلیل «کشف حجاب» پلمب شده است. صفحه اینستاگرام شهر کتاب اصفهان نیز در روز ۱۵ فروردین با انتشار خبر پلمب این کتابفروشی نوشته بود: «تا اطلاع ثانوی شهر کتاب اردیبهشت اصفهان تعطیل می‌باشد. امیدواریم به زودی در خدمت شما عزیزان باشیم.»

در یک سال گذشته ۷۷ واحد گردشگری سراسر کشور شامل هتل، اقامتگاه بوم‌گردی، سفره‌خانه سنتی و مرکز بین‌راهی و... به دلیل آنچه «رعایت نکردن شئونات و حجاب» عنوان می‌شود، پلمب شده‌اند.

جمهوری اسلامی تا کنون به اسم طرح «حجاب و عفاف» و به بهانه رعایت نکردن حجاب، واحدهای صنفی، مراکز اقامتی، تفریحی، شرکت‌های خصوصی، رستوران و کافه‌های بسیاری را در شهرهای مختلف پلمب کرده است.

دست‌کم ۱۱ واحد صنفی در شهرهای بندرعباس، تهران، مشهد و مثل قوطی در هفته نخست امردامه پلمب شدند. اداره نظارت بر اماکن نیروی انتظامی هرمزگان در همان زمان از پلمب پنج واحد صنفی در بندرعباس خبر داد. همان زمان دست‌کم دو واحد صنفی در شهر مشهد پلمب شدند.

آموزش و پرورش در مطلبی با عنوان «شرایط کاملا عادلانه برای رقابت تمام آحاد جامعه در آزمون استخدامی» به نقل از وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد: «در آزمون‌های استخدامی شرایط کاملا عادلانه برای رقابت تمام آحاد جامعه ایجاد می‌شود که بعد از اعلام نتایج متوجه شدیم ۳ هزار نفر از طلاب و جمعی از نیروهای جهادی، فعالان فرهنگی و قرآنی جذب آموزش و پرورش شدند که این امر می‌تواند

۱۸ آذرماه وبسایت «دیدهبان ایران» نیز به نقل از دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش نوشت که «سرباز طلبه‌ها در مدارس حضور دارند.» حمید نیکزاد در ادامه این گفتگو ادعا کرده بود که «حضور زنان طلبه به عنوان معلم ابتدایی در راستای تحول اسلامی آموزش است.» وی همچنین ادعا کرد که بیش از ۹۵ درصد خانواده‌ها از حضور روحانیون در مدرسه رضایت دارند.

→ کرد کرد: «برای مثال مگر همه معلمان مدرسه غیردولتی که در کنار کارخانه است، مهندس هستند؟ هر کسی متناسب با رشته خود در این مدارس تدریس می‌کند. بله، احتمال دارد که یک عالم و روحانی برای تدریس کتب دینی، قرآن یا هدیه‌های آسمانی و یا مباحث پرورشی یک مدرسه‌ای که در کنار مسجد است، درخواست تدریس دهد. اما آیا این عالم فیزیک هم بلد است؟ خیر! وقتی چنین فردی



بیش از چهار دهه تبلیغ و نفوذ در مراکز آموزشی کشور تا کنون نه تنها حاصلی نداشته بلکه نتیجه‌ای برعکس مقاصد رژیم داده است ولی زمامداران جمهوری اسلامی همچنان دست‌بردار نیستند

در راستای تقویت بنیه اعتقادی دانش‌آموزان موثر باشد.» اینهمه در حالیست که وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در سال تحصیلی ۱۴۰۲ با معرفی طرحی با عنوان «امین» اعلام کرد که قرار است «طلاب داوطلب» از «حوزه علمیه» و «جامعه الزهراء» پس از استخدام در آموزش و پرورش در مدارس حاضر شوند و به آموزش «معارف اسلامی» و پاسخ به «شبهات دینی» دانش‌آموزان بپردازند. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

پس از گذشت چندین ماه از اجرای این طرح در مدارس، نرگس ملک‌زاده از فعالان حوزه آموزش و حقوق معلمان با اشاره به مشکلات این طرح در گفتگو با «خبرآنلاین» اعلام کرد: «با اینکه حضور طلاب در محیط مدارس به عنوان کادر مدرسه در حال عادی شدن است اما آگاهی آنها بیشتر درباره علوم دینی است و در گفتگو با دانش‌آموزان و کلاس‌داری قوی و مسلط نیستند. اغلب آنها نسبت به دیدگاه دانش‌آموزان موضع دارند و دانش‌آموزان هم نسبت به آنها موضع دارند.»

جمهوری اسلامی در حالی طی یک سال گذشته تحمیل سیاست‌های ایدئولوژیک به مدارس را تشدید کرده که آموزش و پرورش با کمبود شدید آموزگار و نیروهای خدماتی روبروست. از سوی دیگر وزیر آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته بود «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش با بیان اینکه طلبه‌ها آمار بزهکاری در مدارس را کاهش داده‌اند تأکید کرده بود «چرا ما نباید از طلاب متخصص بدون هزینه در آموزش و پرورش استفاده کنیم؟!» در راستای تبلیغ و ترویج نماز و نمازخوانی در مدارس وزیر آموزش و پرورش نماز را «مهمترین رکن آموزش و پرورش» دانسته و گفته بود «۲۰ هزار دانش‌آموز اذان‌گو تربیت و بیش از ۱ میلیون مترمربع سجاده تولید کرده‌ایم!» در همین حال رضامرد صحرایی وزیر آموزش و پرورش روز ۱۷ دی‌ماه در گفتگو با وبسایت خبری «جماران» ضمن اشاره به اینکه نماز مهم‌ترین رکن در آموزش و پرورش است گفته بود: «تأمین بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع سجاده، گسترش طرح ایجاد ۹ هزار مسجد و نیز طرح ساخت هفت هزار و ۲۸۰ نمازخانه در سطح مدارس و مراکز آموزشی از مهم‌ترین اقدامات آموزش و پرورش در سال تحصیلی جاری است.»

او همچنین با تأکید بر لزوم حضور «روحانیت» در مدارس گفته بود: «خوشبختانه پردیس معلم در قم آغاز به کار کرده است و جذب مربیان پرورشی در دستور کار است.» در حالی که هزاران کلاس درس در سال جدید تحصیلی آموزگار نداشته‌اند، وزارت آموزش و پرورش بجای استخدام آموزگاران از طلبه‌ها برای اداره کلاس درس استفاده می‌کند. وزیر آموزش و پرورش در سفر خود به قم و در دیدار با آیت‌الله نوری همدانی از مراجع تقلید این شهر در ارتباط با جذب طلاب در مدارس، اعلام کرده بود که ۲۵ هزار نفر از طلاب جذب آموزش و پرورش شدند.» با این حال چند ساعت پس از انتشار خبر و به دنبال واکنش‌ها نسبت به این خبر، وبسایت اطلاع‌رسانی وزارت

برای تدریس در این مدارس مراجعه کند ما ابتدا رشته و صلاحیت او را بررسی می‌کنیم و بعد اجازه می‌دهیم تدریس داشته باشد یا خیر.»

معاون وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به اینکه آیا سازمان مدارس غیردولتی پیش از مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی، مدرسه مسجدمحور داشته است، گفت: «تا کنون به صورت غیررسمی بعضا مدارس مسجدمحور فعالیت می‌کردند اما ما تا کنون به هیچ مدرسه مسجدمحوری مجوز نداده‌ایم و در صورت تأیید شورای نگهبان و تغییر قانون سازمان مدارس غیردولتی، از این پس می‌توانیم به مدارس مسجدمحور مجوز دهیم.»

محمودزاده در پاسخ به اینکه آیا در حال حاضر معلم روحانی در مدارس غیردولتی داریم، اعلام کرد: «بله، ما حتی موسس مدرسه غیردولتی داریم که روحانی است.»

در همین ارتباط، قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان آذرماه امسال به خبرگزاری ایرنا گفته بود: «ما می‌خواهیم در یک فضای خارج از کلاس درس و بیرون از مدرسه و در ساعت‌هایی که دانش‌آموز دیگر در مدرسه حضور ندارد، در فضاهایی همچون کانون‌های مسجد و عالم‌محور یا پایگاه‌های بسیج به واسطه معلمان برای انجام امور تربیتی و پرورشی، استعدادسنجی و شناسایی و انتخاب دانش‌آموزانی که لزوماً ممکن است از طیف سمپادی و مدارس استعدادهای درخشان نباشند، ایجاد کنیم.»

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس نیز در مردادماه از ساخت ۲۰۰ مدرسه بزرگ مقیاس با عنوان کانون تربیت و پیشرفت محله که محور آن مسجد است خبر داده و گفته بود: «این موضوع در کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفت.»



افزایش ۱۷ درصدی آمار بازماندگان از تحصیل؛ آموزش و پرورش رایگان در جمهوری اسلامی؟!

● جمهوری اسلامی با شعارهایی چون عدالت و برابری بر سر کار آمد و تحصیل رایگان از اصول قانون اساسی حکومت است اما صدها هزار دانش‌آموز هر ساله به دلیل فقر و مشکلات مالی با مدرسه خداحافظی می‌کنند.

● آمار بازماندگان از تحصیل در سال آموزشی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نسبت به سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به میزان ۱۷/۱۵ درصد افزایش یافته است.

● در سال ۱۳۹۹، حدود ۷۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل در دهک یک تا پنج قرار داشتند.

معاون وزیر آموزش و پرورش گفته در مناطق آزاد، ۱۰ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل وجود دارد. بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل نیز مربوط به چابهار و منطقه آزاد اروند است. آمار کودکان بازمانده از تحصیل طی سال‌های گذشته با سرعت در حال افزایش است.

احمد محمودزاده معاون وزیر آموزش و پرورش گفته «۶۰ درصد بازماندگان از تحصیل در مناطق آزاد و تجاری به مدارس بازگشته‌اند. در هنگام تحویل دولت، ۲۳۰ هزار دانش‌آموز در مناطق آزاد تجاری داشتیم که ۳۲ هزار بازمانده از تحصیل داشتند و اکنون تعداد آنها به ۱۰ هزار نفر رسیده است.»

جمهوری اسلامی در حالی با شعارهایی چون عدالت و برابری بر سر کار آمد و تحصیل رایگان از جمله شعارهای محوری و اصول تدوین شده در قانون اساسی است که همچنان تحصیل دانش‌آموزان در ایران فشار مالی سنگینی برای خانواده به همراه دارد و در سال گذشته صدها هزار دانش‌آموز به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار به خداحافظی با مدرسه و کلاس درس شدند. آخرین آمارهای ارائه شده درباره دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل نشان می‌دهد آمار بازماندگان از تحصیل در سال آموزشی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نسبت به سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به میزان ۱۷/۱۵ درصد افزایش یافته است. فقر و مشکلات اقتصادی خانوارها مهمترین و اصلی‌ترین علت ترک تحصیل دانش‌آموزان در ایران است.

آمارهای تفکیکی کودکان بازمانده از تحصیل نشان می‌دهد غالب آنها از دهک‌های کم‌درآمد آمده و بیشترین کودکان بازمانده از تحصیل در محروم‌ترین استان ایران یعنی سیستان و بلوچستان ساکن بوده‌اند. برای نمونه در سال ۱۳۹۹، حدود ۷۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل در دهک یک تا پنج قرار داشتند. دهک دوم با ۲۲ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. ضمن آنکه استان سیستان و بلوچستان با ۱۶/۳۳ درصد دارای بیشترین نرخ فقر کودکان بازمانده از تحصیل در بین خانوارهای دارای کودک بازمانده از تحصیل را داشت.

فاروق اعظمی نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها به خبرنگاری «ایلنا» گفته که سالانه ۳۰ درصد از دانش‌آموزان این استان به دلیل مشکلاتی مانند کمبود و هزینه میلیونی سرویس مدارس مجبور به ترک تحصیل هستند.

فاروق اعظمی افزوده بود که «در منطقه‌ای از سیستان و بلوچستان بررسی کردیم که از ۴۵۰۰ دانش‌آموزی که ۱۲ سال پیش شروع به تحصیل کردند اکنون فقط ۵۰۰ نفر از آنها توانسته‌اند دیپلم بگیرند یا وارد دانشگاه شوند.»

بر اساس گزارش آماري منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند. گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد «نرخ ترک تحصیل» دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶/۹۹ درصد بوده اما پس از پنج سال، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ۱/۲ درصد رسیده و در دوره متوسطه اول نیز ۴/۱۱ درصد بوده که به مرور به ۵/۴۷ درصد رسیده که سیری صعودی را ثبت نشان می‌دهد. آمار ترک تحصیل دانش‌آموزان در حالی منتشر می‌شود که کارشناسان معتقدند شمار زیادی از دانش‌آموزان نیز در آستانه‌ی ترک تحصیل قرار دارند.

در همین رابطه هادی موسوی‌نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پاییز امسال با ارائه آمار اعلام کرد که «حدود یک و نیم میلیون کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. کسانی که از نظر مشخصات اقتصادی و اجتماعی آنها بیشترین شباهت با کودکان بازمانده از تحصیل را دارند. از نظر آموزشی و تبعیض آموزشی نیز سال گذشته، ۱۲ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ کنکور فقط از مدارس دولتی بودند. ۸۴ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ هم فقط از سه دهک بالای درآمدی بودند.»

او همچنین با اشاره به فقر گسترده در میان کودکان ایران گفته بود «۱۴ میلیون کودک در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبد غذایی (۲۱۰۰ کیلو کالری مورد تأیید بانک جهانی) را نمی‌توانند تأمین کنند.»

علی‌اصغر سعیدی جامعه‌شناس درباره عوامل بازماندگی از تحصیل به «تجارت‌نیوز» گفته که «مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عوامل بیرونی بازماندگی از تحصیل است. دلیل دیگر آن ریشه در نظام آموزشی دارد.»

علی‌اصغر سعیدی افزوده که «برخی بر این باورند که فرزندان،

نیروی کار خانواده هستند و فرستادن آنها به مدرسه به افزایش هزینه‌های خانواده و حتی کاهش درآمد آنها منجر می‌شود؛ به‌ویژه در مقطع پایین تحصیلی. چون بازده سرمایه‌گذاری پایین است. یعنی اگر فردی ۶ سال زمان بگذارد و مدرک ابتدایی بگیرد، انتظار درآمدی زیادی ندارد.»

به اعتقاد این جامعه‌شناس «در حال حاضر افرادی که دیپلم گرفته‌اند هم انتظار درآمدی زیادی ندارند؛ حتی فارغ‌التحصیلان مقطع لیسانس هم. به تعبیر اقتصادی هزینه فرصت یا آموزشی بالاست. یعنی تعداد سال‌های آموزشی نه تنها درآمدی ایجاد نمی‌کند، بلکه هزینه‌ها را هم افزایش می‌دهد. بنابراین زمانی که هزینه فرصت بالا می‌رود، خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند که فرزند خود را به مدرسه نفرستند.»

وزارت آموزش و پرورش به جای ایجاد سازوکاری حمایتی از دانش‌آموزانی که به دلیل فقر و نبود امکانات در معرض ترک تحصیل هستند، با تمام توان به پیشبرد اهداف و برنامه‌های ایدئولوژیک در مدارس مشغول است.

تأیستان امسال نیز معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته که «در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش‌آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند؛ پس لازم است که برای سایر دانش‌آموزان نیز نسبت به کیفیت آموزشی، دقت ویژه شود.»

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش همچنین از تفاوت کیفیت آموزشی در مناطق شهری و روستایی خبر داده و گفته بود که «نرخ تکرار پایه در حوزه معاونت آموزش ابتدایی را پایه اول تمام مدارس به خصوص مدارس روستایی است. مدارس روستایی، ۷۱ درصد از افرادی که شامل تکرار پایه شدند را تشکیل می‌دهند، پس اگر بخواهیم فرصت یادگیری عادلانه ایجاد کنیم، لازم است تا توجه ویژه به روستاها داشته باشیم.»

منظور از «تکرار پایه» همان مردودی یا رفوزگی است که به گفته این مقام وزارت آموزش و پرورش، بیشترین رفوزگی را دانش‌آموزان روستایی و به ویژه کلاس اولی‌ها تشکیل می‌دهند! روزنامه «خراسان» روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در گزارشی با عنوان «هولناک مثل آمار ترک تحصیل» با اشاره به آمار اعلام شده از سوی معاون آموزش و پرورش نوشته که «روی دیگر آمار جاماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی، آمارهای دیگری است که در این زمینه وجود دارد؛ آمارهایی با اعداد و ارقامی هولناک که به معنای واقعی کلمه، لرزه بر اندام هر ایرانی دلسوز می‌اندازد.»

یحیی سنوار در لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گرفت

اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲ به صورت رسمی یحیی سنوار رهبر سیاسی حماس را در فهرست تروریستی خود قرار داد. این تصمیم به عنوان بخشی از پاسخ اتحادیه اروپا به حماس و حمله آن در ۷ اکتبر به اسرائیل گرفته شده است. در ماه دسامبر نیز اتحادیه اروپا محمد ضیف و مروان عیسی دیگر رهبران حماس را در این فهرست قرار داده بود.

قیمت سوسیس و کالباس هم سر به فلک گذاشت

وبسایت «جریان نو» در گزارشی که سه‌شنبه ۲۶ دی ماه منتشر شد می‌نویسد سوسیس و کالباس علاقمندان بسیاری دارد اما غذایی است که دیگر ارزان نیست و قیمت آن در بازار سر به فلک کشیده و مردم هنگام خرید با قیمت‌های عجیب و غریبی مواجه می‌شوند.

در این گزارش آمده، قیمت یک کیلو کالباس از حدود ۷۰ هزار تومان شروع می‌شود که بی‌کیفیت است و تا ۸۰۰ هزار



تومان هم می‌رسد.

قیمت سوسیس هم در برخی مدل‌های ۳۰۰ گرمی تا ۲/۵ میلیون تومان هم رسیده است.

به نظر می‌رسد افزایش قیمت گوشت تیر خلاص به قیمت سوسیس و کالباس نیز زده است

الگوی ساده‌ی لابیگری اپوزیسیون در آمریکا؛ میانبری برای سقوط رژیم

لابی کردن نیازمند زمان، پشتکار و منابع مالی است. همچنین برای انجام این کارها، باید با مقررات و قوانین کشور مورد نظر هماهنگ بود و از روش‌های قانونی و شفاف استفاده کرد. لابی کردن یک فرآیند پیچیده و چندگانه است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تمرکز است.

اپوزیسیون می‌تواند از استراتژی‌های لازم برای لابی کردن و تأثیرگذاری بر سیاست‌های آمریکا به منظور حمایت از تغییر رژیم استفاده کند. ولی اگر قرار است این لابیگری در جهت کمک به ایجاد یک آلت‌ناتیب سیاسی باشد، در اینصورت اهداف، ابزارها، پیش‌شرط‌ها و مقدمات لازم تغییر خواهد یافت و لابیگران می‌بایست با این اهداف در یک مسیر قرار گیرند.

شکایت رسمی عراق از جمهوری اسلامی ایران در پی موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در پی حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اربیل عراق، وزارت خارجه عراق بامداد امروز چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ از شکایت رسمی علیه جمهوری اسلامی ایران به سازمان ملل و شورای امنیت خبر داد.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای اظهار داشت که حملات موشکی اخیر به اربیل، نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور و به خطر انداختن جان شهروندان عراق است.

وبسایت شبکه «المیادین» می‌نویسد: بغداد توضیح داد که با ارسال دو نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت از طریق نمایندگی دائم عراق در نیویورک، شکایت خود را رسماً اعلام کرده است.

به پرونده سرقت فرش‌های کاخ سعدآباد در «دادگاه ویژه روحانیت» رسیدگی خواهد شد

سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت روز



چهارشنبه ۲۷ دی ماه ضمن اشاره به اینکه سرقت از کاخ سعدآباد در دولت گذشته اتفاق افتاده است گفت: «پیش از ۴۸ تخته فرش که بعضاً مربوط به دوره قاجار است و قابل قیمت‌گذاری هم نیست به سرقت رفته است که این موضوع در معاونت حقوقی دولت سیزدهم پیگیری شد و در جمع‌بندی نهایی به ۱۰ نفر مظنون از مقامات دولت قبل رسیدند. پرونده‌ای تشکیل شد و با توجه به اینکه مظنون اصلی شرایط خاصی داشت، پرونده سال گذشته به دادگاه ویژه روحانیت ارسال شد. این پرونده در حال بررسی است و منتظر نتیجه آن هستیم اما فعلاً از سرنوشت این فرشها اطلاعی در دست نیست.»

گاری دستی در مسیر «لاکچری» شدن!

این روزها آنقدر هزینه خرید ماشین و موتورسیکلت گران شده که برخی برای معاش از طریق حمل بار یا فروش مواد غذایی و میوه و تره‌بار در سطح شهر از گاری استفاده می‌کنند. اما این تصور که این چهارچرخه ساده ارزان باشد کاملاً غلط است. این روزها قیمت گاری دستی از ۱ میلیون تومان شروع و تا ۲۵ میلیون تومان هم می‌رسد و کار به جایی رسیده که برخی آن را روزی ۲۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهند.

قرارداد هما با ایرباس بعد از خروج آمریکا از برجام لغو شده بود

حسام قربانعلی مدیر روابط عمومی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی با اشاره به انتشار برخی اخبار در خصوص لغو قرارداد ایرباس با هواپیمایی هما اظهار داشت: «بعد از اعلام رسمی خروج آمریکا از برجام در سال ۹۷ توسط ترامپ، شرکت ایرباس هم قرارداد خود را با شرکت هواپیمایی هما برای فروش ۱۰۰ فروند هواپیما به حالت تعلیق درآورد؛ اخبار جدید منتشر شده موضوع تازه‌ای نیست و این قرارداد همان موقع تعلیق شده بود و در متن قرارداد نیز این موضوع لحاظ شده بود که هر یک از طرفین قرارداد بتوانند بعد از معلق کردن، قرارداد را باطل و «کان لم یکن» تبدیل کنند.»

وی ادامه داد: «این قرارداد قبلاً لغو شده بود و ارسال پیام آخر توسط کمپانی ایرباس، فقط تکرار مکررات است.»

جیره‌بندی نان در جمهوری اسلامی به واقعیت پیوست!

فاطمه نظری رییس اتحادیه نانوایان سنتی تهران روز چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه در گفتگو با روزنامه «شرق» ضمن



تأیید خبر جیره‌بندی نان گفت: «دولت در رسانه‌ها این واقعیت را تکذیب می‌کند و به این ترتیب مشتریان را به جان نانوایان انداخته است چرا که تصور می‌کنند نانوایان دروغ می‌گویند.» به گفته نانوایان، دولت مشخص کرده که به ازای هر کیسه آرد یارانه‌ای به سی نفر نان بربری فروخته شود و با توجه به اینکه هر کیسه آرد حدوداً معادل صد و ده قرص نان است، سهم هر مشتری حدود سه و نیم قرص نان می‌شود و طبق این قانون اگر این سقف رعایت نشود، سهمیه آرد یارانه‌ای نانوایی‌هایی کم می‌شود و قبض جرائم چند میلیارد تومانی برای آنها صادر می‌شود.

تهدید علی کریمی توسط مقامات دولتی جمهوری اسلامی!

محمد دهقان معاون حقوقی ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه در حاشیه جلسه هیئت دولت در پاسخ بر پرسش خبرنگاران در مورد علی کریمی گفت: «افرادی که از کشور رفته‌اند تابع ایران هستند. هر فردی چه تبعه ایران چه غیرتبعه ایران علیه امنیت ملی کشور اقدامی انجام دهد تحت پیگرد قرار می‌گیرد. این اقدامات به‌موقع توسط دستگاه‌های ذیربط انجام خواهد شد.»

اعمال محدودیت بر فعالیت محققین مرتبط با چندین دانشگاه ایران و روسیه و چین توسط کانادا

دولت کانادا روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه اعلام کرد عده‌ای از پژوهشگران حاضر در کانادا که با برخی دانشگاه‌ها و موسسات علمی- پژوهشی دولتی در کشورهای ایران، چین و روسیه ارتباط و همکاری دارند توسط کانادا از تحقیق درباره موضوع‌های حساس و یا موضوعاتی که با امنیت ملی این کشور در ارتباط است منع خواهند شد و از این پس دولت کانادا هیچ بودجه‌ای برای تحقیقات در اختیار آنها قرار نخواهد داد.

اغلب این دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها چینی هستند اما نام دانشگاه‌ها و موسسات ایرانی نظیر دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر)، دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران)، انستیتو پاستور ایران، موسسه تحقیقات هوافضا، دانشگاه علوم پزشکی «بقیه‌الله»، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، دانشگاه «امام حسین»، موسسه فیزیک کاربردی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران،



مرکز مطالعات فیزیک و دانشگاه نیروی هوایی «ستاری» هم در فهرستی که اوتوا منتشر کرده دیده می‌شود.

امیرعلی حاجی‌زاده:

با چهار فروند بالستیک «خبرشکن» از ۱۳۰۰ کیلومتری ادلب سوریه را زدیم!

در ویدیویی که از امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رسانه‌های داخلی منتشر شده، گفته می‌شود که در حمله موشکی سپاه به سوریه و عراق که ۲۵ دی‌ماه صورت گرفت چهار فروند موشک بالستیک «خبرشکن» از جنوب خوزستان به ادلب سوریه در فاصله ۱۳۰۰ کیلومتری شلیک شد.

وی همچنین گفت: «از کرمانشاه هم چهار فروند و هفت فروند موشک هم از آذربایجان غربی به مقر موساد در اقلیم کردستان عراق شلیک شد.»

حمله نظامی سپاه پاسداران به کردستان عراق و ادلب سوریه با موشک‌های بالستیک در شرایطی صورت گرفت که در چنین وضعیت جنگی باز هم پرواز هواپیماهای مسافربری بر فراز ایران متوقف نشده بود.

دختران فلسطینی با پوشش آزاد در استادیوم‌ها مزاحمت «سفیران هدایت» برای زنان ایرانی در ایستگاه‌های مترو!

در شرایطی که دختران فلسطینی در جریان مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا با پوشش آزاد به استادیوم‌ها می‌روند، زنان و دختران ایرانی مجبورند مزاحمت‌های دائمی «گشت ارشاد» و بسیج و «سفیران هدایت» را در مترو و کوچه و خیابان تحمل کنند.

تحقیقات پلیس درباره سوابق دزدی «گلریز قهرمان» نماینده چپ‌گرای پارلمان نیوزلند

رسانه‌های نیوزلند با انتشار ویدیوهایی گزارش دادند پلیس این کشور در حال بررسی یک اتهام دزدی توسط گلریز قهرمان از فروشگاه‌های در ولینگتون، پایتخت این کشور هستند.

مدیر این فروشگاه روز دوشنبه ۲۵ دی‌ماه گفته است اعتقاد دارد که گلریز قهرمان سال گذشته در مغازه آنها دست به سرقت زده است. این فروشگاه جواهرات و



لباس‌های گران‌قیمت می‌فروشد.

این سومین اتهام دزدی به گلریز قهرمان است. سخنگوی پلیس گفته است تحقیقات درباره این اتهام ادامه دارد. گلریز قهرمان نماینده چپ‌گرای پارلمان نیوزلند در پی این اتهامات از پارلمان کنار گذاشته شد.

آب فرودگاه مهرآباد قطع شد! دلیل: کاهش شدید فشار آب در پایتخت!

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲ آب فرودگاه بین‌المللی مهرآباد به دلیل کاهش شدید فشار آب در سطح تهران، قطع شد!

روابط عمومی فرودگاه مهرآباد در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «به اطلاع مسافری محترم فرودگاه می‌رساند از ۳۰ دقیقه پیش ترمینال‌های فرودگاه با مشکل تامین آب مواجه شده که پس از پیگیری از مسولان شرکت آب منطقه ۵ تهران بزرگ اعلام شد دلیل مشکل اعلامی، افت فشار شدید در منطقه است و مسولین مرتبط در حال پیگیری این مهم هستند.»

می‌توان تصور کرد وضعیت در یک فرودگاه بین‌المللی وقتی که آب قطع شود به چه صورتی در می‌آید.

مادر پژمان فاتحی زندانی سیاسی: خواهش می‌کنم اعدام نکنید!

افسانه یوسفی مادر پژمان فاتحی که همزمان با چند زندانی سیاسی دیگر حکم اعدام وی تأیید شده است از مردم دنیا تقاضای کمک دارد و از مسئولین جمهوری اسلامی خواهش می‌کند که پسرش را اعدام نکنند.

همسر وفا آذربار زندانی سیاسی محکوم به اعدام:

در برابر این ظلم سکوت نکنید و همراه ما خانواده‌های زندانیان سیاسی باشید

وفا آذربار در کنار محمد (هژیر) فرامرزی، مجاهد کورکور، رضا رسایی، پژمان فاتحی و محسن مظلوم زندانیان سیاسی هستند که حکم اعدام علیه آنها صادر شده و به دلیل تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، خطر مرگ آنها را تهدید می‌کند.

گلستان ارژنگی همسر وفا آذربار از مردم ایران و تمام جهان خواسته است تا در برابر این حکم ناعادلانه سکوت نکنند و همراه این زندانیان و خانواده‌های زندانیان سیاسی باشند.



حال بی‌بی زهرا مادر بختیاری‌ها خوب نیست

مهرداد بختیاری برادر منوچهر بختیاری پدر پویا از جانب‌اختگان آبان خونین ۹۸ با انتشار ویدئویی از مادرشان در بیمارستان اعلام کرده است: «حال بی‌بی زهرا مادرمان خوب نیست؛ بعد از اینکه متوجه شد برادرم منوچهر بجای آزادی از زندان بعد از چهار سال، دوباره ۱۸ سال دیگه براش زندان بریدن می‌گه من دیگه پسر رو نمی‌بینم.»

منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا در زندان قزوین محبوس است و اخیراً در آستانه‌ی پایان حکم ناعادلانه‌ی قبلی و آزاد شدنش، از سوی دادگاه انقلاب کرج با اتهامات واهی در مجموع به ۱۸ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. طبق قوانین جمهوری اسلامی، طولانی‌ترین زمان محکومیت که ده سال حبس به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور» و «تشکیل و اداره گروه در بستر فضای مجازی با هدف برهم زدن امنیت کشور» است قابل اجراء است. این در حالیست که منوچهر بختیاری جز دادخواهی برای فرزندش که وحشیانه کشته شده کاری نکرده است. ناهید شیرپیشه مادر پویا نیز با اتهامات واهی در زندان بسر می‌برد.



عکس هفته | علی کریمی

علی کریمی ورزشکار محبوب که در کنار مردم برای آزادی و حقوق آنها ایستاده است بار دیگر مورد حمله اوباش سایبری و غیرسایبری جمهوری اسلامی قرار گرفته است.